

۱۱۱۱۱۱



فصلنامه چند زبانه علمی - اختصاصی

PURE LIFE

دوره نهم | اولین کنگراس بین المللی ظرفیت شناسی و تأثیرگذاری فضای مجازی

در ارتقای آموزش های دینی (۱۱) |

سال ششم، شماره بیستم، زمستان ۱۳۹۸، رجب المرجب ۱۴۴۱، مارس ۲۰۲۰

صاحب امتیاز: جامعة المصطفیٰ العالمیة
دانشگاه مجازی المصطفیٰ، معاونت پژوهشی و تولید

مدیر مسئول: حجة الاسلام دکتر سید مهدی حسینی
سرمدبیر: دکتر سید اباذر هاشمی هریکنندی
مدیر اجرایی: حجة الاسلام محمد جواد نجفلیو

هیئت تحریریه:

رئیس دانشگاه مجازی المصطفیٰ (ایران)	سید مهدی حسینی
معاون پژوهشی و تولید دانشگاه مجازی المصطفیٰ (ایران)	سید اباذر هاشمی هریکنندی
مدیر اداره ارتباطات و بین الملل دانشگاه مجازی المصطفیٰ (ایران)	محمود نظری
مدرس گروه قرآن و حدیث دانشگاه مجازی المصطفیٰ (ایران)	مهدی سازندگی
مدرس گروه مطالعات اسلامی دانشگاه مجازی المصطفیٰ (ایران)	مجتبی رحمتی
مدرس گروه فلسفه، کلام و عرفان اسلامی دانشگاه مجازی المصطفیٰ (سوریه)	یزن علی
مدیر گروه قرآن و حدیث دانشگاه مجازی المصطفیٰ (پاکستان)	غلام جابر محمدی
مدیر گروه مطالعات اسلامی دانشگاه مجازی المصطفیٰ (آذربایجان)	توفیق اسداف
مدرس گروه مطالعات اسلامی دانشگاه مجازی المصطفیٰ (ترکیه)	کمال کورکماز

صندوق پستی: ۳۷۱۳۹۱۳۵۰۴
شمارگان: چاپ الکترونیکی
شاپا: ۲۶۷۶-۷۶۱۹

نشانی: قم، خیابان ساحلی جنوبی، نرسیده به مصلی، بین کوچه ۴ و ۶
تلفن و نمابر: ۳۲۶۱۳۸۷۵ - ۳۲۱۱۴۱۷۵
تعداد صفحات: ۲۸۰ صفحه

Web: <http://p-l.journals.miu.ac.ir/>

Email: research@mou.ir

بر اساس مصوبه:

جلسه ۲۲ شورای نشریات المصطفی ﷺ

(مورخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۹)،

و شناسه مجوز ۷۴۳۲۷ سامانه جامع رسانه‌های کشور

(وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / مورخ: ۱۳۹۳/۱۲/۱۱)

این نشریه در سطح نشریات علمی – اختصاصی، تعیین شد.

این نشریه به صورت الکترونیکی است، که در نشانی زیر،

قابل دریافت است:

<http://journals.miu.ac.ir/>

<https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/2125/pure-life>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1325/pure-life>

https://www.civilica.com/Journal-JR_PLIFE=%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AD%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%B7%DB%8C%D8%A8%D9%87.html

راهنمای نویسندگان مقالات

۱. مقاله باید شامل قسمت‌های زیر باشد:
- عنوان، چکیده و کلیدواژگان، مقدمه یا طرح موضوع، بدنه اصلی مقاله، نتیجه‌گیری، فهرست منابع.
۲. تنها مقاله‌هایی قابل بررسی است که قبلاً منتشر نشده باشند، و نویسنده متعهد به نشر آن در جای دیگر نباشد.
۳. مسئولیت صحت و سقم مقاله به‌لحاظ علمی و حقوقی بر عهده نویسنده مسئول است.
۴. حق رد یا قبول مقاله‌ها برای نشریه محفوظ است؛ البته دبیرخانه نشریه موظف است ظرف حداکثر یک ماه - ۳۰ روز - به نویسنده مسئول مقالات ارسالی، آخرین وضعیت مقاله را گزارش دهد.
۵. تأیید نهایی مقاله برای چاپ در نشریه، پس از نظر داوران با هیئت تحریریه نشریه است.
۶. حجم مقاله حداقل ۸ صفحه و حداکثر ۲۵ صفحه ۲۵۰ کلمه‌ای خواهد بود.
۷. نقل و اقتباس از مقاله‌های نشریه، با ذکر مأخذ آزاد است.
۸. جهت نوشتن مقاله به‌زبان‌های فارسی و عربی، از فونت ۱۳ و خط "IRLotus" استفاده شود، جهت نوشتن مقاله به‌زبان اردو از فونت (۱۳) و خط "Alvi Nastaleeq" استفاده شود و جهت نوشتن مقاله به‌زبان انگلیسی و سایر زبان‌ها از فونت ۱۳ و خط "Times New Roman" استفاده شود.
۹. فهرست منابع به‌ترتیب حروف الفبا و به‌شرح زیر آورده شود:
✓ نام خانوادگی، نام؛ (سال نشر). عنوان "Bold". نام مترجم. چاپ. محل نشر: نام ناشر.
۱۰. درج ارجاعات مربوط به منابع در متن به‌صورت (نام مؤلف، سال نشر: صفحه) آورده شود.
۱۱. ارجاعات هر صفحه مانند صورت لاتین کلمات، شرح اصطلاحات و... در پاورقی همان صفحه آورده شود.
۱۲. نویسنده لازم است به‌همراه ارسال مقاله به‌نشانی رایانامه معاونت پژوهشی و تولید دانشگاه research@mou.ir نام و نام خانوادگی و رتبه علمی خود را ارسال نماید.
۱۳. با توجه به چندزبانه بودن نشریه، پژوهشگران محترم می‌توانند مقالات خود را به‌زبان‌های فارسی، عربی، اردو، انگلیسی، فرانسوی، ترکی استانبولی، آذری و... ارسال نمایند.
۱۴. پس از چاپ مقاله، دبیرخانه نشریه موظف است یک نسخه از نشریه الکترونیکی را به‌رایانامه نویسنده/ نویسندگان ارسال کند.

فهرست مطالب

بخش فارسی

- سخن مدیر مسئول ۹
- سخن سردبیر ۱۰
- فلسفه و واقعیت مجازی یادگیری الکترونیک و جایگاه آن در تعلیم و تربیت خانواده ۱۱
محمد نوروزی نژاد، نیلوفر اسماعیلی
- فرصت‌های فضای مجازی؛ رویکرد دینی - آموزشی ۳۱
فاطمه نجفی، مهدی واحدی
- ظرفیت‌های فضای مجازی در تربیت دینی نسل جوان ۴۹
مرضیه حیدری دهکردی
- فضای مجازی و آسیب‌های آن در نظام خانواده ۷۹
مهرداد برون
- لزوم طرح شبهات رایج مستشرقان و منتقدان حجاب اسلامی در فضای مجازی و کیفیت پاسخگویی ۱۰۹
زهرا محمدپورمیر
- نقش سواد رسانه‌ای در حفظ و ارتقای هویت دینی جوانان ۱۳۵
حسن نجفی سولاری، الهه حسنی
- نشانه‌شناسی داستان مصور جنسی ۱۵۵
سید محمود مرتضوی، محمدعلی مومینی، جلال عراقی
- ابعاد روان‌شناختی فضای مجازی ۱۶۹
ماجا زیوکو، مهدی نصرتی (مترجم)

القسم العربي

١٩١	كلمة المشرف العام
١٩٢	كلمة رئيس التحرير
١٩٣	قابلية الإسلام لتحقيق الحضارة الإسلامية الحديثة مالك مهدي خلسان
٢٢٣	المحاور الاجتماعية في تفسير الأمثل مريم علي أحمد عيسى الدقاق، علي الحواني

English Section

A Word from Chief Editor	243
A Word from Managing Editor	244
Spiritual Journey	245
Ali hassnain khan khichi	

سخن مدیر مسئول

”PURE LIFE“ دریچه‌ای به زندگی جاوید بشری خواهد بود. دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ رسالت خود را معرفی آموزه‌های الهی برای انسان خاک‌نشین می‌داند تا از رهگذر دانشی که خداوند در اختیار او گذارده، زندگی جدیدی را پایه‌گذاری کند؛ به نحوی که آرامش دنیوی و سعادت اخروی را برای او به ارمغان آورد.

”PURE LIFE“ فرصتی برای دانش‌پژوهان و دانش‌آموختگان دانشگاه و سایر پژوهشگران است تا آموزه‌های علمی - معرفتی خود را بر پهنای فضای مجازی بگسترانند و با زبان عالمانه معرفت دینی را در ساحت‌های مختلف زندگی بشری بازتاب دهند.

امید که با همت جویندگان نور دانش، این پنجره هر چه پُرفروغ‌تر گردد.

سخن سردیر

پژوهش به عنوان شریان حیات در حوزه دانش و بینش عمل می‌کند که پویایی آن می‌تواند به تحریک در رویش و گسترش مرزهای دانش انجامیده و بی‌توجهی به این حوزه، ایستایی و نهایتاً میرایی دانش را رقم می‌زند که جهل، اولین دستاورد آن است؛ در دنیای امروز نیز شاهد جهالت مدرن هستیم که محصول عدم پژوهش سلیم در حوزه‌های مختلف است.

امروزه پژوهش مجرای گسترش مرزهای دانش بوده و جایگاه سترگی در فعالیت‌های بشری به خود اختصاص داده است؛ هم‌چنین تتبع در حوزه علوم انسانی و اسلامی می‌تواند انسان را در فهم مسائل و دشواری‌های انسانی توانمند ساخته و برای آن‌ها راه حل ارائه کند. پیشرفت روزافزون حوزه‌های دانشی، ضرورت ورود به عرصه‌های علمی بیشتری را می‌طلبد؛ چه آن‌که امروزه بسیاری از حوزه‌های دانشی علوم اسلامی نیازمند تبیین و ارائه در عرصه جهانی است.

فصلنامه علمی - اختصاصی **“PURE LIFE”** به منظور ایجاد فضای ارائه مقاله‌های دانش‌پژوهان دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ و سایر پژوهشگران در تلاش است ضمن ارتقای سطح پژوهش‌های دانش‌پژوهی مرتبط با علوم اسلامی، بستر مناسبی برای توسعه ارتباط میان پژوهشگران عرصه علوم اسلامی - انسانی باشد.

“PURE LIFE” به صورت فصلنامه چندزبانه و الکترونیکی منتشر می‌شود. این شماره به موضوع «اولین کنفرانس بین‌المللی ظرفیت‌شناسی و تأثیرگذاری فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های دینی (۱۱)» می‌پردازد و ماحصل ۱۱ مقاله برتر به ۳ زبان فارسی، عربی و انگلیسی است.

فصلنامه **“PURE LIFE”** با عنایت کمیسیون نشریات جامعه المصطفی ﷺ العالمية و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نخستین نشریه علمی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ آمادگی انتشار مقاله‌های دانش‌پژوهان را دارد.

فلسفه و واقعیت مجازی یادگیری الکترونیک و جایگاه آن در تعلیم و تربیت خانواده

نویسندگان: محمد نوروزی نژاد (ایران)^۱، دکتر نیلوفر اسماعیلی (ایران)^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۰۹

دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۹

چکیده

با ورود رایانه به زندگی انسان‌ها و به موازات آن گسترش شبکه اینترنت، بسیاری از تعاریف و خدمات تغییر یافته و یا به سمت تحول بنیادی در حرکت است که هر روزه تأثیرات این دگرگونی‌ها در زندگی روزمره بیشتر نمایان می‌گردد. این جهان مجازی که پدیده هزاره سوم تمدن بشری نامیده می‌شود، یکی از بزرگترین دستاوردهای آن یادگیری الکترونیکی-مجازی- است؛ لذا عصر کنونی را باید تلفیقی از ارتباطات و اطلاعات دانست. این پژوهش، مطالعه‌ای مروری است که با استفاده از منابع متعدد در زمینه آموزش و یادگیری الکترونیکی با جستجوی کتابخانه‌ای و اینترنتی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ میلادی انجام شده و به این نتیجه دست یافته که بیشترین تأثیر پدید آمدن فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر محیط‌های آموزشی بوده است. بر این اساس، کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش موجب شده محیط‌های آموزشی به سوی مجازی شدن سوق پیدا کنند که این امر سبب می‌شود ارتباطات افراد به منظور آموزش و گسترش دانش به گونه‌ای فزاینده و از طریق رایانه امکان‌پذیر شود. از طرف دیگر با ظهور و گسترش اینترنت، این رسانه به عنوان یک مکمل جهت تأمین نیازهای اطلاعاتی و آموزشی مورد استفاده قرار گرفته است تا جایی که فراهم کردن وبسایت‌های اینترنتی و پایگاه‌های اطلاعاتی، دانشگاه‌ها را به یک محیط مجازی و دیجیتال جهت تبادل اطلاعات تبدیل کرده است که نقش آموزشی آن به صورت فزاینده‌ای در این محیط، نمایان است.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، تهران، ایران، monorozi95@gmail.com
۲. مدرس گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، تهران، ایران، esmaeiliniloofar62@yahoo.com

بنابراین، مقاله حاضر تلاش نموده پس از ارائه تعریفی جامع از فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، مسئله یادگیری الکترونیک، آموزش مجازی، آموزش از راه دور و نقش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در این آموزش را مورد بررسی قرار دهد و با تأکید بر آموزش سیستمی، انواع آموزش و یادگیری را به صورت مجازی معرفی کند.

واژگان کلیدی: خانواده، تعلیم و تربیت، یادگیری گروهی، واقعیت مجازی، یادگیری الکترونیک

مقدمه

از اساسی‌ترین نیازهای بشر دسترسی به اطلاعات است؛ به نحوی که تا اطلاعات وجود نداشته باشد، امکان تأمین هیچ یک از نیازها وجود ندارد. اطلاعات نیز همواره با بشر همراه بوده، اما به دلیل گستره نیازهای انسانی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. از طرفی با برقراری ارتباط میان جوامع و پدید آمدن نیازهای مختلف و ابداعات گوناگون، انسان وارد دوره‌ای شد که آن را عصر اطلاعات می‌نامند؛ عصری که بشر در آن بیش از گذشته خود را نیازمند به داشتن اطلاعات و برقراری ارتباط برای کسب اطلاعات مورد نیاز می‌داند.

امروزه با در اختیار داشتن فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مختلف و پیشرفته، امکان برقراری ارتباط و تبادل سریع اطلاعات بیش از پیش میسر گردیده است تا جایی که افراد در هر کجا که باشند، می‌توانند آخرین اطلاعات مورد نیاز خود را در هر زمینه‌ای دریافت کنند. (کامبد، ۱۳۸۵)

این دوره که همراه با گرایش فزاینده نسبت به یادگیری الکترونیکی است، حاکی از مزایای مختلف این روش نسبت به روش‌های سنتی آموزشی است؛ البته رایانه و روش‌های یادگیری الکترونیکی نمی‌توانند به طور کامل جایگزین آموزش حضوری شوند؛ چرا که مهم این است که بدانیم یادگیری الکترونیکی دقیقاً چیست و چه مزایایی دارد و با توجه به محدودیت‌هایی که دارد، در چه مواردی استفاده از آن توصیه می‌شود؟ (نیکنام، ۱۳۷۹)

آموزش الکترونیک یا مجازی در ساده‌ترین تعریف عبارت است از انجام فرایند آموزشی بر روی بستر ارتباطات الکترونیکی. با آن‌که آموزش الکترونیکی فناوری آموزشی را با استفاده از تعامل درگیرانه میان فراگیران و مدرسان دگرگون ساخته است، هنوز گمان بر این است که آموزش الکترونیک در آغاز راه است. محوریت فرایند آموزش الکترونیکی بر خلاف آموزش سنتی بر فراگیران است و نه محتوای آموزشی؛ زیرا فراگیران هستند که باید زیر نظر مدرسان در تکامل محتوای آموزشی مشارکت کنند. آموزش الکترونیکی، علم را به جاهایی برده است که پیش از این سابقه‌ای از آموزش در آن جا نبوده است. (زعفرانی و رزقی، ۱۳۸۵)

بنا به اهمیت این مباحث، در پژوهش حاضر به بررسی مسئله یادگیری الکترونیکی و جایگاه آن در نظام خانواده پرداخته می‌شود.

یادگیری الکترونیک

استفاده از بستر و زیرساخت مناسب اینترنت برای آموزش، طی سالیان اخیر مورد استقبال قرار گرفته است. آموزش الکترونیکی، آموزش مبتنی بر کامپیوتر^۱، آموزش مبتنی بر اینترنت^۲ و آموزش مبتنی بر وب^۳ نمونه‌های انتخاب شده برای روش‌های جدید آموزشی هستند.

آموزش - یاد دادن و یادگیری - طی سالیان آینده نیز با انقلابی بزرگ روبرو خواهد شد. امکانات سخت افزاری و نرم افزاری موجود، بشریت را به سمت یک انقلاب بزرگ آموزشی سوق می‌دهد.

آموزش‌های Online از سال ۱۹۹۰ میلادی مطرح و همزمان با رشد تجهیزات و امکانات مربوطه در دهه گذشته، گام‌های مؤثری در این زمینه برداشته شده و اینک

-
1. CBT
 2. IBT
 3. WBT

در نقطه عطفی قرار گرفته است؛ لذا آشنایی با سیستم‌های آموزشی جدید برای تمامی دست اندرکاران امر آموزش از اهم وظایف است.

اگر دانایی را عین توانایی بدانیم، جوامعی از بشریت به توانایی و خودباوری خواهند رسید که زیرساخت مناسبی برای سیستم‌های آموزشی خود انتخاب و بر همین اساس حرکات هدفمند و سیستماتیک آموزشی را با تأکید بر عناصر متفاوت موجود در یک سیستم آموزشی، آغاز نمایند.

بنابراین، آموزش‌های الکترونیکی فرصت مناسبی برای دست اندرکاران سیستم‌های آموزشی بوجود آورده است تا هر چه سریعتر بتوانند آموزش‌های فراگیر و مبتنی بر آخرین فناوری‌های موجود را در سازمان‌ها و مؤسسات خود آغاز نمایند. (آقازمانی، ۱۳۸۵)

آموزش الکترونیکی

آموزش الکترونیکی امکان فراگیری مستقل از زمان و مکان را برای دانش‌پژوهان فراهم می‌آورد. جایگاه کامپیوتر در آموزش‌های الکترونیکی بسیار حائز اهمیت است. با پیکربندی مناسب کامپیوتر - سخت افزار، نرم افزار و شبکه - امکان استفاده از آموزش‌های الکترونیکی برای علاقه‌مندان فراهم می‌گردد. عملکرد کامپیوتر در آموزش‌های الکترونیکی نظیر عملکرد موبایل در ارتباطات است که با استفاده و پیکربندی مناسب، امکان برقراری ارتباط مستقل از زمان و مکان خاص برای افراد به وجود می‌آید.

آموزش الکترونیکی می‌تواند مبتنی بر CD-ROM، شبکه، اینترنت و یا اینترنت باشد و برای ارائه محتوا از عناصر اطلاعاتی با فرمت‌های متفاوت نظیر متن، ویدئو، صدا، انیمیشن، گرافیک و محیط‌های مجازی و یا شبیه‌سازی شده استفاده می‌نماید. تجارب به دست آمده از آموزش‌های الکترونیکی به مراتب گسترده‌تر از تجارب آموزشی به دست آمده در یک کلاس درس سنتی است. آهنگ فراگیری در سیستم‌های

آموزشی الکترونیک از یک روند مشخص و سیستماتیک تبعیت کرده و مخاطبان خود را با هر نوع سلیقه و گرایش به سرعت جذب می‌نماید. آموزش‌های الکترونیکی رمز موفقیت خود را در شیوه ارائه، نوع محتویات و توزیع - عرضه - مناسب می‌دانند. در آموزش‌های الکترونیکی از اغلب مسائل موجود در آموزش‌های سنتی نظیر سخنرانی‌های یک‌طرفه، تعامل و ارتباط ضعیف با فراگیران اجتناب می‌گردد. با استفاده از نرم افزارهای مربوط به سیستم‌های آموزش الکترونیکی می‌توان به سرعت محیط‌های آموزشی موثر و کارا را با بهره‌گیری از عناصر متفاوت آموزشی ایجاد کرد. (نیکنام، ۱۳۷۹)

سطوح آموزش الکترونیک

آموزش الکترونیکی در چهار گروه عمده طبقه‌بندی می‌گردد که سطوح متفاوت آموزشی از ابتدایی تا سطوح پیشرفته را تضمین می‌نمایند: (دبیرخانه شورای راهبری فناوری اطلاعات و ارتباطات بهداشتی)

۱. پایگاه‌های دانش

پایگاه‌های دانش و اطلاعات به عنوان یک آموزش واقعی در نظر گرفته نمی‌شوند. بانک‌های اطلاعاتی شکل اولیه‌ای از آموزش الکترونیکی هستند. این بانک‌های اطلاعاتی را می‌توان در سایت‌های نرم افزاری متعددی از اینترنت مشاهده نمود. بانک‌های اطلاعاتی با یک روش سیستماتیک قادر به ارائه توضیحات و راهنمایی‌های ضروری در ارتباط با سؤالات مطرح شده در رابطه با نرم افزار هستند. در این راستا دستورالعمل‌های لازم به منظور انجام عملیات خاص توسط یک نرم افزار به صورت مرحله به مرحله در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد. این بانک‌های اطلاعاتی اغلب به صورت متعامل با کاربران خود ارتباط برقرار می‌نمایند.

به عنوان مثال؛ کاربران می‌توانند کلمات مورد نظر خود را در بخش مربوطه تایپ کنند تا زمینه جستجو در بانک اطلاعاتی فراهم گردد. در این راستا امکان انتخاب موضوع مورد علاقه بر اساس لیست‌های مرتب شده- موضوعی یا الفبایی- نیز وجود دارد.

۲. حمایت فنی Online

حمایت Online نوع خاصی از آموزش الکترونیکی است که در مواردی شباهت‌هایی با پایگاه‌های دانش دارد. برای پیاده‌سازی حمایت‌های فنی Online از روش‌های متعددی نظیر تالارهای مباحثه، اتاق‌های گفتگو، سیستم‌های BBS، پست الکترونیکی و یا ارسال پیام فوری و زنده استفاده می‌شود. این سیستم‌ها تعامل به مراتب بیشتری نسبت به پایگاه‌های دانش، با مخاطب برقرار می‌نمایند.

۳. آموزش نامتقارن

این سیستم در آموزش‌های اولیه الکترونیکی استفاده می‌گردد. در این روش امکان خودآموزی با محوریت فراگیران فراهم می‌گردد.

برای پیاده‌سازی و اجرای این سیستم از امکانات و روش‌های متعددی نظیر آموزش‌های مبتنی بر CD-ROM، اینترنت و یا اینترنت استفاده می‌گردد. دستیابی به مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها به منظور انجام یک عملیات خاص از طریق سیستم‌های BBS، گروه‌ها و تالارهای متفاوت مباحثه و پست الکترونیکی نمونه‌هایی از امکانات ارائه شده توسط این سیستم‌ها هستند.

در برخی موارد نیز این سیستم‌ها به صورت کاملاً خودآموز بوده و از لینک‌های خاصی برای مراجعه به منابع متفاوت استفاده می‌گردد. در این نوع سیستم‌ها از مربیان آموزشی که به صورت زنده فعالیت‌های آموزشی فراگیران را مدیریت می‌نمایند، استفاده نمی‌گردد. چارچوب و ساختار ارائه موضوع و محتوا اغلب به صورت خودآموز و با هدایت لینک‌های تعریف شده در موضوعات متفاوت است.

۴. آموزش همزمان

این نوع آموزش به صورت بلادرنگ و با کمک یک مربی آموزشی که به صورت زنده ناظر تمام فعالیت‌های آموزشی فراگیران است، انجام می‌گیرد. در این سیستم، فراگیران با ورود به کلاس مجازی قادر به برقراری ارتباط مستقیم با مربی و سایر فراگیران موجود در کلاس خواهند بود.

در این نوع آموزش مجازی، تمام ویژگی‌های یک کلاس درس به صورت مجازی شبیه‌سازی شده و در اختیار مربی و فراگیران قرار می‌گیرد. به عنوان مثال؛ می‌توان به صورت مجازی دست خود را برای سؤال کردن بالا برده و یا حتی از یک تخته سیاه مجازی استفاده کرد و محتویات نوشته شده بر روی آن را مشاهده نمود؛ هم‌چنین جلسات آموزشی ممکن است صرفاً در حد و اندازه یک جلسه بوده و یا هفته‌ها، ماه‌ها و یا حتی سال‌ها به طول انجامد.

این نوع آموزش‌ها معمولاً از طریق وب سایت‌های اینترنت، کنفرانس‌های صوتی و تصویری و یا اینترنت تلفنی انجام می‌گیرد.

روانشناسی یادگیری

- چه نوع تحولات و یا اتفاقاتی در مغز انسان در زمان فراگیری، به وجود می‌آید؟

آموزش در ابتدا نیازمند محرک‌های لازم است که به منظور فراگیری موثر و کارا، محرک‌های موجود می‌بایست نگهداری گردند؛ چرا که سیستم‌های عصبی موجود در مغز که مسئول کنترل محرک‌ها و ذخیره‌سازی اطلاعات در حافظه هستند، به سرعت دچار خستگی می‌گردند و پس از گذشت چند دقیقه نیازمند بازسازی در فواصل بین سه تا پنج دقیقه می‌باشند؛ در غیر این صورت میزان پاسخگویی و فراگیری آن‌ها دچار افت می‌گردد. در عین حال، آن‌ها به سرعت بازسازی می‌گردند.

از طرف دیگر، سیستم آموزشی باید به سرعت با خستگی و دلزدگی به وجود آمده برای فراگیران برخورد مناسب داشته باشد تا امکان یادگیری مؤثرتر به وجود آید. (شریعتمداری، ۱۳۷۴)

یادگیری بر اساس الگوها، مؤثرترین مدل یادگیری محسوب می‌گردد. در این روش، الگوها از مجموعه‌ای به مجموعه دیگر جابجا می‌گردند. الگوهایی که سیستم‌های عصبی مربوط به خود را مسئول پاسخگویی خواهند کرد، از اطلاعات متفاوت در محل‌های متفاوت مغز استفاده می‌نمایند.

به عنوان مثال؛ گوش دادن به یک حقیقت. زمانی که آرد با تخم مرغ ترکیب می‌گردد، خمیری به وجود می‌آید که می‌توان آن را به قطعاتی به منظور ایجاد ماکارونی برش داد. ارتباط یک مفهوم با یک حقیقت نیز چنین است.

مثال دیگر، تجسم دو چیز بایکدیگر است؛ تیم‌های ورزشی به انرژی سریع نیاز داشته و آن را از طریق کربوهیدرات تأمین می‌نمایند؛ لذا قبل از بازی یک وعده غذا مناسب خواهند داشت.

این سیستم‌ها نیز با یکدیگر مرتبط بوده و از طریق همکاری با هم، حافظه را شکل خواهند داد که همان یادگیری است؛ پس اطلاعاتی که به گونه‌ای طراحی می‌گردند تا از یک سیستم عصبی به سیستم دیگر حرکت نمایند، دارای کارایی بیشتری در رابطه با یادگیری هستند.

- یادگیری الکترونیکی به چه صورت نگهداشت اطلاعات را بهبود می‌بخشد؟

آموزش علاوه بر استفاده از سیستم‌های عصبی مورد نیاز، مستلزم استفاده از عناصر دیگری نظیر ارتباط متقابل، تخیل و بازخورد است. یادگیری الکترونیکی با استفاده از عناصر متفاوت که باعث ایجاد عناصر جدید آموزشی می‌گردد، فرآیند

فراگیری را جذاب‌تر خواهد کرد؛ چرا که ایجاد جذابیت در یادگیری یکی از دلایل موفقیت آموزش‌های الکترونیکی است.

در صورتی که از عناصر جدید در سیستم‌های آموزش الکترونیکی استفاده نگردد، عملاً جذابیت‌های لازم برای آموزش از دست می‌رود.

برای موفقیت در آموزش‌های الکترونیکی نکات زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

- بررسی نوع محتویات؛ استفاده از تصاویر، صدا و متن و ترکیب مناسب آن‌ها با یکدیگر
- ارتباط متقابل با فراگیران؛ تضمین ایجاد محرک‌های لازم با استفاده از بازی‌ها یا امتحانات کوتاه‌مدت برای اخذ بازخور سریع از فراگیران برای سنجش میزان موفقیت در آموزش
- ایجاد بازخورهای سریع؛ به منظور اصلاح در سریع‌ترین زمان ممکن در صورت اشکال و یا عدم موفقیت و آموزش در هر مرحله بر اساس آموزش در مرحله قبل
- ارتباطات صمیمی با سایر فراگیران و مربیان الکترونیکی؛ استفاده از اتاق‌های گفتگو، تالارهای مباحثه، پیام‌های فوری و پست الکترونیکی در ایجاد ارتباط متقابل با فراگیران الکترونیکی، مثل ایجاد کمیته‌های Online

به طور کلی، آموزش‌های الکترونیکی به فراگیران این امکان را خواهد داد تا هر فرد با توجه به مسایل و توانایی خود، آهنگ یادگیری را مشخص نماید. در چنین مواردی، فراگیران در صورتی که به دلایلی، چند روزی از سیستم استفاده نمایند و از آموزش دور باشند، پس از برطرف شدن مشکلات، مجدداً قادر به ادامه آموزش خواهند بود.

دوره‌های آموزشی مبتنی بر آموزش الکترونیکی دارای عناصر قابل کنترلی است که توسط کاربران استفاده می‌گردند. این عناصر کنترلی در کلاس‌های آموزش

معمولی استفاده نشده و با استفاده از آنان در آموزش‌های الکترونیکی، فراگیران قادر به کنترل فرآیند آموزش خواهند بود. قابلیت تنظیم آهنگ آموزش توسط فراگیران نیز یکی از دلایل مهم در رابطه با مؤثر بودن آموزش‌های الکترونیکی است.

یکی دیگر از عناصری که آموزش‌های الکترونیکی از آن استفاده می‌نمایند، برقراری ارتباط و تعامل متقابل با فراگیران است. میزان و نحوه ارتباط متقابل با فراگیران از حالات ساده که صرفاً کلیک کردن بر روی یک سؤال است، شروع می‌شود و تا اجرای یک فایل انیمیشن و یا اجرای یک پروژه ادامه خواهد یافت.

استفاده از بازی‌های محاوره‌ای که پیام‌های آموزشی را بر اساس محتویات دوره آموزشی در اختیار فراگیران قرار می‌دهند نیز از جمله روش‌های موجود برای ارتقای سطح کیفی آموزش‌های الکترونیکی است.

نتیجه آن‌که آموزش مجازی از تجارب و تحقیقات به عمل آمده طی ۳۰ سال گذشته در امر آموزش استفاده نموده است؛ آموزش‌هایی که به منظور ارتقای سطح کیفی آموزش و سرعت در انتقال آموزش، راهکارهای زیر توصیه شده است:

- استفاده از رنگ‌ها و ترکیبات خاص رنگ
 - ترکیب تصاویر و کلمات
 - ترکیب صدا، صوت، موزیک با تصاویر
 - استفاده از چندین نوع عناصر اطلاعاتی آموزشی
 - استفاده از چارچوب مناسب جهت مشاهده با حرکت طبیعی چشم.
- (کردتودشکی، ۱۳۸۴)

مزایای آموزش مجازی

آموزش الکترونیکی نسبت به آموزش‌های سنتی دارای مزایای عمده‌ای است که انعطاف‌پذیری و حذف تردهای بی‌مورد و پرهزینه برای شرکت در دوره‌های آموزشی، از مهم‌ترین این مزایا است؛ هم‌چنین دارای مزایای دیگری نیز می‌باشد:

- هزینه تولید دوره‌های آموزش الکترونیکی گران نبوده و با استفاده از نرم افزارها و ابزارهای موجود می‌توان پس از تهیه نرم افزار مربوطه، اقدام به تولید دوره‌های آموزش الکترونیکی کرد.
- فراگیران قادر به تنظیم آهنگ یادگیری خواهند بود.
- غالب برنامه‌های آموزش الکترونیکی را می‌توان در زمان نیاز به آن‌ها استفاده کرد.
- سرعت فراگیری آموزش الکترونیکی نسبت به آموزش‌های سنتی به مراتب بیشتر بوده و حداقل ۵۰ درصد بهبود و سرعت را به دنبال خواهد داشت . فراگیران دوره‌های آموزش الکترونیکی می‌توانند موضوعات و مطالبی را که نسبت به آن‌ها آشنایی دارند، مطالعه نکرده و صرفاً بر روی موضوعاتی متمرکز گردند که نسبت به آن‌ها آشنایی وجود ندارد.
- از پیام‌های یکنواخت به منظور ارتباط با مخاطب استفاده می‌نمایند؛ مثل حذف سلاقی و تجارب فردی در مقایسه با آموزش‌های سنتی.
- مستقل از پارامترهای زمان و مکان بوده و در هر زمان و هر محل می‌توانند مورد استفاده قرار گیرد.
- بهنگام‌سازی دوره‌های مبتنی بر آموزش الکترونیک به سرعت و به سادگی انجام می‌گیرد. موضوعات و محتویات تغییر یافته به سرعت بر روی سرویس دهنده مربوطه قرار گرفته و فراگیران بلافاصله از نتایج آن بهره‌مند خواهند شد. آموزش‌های الکترونیکی مبتنی بر CD-ROM نیز در زمان بهنگام‌سازی و توزیع، هزینه‌های بالایی بر سازمان و یا مؤسسه آموزش دهنده و فراگیران تحمیل خواهد کرد که در عین حال، روش اشاره شده در مقایسه با آموزش‌های مکاتبه‌ای مقرون به صرفه خواهد بود.

- باعث افزایش قدرت نگهداشت اطلاعات در فراگیران می‌گردد و در این راستا از عناصر متفاوتی نظیر صوت، تصویر، امتحانات کوتاه‌مدت، ارتباط متقابل با فراگیر و سایر موارد برای تأکید مجدد در فراگیری هدفمند استفاده می‌گردد؛ پس در صورتی که فراگیران بخش‌هایی از یک دوره آموزشی را به درستی فرا نگرفته باشند، می‌توانند در زمان دلخواه مجدداً بخش مربوطه را مطالعه نمایند.
- مدیریت برنامه‌های آموزش الکترونیکی برای گروه‌های زیادی از دانشجویان، به سادگی انجام خواهد شد. دنبال نمودن وضعیت آموزشی دانشجویان و میزان پیشرفت به وجود آمده، زمان‌بندی و اختصاص دوره‌های آموزشی برای پرسنل و کارمندان یک اداره و دنبال نمودن وضعیت پیشرفت آن‌ها و سایر موارد مربوط به مدیریت آموزشی نیز به سرعت و به سادگی محقق می‌گردد. (جابری اقدم، ۱۳۸۵)

برنامه‌ریزی دوره‌های آموزشی

برنامه‌ریزی، مهم‌ترین مرحله ایجاد هر نوع برنامه آموزشی است. انتقال محتویات استفاده شده در آموزش‌های سنتی بر روی صفحات نمایشگر کامپیوتر، بزرگترین پیامدهای منفی و نتایج اشتباهی به دنبال خواهد داشت؛ چرا که محتویات دوره‌های آموزش الکترونیکی می‌بایست با استفاده از عناصر مربوطه به درستی انتخاب و طراحی شده و در محیط مورد نظر نصب گردند.

ماهیت و نوع ارائه موضوع و محتوی در آموزش‌های الکترونیکی نیز با آموزش‌های سنتی با یکدیگر کاملاً متفاوت بوده و می‌بایست دقت گردد که همان آموزش‌های سنتی به نام آموزش الکترونیکی استفاده نگردد. (کردتودشکی، ۱۳۸۴)

در اولین مرحله، قبل از این‌که چیزی روی کاغذ قرار گیرد، باید مخاطبان آموزشی مشخص گردند. طراحان و پیاده‌کنندگان دوره‌های آموزش الکترونیکی با آشنایی با

مخاطبان و میزان توانایی آنان، قادر به ارائه برنامه آموزشی مناسب برای آن‌ها خواهند بود؛ به عنوان مثال، یک پزشک قبل از ملاقات بیمار و بررسی بیماری، قادر به تجویز نسخه دارویی مناسب نخواهند بود.

پس از مشخص نمودن این موارد، لازم است عناصر و آیتم‌های دوره‌های آموزشی مشخص گردند و مخاطبان آموزشی نسبت به آن‌ها آشنایی لازم را داشته باشند؛ چرا که این عناصر به عنوان ابزار در یک سیستم آموزش الکترونیکی استفاده می‌گردند نه هدف.

بنابراین، استفاده از ابزارهای ناشناخته برای آموزش نتایج مثبتی برای فراگیران الکترونیکی به دنبال نخواهد داشت.

برنامه‌های آموزشی طراحی شده می‌بایست در ابتدا روش و یا روش‌های ارائه (توزیع) اطلاعات را برای مخاطبان مشخص نماید؛ مثل آموزش مبتنی بر وب، آموزش مبتنی بر شبکه یا آموزش مبتنی بر CD-ROM.

در این راستا لازم است به محدودیت‌های سخت افزاری فراگیران نیز توجه گردد. پهنای باند موجود دارای نقش مهمی در میزان موفقیت دوره‌های آموزش الکترونیکی است که از برنامه‌های چندرسانه‌ای استفاده می‌نمایند.

سازماندهی دوره‌های آموزشی

محتویات و موضوعات مورد نظر جهت آموزش را باید به بخش‌های مجزا تقسیم نمود تا بتوان آن‌ها را با استفاده از عناصر و آیتم‌های مورد نظر، نمایش داد.

به عنوان مثال؛ با استفاده از نرم افزارهای موجود برای طراحی دوره‌های مبتنی بر آموزش الکترونیکی می‌توان برنامه آموزشی خود را به چندین کتاب تقسیم و هر کتاب شامل فصل‌ها و صفحاتی باشد. کتاب، فصل و صفحه نیز نمونه‌ای از سازماندهی محتویات برای ارائه به فراگیران الکترونیکی است.

در مجموع، محتویات مورد نظر جهت ارائه لازم است به بخش‌های مفهوم‌دار تقسیم شده و در ادامه تمام بخش‌های گفته شده را در یک دوره آموزشی الکترونیکی با توجه به جایگاه مربوطه استفاده کند. ماژول‌های ایجاد شده نیز نباید زمانی بیش از ۲۰ دقیقه را دارا بوده تا فراگیران بتوانند با علاقه و رغبت بیشتر و بدون خستگی مطالب دوره آموزشی را دنبال نمایند.

روش حرکت بین محتویات یک دوره آموزش الکترونیکی، یکی دیگر از نکات مهم در زمان سازماندهی یک دوره آموزشی است؛ چون در صورتی که حرکت بین محتویات یک دوره به سختی انجام گیرد، فراگیران تمایلی به ادامه دادن نداشته و با فشردن صرفاً یک کلید، از دوره خارج خواهند شد.

طراحی سازوکار مناسب برای حرکت بین محتویات و تست و بررسی آن از ابعاد متفاوت، یکی از مهم‌ترین مراحل در سازماندهی یک دوره آموزشی است؛ هم‌چنان که توجه به خواست فراگیران و پیش‌بینی تسهیلات و امکانات مربوطه نتایج مثبتی را به دنبال خواهد داشت. (کردتودشکی، ۱۳۸۴)

ارتباط متقابل با فراگیران و استفاده مناسب از رسانه‌های اطلاعاتی

پس از برنامه‌ریزی و سازماندهی یک دوره آموزشی، باید در ادامه نحوه ایجاد تعامل با فراگیران، پویانمایی، صوت و ویدئو را در یک برنامه آموزشی مشخص کرد. در این راستا لازم است، برای بیان یک حقیقت از روش‌های متفاوت ارائه مطلب استفاده شود تا هر یک با توجه به جایگاه خود، سهمی در آموزش داشته باشند.

به عنوان مثال؛ می‌توان موضوع و یا آیت‌مورد نظر را به صورت یک متن ساده بر روی صفحه نشان داده و در ادامه از فایل‌های صوتی و تصویری مرتبط با این موضوع برای ایجاد ارتباط با موضوع و کمک به درک و شناخت حقیقت و یا موضوع مورد نظر استفاده کرد.

در ادامه لازم است شرایطی فراهم نمود که فراگیران، استنباط و برداشت خود را از موضوع، ایجاد و ارائه نمایند که در این راستا می‌توان از امتحانات کوتاه‌مدت استفاده کرد و از فراگیران درخواست کرد که استنباط و برداشت خود را از ترکیب دو حقیقت به دو شکل متفاوت را بیان نمایند.

در این سیستم و در زمان آموزش از دو سازوکار متفاوت با توجه به میزان مفید بودن هر یک استفاده شده است:

- موج اول یادگیری و استقرار در سیستم عصبی مغز؛ اصل حقیقت و یا موضوع در ذهن مخاطب قرار گیرد.
- موج دوم یادگیری و استقرار در سیستم عصبی مغز؛ با استفاده از امکانات صوتی و تصویری سعی شده ارتباط منطقی با اصل موضوع برای فراگیران ایجاد و از این طریق موارد جدیدی در ذهن آن‌ها قرار گیرد.

در نهایت لازم است با ایجاد محرک‌های لازم، موج اول و دوم ایجاد شده را به یک جریان موجی همگن در مغز تبدیل نمود تا با فعال شدن موج جدید، اطلاعات فرا گرفته شده و مستقر در بخش‌های متفاوت مغز باعث فراگیری موارد جدید و ترکیبی شود. بازیابی اطلاعات فرا گرفته شده بر اساس این سیستم، به سرعت و با دقت و صحت بالا انجام خواهد شد. (جابری اقدم، ۱۳۸۵)

انواع آموزش و یادگیری مبتنی بر فناوری اطلاعات

برای آموزش و یادگیری مبتنی بر فناوری اطلاعات، چهار شیوه در نظر گرفته شده است؛ این روش‌ها عبارتند از:

۱. خودیادگیری^۱

در این حالت، محیط آموزشی شامل يك دستگاہ رایانه، نرم افزار و سه عنصر زیر است:

- انتقال منابع چندرسانه‌ای
- مشاوره‌جویی از مفاد آموزشی
- مجموعه نتایج آزمون.

برای خود یادگیری، نرم افزار آموزشی می‌تواند به صورت پیوسته^۱، ناپیوسته^۲ و یا مجموعه‌ای از این دو تهیه شود.

در حالت پیوسته، رایانه یادگیرنده به یک پایگاه اطلاعاتی یا شبکه آموزشی متصل می‌شود و در حالت ناپیوسته، نرم افزار از طریق لوح‌های فشرده ارائه می‌شود که از مفاد آموزشی قابل کنترل تشکیل شده است و در حالت سوم، انتقال مؤثر مفاد آموزشی می‌تواند هم به صورت پیوسته و هم ناپیوسته باشد. لوح‌های فشرده به عنوان ضمیمه نیز می‌توانند از طریق وبسایت‌های اینترنتی ارائه شوند.

۲. آموزش از راه دور

در این حالت، یک آموزش دهنده از راه دور، یک یا چند آموزش گیرنده را کنترل می‌کند و در صورت نیاز آموزش گیرندگان، برای حمایت از آن‌ها فعال می‌شوند.

عناصر تشکیل دهنده این نوع آموزش به شرح زیر است:

- اتصال به سیستم یک آموزش دهنده
- نظارت آموزش دهنده بر آموزش گیرندگان
- پاسخ به نیازهای آموزش گیرندگان
- دسته‌بندی نمودن مفاد آموزشی روی پایانه‌های آموزش گیرندگان
- مجموعه‌ای از نتایج.

تفاوت آموزش از راه دور با خود یادگیری در این است که یک نفر به عنوان آموزش دهنده در این نظام وجود دارد که خود او نیز محتاج آموزش است؛ زیرا لازم است نیازهای آموزش گیرندگان را بشناسد تا بتواند پاسخ لازم را ارائه نماید.

نمونه‌هایی از این نوع آموزش، نظام‌های ویدئو کنفرانس^۱ یا نشست شبکه‌ای^۲ است که امکان برقراری ارتباط دیداری- شنیداری کاربران و به اشتراک گذاشتن مدارک مورد نیاز آن‌ها را فراهم می‌سازد؛ هم‌چنین افراد از طریق پست الکترونیکی نیز می‌توانند با یکدیگر در ارتباط باشند.

۳. کلاس مجازی^۳

در کلاس مجازی، یک آموزش دهنده و چند یادگیرنده به صورت هم‌زمان ولی در مکان‌های متفاوت با هم در ارتباط هستند. در این نوع روش، مکان‌ها از طریق ابزارهای ارتباطی به هم مرتبط هستند، استاد با دانشجویان صحبت می‌کند، معلم منابع را معرفی کرده و برای دانشجویان ارسال می‌کند و تعاملات دانشجویان را مدیریت می‌کند. در یک کلاس مجازی ممکن است کاربران بسیاری در پایانه‌های مختلف قرار گیرند.

۴. یادگیری گروهی^۴

این روش مشابه کلاس مجازی است، با این تفاوت که فرد خاصی مدیریت افراد را بر عهده ندارد، فراگیران به صورت هم‌زمان و از مکان‌های مختلف با یکدیگر دیدار می‌کنند و با هم به یادگیری می‌پردازند.

عناصر مورد نیاز این نوع یادگیری مشابه همان مواردی است که در کلاس مجازی بود. برای یادگیری گروهی باید ارتباط، در سطح گسترده‌ای به وجود آید؛ زیرا هر فراگیر باید با سایر افراد گروه به تبادل اطلاعات بپردازد. محیط آموزش الکترونیکی نیز باید کیفیت آموزش را ارتقا دهد؛ به این معنا که فراگیران بتوانند از هر مکان و در هر زمان به فراگیری بپردازند.

-
1. Videoconferencing
 2. Net Meeting
 3. Virtuai Class
 4. Group Learning

مسئله دیگر این‌که تعامل فراگیران با محتوای آموزشی و تأثیر گذاشتن بر سرعت یادگیری، باعث رشد فراگیر می‌شود؛ چرا که فراگیر، جریان یادگیری را با نیازهای فردی خود هماهنگ می‌کند و این امر باعث افزایش انگیزه‌های او می‌شود.

یک نظام آموزشی مبتنی بر فناوری اطلاعاتی باید بتواند محتوای آموزشی را تولید و بازبینی کند و دوره‌های آموزشی را ارائه و کنترل نماید. هم‌چنین باید قسمت‌های مختلف دوره آموزشی را بازبایی کند و منابع آموزشی را انتخاب نموده و زمینه مشاوره فراگیران را فراهم کند. (اصنافی و حمیدی، ۱۳۸۵)

به این ترتیب مشاهده می‌شود که در محیط یادگیری الکترونیکی و محیط یادگیری مبتنی بر شبکه به مجموعه‌ای از منابع مورد نیاز فراگیران، ابزارهای ارتباطی و یک آموزش دهنده که وظیفه مدیریت فراگیران را بر عهده دارد، نیاز است.

نتیجه‌گیری

آموزش و یادگیری الکترونیکی - مجازی- و تعامل آن با آموزش سنتی، مقوله‌ای است که باید بیش از پیش به آن توجه نمود. هر روزه در کلان‌شهرهایی مثل تهران، اصفهان، مشهد، تبریز و شیراز هزینه‌های فراوانی جهت رفت و آمد شهری دانشجویان، آلودگی محیطی و صوتی، مخارج تحصیل سایر هزینه‌ها پرداخت می‌گردد؛ هم‌چنین اثرات مخرب مهاجرت بین شهری و بین‌المللی را نباید از ذهن دور داشت. در چنین وضعیتی، دولت می‌بایست با فراهم نمودن زیرساخت‌های مناسبی هم‌چون خطوط اینترنت پرسرعت، ارائه خدمات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مناسب و ارزان، حمایت از مؤسسه‌های علمی و نیز تبلیغ یادگیری الکترونیکی در میان مردم، بستر مناسبی برای رشد و ارتقای سطح علمی جامعه به وجود آورد.

فهرست منابع

۱. آقازمانی، علی محمد (۱۳۸۵). چالش‌های چند میلیون تومانی آموزش الکترونیکی در ایران: <https://www.ictna.ir/id/048193/>
۲. اصنافی، امیر رضا. و علی حمیدی (۱۳۸۵). نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه آموزش و دانش با تأکید بر نقش کتابخانه‌های مجازی. تهران: اولین همایش و جشنواره توسعه مجازی جامعه ایران.
۳. جابری اقدم، عبدالرضا (۱۳۸۵). مالکیت هوشمند در محیط یادگیری جدید. همایش از آموزش الکترونیکی تا دانشگاه مجازی. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب: ۲۱۰-۲۰۴.
۴. دبیرخانه شورای راهبری فناوری اطلاعات و ارتباطات بهداشتی (تکفاب) (۱۳۸۷). محور خدمات اطلاعات آموزش: www.takfab.hbi.ir
۵. زعفرانی، ذوالفقار. و هادی رزقی (۱۳۸۵). بررسی برنامه‌ها و روش‌های اجرایی راه اندازی آموزش الکترونیکی در ایران. همایش از آموزش الکترونیکی تا دانشگاه مجازی. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب: ۲۸۲-۲۷۸.
۶. شریعتمداری، علی (۱۳۷۴). روانشناسی یادگیری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. کامبد، محمد (۱۳۸۵). آموزش الکترونیکی **E-Learning**. اولین همایش و جشنواره توسعه مجازی جامعه ایران.
۸. کردتودشکی، لیلا (۱۳۸۴). مؤسسات متولی استانداردهای آموزش الکترونیکی. گزارش کامپیوتر. شماره ۱۶۲: ۴۲-۴۰.
۹. نیکنام، مهرداد (۱۳۷۹). مطالعه و آموزش استفاده از کتابخانه و اطلاعات. مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات. دوره ۱۱. شماره ۲: ۱۲۵-۱۱۱.

فرصت‌های فضای مجازی؛ رویکرد دینی - آموزشی

نویسندگان: فاطمه نجفی (ایران)^۱، دکتر مهدی واحدی (ایران)^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۶

دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۲

چکیده

استفاده از فضای مجازی به عنوان یک تکنولوژی فراگیر، تأثیرات فراوانی بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان‌ها دارد و تأثیرات مثبت و منفی آن به استفاده از فرصت‌ها و تصمیم درست در برابر تهدیدهای این فضا بستگی دارد؛ لذا عدم وجود سواد فضای مجازی باعث شده است جنبه‌های منفی آن بسیار بیشتر از جنبه‌های مثبت نمود پیدا کند، به طوری که غفلت از فرصت‌های فضای مجازی به یک تهدید تبدیل شده است. بنابراین، به منظور استفاده بهینه از فضای مجازی باید رویکرد راهبردی به این مسئله داشت. رویکرد راهبردی به معنای بررسی توأم نقاط قوت و نقاط ضعف یک موضوع است. در همین راستا هدف اصلی این مقاله بررسی فرصت‌های فضای مجازی با رویکرد آموزشی - دینی بوده است و برای رسیدن به این هدف با استفاده از روش کتابخانه‌ای به مطالعه ویژگی‌ها و نقاط قوت فضای مجازی پرداخته شد. مهم‌ترین فرصت‌های فضای مجازی در زمینه آموزش، افزایش دسترسی به محتوا، کتابخانه‌های دیجیتال، آموزش از راه دور، یادگیری الکترونیک و آموزش مجازی است که از این فرصت‌ها به منظور ارتقای آموزش‌های دینی در مواردی هم‌چون برگزاری کلاس‌های مجازی برای انتقال آموزه‌ها و مفاهیم دینی، آموزش مجازی قرآن کریم، راه اندازی باشگاه مجازی فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی حوزه مسجد، راه اندازی کتابخانه دیجیتالی مساجد، تهیه برنامه برای ادعیه و زیارات مشهور و منابع مرجع دینی به صورت چندرسانه‌ای، پاسخ به شبهات و سؤالات و ایجاد گروه‌هایی در فضای مجازی برای برگزاری مسابقات قرآنی دانش آموزان می‌توان استفاده کرد.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران،

Fnajafi2010@yahoo.com

۲. استادیار گروه تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران،

Mahdi.vahedi@atu.ac.ir

هم‌چنین، به منظور استفاده بیشتر از این فرصت‌ها باید سطح سواد فضای مجازی اولیا و مربیان همراه با دانش‌آموزان افزایش پیدا کند و در همین راستا آموزش‌های مداوم و مناسب پیرامون شناخت آسیب‌ها و فرصت‌های فضای مجازی برای اولیا، مربیان و دانش‌آموزان ضروری است؛ چرا که آگاهی و تمرکز بر فرصت‌های فضای مجازی سبب غلبه بر آسیب‌های آن خواهد شد.

واژگان کلیدی: رویکرد دینی- آموزشی، فضای مجازی، فرصت‌های فضای مجازی

مقدمه

فضای مجازی^۱ امروزه آن‌چنان گسترده شده که بخشی از زندگی انسان‌ها شده است تا آن‌جا که در برخی موارد انجام امور روزمره بدون آن دشوار خواهد بود؛ در عین حال، این فضا به مثابه دیگر ابزار موارد استفاده، خوب یا بد دارد و می‌توان از آن در جهت مثبت یا منفی استفاده نمود. بنابراین، شناخت درست این فضا و نوع استفاده از آن می‌تواند اهداف مثبت و سازنده را سریع‌تر و در سطح گسترده‌تری تحقق بخشد.

فضای مجازی یک محیط دیجیتال جهانی همیشه در دسترس، تأثیرگذار بر کاربران و تأثیرپذیر از آن‌ها است؛ هر چند استفاده از این فناوری نیز مانند سایر فناوری‌ها با چالش‌هایی همراه است.

فضای مجازی تا حدی گسترده شده که در حال حاضر فضای دوم زندگی محسوب می‌گردد و جامعه با دوفضایی شدن زندگی و شغل مواجه است؛ لذا در تمامی عرصه‌ها از جمله پزشکی، جراحی از راه دور، آموزش، سرگرمی‌ها و تمام مقوله‌های مربوط به حرفه و دانش وارد شده است. پس فضای مجازی یک نوع فضای زندگی است.

با توجه به اهمیت فضای مجازی در زندگی امروز، عقب ماندن از این فناوری و عدم آگاهی از فرصت‌های آن، هر جامعه‌ای را ناچار به تبعیت از استانداردهای دیکته شده کشورهای پیشرو در این فناوری خواهد ساخت؛ از این رو حذف فضای مجازی از زندگی امروزی غیر ممکن به نظر می‌رسد و باید با شناخت فرصت‌ها بر آسیب‌ها غلبه کرد؛ زیرا اگر از فرصت‌های به وجود آمده در جهت مثبت استفاده نکرد، جامعه با غلبه آسیب‌های فضای مجازی مواجه خواهد شد.

در اهمیت بررسی آسیب‌ها و فرصت‌های فضای مجازی، مقام معظم رهبری می‌فرمایند: اگر می‌توانستیم، خودم مسئولیت شورای عالی فضای مجازی را به عهده می‌گرفتم.

از جمله وظایف شورای عالی فضای مجازی، سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌ها و برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از اینترنت است.

بر اساس شاخص‌های اعلام شده از درگاه پایش جامعه اطلاعاتی ایران، تعداد کاربران اینترنت ایران در سال ۹۵ حدود ۲۳/۵۳ درصد جمعیت کشور برابر با ۴۲ میلیون و ۵۴۴ هزار و ۷۵۳ نفر بوده است؛ به این ترتیب ضریب نفوذ اینترنت در کشور به ۲۳/۵۳ درصد رسیده است. با توجه به افزایش روز افزون کاربران فضای مجازی، پژوهش پیرامون آسیب‌ها و فرصت‌های فضای مجازی ضروری است.

در سال‌های اخیر تهدیدهای فضای مجازی همواره مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است؛ اما فرصت‌های فضای مجازی به ندرت مورد توجه بوده است که در ادامه به برخی از تحقیقات انجام شده در این ارتباط، اشاره می‌شود:

۱. چالش‌های فضای مجازی از جمله از هم پاشیدگی خانوادگی، پخش عکس‌های برهنه و سوء استفاده جنسی از بچه‌ها، عدم کنترل‌های پدر و مادر،

اعتیاد اینترنتی، حیازدایی و نقض احکام شرعی، عشق‌ورزی، گره خوردن دنیای مجازی به واقعیت، هویت دیجیتال، الگوی عمومی ظهور خود برای کودکان و فرهنگ بی‌حجابی... بررسی شدند و فرصت‌های فضای مجازی از قبیل اخبار و اطلاع‌رسانی، آموزش و دانشگاه و کتابخانه مجازی، وبلاگ‌ها، مقابله با تهدیدات فرهنگی، دسترسی به فناوری اطلاعات، نقش کارآفرینی در خانواده و تولید محتوای دینی مورد مطالعه قرار گرفتند.

۲. گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب تحولات بسیاری در زمینه‌های مختلف از جمله انتشار شعر شاعران در فضای مجازی، نقد، تحلیل و بررسی‌های ادبی در فضای الکترونیکی شده است.
۳. کاهش هزینه، سرعت و یکسان‌سازی اطلاعات و استفاده از ویدئو کنفرانس از جمله مزیت‌های استفاده از آموزش مجازی بیان شده است و فرهنگ‌سازی در راستای استفاده صحیح از فضای مجازی به عنوان یک ضرورت تلقی می‌شود.

البته با توجه به این‌که در عصر کنونی با گسترش فضاها، مجازی، سبک زندگی دگرگون شده است؛ چالش هویت، عدم توجه به تنوع فرهنگی، عدم دسترسی همگان به فناوری‌های روز دنیا، وابستگی به فضای کاذب نیز از جمله تهدیدهای فضای مجازی در گسترش سبک زندگی اسلامی- ایرانی دانسته شده است؛ هم‌چنین نقش مثبت فضای مجازی در گسترش تعالیم دینی و قرآنی از جمله فرصت‌های فضای مجازی بیان شده است.

با توجه به این‌که در سال‌های اخیر فرصت‌های فضای مجازی علی‌رغم اهمیت فراوان کمتر مورد توجه بوده است، هدف اصلی این مقاله بررسی فرصت‌های فضای مجازی با رویکرد آموزشی - دینی است.

ویژگی‌های فضای مجازی

۱. توسعه ارتباطات

با توجه به این‌که پراکندگی میان خویشاوندان از لحاظ داخلی و بین‌المللی زیاد است، فضای ارتباطات شبکه‌ای هم‌زمان، امکان تبدیل پراکندگی و دوری به نظام‌مند شدن و نزدیکی را فراهم ساخته است. بنابراین اغلب مردم برای ارتباط خانوادگی و قوم و خویشی از فضای مجازی استفاده می‌کنند.

از طرفی، شبکه‌های مجازی می‌توانند تبدیل به فضای تخصص حرفه‌ای شوند که تأمین‌کننده ارتباطات هم‌زمان میان ذی‌نفعان آن حوزه را تشکیل می‌دهد. ظرفیتی که شبکه‌های اجتماعی در ارتباطات انسانی به وجود می‌آورند، بالاست. برای مثال ظرفیتی که یک پزشک در محدوده یک شهر به عنوان یک متخصص دارد و ظرفیتی که او را به شبکه‌ای متصل می‌کند که دسترسی به همه پزشکان متخصص در ظرفیت ملی را دارد، دو ظرفیت متفاوت است.

۲. جهانی و فرامرزی بودن

از ویژگی‌های منحصر به فردی که فضای مجازی را از دیگر رسانه‌ها ممتاز می‌سازد، جهانی بودن آن است. هر فردی در هر نقطه از جهان می‌تواند از طریق آن به آسانی، به جدیدترین اطلاعات دست یابد. مرزهای جغرافیایی تا کنون نتوانسته از گسترش روزافزون فضای مجازی جلوگیری کند؛ لذا هر نوع فیلتر و مرزبندی در برابر آن، دشوار به نظر می‌رسد.

۳. دستیابی آسان به آخرین اطلاعات

برای دستیابی به آخرین مقاله، کتاب و یا خبری که در یک زمینه تخصصی و در سطح جهان منتشر شده است، ساده‌ترین و سریع‌ترین راه، استفاده از فضای مجازی است. علاوه بر این معنای واقعی آزادی اطلاعات، در فضای مجازی محقق شده است؛ از این رو هر نوع اطلاعات اعم از فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بدون محدودیت‌های حاکم بر دیگر رسانه‌ها، در فضای مجازی قابل دسترسی است.

۴. جذابیت و تنوع

رسانه‌ها از ابزارهای مختلفی هم‌چون فیلم، عکس، متن و یا هر هنر دیگری برای جذاب کردن خویش استفاده می‌کنند و این در حالی است که این ابزارها در فضای مجازی، همگی در یک جا قابل جمع و نیز قابل دستیابی است.

از ویژگی‌های منحصر به فردی که در تنوع و جذابیت فضای مجازی تأثیر بسزایی دارد، مشتری‌محوری آن است. در متون نوشتاری ارتباطی تنگاتنگ میان خواننده و نویسنده وجود دارد که خواننده به راحتی می‌تواند نظر خود را با شخص نویسنده در میان بگذارد. از سوی دیگر، امکان نظرسنجی و ارزیابی در این فضا آسان‌تر است و این توانایی را به داده‌پردازان، فروشندگان و عرضه‌کنندگان محصولات اینترنتی می‌دهد که از آخرین خواسته‌های مشتریان و مخاطبان خود مطلع گردند؛ از این ویژگی در قسمت‌های مختلفی هم‌چون، بازاریابی مجازی، گردش‌گری مجازی و بازی‌های آموزشی می‌توان بهره برد.

۵. آموختن مهارت‌های سواد رسانه‌ای

سواد رسانه‌ای^۱ در یک تعریف کلی عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که بر اساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و تولیدات آن‌ها را شناخت و از یکدیگر

تفکیک و شناسایی کرد. سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها بیاموزد که از کاربر منفعل به فعال تبدیل شوند.

به عبارت دیگر، سواد رسانه‌ای به مخاطب کمک می‌کند تا از سبب رسانه‌ها به شکلی درست و هوشمندانه استفاده کند. با توجه به پیشرفت روز افزون تکنولوژی و از آن‌جا که در این شرایط بسیاری از مشاغل نیازمند مهارت‌های اینترنتی هستند، فضای مجازی بستر مناسبی برای آموختن مهارت سواد رسانه‌ای است.

۶. گسترش عدالت رسانه‌ای

با وجود فضای مجازی و به ویژه اینترنت، دسترسی بسیاری از افراد به امکانات یکسان فراهم می‌گردد. برای مثال، در گذشته فقط افراد خاصی می‌توانستند در داخل شهرهای بزرگ به روزنامه‌ها، جراید و در نهایت اخبار روز دسترسی پیدا کنند؛ اما در حال حاضر با وجود فضای مجازی و فناوری‌های گوناگون اطلاعاتی و ارتباطاتی، تمام افراد حتی در شهرستان‌های دور از مرکز نیز می‌توانند به شکلی عادلانه و برابر، از اخبار روز مطلع شوند.

فرصت‌های فضای مجازی

فضای مجازی، در بسیاری از موفقیت‌ها و پیشرفت‌های جامعه در عرصه‌های مختلف علوم و خدمات و بهبود زندگی مردم نقشی قابل‌اعتنایی داشته است و دارای فرصت‌های ارزشمند و مفیدی است که باید در جهت ارتقای علمی و افزایش آگاهی‌ها در حوزه‌های مختلف از آن بهره برد.

از آن‌جا که فرهنگ ایرانی آمیخته با دین اسلام است، از فضای مجازی می‌توان به عنوان مکانی برای تبلیغ آموزه‌های انقلاب اسلامی استفاده کرد. حضور گسترده نیروهای انقلابی و مذهبی در فضای مجازی مانند شبکه‌های اجتماعی نسل اول، آثار مثبتی نظیر امکان جذب مخاطب بیشتر و بالا بردن قدرت بسیج آنان را به دنبال دارد.

بنابراین نباید فضای مجازی را تنها با رویکرد تهدید نگریست؛ زیرا فضای مجازی هم فرصت است و هم تهدید و اگر سواد و مهارت استفاده صحیح و درست از این فضا ایجاد شود، فرصت خواهد بود.

از جمله فرصت‌های فضای مجازی می‌توان از موارد زیر نام برد:

۱. فرصت‌ها در حوزه شهر الکترونیک

شهر الکترونیک شهری است که اجرای غالب فعالیت‌های آن از طریق امکانات مبتنی بر اینترنت و سیستم‌های الکترونیک به روز امکان‌پذیر باشد و شهروند الکترونیک، فردی است که توانایی استفاده از فناوری اطلاعات را در انجام امور روزمره خود داشته باشد و بتواند خدمات مورد نیاز را با استفاده از سیستم‌های الکترونیکی از ادارات و مؤسسات ذی‌ربط دریافت نماید و نیاز خود را برطرف سازد.

در شهر الکترونیک فعالیت‌های مهمی از قبیل فعالیت‌های بانکی در پرداخت قبوض و انتقال پول، فعالیت‌های اداری در ثبت اسناد و املاک و درخواست گذرنامه، فعالیت‌های تفریحی در بازی‌های رایانه‌ای و بازدید از موزه‌ها و پارک‌ها، فعالیت‌های علمی در تحقیق‌ها، فعالیت‌های آموزشی در آموزش از راه دور و فعالیت‌های سیاسی با حضور در انتخابات با تکیه بر ویژگی‌ها و فرصت‌های مثبت فضای مجازی اتفاق می‌افتد و نتایجی از جمله کاهش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی، کاهش مصرف منابع سوختی برای وسایل نقلیه به خاطر تردهای کمتر، کاهش آلودگی هوا، کاهش ترافیک و به تبع آن کاهش استهلاک وسایل نقلیه، کاهش رفت و آمدهای غیر ضروری درون شهری و به دنبال آن آرامش روانی بیشتر، کاهش هزینه‌های بالای چاپ و نشر و صرفه‌جویی در استفاده از منابع زیست‌محیطی لازم برای تولید کاغذ را در بر دارد.

۲. فرصت‌ها در حوزه آموزش

در سال‌های اخیر یکی از مظاهر مهم فناوری اطلاعات در بعد آموزش متجلی شده است که عمده فعالیت‌های آن در بستر رایانه و شبکه اینترنت اجرا می‌گردد. این روش آموزشی به دلیل برخورداری از امکاناتی نظیر حذف محدودیت‌های زمانی و مکانی و عدم نیاز به حضور در مرکز آموزشی و کلاس‌های درسی و به تبع آن امکان استفاده آسان و گسترده متقاضیان، با استقبال خوبی مواجه شده است و در صورت رفع برخی کاستی‌ها و تقویت زیرساخت‌ها می‌تواند به افزایش بهره‌وری آموزشی و سطح علمی جامعه کمک شایانی کند.

استفاده از آموزش مجازی مزایای فراوانی از جمله عدم وابستگی به زمان و مکان خاص، عدم نیاز به حضور فیزیکی استاد و دانشجو، کاهش هزینه‌ها با حذف هزینه رفت و آمد، افزایش سرعت در یادگیری و آموزش به دلیل چندرسانه‌ای بودن و سهولت دسترسی به منابع آموزشی دارد.

از جمله امتیازات مهم استفاده از فضای مجازی در آموزش، افزایش دسترسی به منابع دیجیتال است. رشد انفجارگونه فناوری اطلاعات راه‌های دسترسی به اطلاعات را به صورت بی‌سابقه‌ای گسترش داده است. امروزه دسترسی آزاد به اطلاعات جهانی از راه دور به صورت یک امر رایج یا ضرورت درآمده است؛ چرا که نیاز محقق امروز تنها منحصر به منابع چاپی و سنتی نیست، بلکه در دسترس بودن و به روز بودن اطلاعات به شکل الکترونیکی یک ضرورت است که کتابخانه‌های دیجیتال به عنوان مراکزی جهت رفع این نیازهای اطلاعاتی هستند.

کتابخانه‌های دیجیتال از مهم‌ترین بخش‌های فضای مجازی به شمار می‌روند که برای بسیاری از کاربران این فضا به ویژه دانش‌آموزان، دانشجویان، پژوهشگران و استادان حوزه و دانشگاه اهمیت بسیاری دارد؛ هم‌چنین به سبب ویژگی در دسترس بودن

برای همه، نامحدود بودن به فضا و زمان خاص و نیز نشر سریع و همه گیر آن همواره در معرض بازنشر محتوا قرار دارند؛ به این معنا که کاربران می توانند منابع را به راحتی از کتابخانه های دیجیتال دریافت کنند.

بزرگترین کتابخانه های دنیا، نسخه دیجیتال کتاب ها و اسناد خود را با تنوعی مناسب بر روی وب بارگذاری کرده اند و این تنوع محتوای آموزشی در فضای مجازی فرصتی برای پژوهشگران فراهم آورده است.

با توجه به این که آموزش در حال گذر از شیوه های سنتی استفاده از مداد و خودکار به سمت استفاده از تکنولوژی های تعاملی است، از دیگر فرصت های فضای مجازی برای آموزش می توان به شیوه های نوین از جمله استفاده از واقعیت مجازی، یادگیری و آموزش الکترونیکی و استفاده از رسانه های دیجیتال اشاره کرد. واقعیت مجازی¹ عبارت است از تلاش بشر برای برداشتن مرزهای بین فضای واقعی و فضای مجازی؛ چه این که سال هاست محققین به دنبال راهی برای ادغام فضای مجازی و واقعی هستند.

در محیط مجازی امکان ارائه داده های پیچیده به دانش آموزان وجود دارد که با تسهیل شیوه های دسترسی به این داده ها می توان در کنار سرگرم کننده بودن، امکان یادگیری آسان را برای آن ها فراهم کرد. هم چنین دانش آموزان و دانشجویان می توانند از طریق تعامل با اشیای موجود در محیط مجازی، داده های بیشتری را استخراج نموده و به دامنه دانش خود بیفزایند. به عنوان مثال؛ می توان به استفاده از واقعیت مجازی در آموزش جراحی اشاره کرد که دانشجویان، روش ها و تکنیک های جراحی را بر روی یک بدن سه بعدی انسان تمرین می کنند و یا اعضای مختلف بدن را به منظور بررسی عملکرد آن ها در این فضا مورد بررسی قرار می دهند.

1. Virtual Reality

از طرف دیگر، یادگیری الکترونیکی^۱ شیوه‌ای برای طراحی، تدوین، ارائه و ارزشیابی آموزش است که از قابلیت‌ها و امکانات الکترونیکی برای کمک به یادگیری بهره می‌گیرد و از زمان پیدایش اینترنت و گسترش این پدیده، فناوری و استفاده از قابلیت‌های آن ایجاد گردیده است و تکامل یافته شیوه آموزش از راه دور و برطرف کننده نیاز انسان‌های کاوشگر و خواهان یادگیری است؛ به ویژه این‌که زمان و مکان در این شیوه آموزش، اختیاری است.

آموزش و یادگیری الکترونیک امروزه توجه بسیاری از دست‌اندرکاران آموزش را به خود جلب نموده و از مباحث مهم در فضای مجازی است. یکی از ایده‌های ضروری برای ایجاد تعامل در موقعیت‌های آموزشی، کاربرد مواد آموزشی مبتنی بر رسانه‌های دیجیتال است؛ چرا که از طریق این نوع مواد امکان ارائه و انتقال اطلاعات به حافظه کلامی و تصویری وجود دارد.

ارائه مطالب آموزشی در قالب مواد آموزشی از قبیل فیلم، پویانمایی، بازی و گردش علمی الکترونیکی زمینه‌بازنمایی تصویری مفاهیم در ذهن یادگیرنده را فراهم می‌سازد و یادگیرندگان در برابر این نوع مواد آموزشی، تأثیرپذیری بیشتری از خود نشان می‌دهند.

بنابراین، می‌توان از فرصت‌های فضای مجازی در آموزش‌های دینی - مذهبی که کمتر به آن پرداخته شده است نیز بهره‌مند شد.

۳. فرصت‌ها در حوزه مسائل دینی

یکی از مهم‌ترین اتفاقات قرن ۲۱ پیدایش فضای مجازی و شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای در سراسر جهان بوده است؛ به طوری که امروزه ارتباط با جهان بدون اتصال به این شبکه عظیم، پویا و پیچیده تا اندازه زیادی غیر ممکن است.

بخش قابل توجهی از کاربران فضای مجازی متشکل از دین‌داران، دین‌پژوهان، علمای دین و رهبران مذهبی هستند. دین برای بهتر زندگی کردن آمده است - چه در فضای واقعی و چه در فضای مجازی - پس می‌توان از فرصت‌های فضای مجازی برای دسترسی به اهداف دینی نیز بهره برد.

تحقیقات در مورد دین و فضای مجازی در جامعه ایران در آغاز راه است و بسیاری از ابعاد این مسئله مهم، هنوز مورد پژوهش قرار نگرفته است که شناخت درست این فضا و نوع استفاده از آن می‌تواند اهداف مثبت و سازنده دین را سریع‌تر و در سطح گسترده‌تری تحقق بخشد.

بیان این نکته لازم است که دین پیش‌شرطها و قواعد خاص خود را دارد و همه چیز در آن قابل مجازی‌سازی نیست؛ برای مثال نماز را نمی‌توان مجازی ساخت، زیرا نماز یک تعینی دارد و باید در عالم واقع انجام گیرد، خداوند شرایط خاصی برای نماز جماعت معین کرده و باید طبق آن خوانده شود.

با علم به این نکته و در عین حال، فضای مجازی این ظرفیت را دارد که بتواند بسیاری از مؤلفه‌های اسلامی و الهی را محقق کند؛ چه این‌که تمام امور دینی از جنس اعمال فیزیکی نیست. آن وجهی که عملش تکلیف شده، قابلیت مجازی شدن ندارد؛ اما آن وجهی که احرازش از راه عمل نیست، می‌تواند وارد فضای مجازی شود. در یک نگاه کلی، دین دو وجه نظری و عملی دارد؛ وجه نظری را می‌توان شامل باورها، عقاید و جهان‌بینی دانست و وجه عملی نیز شامل احکام، عبادات، شعائر و مناسک و حتی اخلاقیات است.

به عنوان نمونه؛ می‌توان متن قرآن، تفسیر قرآن، قرائت‌های قرآن، انواع متون و منابع دینی را در فضای مجازی بارگذاری کرد و در دسترس طیف وسیعی از افراد قرار داد و در نمونه دیگر، می‌توان یک مؤسسه خیریه دینی برای دست‌گیری از مستمندان در این فضا ایجاد کرد؛ لذا فضای مجازی در این‌گونه موارد فرصت مناسبی است.

اگر از فضای مجازی به عنوان فرصتی برای اقامه عدالت، رفع تبعیض اجتماعی، رفع سختی‌های انجام کار و رفع رشوه و فساد اداری استفاده شود، ارزشمند و مفید و مطابق با تعالیم الهی است؛ اما اگر این وسیله ابزاری برای انتقال ترویج فساد باشد، تهدید محسوب می‌شود.

به عنوان مثال؛ ایجاد سیستمی که نظام شهرسازی را نظام‌مند کند، به طوری که مردم گرفتار نظام اداری فرسایشی نباشند و با دریافت کد مشخص و بر اساس ضوابط لازم، مجوز تراکم به اشخاص داده شود و تمام واسطه‌های فساد در سیستم اداری برداشته شود. اقداماتی از این قبیل فرصت‌های زیادی برای استفاده از فضای مجازی در امور مثبت ایجاد می‌کند.

بنابراین، برخورد با فضای مجازی بستگی به این دارد که چگونه از آن استفاده شود؛ لذا تأثیر فضای مجازی بر دین و دین‌داری می‌تواند مثبت یا منفی باشد و در چنین فضایی نقش آموزش، معنادار می‌شود.

از سوی دیگر، از دین نیز ممکن است برداشت‌های حقیقی و خرافی گردد؛ لذا آموزش درست در این وضعیت نیز نقشی کلیدی ایفا می‌کند. فضای مجازی با ایجاد زمینه تعامل کاربران و به خصوص دین‌داران با یکدیگر و نیز ایجاد بستری برای تبادل آراء و افکار و عقاید و باورهای مؤمنان و پیروان ادیان، ضمن پیشبرد اهداف تبلیغی، امکان فهم و شناخت بیشتر ادیان و آموزه‌های دیگر را در سطحی گسترده و با سرعتی به مراتب بیشتر فراهم می‌کند.

در اختیار داشتن و جذب مخاطب بیشتر در مقیاس گسترده، انتقال سریع تفاسیر و یافته‌های جدید دینی در سطحی گسترده به کاربران دینی، جذب مشارکت سریع دین‌داران در کارها و امور خیریه و عام‌المنفعه، مبارزه مجهز با آسیب‌هایی که

از بیرون متوجه دین و دین‌داران است از سایر فرصت‌های بهره‌برداری از فضای مجازی در دین است.

۴. فرصت‌ها در حوزه آموزشی - دینی

در حال حاضر تقریباً هر فرد می‌تواند به آسانی با اتصال به اینترنت و بدون مواجهه با مانع خاصی با ادیان، مؤلفه‌های مذهبی گوناگون، روحانیون مختلف، نهادهای دینی مجازی و مؤسسات خیریه مجازی آشنا شود.

نسل جوان امروز بخش قابل توجهی از زمان خود را در خانه، مدرسه و دانشگاه صرف کار با رایانه و فضای مجازی می‌کند؛ هم‌چنین این فضاها برخلاف رسانه‌ای مانند تلویزیون ایستا نیستند؛ به این معنا که کاربر می‌تواند به شبکه کمک کند، در آن دخل و تصرف کند، در پاره‌ای از فرایندهای آن مشارکت کند، درباره موضوع یا مطلبی اظهار نظر کند و وارد نوعی دیالوگ مجازی و در عین حال آموزنده و کارآمد شود.

بنابراین، شناخت این فضا و بهره‌بردن از امکانات آن برای دست‌اندرکاران حوزه آموزش و دین یک اقدام ضروری است. اینترنت، همه چیز از جمله آموزش دانش‌آموزان تا انجام کارهای روزمره و حتی امور دینی و مذهبی را دچار تحول کرده است.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: فرزندان خود را مطابق با مقتضیات زمان پرورش بدهید؛ بر همین اساس باید از فرصت‌های فضای مجازی به منظور ارتقای آموزش‌های دینی در مواردی هم‌چون برگزاری کلاس‌های مجازی برای انتقال آموزه‌ها و مفاهیم دینی، آموزش مجازی قرآن کریم، راه‌اندازی باشگاه مجازی فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی حوزه مسجد، راه‌اندازی کتابخانه دیجیتالی مساجد و ایجاد گروه‌هایی در فضای مجازی برای برگزاری مسابقات قرآنی دانش‌آموزان استفاده کرد.

پاسخ به شبهات و سؤالات و مباحث انحرافی روز جامعه نیز با داشتن سعه صدر در فضای مجازی از دیگر موارد مهمی است که مبلغان دینی - آموزشی باید آن را در نظر بگیرند و در گروه‌های فضای مجازی، پاسخگوی پرسش‌های اقشار مختلف باشند.

تهیه برنامه برای ادعیه و زیارات مشهور و منابع مرجع دینی به صورت چندرسانه‌ای از دیگر استفاده‌های مثبت از فضای مجازی است. مبلغان دینی می‌توانند با تولید محتوا و جلوه‌های تصویری مناسب، زندگی معنوی را با همه زیبایی‌هایش در فضای مجازی به نمایش بگذارند تا علاقه‌مندی بیشتری به ویژه برای نوجوانان و جوانان حاصل شود.

در فضای مجازی می‌توان از تمام شاخه‌های هنر بهره برد و آموزگاران دینی می‌توانند از شعر، نقاشی، مجسمه‌سازی مجازی، موسیقی مناسب و مانند این‌ها برای آموزش مطالب عرفانی و دینی استفاده کنند.

از جمله اقدامات مؤثر در زمینه ارتقای آموزه‌های دینی در فضای مجازی برای دانش آموزان، تولید برنامه‌هایی است که دارای محتوای سرگرمی - آموزشی به صورت همزمان باشد؛ مانند نرم افزار آشنایی با زندگی شهدا که با استفاده از فیلم، نقاشی و داستان‌گویی، هر دو هدف را دنبال می‌کند.

یکی از اتفاقات مهم جامعه امروز این است که نسل گذشته یا فعلی که شکل سنتی دین و مذهب را پذیرفته و بدان عمل می‌کند، یا به طور کلی با فضای مجازی و اینترنت بیگانه است و یا در سطحی ابتدایی از آن آگاهی دارد.

از سوی دیگر، نسل نوجوان و جوان امروز که تقریباً به لحاظ آشنایی و اطلاع از این فضا چند قدمی از نسل پیشین جلوتر است، شیوه دین‌ورزی سنتی را نمی‌پذیرد و یا در صورت پذیرش نمی‌تواند آن را شرایط فضای مجازی همراه کند.

بنابراین، به منظور استفاده بیشتر از این فرصت‌ها باید سطح سواد فضای مجازی اولیاء و مربیان همراه با دانش آموزان افزایش پیدا کند و در همین راستا آموزش‌های مداوم و مناسب پیرامون شناخت آسیب‌ها و فرصت‌های فضای مجازی برای اولیاء و مربیان و دانش آموزان، ضروری است.

نتیجه‌گیری

فضای مجازی انقلاب قرن ۲۱ است و گریز از آن امکان‌پذیر نیست. از آن جا که ایستادگی در برابر فضای مجازی ممکن نیست، تهدیدهای این فضا نیز باید به فرصت تبدیل شوند؛ پس غفلت از فرصت‌های آن سبب غلبه تهدیدهای این فضا خواهد شد، لذا ضروری است پژوهش‌های لازم در زمینه فرصت‌های فضای مجازی انجام گیرد و این فرصت‌ها شناسایی شده و در جهت رشد جامعه به کار گرفته شود.

فضای مجازی بستر و فرصت مناسبی برای آموزش، تبلیغ و ترویج دین در میان کاربران پرشمار آن به شمار می‌رود و به دلیل گستردگی زیاد، از بهترین راه‌ها برای جمع‌آوری شبهات دینی و مشکلات اجتماعی و در نتیجه ارائه پاسخ و راهکار به عموم مردم است.

برای این منظور، ایجاد وبلاگ‌های دینی روحانیون می‌تواند کمک کننده باشد. برای آموزش دین با استفاده از فضای مجازی، تمرکز بر روی تولید محتوا به زبان‌هایی غیر از فارسی و تولید محتوا برای مردم سایر کشورهای غیر مسلمان و حتی مسلمان، حائز اهمیت است؛ البته مبلغان دین در فضای مجازی باید خود نیز آموزش‌های لازم را دریافت کنند.

بر این اساس، برگزاری کارگاه‌های آموزش سواد رسانه‌ای و تولید محتوا برای آموزش دهندگان دین از پیش‌نیازهای مهم و ضروری است که با ارائه بسته‌های آموزشی و برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت قابل انجام است.

امروزه استفاده از فضای مجازی يك هنر است؛ هنری که مثل نواختن ساز نیازمند آموزش و صرف زمان است. آموزش سواد رسانه‌ای برای تمام جامعه به ویژه دانش‌آموزان، والدین و مربیان ضروری است. اگر سواد رسانه‌ای به معنای استفاده درست از فناوری‌های جدید و به خصوص فضای مجازی تعریف گردد، آموزش و برنامه‌ریزی در این حوزه نیز ضرورت دوچندان می‌یابد.

از طرف دیگر و با توجه به این‌که بیشتر استفاده‌کنندگان از فضای مجازی نوجوانان و جوانان هستند، فرهنگ‌سازی برای کاهش پیامدها و افزایش استفاده از قابلیت‌های آن با استفاده از ظرفیت رسانه‌های دیداری و شنیداری، روزنامه‌ها و نشریه‌ها برای نهادینه شدن فرهنگ فضای مجازی و معرفی فرصت‌های آن به جامعه، یک ضرورت است.

هم‌چنین برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی به منظور آشنا کردن و اطلاع‌رسانی به والدین در مورد فناوری‌های جدید به ویژه فضای مجازی، استفاده از قابلیت‌های فضای مجازی در کلاس‌های درس توسط معلمان برای آموزش موضوعات مختلف به ویژه موضوعات دینی، تولید محتوای دینی جذاب و علمی و مستند برای دانش‌آموزان، فراخواندن دانش‌آموزان به شرکت در مسابقات قرآنی و احکام در فضای مجازی از راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای آموزه‌های دینی در فضای مجازی است که موجب استحکام باورهای دینی نسل جوان می‌گردد.

فهرست منابع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۹۴). مزایا و معایب ورود دین به فضای مجازی. اطلاعات حکمت و معرفت. سال ۱۰. شماره ۳: ۲۹-۳۲.
۲. پاکپور، یونس. داداش‌زاده، محمد رضا. و حسن فانیدپور (۱۳۸۸). اصول طراحی مواد آموزشی مبتنی بر رسانه‌های دیجیتال. چهارمین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی آموزش الکترونیک. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۳. توسنر، پل امرسون. و هری گونارتو (۱۳۹۴). مرجعیت دینی و اخلاق در عصر اینترنت. ترجمه محمد حسینی ناظمی. اطلاعات حکمت و معرفت. سال ۱۰. شماره ۳: ۲۲-۱۶.

۴. جی هکت، روزالیند آی (۱۳۹۴). دین و اینترنت. ترجمه میترا سرحدی. اطلاعات حکمت و معرفت. سال ۱۰. شماره ۳: ۱۲-۸.
۵. دلواری، مهدی (۱۳۹۴). ماهیت فضای مجازی و جایگاه دین (گفتگو با سید سعیدرضا عاملی). اطلاعات حکمت و معرفت. سال ۱۰. شماره ۳: ۷-۵.
۶. دهقان نیری، فاطمه (۱۳۹۵). فضای مجازی بستر ساز ترویج دین. گروه ایرنا مقاله.
۷. عابدینی، آزاده (۱۳۹۵). ارزیابی کتابخانه‌های دیجیتال حوزوی در اینترنت. ره آورد نو. شماره ۵۷: ۷۱-۶۷.
۸. فان زونن، لیسبت. و اولیور کروگر (۱۳۹۴). نگاهی به رویکردها و روش مطالعه دین در اینترنت. ترجمه علی اخلاقی. اطلاعات حکمت و معرفت. سال ۱۰. شماره ۳: ۱۵-۱۳.
۹. کمبل، هاید (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین دین آنلاین و آفلاین در جامعه شبکه‌ای. ترجمه لیلا شیخ. ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت. سال ۱۰. شماره ۳: ۳۹-۳۳.
۱۰. هوور، استوارت (۱۳۹۴). فضای سوم دین دیجیتالی. ترجمه شهربانو الهی فرد. اطلاعات حکمت و معرفت. سال ۱۰. شماره ۳: ۲۸-۲۳.
۱۱. پورتال اینفونگاره (۱۳۹۶). تهدیدات و فرصت‌های فضای مجازی: <http://infonegareh.ir>
۱۲. پورتال اتاق خبر (۱۳۹۶). چگونگی تبدیل تهدیدات فضای مجازی به فرصت‌های جهانی: <http://otaghkhabar24.ir>
۱۳. پورتال جام جم آنلاین (۱۳۹۶). بازخوانی تعاملات و تقابلات فضای مجازی و ادیان (گفتگو با سعیدرضا عاملی): <http://jamejamonline.ir>
۱۴. پورتال مسیر مجازی (۱۳۹۶). فعالیت در فضای مجازی از نگاه حجت الاسلام قرائتی: <http://masiremajazi.ir>

ظرفیت‌های فضای مجازی در تربیت دینی نسل جوان

نویسنده: مرضیه حیدری دهکردی (ایران)^۱

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۲۴

دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۶

چکیده

مسئله تربیت از چنان اهمیت و جایگاهی برخوردار است که می‌توان آن را ماحصل کار همه انبیاء و اولیاء الهی علیهم‌السلام دانست و به تعبیر شهید مطهری، مسئله ساختن افراد و انسان‌ها است. آن‌چه در این مقاله مورد توجه ویژه قرار گرفته است، تربیت، هدایت و رهبری نسل جوان است؛ مقوله‌ای که حاکی از وظیفه و مسئولیتی برای عموم مسلمانان است. امروز فضای مجازی، زبان نسل جوان است و بسیاری از اطلاعات خود را از این فضا کسب می‌کند و فرامکانی و فرا زمانی بودن، جذابیت و تنوع، تعاملی بودن، گسترش تعاملات و تبادل نظرها با سرعت بسیار بالا از ویژگی‌هایی است که می‌تواند فضای مجازی را به ابزاری قدرتمند برای بهره‌گیری در راستای این هدف تبدیل کند. در این مقاله سعی شده به این سؤالات پاسخ داده شود:

- تربیت چیست و ملزومات تربیت دینی نسل جوان چه چیزهایی است؟
- فضای مجازی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟
- چه ضرورتی برای بهره‌گیری از فضای مجازی در تربیت دینی نسل جوان وجود دارد؟
- آیا فضای مجازی ظرفیت‌ها و ویژگی‌های لازم برای این بهره‌گیری را دارد؟
- کدام یک از این ویژگی‌ها اثربخشی بر تربیت نسل جوان را افزایش می‌دهد؟
- چه ویژگی‌هایی از فضای مجازی موجب تسهیل تربیت با استفاده از این ابزار می‌شود؟

واژگان کلیدی: تربیت دینی، نسل جوان، فضای مجازی

۱. کارشناس ارشد گروه مهندسی نرم افزار، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران،

مقدمه

با در نظر گرفتن اهمیت موضوع تربیت و با توجه به ویژگی‌های فضای مجازی و اثرگذاری آن بر نسل جوان و نیز لزوم به کارگیری تمامی امکانات در جهت تربیت نسل جوان و مهم‌تر از همه، بهره‌گیری بالای عناصر ضد ارزشی و ضد تربیتی از فضای مجازی در به انحراف کشیدن نسل جوان، به ضرورت بهره‌گیری هر چه بیشتر از این امکان برای تربیت نسل جوان پی برده می‌شود.

در این تحقیق پس از ارائه تعریف مختصری از تربیت و مؤلفه‌های آن به معرفی فضای مجازی و ویژگی‌هایی از آن که در امر تربیت دینی نسل جوان کاربرد دارد، پرداخته می‌شود؛ البته به آن دسته از اصول تربیتی اشاره شود که با توجه به ظرفیت های فضای مجازی قابل اجرا هستند؛ لذا از اشاره به سایر اصول تربیتی صرف نظر شده است.

تربیت و ملزومات تربیت دینی نسل جوان

انسان، شگفت‌انگیزترین آفریده خدای بزرگ و والاترین نشانه قدرت بی‌منت‌های اوست. انسان مستعد اتصاف به همه صفات و کمالات الهی است، او را خلق کرد تا به مقام قرب الهی و جانشینی خدا در زمین برسد و این سیر جز با تربیت صحیح محقق نخواهد شد. (مطهری، ۱۳۹۰: ۴۳)

تعلیم و تربیت در زندگی بشر مهم‌ترین و اساسی‌ترین جنبه زندگی است؛ به گونه‌ای که هر اعوجاج و انحراف در آن موجب انحراف در همه امور زندگی می‌شود. تربیت از دیدگاه اسلام، پرورش استعداد و به فعلیت درآوردن آن است. هدف غایی تربیت اسلامی، پرورش انسان مقرب الهی است که شاکله دینی در وجود او به طور کامل شکل بگیرد و رفتارهای دینی ریشه‌دار از او سربرزند. با علم به این هدف غایی، تربیت اسلامی اهمیت و جایگاه خاصی پیدا می‌کند.

رسیدن به اهداف تربیت نیاز به واسطه و مقدمه دارد که به آن‌ها اهداف درجه دوم یا اهداف میانی گفته می‌شود. علمای اخلاق اهداف میانی را به صورت زیر دسته‌بندی کرده‌اند (مشایخی، ۱۳۸۱: ۶۸-۵۰):

۱. اصلاح رابطه انسان با خدا

از امام علی علیه السلام در همین ارتباط، چنین نقل شده است:

«مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ»؛ (نهج البلاغه، حکمت ۸۹)

کسی که رابطه خود و خدا را اصلاح نماید، خداوند رابطه او را با مردم اصلاح می‌نماید و کسی که کار آخرتش را اصلاح کند، خداوند کار دنیایش را اصلاح می‌کند.

۲. اصلاح رابطه انسان با خودش

در این زمینه به بیان دو روایت از امام علی علیه السلام پرداخته می‌شود:

- «سِيَاسَةُ النَّفْسِ أَفْضَلُ سِيَاسَةٍ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۳۸، ح ۴۷۹۸) تربیت نفس برترین تربیت‌هاست.
- «مَنْ أَهْمَلَ نَفْسَهُ أَفْسَدَ أَمْرَهُ»؛ (همان، ح ۸۵۵۴) هر کس نفس خود را واگذارد، کار خود را تباه ساخته است.

۳. اصلاح رابطه انسان با جامعه

انسان موجود مدنی و اجتماعی است؛ از این رو برای تأمین نیازهای اولیه خود نیازمند تعامل با دیگر افراد جامعه است. او نمی‌تواند به سوی غایت هستی جز در میان جمع و بر اساس روابط سالم اجتماعی سیر کند؛ چه آن‌که آدم عزلت‌گزین در برنامه‌های تکاملی خود دچار نقص می‌گردد.

۴. اصلاح رابطه انسان با طبیعت

۵. اصلاح رابطه انسان با تاریخ

در نتیجه، دین اسلام به موضوع مهم تربیت توجه بسیاری نموده و قواعد مناسبی برای رشد انسان تعیین نموده است؛ چون مکتبی که دارای هدف‌های مشخص است و مقررات همه‌جانبه و سیستم حقوقی و اقتصادی و سیاسی دارد، نمی‌تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد. (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۶)

جهت دستیابی به اهداف تربیت اسلامی، اصولی باید مدنظر قرار گیرد که برخی از این اصول عبارتند از: (ملکی، ۱۳۸۳: ۱۲۶-۱۰۳)

۱. اصل هماهنگی با فطرت

در وجود انسان از سوی خداوند متعال ویژگی‌هایی قرار داده شده که او را از سایر موجودات، متمایز می‌کند؛ خردورزی، حقیقت‌جویی، زیباگرایی، عدالت‌طلبی، خداگرایی و سایر ویژگی‌های ذاتی از جمله این استعدادها فطری را تشکیل می‌دهند. مجموعه وضعیت زندگی آدمی باید به گونه‌ای سامان یابد که این ویژگی‌ها که به مثابه بذرهایی است که در زمین خلقت انسان وجود دارد، رشد کند.

۲. اصل اعتدال

اعتدال در مقابل افراط و تفریط است.

۳. اصل جامعیت

منظور از جامعیت، همه‌جانبه‌نگری تعلیم و تربیت اسلامی به ماهیت انسان است. هیچ‌یک از جنبه‌های شخصیت انسان از نظر اسلام دور نمی‌ماند و هر کدام باید به رشد مقرر خود برسند.

۴. اصل تأمین نیازهای واقعی

اگر تربیت صرفاً بر محور نیازهای محسوس و مادی قرار گیرد، آدمی از مرحله حیوانی خود فاصله زیادی نخواهد گرفت. شرط رسیدن به انسانیت، تأمین نیازهای ریشه‌دار غیر مادی است.

۵. اصل هدایت‌خواهی

مربی در تربیت اسلامی به هیچ بهانه‌ای نباید از تربیت متربی ملول شود و مسئولیت خود را تمام شده تلقی کند؛ چون تربیت، کاری الهی است. خداوند متعال بنده خود را در هر وضعیتی زیر نظر دارد، هر قدر بنده راه گم کند باز خداوند طالب هدایت و تربیت اوست؛ لذا مربیان و معلمانی که از مکتب اسلام تأثیر اساسی گرفته باشند، به طور نسبی از همین صفت مطلق الهی باید بهره‌مند شده باشند. مربی اسلامی از تلاش برای ساختن و تأثیرگذاری بر روح و روان متربی لذت می‌برد و این کار را عبادت تلقی می‌کند.

۶. اصل حکمت‌جویی

حکمت به معنای برهان خالص است. گاهی برهان قوی نیست و به شائبه‌های گوناگون آلوده است و تأثیر لازم را در شنونده به جا نمی‌گذارد و هدایت نمی‌کند. همه پیامبران و انسان‌های صالح نقش حکیمانه داشته و ضمن ارائه حکیمانه پیام تلاش کرده‌اند انسان‌های حکیم پرورش دهند.

قرآن مجید حکمت را به حضرت لقمان به عنوان موهبتی الهی طرح می‌کند. اگر خداوند به بنده صالح خود حکمت می‌آموزد، بنده او نیز به عنوان مربی تربیت اسلامی باید به فراگیران حکمت بیاموزد؛ یعنی آنان را به سوی برهان‌های خالص راهنمایی کند. این موضوع به قدری اهمیت دارد که تفاوت نمی‌کند توسط چه کسی ارائه شود. این حدیث، معروف است که:

«الْحِكْمَةُ ضَلَاةُ الْمُؤْمِنِ»؛ (نهج البلاغه، حکمت ۷۷) حکمت، گمشده مؤمن است.

۷. اصل بهره‌گیری از اراده

انسان موجودی مختار و با اراده است که امور خود را با اختیار انجام می‌دهد؛ به همین دلیل خداوند متعال، یافتن و حرکت کردن راه راست را بر عهده خود افراد گذاشته است. هدایت الهی با اکراه و اجبار انجام نمی‌پذیرد؛ بلکه از درون باید بجوشد.

۸. اصل تلازم و تناسب علم و عقل

عقل و علم به یکدیگر نیاز دارند و باید توأم باشند. عقل برای اندیشیدن به علم نیاز دارد و علم برای رشد و توسعه به عقل محتاج است. زمانی می‌توان فراگیر را به تفکر وادار نمود که اطلاعاتی در اختیار او قرار داده شود. اگر انسان تفکر کند، ولی اطلاعاتش ضعیف باشد؛ مثل کارخانه‌ای است که ماده خام ندارد یا ماده خامش کم است که قهراً نمی‌تواند کار کند یا محصولش کم خواهد بود. محصول نیز به این بستگی دارد که ماده خام برسد. اگر کارخانه ماده خام زیاد داشته باشد ولی کار نکند، باز فلج است و محصولی نخواهد داشت.

۹. اصل جذب و دفع

انسان موجودی متفکر، عاطفی و حقیقت‌خواه است و نمی‌تواند با همه انسان‌ها و با همه موقعیت‌ها به طور یکسان رو به رو شود. اگر با همه اوضاع یک‌جور برخورد کند، از گوهر انسانی خود دور افتاده است.

گاهی دو نفر انسان یکدیگر را جذب می‌کنند و دلشان می‌خواهد با یکدیگر دوست و رفیق شوند. این رمزی دارد و رمزش سنخیت این دو نفر است؛ چون تا در میانشان مشابهتی نباشد همدیگر را جذب نمی‌کنند و متمایل به دوستی با یکدیگر نخواهند شد. (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۹)

بنابراین، باید کودکان و نوجوانان را به تدریج با روحیه جذب و دفع پرورش داد. اگر فقط جاذبه باشد، همه انسان‌ها با هر نوع فکر و اندیشه‌ای وارد می‌شوند و مرز حق و باطل در نظر انسان‌ها با هم خلط می‌شود و اگر فقط دافعه باشد، امکان و

فرصت تأثیرگذاری، آدم‌سازی و توسعه امت اسلامی از دست می‌رود. هر یک از این دو حالت نیز با وظیفه و رسالت مسلمانی سازگار نیست؛ بلکه داشتن هر دو با هم به تناسب موقعیت‌های مختلف لازم است.

۱۰. اصل پیوند تربیت با معنویت

بین تربیت و معنویت رابطه‌ای ذاتی وجود دارد. اگر انسان علاقه‌مند به تربیت خود و فرزندان‌ش به تربیت اسلامی هست و یا می‌خواهد افرادی را تربیت کند، باید به مسأله نیایش و دعا و عبادت اهمیت دهد.

مسئله عبادت، قطع نظر از این‌که پرورش یک حس اصیل است، تأثیر زیادی بر سایر نواحی آن دارد. (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۴۱)

فضای مجازی و ویژگی‌های آن

فضای مجازی^۱ از دو مفهوم فضا و مجاز تشکیل شده است. مفهوم فضا در مقابل مفهوم مکان به کار گرفته می‌شود. فضا در مقایسه با مکان، مفهومی انتزاعی و به سختی قابل تصور بوده؛ به طوری که درک آن بدون واسطه درک مکان برای موجودات فیزیکی، غیر ممکن است. (خان‌زاده، ۱۳۸۷)

مجاز، گاهی در مقابل امر حقیقی معنا می‌شود؛ پس فضا یا جهانی با خصلت مجازی در مقابل فضا یا جهان واقعی قرار می‌گیرد که فضای دوم نیز نام می‌گیرد.

با ظهور و گسترش صنعت، همزمان ارتباطات و در امتداد آن اینترنت به عنوان شبکه ارتباطی و اطلاعاتی جهانی، فضای جدیدی در عرصه زندگی به وجود آمد که می‌توان با عناوینی هم‌چون فضای دوم و فضای مجازی از آن یاد کرد. (عاملی، ۱۳۹۰)

به طور کلی، نمی‌توان فضای مجازی را مترادف با اینترنت دانست؛ اما اینترنت

ابزار ورود به فضای مجازی است. ابعاد تشکیل دهنده اینترنت، سه بعد زیر است:

- زیرساخت
- خدمات؛ نرم افزارهایی که روی زیرساخت فضای مجازی ارائه می شوند و شرایط برقراری ارتباط اینترنتی را برقرار می کند.
- محتوا؛ نوع و میزان دادهها و اطلاعاتی که از طریق نرم افزارهای فضای مجازی منتقل می شوند که می تواند در قالب متن، صوت، تصویر یا فایل کاربردی باشد و به لحاظ موضوعی نیز شامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، آموزشی و سرگرمی می شود.
- از این سه مورد آن که اهمیت و کاربرد بیشتری دارد، خدمات فضای مجازی است؛ خدمات موجود را می توان در دسته بندی های استقرایی زیر نشان داد:
 - خدمات پایه
 - خدمات مبتنی بر انتشار اطلاعات
 - انتقال پیام؛ مانند رایانامه
 - پیام رسان های فوری؛ مانند تلگرام^۱ و واتس آپ^۲
 - برقرار کننده های تماس صوتی و تصویری؛ مانند ایمو^۳ و اسکایپ^۴
 - اشتراک گذاری
 - آموزش و تحصیل؛ شامل دانشگاه های آنلاین و وبسایت های درس محور
 - خدمات شهروندی بین مردم و حاکمیت
 - کسب و کار و شبکه های اجتماعی و پیام رسان؛ مانند فیسبوک^۵، بیتالک^۶،

-
1. Telegram
 2. WhatsApp
 3. Imo
 4. Skype
 5. Facebook
 6. Beetalk

کلوب^۱ و تانگو^۲

- Facebook، Cloob، Beetalk، Tango و... و

- تفریح و سرگرمی.

با بررسی سطحی این حجم از خدماتی که در فضای مجازی قابل ارائه است، می‌توان تا حدود زیادی به ظرفیت‌های مختلف فضای مجازی برای بهره‌برداری‌های مختلف از جمله تربیت نسل جوان پی برد.

به طور کلی، فضای مجازی پیوستاری از فضای واقعی است؛ هر چند تفاوت‌هایی با فضای فیزیکی دارد. فضای مجازی را می‌توان فضایی تلقی کرد که واقعیت دارد؛ چون اعمال انسان در این فضا تأثیری واقعی دارد؛ به تعبیر آیت الله جوادی آملی، چیزی که امروز به عنوان فضای مجازی معروف شده، در اصل حقیقت است چرا که مجاز را میتوان کنار زد، اما حقیقت را نمی‌توان، بنابراین فضای مجازی در اصل خودش حقیقت است. این سیم و تلویزیون حقیقت نیست؛ بلکه آن چیزی که معرفت و شناخت باشد، حقیقت است.

به بیان دیگر، آنچه با اندیشه مرتبط است و پیام را به ذهن منتقل می‌کند، حقیقت است؛ حتی اگر از ابزار حسی یا ماورای حس استفاده شود؛ در عین حال، این فضا ویژگی‌هایی دارد که کم و بیش آن را با فضای فیزیکی و عینی متمایز می‌کند که در ادامه به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود: (سیاح طاهری و همکاران، حقیقت مجازی: ۳۳-۳۵)

۱. پویایی زمان

روز و شب در فضای مجازی وجود ندارد و هر زمان که اتصال به اینترنت ایجاد شود،

1. Cloob

2. Tango

هزاران نفر دیده می‌شوند که آنلاین هستند و به کار مشغولند. به عبارت دیگر، کار در فضای مجازی تمامی ندارد؛ یعنی تولید و توزیع، پیوسته و ناتمام ادامه دارد.

۲. فشرده‌گی مکان

در زمان‌های قدیم فاصله جغرافیایی محدودیت محسوب می‌شد؛ در حالی که در این فضا این مشکل از بین رفته است و در این محیط همه جهان با هم همسایه شده‌اند؛ لذا افراد بدون طی مسافت فیزیکی می‌توانند با دوستان، همکاران، جوامع و فرهنگ‌های مختلف آشنا شوند و تعاملات درازمدت برقرار کنند، اخبار به سادگی در دسترس افراد قرار می‌گیرند و به سرعت با واکنش‌هایی مواجه می‌شوند.

۳. تکثر و تنوع عددی

جهان مجازی از محیطی متکثر، عددی، غیر مرکزی و به هم پیوسته برخوردار است. همین ویژگی باعث لایه‌ای شدن فضای مجازی می‌شود که طبقه‌بندی اطاعات و دسترسی به آن‌ها را بسیار سرعت می‌بخشد.

اطاعات مربوط به اشخاص، علوم، ادیان، هنرها، اشیاء و اماکن همگی در فضای مجازی به راحتی قابل دسترسی هستند. با توجه به این ویژگی و در ارتباط با اصل هدایت‌خواهی و حکمت‌جویی می‌توان با تأمین محتوای مختلف دینی و مذهبی و ارائه عقاید اصیل اسلامی و فراهم کردن دسترسی آسان به منابع موثق دینی در تأمین نیازهای متری جوان تسهیل و تسریع ایجاد نمود.

۴. گمنامی هویت

در فضای مجازی این امکان وجود دارد که سن، جنس، طبقه و دیگر ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی کاربر مطابق با میل او ارائه شود و پس از مدتی می‌تواند همین مشخصات را تغییر دهد. بر این اساس، امکان گمنامی و ناشناخته بودن، امکان پنهان‌سازی ابعادی از شخصیت، جستجوی همفکران، دوستی با دوستان، اختیار و اقتدار مطلق و احساس عدم تعلق به مکان خاص از مهم‌ترین تأثیرهای این فضا است.

۵. فردگرایی

در فضای مجازی محدودیت‌های ناشی از عضویت در خانواده، گروه و جمعیت‌های خاص از بین می‌رود و فرد نیازی ندارد ملاحظه کسی را کند و رفتارش را متناسب با هنجارها و تأیید دیگران شکل دهد؛ بنابراین به راحتی می‌تواند با هر کس که می‌خواهد ارتباط برقرار کرده یا قطع رابطه کند. این ویژگی در عین این که احساس آزادی زیادی به افراد می‌دهد، باعث خودمحوری و فردگرایی در افراد می‌شود که تنها خود و خواسته‌های خودشان برایشان اهمیت داشته باشد و به مرور ترجیح می‌دهند به جای ارتباط با دیگران، با رایانه بی‌طرفی ارتباط برقرار کنند.

ضرورت بهره‌گیری از فضای مجازی در تربیت دینی نسل جوان

وقتی که گفته می‌شود نسل جوان، مقصود حتماً طبقه جوان نیست؛ بلکه طبقه‌ای است که در اثر تحصیلات و آشنایی با تمدن جدید دارای طرز تفکر خاصی است، خواه پیر باشد یا جوان؛ البته غالب این طبقه را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند و به همین سبب، نسل جوان گفته می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۸)

مسئله‌ای که با عنوان رهبری نسل جوان مطرح است، مسئولیتی عمومی است که متوجه عموم مسلمانان است و به ویژه متوجه طبقه‌ای است که سمت رسمی رهبری دینی اجتماع را دارند. این اصل روشن است که در دین اسلام، مسئولیت‌ها مشترک است؛ یعنی افراد مسئول یکدیگرند و در مسئولیت‌های یکدیگر شریکند.

نبی مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید:

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ۳۸)

هر کدام از شما مسئول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند، بازخواست خواهید شد.

بنابراین، نسل‌ها مسئول یکدیگرند و هر نسل مسئول نسل بعدی است که این دین و هدایتی که از نسل‌های گذشته به آن‌ها رسیده است را حفظ کنند و به نسل بعدی برسانند؛ یعنی نسل‌های بعدی را برای پذیرفتن و استفاده از آن آماده کنند.

رهبری یک فرد یا یک نسل در همه احوال و شرایط یکسان نیست و متفاوت است، شکل‌ها و کیفیت‌های گوناگون دارد؛ حتی وسایلی که به کار برده می‌شود نیز متفاوت است و یک نسخه معین ندارد که درباره همه افراد و همه نسل‌ها در همه زمان‌ها یک جور داده شود؛ از این رو در هر زمانی و در هر شرایطی باید دقیقاً اندیشید که به چه نحو باید صورت بگیرد و چه نسخه‌ای باید داده شود.

مسئولیت‌های دینی انسان بر دو قسم است: بعضی مسئولیت‌ها، مسئولیت یک کار است با یک شکل خاص و قیافه معین؛ البته این کار برای نتیجه‌ای فرض شده، اما مسئول نتیجه، انسان نیست که این‌ها را تعبدیات می‌گویند.

نوع دیگری از مسئولیت هست که مسئولیت نتیجه نامیده می‌شود؛ یعنی نتیجه را به عهده انسان می‌گذارد؛ اما این‌که آن نتیجه با چه وسیله و مقدمه و شرایط و در چه قالبی انجام داده شود، یک وسیله ثابت و یکنواخت و قابل اندازه‌گیری و معینی ندارد؛ در هر موردی و در هر زمانی آن وسیله فرق می‌کند.

در دین اسلام هر دو گونه مسئولیت وجود دارد؛ نماز و روزه و سایر تعبدیات از نوع اول است؛ اما جهاد از نوع دوم است.

در جهاد مسلمانان موظفند از حوزه اسلام دفاع کنند و استقلال مسلمین را حفظ نمایند؛ اما با چه وسیله‌ای؟ آیا با شمشیر یا تفنگ یا وسایل دیگر؟ این مطلب تعیین نشده و قابل تعیین و اندازه‌گیری نیز نمی‌باشد؛ چرا که مسلمانان در هر زمانی موظفند بهترین وسیله را برای این کار تهیه کنند:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ...»؛ (انفال، ۶۰) و هر نیرویی در قدرت دارید،

برای مقابله با آن‌ها [دشمنان] آماده سازید.

حضرت یعقوب علیه السلام به پسرانش که برای یافتن بنیامین به مصر رفته بودند، فرمود:
«لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ...»؛ (یوسف، ۶۷)
همه از یک در وارد نشوید، بلکه از درهای مختلف درآیید.

بنابراین، باید از تمام امکانات استفاده کرد و بهترین وسیله را در هر زمانی شناسایی کرد.

از طرف دیگر، مسئله هدایت و رهبری از نوع دوم است. مسلمانان مسئول هدایت یکدیگرند و هر نسلی مسئول هدایت نسل بعدی است؛ به ویژه کسانی که سمت رسمی رهبری دارند، مسئولیت بیشتری دارند.

به هر حال این نتیجه - هدایت یافتن - باید به دست آید و وسیله‌ای که باید از آن استفاده شود نیز برای همیشه و همه جا تعیین نشده و قابل تعیین و اندازه‌گیری نیست.

قرآن کریم در آیه زیر، نتیجه را می‌خواهد و به وسیله کار ندارد:
«قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...»؛ (تحریم، ۶)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید، چنان آتشی که مردم و سنگ آتش افروز اوست.

در دین اسلام برای هدایت و رهبری، یک شکل ۱۰۰ درصد معین ترسیم نشده که همه اجزا و مقدمات و مقارنات و شرایط و موانع را در نظر گرفته باشد؛ هم‌چنین قابل تعیین و ترسیم و اندازه‌گیری نیست، چون متفاوت است:

«إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَإِقْبَالًَ وَإِدْبَارًا فَأَتْوَاهَا مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِهَا وَإِقْبَالِهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أَكْرَمَ عَمِيَّ»؛ دل یک میلی دارد و اقبالی و ادباری، کوشش کنید دل‌ها را از ناحیه میل آن‌ها پرورش دهید، به زور وادارشان نکنید،

قلب اگر مورد اکراه و اجبار قرار بگیرد کور می‌شود؛ یعنی خودش واپس می‌زند. (به نقل از مطهری، ۱۳۸۸)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ...»؛ (ابراهیم، ۴) ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش، نفرستادیم.

امروز فضای مجازی، زبان نسل جوان است و بسیاری از اطلاعات خود را از این فضا کسب می‌کنند.

در حال حاضر دشمن از این ابزار برای نفوذ و سیطره و سلطه فرهنگی استفاده می‌کند؛ پس باید از این فضا برای تبلیغ و ترویج فرهنگ و معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام استفاده کرد. شما فرض کنید یک دیوار در خیابان است که هر کس می‌تواند اعلامیه‌اش را بچسباند، اگر مذهبیون از این دیوار استفاده نکنند، کسانی که قصد و نیتشان تخریب و ضربه زدن به مذهب و دین است، از این دیوار استفاده سوء می‌کنند. (قرائتی، ۱۳۹۶)

نتیجه آن‌که اولیای خدا علیهم‌السلام از هر فرصتی به بهترین نحو استفاده می‌کردند؛ هم‌چنان که برای عبادت، ماه رمضان یک فرصت است؛ برای معاد، استفاده از بهار یک فرصت است؛ برای نزول آیات، شأن نزول یک فرصت است، فضای مجازی نیز برای تبلیغ و ترویج معارف دین، یک فرصت است.

در احادیث چنین آمده است:

- «الْفُرْصَةُ سَرِيعَةُ الْفَوْتِ وَبَطِيئَةُ الْعَوْدِ»؛ (مجلسی، ج ۷۸: ۱۱۳)

فرصت، زودگذر و دیرباب است.

- «بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً»؛ (نهج البلاغه، نامه ۳۱) فرصت را

غنیمت شمار، پیش از آن‌که اندوهی گلوگیر شود.

آشکار است که با علم و فناوری نمی‌شود مخالفت کرد. امام خمینی علیه السلام وقتی از پاریس به بهشت زهرا علیها السلام آمدند، فرمودند: ما با سینما مخالف نیستیم، با فیلم بد مخالف هستیم.

امروز فضای مجازی به عنوان یک ابزار در دسترس همه و به ویژه جوانان است؛ ابزاری کم هزینه، سریع، فرامرزی، جذاب و دوطرفه که یک فرصت خوب است، عکس، فیلم، صوت، متن و همه نوع محتوایی در آن امکان ارسال و استفاده دارد و شرایطی پیش آمده که باید از آن استفاده کرد.

یکی از اعمال عمره و حج، سعی بین کوه صفا و مروه در کنار مسجد الحرام است که حاجی باید ۷ بار این مسیر را طی کند. پیش از اسلام، روی کوه صفا یک بت و روی کوه مروه بت دیگری قرار داشت. در زمان پیامبر، مسلمان‌ها گفتند: چون روی این دو کوه بت است، ما سعی را انجام نمی‌دهیم. آیه نازل شد که نگوید چون بت است، ما نمی‌رویم؛ بلکه بروید و با حضور خودتان شعائر الهی را تقویت کنید: «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا...»؛ (بقره، ۱۵۸) سعی صفا و مروه از شعائر دین خداست، پس هر کس حج خانه کعبه یا اعمال مخصوص عمره به جای آورد، باکی بر او نیست که سعی صفا و مروه نیز به جای آرد.

به طور کلی، در فضای مجازی هم می‌شود کار حق انجام داد، هم کار باطل؛ اگر دانشمندان، استادان، علماء، طلاب، فرهنگیان، دانشجویان و اهل فرهنگ، فضای مجازی را از حق پر کنند، حضور باطل در این فضا کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

از طرف دیگر، بیشترین کاربران و مخاطبان اینترنت را نوجوانان و جوانان تشکیل داده و آن‌ها بخشی از اوقات روزانه خود را به این محیط اختصاص می‌دهند. با توجه به این‌که نسل جوان در مرحله‌ای از زندگی خویش به سر می‌برند که بیش از

سایر اقشار در معرض تأثیرپذیری فرهنگی قرار دارند و عمدتاً نیز از استفاده کنندگان این پدیده هستند، این ارتباط می‌تواند در نگاهی مثبت، زمینه تعالی و افزایش آگاهی‌ها و رشد مهارت‌های مختلف آن‌ها را فراهم سازد و در نگاه منفی نیز زمینه‌ساز فساد، انحراف و در نهایت سقوط آن‌ها گردد.

در دسترس بودن و حضور بی‌مرز و دائمی فضای مجازی کنار کاربران و اثر آن در همه شئون فردی و اجتماعی ایشان، به آرامی اندیشه و رفتار و شخصیت و در مجموع، سبک زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بنابراین، اینترنت از یک طرف این امکان را برای نوجوان و جوان ایجاد می‌کند تا تحول و دگرگونی مثبت و اساسی در ساختار هویت و شخصیت او ایجاد شود و او را در مسیر کمال و دانایی و ارزشمندی سوق دهد و از سوی دیگر، می‌تواند او را درگیر گروه‌ها و افراد ناهنجار و ضد ارزش و ضد دین که به وفور در فضای اینترنت حضوری فعال دارند، نماید و رفته رفته او را از فطرت و هویت اصیل خویش دور ساخته و به فردی ناهنجار و منحرف تبدیل نماید.

در نتیجه و با توجه به حضور گسترده و وسیع نوجوانان و جوانان در محیط اینترنت، لازم است در برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های هدفمند در حوزه فناوری ارتباطی - به ویژه فضای مجازی - جایگاه و نگاه ویژه‌ای نسبت به آن داشت.

مدیران و متولیان سایت‌ها و درگاه‌های مجازی نیز باید سعی و تلاش خویش را به کار گیرند تا با بهره‌گیری از قالب‌های مختلف هنری، تصویری و گرافیکی، نهایت جذابیت‌بخشی را در فضای مجازی به اجرا درآورند؛ چرا که این محیط، بیشترین جذابیت را برای نوجوانان و جوانان دارد و آن‌ها بیشترین تأثیرپذیری را از این فضا دارند.

با توجه به این‌که در این مقطع، شخصیت و هویت نسل جوان شکل می‌گیرد، لذا اتخاذ رفتار مثبت و نهادینه شدن این‌گونه رفتارها در وجودشان، می‌تواند آینده آنان و جامعه را از حیث حفظ هنجارها و ارزش‌ها بیمه نماید و از بسیاری انحرافات و کجروی‌ها جلوگیری نماید.

ایجاد جامعه‌ای سالم برای فردا، در گرو داشتن نگاهی ویژه به نوجوانان و جوانان امروز است و آشناسازی این قشر با مبانی دینی و معرفت‌شناسی در فضای مجازی با محتوای غنی دینی و مناسب، آن‌ها را در برابر هجوم فرهنگ بیگانه، مقاوم خواهد ساخت؛ در غیر این صورت، بی‌توجهی به نسل جوان و فراهم نکردن زمینه‌ها و بسترهای فعالیت مفید و مثبت آنان در فضای مجازی موجب نتایج منفی و ویران‌کننده خواهیم شد. (موظف رستمی، ۱۳۹۲)

حضور دشمنان در فضای مجازی

در حال حاضر نظام استکبار جهانی با اهداف مختلفی از فضای مجازی بهره‌برداری می‌کند؛ هم‌چنان که عده‌ای با مقاصد شیطانی به دنبال ارائه و ترویج باورها و رفتارهای انحرافی هستند.

قرآن کریم می‌فرماید:

- «وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ لِجَادِلْوكُمْ...»؛ (انعام، ۱۲۱)

و شیاطین به دوستان و پیروان خود وسوسه کنند تا با شما به جدل و منازعه برخیزند.

- «فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى

فَنَسِيًّا»؛ (طه، ۸۸) آن‌گاه سامری با آن زر و زیورها مجسمه گوساله‌ای ساخت که صدایی شگفت داشت و [به یکدیگر] گفتند: خدای شما و خدای موسی همین گوساله است که موسی فراموش کرده است.

بنابراین، دشمنان می‌خواهند کاری کنند که مردم غافل شده و از موسی دور

شوند. (قرآنی، ۱۳۹۶)

دشمن از طریق تولید و ترویج شبهات و تولید محتوای ضد عفت و حیا به دنبال انحراف جوانان مؤمن و سالم از اصل دین و دریدن پرده‌های حیا است و امروز این کار در بستر فضای مجازی انجام می‌شود؛ پس حوزه‌های علمیه و دانایان مذهب باید قابلیت مواجه شدن با لشکر دشمن را در خود ایجاد کنند.

فضای مجازی در رویکرد مقام معظم رهبری با تأکید بر نقش دشمنان در این حوزه

- فضای مجازی به صورت توأمان دارای منافع و مضرات بی‌شماری است که باید با استفاده از فرصت‌های آن، مفاهیم اسامی را در سطح گسترده ترویج کرد. هر یک نفری که بتواند با رایانه کار بکند، یک رسانه است. می‌نشینند پخش می‌کنند شبهات را، حرف‌ها را، جوان‌های مؤمن را، جوان‌های سالم را گمراه می‌کنند. حوزه‌های علمیه و روحانیون باید با شناخت فضای مجازی و استفاده از فرصت‌های آن، معارف و مفاهیم اسامی را تبیین کنند. (مقام معظم رهبری، درس خارج فقه، ۱۳۹۵/۶/۱۶)
- باید با استفاده از توانایی‌ها و استعدادهاى جوان کشور و با سیاست‌گذاری صحیح و اقدامات سنجیده و هماهنگ و بدون از دست دادن زمان به سمت خروج از حالت انفعال در عرصه فضای مجازی و حضور فعال و تأثیرگذار و تولید محتوای اسامی متقن و جذاب حرکت کنیم. (همان، دیدار با اعضای شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۴/۶/۱۶)
- دشمنان ما بیکار ننشسته‌اند، از مطبوعات استفاده می‌کنند، از تبلیغات استفاده می‌کنند و از روش‌های گوناگون تبلیغی استفاده می‌کنند تا آن ارزش‌هایی را که ملت به آن‌ها پایبند است و آن‌ها از آن ارزش‌ها خوششان نمی‌آید، در چشم مردم بشکنند. (همان، دیدار با مردم گرمسار، ۱۳۸۵/۸/۲۱)

- این شیطانی که حمله می‌کند، همیشه یک جور حمله نمی‌کند. شیطان امروز که از راه اینترنت و ماهواره و روش‌های ارتباطی مدرن و فوق مدرن سراغ شما می‌آید، حرف‌های مدرنی هم دارد؛ سخت‌افزارش را مدرن کرده، نرم‌افزار مدرن هم دارد. شبهه‌آفرینی دارد، اخلال در عقیده دارد، ایجاد تشویش در ذهن دارد، تزریق ناامیدی دارد، ایجاد اختلاف دارد. (مقام معظم رهبری، دیدار با روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰)
- شما ببینید امروز وسایلی که برای اغوای دل جوان‌ها هست، چقدر است؟ قابل مقایسه با گذشته نیست. این ماهواره‌ها، این اینترنت‌ها، این انواع و اقسام وسایل ارتباطات، این‌ها دل‌ها را اغوا می‌کند، جذب می‌کند، از راه به در می‌برد، انگیزه‌های معنوی را در انسان سست می‌کند، شهوات را در انسان بیدار می‌کند. (همان، دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۶/۱)
- امروز مهم‌ترین ابزار جنگ بین قدرت‌ها در دنیا رسانه است و امروز حتی قدرت‌های بزرگ هم با رسانه‌ها دارند کار می‌کنند. امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون‌ها و هنرها و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیشتر است. امروز دنیا، یک چنین دنیایی است. روزه روز هم دارند این میدان را گسترش می‌دهند. (همان، بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۲/۲۸)
- امروز تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوری‌های جدید ارتباطی، خیلی جدی است؛ صدها وسیله و راهرو اطلاعات به سمت فکر جوان و نوجوان ما وجود دارد؛ از انواع شیوه‌های تلویزیونی و رادیویی و رایانه‌ای و امثال این‌ها دارند استفاده می‌کنند و همین‌طور به صورت انبوه، افکار و

شبهه‌های گوناگون را در آن‌ها می‌ریزند، باید در مقابل این‌ها ایستاد. امروز نمی‌شود به همان روش‌های قدیمی خودمان اکتفا کنیم؛ البته که جوان نمی‌آید. جوان را باید بشناسید، فکر او را باید بشناسید، آن‌چه را که به او هجوم آورده، باید بشناسید. تا میکروب و بیماری را نشناسید که علاج نمی‌توان کرد. (مقام معظم رهبری، دیدار با روحانیون استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۷)

فضای مجازی و تسهیل‌گری تربیت

از میان سه مؤلفه چرخه اطلاع‌رسانی و ابلاغ پیام دینی، دو مؤلفه آن در دست ما قرار دارد: نوع پیام، محتوا و دیگری گوینده یا صاحب پیام که این بهترین فرصت برای ایجاد تعامل و ارتباط دوسویه با کاربران برای انتقال مفاهیم و پیام‌های دینی است. این انتقال پیام بر بستر فضای مجازی از ویژگی‌های مهمی برخوردار است؛ از جمله هزینه کم، سهولت دسترسی، گستره وسیع، بهره‌گیری از امکانات مختلف صوتی و تصاویر پویا و تعامل گروهی و دریافت بازخورد از مخاطب که فضای مجازی را نسبت به متون مکتوب، برتری می‌بخشد.

از طریق فضای مجازی می‌توان محتوا و مفاهیم دینی را به تمامی جوامع بشری ابلاغ کرد. در این فضا مخاطبان و کاربران از سایر مناطق جهان به صورت تعامل دوسویه و گفتمان مجازی می‌توانند با هم در ارتباط باشند و نیز می‌توان اطلاعات و مطالب هدفمند را به صورت پیام کوتاه، چکامه، نثر ادبی، داستان کوتاه، حکایت، ضرب‌المثل، شعر، پند و اندرزهای جهت‌دار در قالب بلوتوث یا پیام کوتاه به کاربران عام و خاص فعال در عرصه اینترنت اطلاع‌رسانی کرد. (موظف رستمی، ۱۳۹۲)

هم‌چنین در فضای مجازی، هم می‌توان گفتگو کرد و هم گفتگو را آموزش داد که هر دو به قدر کافی ارزشمند هستند؛ لذا فضای مجازی می‌تواند با طرح این

تکثرگرایی، مقدمه‌ای برای کندوکاو برای یافتن حقایقی کاملتر نسبت به بقیه عقاید فراهم سازد؛ لذا این امکان فراهم می‌شود که در میان این عقاید متکثر جستجو شود و بهترین عقیده را انتخاب نمود. (ناجی، ۱۳۸۸)

امکان راه اندازی وبلاگ و درگاه‌های تخصصی با موضوعات مختلف دینی مثل قرآن، احکام، آیات، روایات، ادعیه و مباحث فقهی با توجه به ضرورت و اهمیت وبلاگ‌نویسی در امر اطلاع‌رسانی و توسعه روزافزون آن در میان کاربران ایرانی، می‌توان این پدیده را به عنوان مهم‌ترین ابزار تبلیغ دینی در دنیای مجازی اسلام نام برد. اهمیت وبلاگ‌نویسی دینی آن‌جا بیشتر می‌شود که توسط گروه‌های مردمی و داوطلبان دینی در این عرصه صورت می‌گیرد. (روزنامه ابتکار)

وبلاگ به عنوان یک امکان اینترنتی، حوزه عمل فردی را به خارج از چارچوب‌ها و محدودیت‌های گذشته توسعه می‌دهد و جایی است برای انتشار ارزان و نسبتاً آزاد اندیشه‌های شخصی؛ به عبارتی یک نشریه است که کار زیادی نمی‌برد. وبلاگ امکان آگاهی یافتن از نظرات دیگران و ایجاد رابطه با آن‌ها را نیز ایجاد کرده است، از امکانات محدود تعاملی که همان نظر دادن است برخوردار است و این امکان تداوم ارتباط و گرفتن بازخورد را فراهم می‌کند. (رضانیا، روزنامه همشهری)

امروزه فناوری در حوزه IT آن‌چنان پیشرفت نموده است که امکان بهره‌مندی برای ناتوان‌های جسمی نیز فراهم آورده است.

با توجه به این‌که یکی از راه‌های انتقال پیام و مفاهیم، استفاده از تصویر، عکس و گرافیک و نقاشی است، این موارد در فضای مجازی بسیار کاربرد داشته و در این فضا به گونه‌ای از آن‌ها استفاده می‌شود که امکان استفاده برای بی‌سوادان و کم‌سوادان فراهم نموده است.

در فضای مجازی این امکان وجود دارد که برای مخاطب و کاربران هدف خاص و عام با توجه به جنسیت، سطح سواد و دانش، مقطع سنی، از صنوف مختلف و از اقشار متفاوت، نوع نژاد، نوع زبان و لهجه با هدف تأثیرگذاری عمیق‌تر و نفوذ بیشتر برنامه‌ریزی نمود.

از طرفی، امکانات و زمینه‌های لازم در فضای مجازی برای ارائه آموزش‌های سنتی و کلاسیک، حوزوی و دانشگاهی وجود دارد؛ به همین خاطر طرح تحصیل در دانشگاه‌های مجازی و حضور طلبه‌ها در حوزه‌های علمیه مجازی وجود دارد. یکی دیگر از ظرفیت‌های مناسب در فضای مجازی، امکان شناخت منطقه زندگی و محل تماس کاربران متفاوت از قاره‌ها، کشورها و مناطق مختلف است که این امر موجب می‌شود با شناخت درست از آن‌ها، محتوا و اطلاعات متناسب با محیط‌های مختلف فضای مجازی، سایت، وبلاگ، چت و سخنرانی اینترنتی را در اختیارشان قرار داد.

فضای مجازی را باید فرصتی مناسب برای تبادل اندیشه‌های دینی و ترویج و گسترش آن و دروازه‌ای برای ورود اندیشه‌ها و انگیزه‌ها به عالم واقعیت دانست. یکی از فرصت‌ها و امتیازات فضای مجازی، مانایی مطالب و محتوای ارائه شده در این فضا است. مطالب تبلیغی، به این معنی که اگر در تبلیغ سنتی مطالب در همان زمان ارائه، قابل استفاده برای عده خاص حاضر است، در تبلیغ اینترنتی این محدودیت وجود ندارد و مخاطب هر زمان که بخواهد، می‌تواند به مطالب دسترسی داشته باشد؛ هم‌چنین علاوه بر مخاطبان بالفعل که مطالب را پیگیری مستمر می‌کنند، مخاطبان بالقوه‌ای نیز وجود دارند که از راه‌های دیگر مانند جستجوگرها مطالب را مشاهده و استفاده می‌کنند. (زارع، پیچ و خم‌های تبلیغ اینترنتی)

گفتمان و تعامل در فضای مجازی به گونه‌ای است که گوینده می‌تواند بسیاری از منابع و کتب مرجع برای پاسخگویی را در کنار خویش به صورت Online داشته باشد و به محض نیاز تبیین و تشریح موضوعی با دقت و صحت بالا آن را برای کاربر ارائه نماید. این مطلب برای مبلغین دینی بسیار کاربرد دارد.

در فضای مجازی امکان ذخیره‌سازی اطلاعات و محتوای ارائه شده و حتی مجموعه صحبت‌ها و حرف‌های رد و بدل شده بین گوینده و کاربر وجود دارد که تمامی این پیام‌ها قابل استفاده و بهره‌برداری و تحلیل و بازآفرینی در آینده است. اینترنت تنها فضایی است که استراحت و سکوت و قطع و ارتباط در آن معنا و جایگاهی ندارد. در هر لحظه هزاران کاربر در سراسر جهان در حال برقراری ارتباط بوده و در این میان، میلیون‌ها پیام در این فضا منتقل می‌شود. پیام‌هایی که بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و هویت فرهنگی کاربران آن در سطح خرد و بر نظام فرهنگی و سیاسی در سطح کلان تأثیر می‌گذارد.

فضای آزاد اینترنتی، محل حضور میلیون‌ها کنشگر اینترنتی است که می‌توانند با تفسیرهای نمادین در اینترنت به کنش فردی و جمعی متقابل بپردازند، در اجتماعات مجازی حضور سایبری داشته باشند، گروه مجازی تشکیل دهند، با افراد دیگری که از اینترنت استفاده می‌کنند به بحث آزاد در مورد موضوعات گوناگون بپردازند و در نهایت، از اطلاعات و اخبار موجود در سایت‌های اینترنتی به صورت گزینشی و بدون داشتن محدودیت‌های رسانه‌های دیگر که بر خلاف اینترنت عمدتاً یک‌سویه هستند، استفاده کنند. (حق‌گویی، ۱۳۸۸)

یکی از روش‌هایی که در فضای مجازی از کاربرد زیادی برخوردار بوده و حتی انگیزه بسیاری از کاربران و مدیران سایت‌ها را در چگونگی بهره‌مندی از مزایای

مادی و معنوی آن تشکیل می‌دهد، انجام تبلیغات و آگهی‌های تبلیغاتی در این فضا است که بخش مهم و عمده‌ای از این فضا را این موضوع به خود اختصاص داده است. این ظرفیت تبلیغاتی که روز به روز با قالب‌ها و شیوه‌های متفاوتی در حال گسترش است، تأثیرگذاری زیادی بر کاربران ایجاد نموده است؛ هر چند در حال حاضر جای تبلیغات دینی در این فضا بسیار اندک و در حد پایینی قرار دارد.

در حال حاضر، استفاده از فناوری در آموزش تدریس به وجود آمده که آهسته و انبوه کار خود را به پیش می‌برد؛ هم‌چنان که بعضی از معلمان از وایت‌برد تعاملی^۱ در نمایش محتوا و نظریات در مباحث کلاسی به روش سنتی استفاده می‌کنند و نهایتاً قابلیت انجام فرایندهای اداری و مدیریتی از قبیل ثبت‌نام، پرداخت شهریه، نظارت بر روند اجرای فعالیت‌های یادگیرنده، تدریس و اجرای ارزشیابی از راه دور در این فضا فراهم شده است. (غفاری، www.hamshahrionline.ir)

امروزه به مدد فناوری نوین ارتباطی و اطلاعی در محیط سایبر و فضای مجازی، مخاطبان می‌توانند بلافاصله پس از دریافت پیام، نظرات خود را به فرستنده پیام که می‌تواند در فضای یک سایت، وبلاگ یا ایمیل باشد، منعکس نمایند. تعامل بین فرستنده و مخاطب نیز منجر به فعال شدن مخاطب در جریان ارتباط می‌شود، در عرصه‌ای که یک فرد هم می‌تواند فرستنده پیام و هم گیرنده پیام باشد. (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱)

یکی دیگر از قابلیت‌های فضای مجازی ساخت کتاب مجازی- الکترونیکی- است. در کتاب چاپی باید حتماً یک سری منابع وجود داشته باشد و منبع باید در متن چاپ شود؛ ولی در فضای مجازی می‌توان از پیوندها و ابرپیوندها^۲ استفاده کرد و کتاب در واقع یک کتاب نیست، بلکه از طریق یک نظام بین متنی تبدیل به یک

-
1. Whiteboard Interactive
 2. Hyperlink

«همه کتاب در موضوع خود» می‌شود و هر جایی که متعلق به دیگران است را می‌توان پیوند داد و این یک جهان کتاب در کتاب قرار می‌گیرد؛ هم‌چنان که گستردگی سؤالات، مباحث مستحدثه و مسائل فقهی و احکام، نیاز به کتب مرجع مختلف دارند که در این موارد می‌توان کاربر را به اصل کتاب ارجاع داد. (عاملی، ۱۳۸۸)

با توجه به گستره وسیع اطلاعات، داده‌ها و محتوای متنوع و مختلف، فضای مجازی می‌تواند در زمینه تقویت مبانی دینی، اعتقادی و آموزشی نیز نقش تکمیلی، جبرانی، تأخیری، تعجیلی یا ترمیمی ایفا نماید.

یکی از زیرساخت‌ها و بسترهای مناسبی که درخصوص دستیابی آسان به فضای مجازی ایجاد شده است، حذف سیم و کابل برای اتصال به شبکه اینترنت است.

سیستم بدون کاربرد سیم این امکان و قابلیت را برای مبلغین دینی فراهم نموده است که در هر لحظه و در هر مکانی که مخاطب نیازمند پاسخ سؤال و یا طرح مسئله‌ای بود، وی را بی‌پاسخ نگذارد و با مراجعه به منابع و محتوای بسیار انبوه مطالب در فضای مجازی، بهترین پاسخ را ارائه نماید.

امروزه تبلیغ در حوزه دین بدون بهره‌گیری از ابزار و فناوری ارتباطی و استفاده از اقلام فرهنگی و هنری و تبلیغی به آسانی صورت نمی‌گیرد؛ این مباحث هم برای کاربران دارای اهمیت است و هم برای متولیان تبلیغی مهم است و این امر، ناخواسته هر دو گروه را وادار به تهیه این ابزار و لوازم می‌نماید.

در این جاست که نقش تجارت فرهنگی و دسترسی به بازار اقلام و لوازم فرهنگی ضرورت پیدا می‌کند. این قابلیت در فضای مجازی وجود دارد تا این امکان و فرصت را برای کاربران و متولیان تبلیغی قرار دهد تا با این روش، اقدام به خرید نمایند.

یکی از امکانات خوب فضای مجازی در برقراری ارتباط با تعداد بی شماری از کاربران در یک لحظه و تنها با یک کلیک و ارسال پیام و اطلاعات و محتوای مفید است که هم به صورت برخط و هم با ارسال به پست الکترونیکی همزمان برای مخاطبان و کاربران مختلف ایجاد می شود.

دیگر کاربرد، امکان دسترسی آسان و سریع برای هر مطلب یا اطلاعاتی است که مورد نیاز کاربر باشد و این مطلب از طریق موتورهای جستجوگر اینترنتی تأمین می شود. با جستجوگر این امکان وجود دارد که در حداقل زمان ممکن به اطلاعات مورد نیاز دسترسی پیدا شود.

به عنوان مثال؛ در گذشته و در نبود فضای مجازی دسترسی افراد به سخنرانی ها و کتاب های علمای دین که در شهرهای دور ساکن بودند، با سختی و هزینه زیاد همراه بود و بسیاری از آن ها به دست مخاطب نمی رسید؛ اما امروزه مبلغین دین با صرف هزینه و زمان اندک قادر به انتشار فیلم و صوت محتوای سخنرانی ها و جلسات عالمان و استادان دین هستند و تهیه و توزیع همزمان، بدون وقفه، برخط، بدون صرف هزینه حمل و نقل مطبوعات و نشریات برای کاربران و مشترکین در فضای مجازی نیز امکان پذیر است.

در فضای مجازی امکان بهره گیری و تعامل و ارتباط چندرسانه ای و استفاده همزمان چند ابزار و قالب هم چون عکس صدا، تصویر، گرافیک و متن وجود دارد که این عناصر نقش مؤثری در تبلیغ مفاهیم دینی دارند.

یکی از کاربردهای مهم در محیط سایبر و فضای مجازی، امکان قرار دادن نظرسنجی جهت ارائه نظر توسط کاربران است. این امر باعث می شود هر چه سریع تر نسبت به بازخورد فعالیت ها آگاهی ایجاد شود؛ چون کاربران به صورت مجازی و ناشناس نظر می دهند، ملموس تر و بهتر نقاط ضعف و نواقص را بیان می کنند، در نتیجه در کیفیت بخشی به اطلاعات، نقش مهم تری ایفا می نمایند.

درج مورد آمار تعداد بازدید کنندگان در فضای مجازی کمک می‌کند به نتایج و بازخورد کار پی برده شود؛ چرا که به هر میزان این آمار از افزایش کمی برخوردار گردد، نشانه دارا بودن کیفیت اطلاعات و محتوا و در نظر گرفتن ذوق و سلیقه کاربران است و اگر این آمار پایین باشد، نمود کم کیفیتی و یا در نظر نداشتن نظر و سلیقه مخاطبان است. این امکان، کمک شایانی در دستیابی به اهداف می‌کند.

به کارگیری رنگ‌ها نیز می‌تواند بیشترین رابطه ذهنی را با کاربران برقرار نماید. با توجه به جغرافیا، فرهنگ، نژاد و جنسیت، وجود هر رنگ نماد خاصی از فرهنگ جوامع مختلف انسانی اعم از طوایف، قبایل، نژادها و مناطق مختلف جغرافیایی است؛ هم‌چنین استفاده از رنگ در بهتر و زیباتر ارائه دادن اطلاعات و محتوا نقش مهمی دارد.

به طور کلی، آنچه در محیط سایبر و فضای مجازی در ارتباط با تعامل دوسویه اهمیت دارد، ارائه اطلاعات بر اساس نوع تقاضا و نیاز کاربران است. همین موضوع این امکان را به پیام دهنده می‌دهد تا از ارائه مطالبی که مطابق ذوق و سلیقه کاربر نباشد، جلوگیری نماید که این به مانایی تعامل و ارتباط دوسویه کمک خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه از ظرفیت‌های فضای مجازی در رابطه با تربیت دینی مورد بررسی قرار گرفت، برای افزایش بهره‌وری استفاده از فضای مجازی، موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- حضور کارشناسان دینی و مبلغان اسلامی در فضای مجازی و تولید

محتوای غنی و موثق از جمله محتوای متنی، صوتی و تصویری

- برنامه‌ریزی جهت جذب نسل جوان به وبسایت‌ها و صفحات مذهبی با توجه به تأمین محتوای متناسب با انواع سلیقه و در نظر گرفتن انواع نیازهای مخاطبین
- لزوم مبارزه با هجمه دشمن از طریق پاسخ به شبهات
- ارائه راه حل برای مشکلات مبتلا به افراد جامعه اسلامی در فضای مجازی و خالی نمودن میدان برای جولان دشمن
- رصد کردن، داده‌کاو، تحلیل و بررسی رویدادهای این فضا و برنامه‌ریزی برای به دست گرفتن کنترل و نظارت بر فضای مجازی تا حد ممکن.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم ودرر الکلم. قم: دار الکتاب الإسلامی.
۴. حقگوئی، احسن (۱۳۸۸). اینترنت و جوانان. مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ای روزنامه همشهری.
۵. خان‌زاده، حمید (۱۳۸۷). چشم الکترونیک. اخبار فناوری اطلاعات.
۶. رضانی، آوات. مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ای روزنامه همشهری.
۷. روزنامه ابتکار، بررسی شیوه‌های تبلیغ دین در فضای مجازی. شماره ۱۱۳۶.
۸. زارع، مهدی (مصاحبه). پیچ و خم‌های تبلیغ اینترنتی. نشریه رسائل.
۹. سورین، ورنر جوزف. و جیمز تانکارد (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. سیاح طاهری، محمد حسین. چینی‌فروشان، مسعود. محمزلاده، ندا. طاهری، محمد رضا. عامل نیک، فاطمه. نصر هرندی، محمد مهدی. زارع میرک‌آباد، محمد سجاد.

- و نعیمه موحد. حقیقت مجازی: درباره فضای مجازی چه بدانیم و چه بگوییم؟
تهران: مرکز ملی فضای مجازی.
۱۱. عاملی، سید سعید رضا (۱۳۸۸). فضای مجازی. روزنامه همشهری آنلاین (مصاحبه).
۱۲. عاملی، سید سعید رضا (۱۳۹۰). مطالعات فضای مجازی. جزوه درسی دوره کارشناسی.
۱۳. غفاری، زهره، همشهری آنلاین: www.hamshahrionline.ir
۱۴. قرآنتی، محسن (۱۳۹۶). یادداشت: <http://www.yjc.ir>
۱۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۱۶. مشایخی، شهاب الدین (۱۳۸۱). اصول تربیت از دیدگاه اسلام. شماره ۳۲: ۵۰-۶۸.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). تربیت و رشد اسلامی. تهران: دبیرخانه طرح مطالعاتی بینش مطهر.
۱۸. مطهری مرتضی (۱۳۹۰). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). ده گفتار. تهران: انتشارات صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). فطرت. تهران: انتشارات صدرا.
۲۱. ملکی، حسن (۱۳۸۳). اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری. مصباح. شماره ۵۰: ۱۲۶-۱۰۳.
۲۲. موظف رستمی، محمد علی (۱۳۹۲). نقش سایبر و فضای مجازی در جذب نوجوانان و جوانان به مسجد: <http://www.masjed.ir/fa/article/699>
۲۳. ناجی، سعید (۱۳۸۸). تهران: خبرگزاری مهر.

فضای مجازی و آسیب‌های آن در نظام خانواده

نویسنده: مهرداد برون (ایران)^۱

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۰۸

دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۹

چکیده

از زمانی که اینترنت وارد فضای زندگی انسان شده- تاکنون- علی‌رغم تمامی محاسن و مزایای آن، یکسری دغدغه و نگرانی را بر خانواده‌ها تحمیل نموده است؛ موضوعی که در تمامی جوامع موضوعیت داشته و محدود به جامعه و یا اقلیتی خاص نمی‌شود. از طرف دیگر، به دلیل ویژگی‌های خاص فضای مجازی و نو بودن این پدیده، بسیاری از والدین، فرصت، امکان و یا توان کافی برای شناخت دقیق این فضا و کاربردهای آن را به دست نیاورده‌اند؛ لذا عدم آشنایی مناسب آن‌ها با این فضا و در مقابل، استفاده روزمره نوجوانان و جوانان و حتی کودکان از فضای مجازی موجب شده است فضایی محرمانه و خصوصی در محیط خانه برای فرزندان ایجاد شود؛ به گونه‌ای که بدون دغدغه و بدون احساس وجود ناظر بیرونی به تارنماهای مختلف در این فضا دسترسی یابند که گاهی نیز به دلیل ویژگی‌های سنی و شخصیتی و کنجکاوی‌های خود، متأثر از فضاهای ناسالم موجود در اینترنت گردند. در این پژوهش، تلاش شده است به بررسی مهم‌ترین آسیب‌های فضای مجازی و تأثیرات آن پرداخته و راهکارهایی جهت مقابله و کاهش تهدیدات اینترنتی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و آموزشی ارائه شود.

واژگان کلیدی: خانواده، آسیب اجتماعی، فضای مجازی

مقدمه

عصر حاضر عصر مطبوعات، رسانه‌های گروهی و ارتباطات است. دنیای کنونی، عصر تاخت و تاز وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو، تلویزیون، ماهواره، تلفن همراه

۱. کارشناس فناوری اطلاعات، مؤسسه جامع لوله سازی اهواز، اهواز، ایران،

mehrdadbroon61@mihanmail.com

و اینترنت است. جوان امروز محدودیت‌های گذشته را ندارد و هر لحظه در هر کجا که باشد، می‌تواند با هر نقطه‌ای از جهان که بخواهد ارتباط برقرار کند. ورود به دنیای مجازی یا به عبارت بهتر، زندگی در محیط‌های مجازی امری بدیهی به شمار می‌رود و از شاخصه‌های مهم رسانه‌های پست مدرن این است که به راحتی در اختیار افراد با سبک‌ها و هنجارهای مختلف اجتماعی قرار گرفته و این امر به مرور میزان کنترل خانواده‌ها و مدارس بر آموخته‌های نسل جدید و نیز کیفیت و جهت‌گیری‌های آموزشی و تربیتی خانواده‌ها، مدارس و جامعه را متأثر ساخته است؛ لذا لازمه تعادل در این محیط‌های مجازی برخورداری از یکسری مهارت‌های فنی و فناوری است.

تلفن همراه به عنوان ابزار نوین اطلاع‌رسانی، علاوه بر داشتن کاربردهای گسترده در حوزه‌های گوناگون اطلاع‌رسانی، ارتباط‌دهی، تداوم‌بخشی، مفرح‌سازی و تحریک‌پذیری، برخی پیامدهای نامناسب اجتماعی مانند اعتیاد روانی، تزلزل ارزش‌ها، کاهش تعاملات اجتماعی، زوال تدریجی ادبیات ملی، بلوغ زودرس، بلوتوث و پیامک‌های غیر اخلاقی، به خطر افتادن امنیت شخصی را نیز به دنبال دارد. در عین حال، وقتی مبتکران دنیا جدیدترین اختراعات خود را برای راحتی انسان بوجود آوردند، شاید فکرش را نمی‌کردند روزی انسان هزاره سوم از این وسایل سوء استفاده کند و به دنبال چاره‌ای برای رفع خطرات این اختراعات و وسایل نوین ارتباطی باشند؛ وسایلی که در وهله اول دنیای مجازی را برای انسان به ارمغان آورد. افزایش تولید وسایلی از قبیل تلفن همراه و اینترنت در نهایت سهولت دسترسی، سبب شد گروه‌های فراوانی از افراد جامعه با سنین مختلف به این دنیای مجازی راه یابند؛ به طوری که در قرن حاضر، مشاهده تلفن همراه با یک کودک ۶ ساله برای کسی عجیب نیست.

فضای مجازی نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با این‌که عمر زیادی ندارد، اما توانسته است در زندگی مردم جا باز کند تا جایی که مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی کنار هم آمده‌اند و از فاصله‌های دور در دنیای واقعی، از این طریق با هم ارتباط برقرار می‌کنند.

امروزه روش‌های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته است. پست الکترونیک، پیام‌های کوتاه، چت‌روم‌ها، وب‌پایگاه‌ها و بازی‌ها، روش‌هایی برای گسترش و حفظ روابط اجتماعی شده‌اند.

شبکه‌های اجتماعی، نسل جدیدی از پایگاه‌هایی هستند که این روزها در کانون توجه کاربران شبکه‌های جهانی اینترنت قرار گرفته‌اند؛ این‌گونه پایگاه‌ها بر مبنای تشکیلات آنلاین فعالیت می‌کنند و هر کدام دست‌هایی از کاربران اینترنتی با ویژگی خاص را گرد هم می‌آورند.

شبکه‌های اجتماعی را گونه‌ای از رسانه‌های اجتماعی می‌دانند که امکان دستیابی به شکل جدیدی از برقراری ارتباط و به اشتراک‌گذاری محتوا در اینترنت را فراهم آورده‌اند.

اینترنت و سرویس‌های ارائه شده در قالب آن، در عین حال که ابزار مفیدی برای کسب و تبادل اطلاعات است؛ اما می‌تواند مخرب نیز باشد. به بیان دیگر، اینترنت ابزار قدرتمندی است که هم می‌تواند باعث فساد گردد و هم ابزار آموزش و تعلیم و رشد علمی، فرهنگی و اجتماعی نوجوانان و جوانان را فراهم آورد.

این روزها با توجه به استقبال گسترده کاربران اینترنتی به ویژه قشر جوان و نوجوان از شبکه‌های اجتماعی مجازی، بررسی مسائل مربوط به این شبکه‌ها جهت اتخاذ تصمیمات صحیح و برنامه‌ریزی دقیق توسط مسئولان فرهنگی و اجتماعی و نیز والدین، ضروری است.

در این مقاله سعی شده است به آسیب‌های مرتبط با اینترنت به ویژه عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداخته و برای رفع این‌گونه معضلات، پیشنهاداتی ارائه شود.

بیان مسئله

فناوری اطلاعات و انقلاب اینترنتی و رایانه‌ای در چند سال اخیر، تغییرات وسیع و سریع در جنبه‌های مختلف زندگی پدید آورده است. شاید اختراعات و ابداعات سال‌های اخیر در زمینه فناوری اطلاعات از همه اختراعات و ابداعات ۱۱۱ سال گذشته بیشتر باشد.

این فناوری هم‌چنین به عنوان ابزار توانمندسازی موجب شده است فرصتی بی‌نظیر و تاریخی برای جبران عقب‌ماندگی‌های عصر صنعت و یک جهش در ورود به عصر فرا صنعتی برای کشورهای در حال توسعه نظیر ایران فراهم شود. استفاده از این فرصت برای شکوفایی استعداد‌های نسل جوان، نیاز فوری به عزم ملی و تنظیم برنامه جامعه دارد که به منظور استفاده از این فرصت تاریخی لازم است برای دانش‌آموزان و جوانان کشور، این امکان فراهم شود در دوران تحصیل با این فناوری آشنا شوند، به مانند آن‌که زبان مادری را یاد می‌گیرند.

بنابراین، باید با زبان این قرن که فناوری اطلاعات و اینترنت است، آشنا شوند تا بتوانند از طریق کتابخانه‌های دیجیتال به همه مجموعه فرهنگ و علوم بشری در هر نقطه از جهان دست یابند و به کمک مجموعه‌های چند رسانه‌ای و واقعیت‌های مجازی، راه‌های جدید ارائه افکار و ایده‌ها را فرا گیرند و به شناخت سایر فرهنگ‌ها اقدام کنند.

اینترنت چندین سرویس اساسی در اختیار مردم قرار داده است؛ از جمله پست الکترونیکی، چت، وب، وبلاگ، یوزنت، فروم و تلنت؛ اما هر روزه سرویس‌های جدیدی ابداع می‌شود که مشخصات بخش‌هایی از هر یک از این سرویس‌ها را دارند. از طرفی، اینترنت به دلیل ایجاد روابط دوستانه و عاشقانه- با سرعت نور- در زمینه‌های غیر اخلاقی بسیار مورد توجه است که گسترش روابط غیر اخلاقی مجازی در عرصه اینترنت، در جهت روابط واقعی صورت می‌گیرد. به طور کلی، شبکه اینترنت مجال مناسبی برای رشد و توسعه انواع مختلف رفتارهای غیر اخلاقی است. این پدیده یک فضای مجازی برای فعالیت‌های غیر اخلاقی می‌آفریند.

اینترنت هم‌چنین موجب سهولت خیانت در روابط زناشویی و روابط نامشروع می‌شود؛ لذا اگر اصول اخلاقی را نادیده گرفت، می‌توان گفت اینترنت چیز خوبی است که کاربر را قادر می‌سازد- به آسانی- به دنبال اعمال غیر اخلاقی باشد. از سوی دیگر، اینترنت شکاف میان نسل‌ها را عیان‌تر کرده است. اکنون نه تنها شکاف میان نسل اول و دوم بلکه شکاف میان نسل دوم و سوم نیز هویدا شده است و هیچ یک زبان دیگری را نمی‌فهمند؛ هم‌چنین این ویژگی را داراست که می‌تواند به عاملی برای یکپارچگی گروه‌ها و برگزاری نشست‌های سیاسی تبدیل شود. امروزه با دسترسی به اینترنت، امکان انتقال و انتشار هر گونه اطلاعات طبقه‌بندی شده بر روی اینترنت و یا با استفاده از آن فراهم شده است.

از جهت اجتماعی نیز افراد را از یکدیگر دور نموده است و افراد به جای این‌که به دیدار یکدیگر بروند، از طریق چت و پست الکترونیکی با هم ملاقات می‌کنند که باعث از هم‌گسیختگی اجتماعی در میان افراد یک جامعه می‌شود؛ البته هنوز

اینترنت در ایران فراگیر نشده است، ولی زمانی که این مسئله همگانی شد، مسائلی از این قبیل در جوامع انسانی و قومیت‌های مختلف مشاهده خواهد شد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به اهمیت فضای مجازی در توسعه جوامع، در ایران نیز طی سال‌های اخیر به فناوری اطلاعات و ارتباطات توجه زیادی شده است؛ ولی در این رابطه آسیب‌های جدی وجود دارد که ضروری به ریشه‌یابی آن پرداخت.

جامعه ایران از نظر بهره‌مندی از اینترنت در میان ۱۸۱ کشور جهان رتبه ۸۱ را دارد که بر اساس طبقه‌بندی اتحادیه جهانی مخابرات جزو کشورهای متوسط به شمار می‌رود. ۳۵ درصد استفاده‌کنندگان اینترنت را قشر جوان تشکیل می‌دهند و میانگین صرف شده برای اینترنت ۵۱ دقیقه در هفته است.

شبکه‌های دوست‌یابی در کشور ایران، به سرعت در میان جوانان ایرانی محبوب شده است و ایرانی‌ها رتبه سوم را در این شبکه‌ها کسب کرده‌اند.

فرهنگ رسانه‌ای اینترنت، فضای ذهنی جوانان را اشغال کرده و از آن مهم‌تر، نمایان‌گر نقش خانواده در کنار این ابررسانه است که والدین روی فرزندان خود تا چه حد کنترل تربیتی و نظارت اخلاقی دارند.

بروز آسیب‌های نوظهور می‌تواند زمینه‌ساز نوع جدیدی از آسیب‌های اجتماعی و روانی باشد؛ به همین دلیل برنامه‌ریزی برای شناسایی، پیشگیری و کاهش آسیب‌های نوظهور لازم و ضروری می‌نماید.

آسیب‌های نوظهور، آسیب‌های مرتبط با فناوری‌های جدید است که آسیب‌های ناشی از استفاده از ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، تلفن همراه و اینترنت می‌توانند در این مجموعه قرار گیرد.

ارزیابی تأثیرات اجتماعی فضای مجازی

یکی از بزرگترین مسائل اجتماعی که جوامع امروزی به آن مبتلا است، ضعف بنیاد خانواده به شمار می‌رود. از آنجایی که مشکلات خانواده‌ها به صورت ناهنجاری‌های اجتماعی بروز می‌کند، خانواده و سلامت آن از اهمیت بالایی برخوردار است. آماده کردن فرزندان برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی یکی از وظایف مهم و اساسی خانواده‌ها به شمار می‌رود. جوانان باید بتوانند به خصوص برای زندگی‌های مشترک آماده شوند و سعی نمایند روابط خود را با پیرامون خود، در حد متعارف و قابل قبولی تنظیم نمایند.

صرف‌نظر از آمار و ارقام بالا و روز افزونی که در مسائلی مانند بالا رفتن سن ازدواج، طلاق، فرار از منزل، فحشا و سایر مسایل خانوادگی وجود دارد، سرد شدن ارتباطات عاطفی و نارضایتی‌ها از زندگی خانوادگی است که باعث ناکامی‌ها و شکست‌های بزرگی در زندگی جوانان شده است. این‌ها نشان از مشکلات عمیقی در سطح خانواده دارد که به نوعی باید ریشه‌یابی و درمان شوند.

امروزه با ورود فناوری و وسایل ارتباط جمعی در خانواده، خانواده ایرانی با مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شده است. در بررسی وضعیت خانواده‌های ایرانی می‌توان چنین گفت که خانواده ایرانی در معرض تغییرات مهمی که ناشی از پیدایی و ورود فناوری‌های جدید به حریم خانواده است، قرار دارند.

در میان فناوری‌های نو، اینترنت به لحاظ ویژگی‌های خاص دارای اهمیت بالایی است؛ زیرا سبب شده ساختار تازه‌ای در خانواده‌های ایرانی در شرف تکوین باشد. در خصوص این پدیده آنچه در خانواده‌های ایرانی مشاهده می‌گردد، این است که حضور این رسانه و به طور کلی رایانه شخصی، ارتباطات خانوادگی را دستخوش تغییر نموده است.

استفاده از فضای مجازی، فعالیتی زمان‌بر است که مدت تعامل افراد خانواده را با یکدیگر کاهش می‌دهد. در این میان جوانان به واسطه فراغتی که دارند، نسبت به بزرگسالان مدت زمان بیشتری را به فضای مجازی اختصاص می‌دهند.

از طرف دیگر، فضای مجازی کشمکش‌های جدیدی را در خانواده ایجاد می‌کند که شامل زمان استفاده از اینترنت، نوع صفحاتی که توسط اعضای کاربر خانواده مورد استفاده واقع می‌شود و دستیابی جوانان و والدین آنان به اطلاعات خصوصی یکدیگر است. چنانچه جوان در پیوندهای عاطفی و درک متقابل با سایر اعضای خانواده دچار مشکل باشد، احساس تنهایی، افسردگی و بی‌تفاوتی کرده و برای جبران آن به یک دوست و سرگرمی خاص روی می‌آورد و فضای مجازی مناسب‌ترین محمل برای این مقصود است.

بنابراین یکی از زمینه‌های اصلی در بروز مشکلات خانوادگی و نارضایتی از زندگی مشترک، فضای مجازی است که متأثر از تولیدات رسانه‌ای به وجود آمده و باعث آن گردیده تا سطح توقع و ارضا از زندگی‌های مشترک را به خصوص در میان نسل جوان بالا ببرد.

تحت تأثیر این فضا آنچه جوان باید از زندگی مشترک انتظار داشته باشد، به نوعی تحریف می‌شود. لذت و صمیمیتی که از برنامه‌ها و محتویات رسانه‌ها مانند فیلم‌ها و سریال‌ها در اذهان جوانان نقش می‌بندد تا حد زیادی در زندگی طبیعی قابل دستیابی نخواهند بود و این می‌تواند تبعات زیانباری برای آینده جوانان به همراه داشته باشد.

بنابراین تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به نوبه خود بنیان‌های خانوادگی را در معرض تهدید قرار می‌دهد. تغییرات فناوری ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است که یکی از چالش‌های فراروی فرهنگ‌ها برخورد با این پدیده است؛ چون ورود اینترنت همراه با ارزش‌های غربی، چالش‌های جدیدی را در کشورهای دیگر به وجود آورده است.

از آن جایی که برخی از عناصر موجود در این پدیده مغایر با فرهنگ خودی-ارزش‌های اسلامی و ایرانی- است، می‌توان گفت اینترنت می‌تواند آسیب‌های زیادی را به همراه داشته باشد. مثلاً ورود اینترنت در حوزه خانواده موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده‌ها می‌شود.

در یک مطالعه تجربی نشان داده شد که استفاده جوانان از اینترنت موجب کاهش ارزش‌های خانواده شده است.

در ادامه به برخی از تأثیرات اجتماعی فضای مجازی پرداخته می‌شود:

۱. تغییر نقش‌های اجتماعی

پنهان ماندن هویت‌ها و کنترل‌ناپذیری در شبکه، موجب کسب هویت‌های جدید و ایفای نقش‌های اجتماعی مجازی در شبکه به وسیله افراد می‌شود.

۲. تغییر در اوقات فراغت

اینترنت مشخص‌ترین نماد این عصر است که اساسی‌ترین سهم را در اوقات فراغت مجازی دارد. رهایی شخص از تعهدات شغلی، اقتصادی و وظایف شخصی، خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی با استفاده از فضای مجازی، فراغت مجازی را می‌سازد.

در وجه فراغت و سرگرمی در فضای مجازی، محوریت یافتن ارتباط و سرگرمی، از متن خارج شدن مکان‌ها و تجارب اوقات فراغت، رواج شکل‌های سرگرمی غیر وابسته به زمان و مکان، چند وظیفه‌ای شدن رسانه‌های جدید و لذت بردن جوانان از توانایی انجام همزمان چند وظیفه و امکان‌پذیر ساختن انواع جدیدی از مشارکت‌های عاطفی و زیبایی‌شناختی و فرهنگی از جمله مشخصه‌های رسانه‌های جدید به ویژه فضای مجازی است.

بنابراین، اینترنت نه تنها دروازه ورود به شاهراه‌های اطلاعاتی را در فضای مجازی گشوده است؛ بلکه فضا و بازاری را برای سرگرمی مهیا ساخته که به سرعت و به طور مداوم رو به رشد است.

اینترنت از جمله مظاهر مدرن عرصه سرگرمی است که تحول رسانه‌های جدید به ارمغان آورده است. رسانه‌ای شدن و خانگی شدن به طور فزاینده‌ای توصیف کننده گذران بخش عمده‌ای از فراغت طیفی از جوانان گردیده است.

بر این اساس، گسترش بازی‌های الکترونیکی و سرگرمی‌های مجازی در بین قشر جوان، نشانه اهمیت اینترنت برای پر کردن اوقات فراغت و تفریح آنان است؛ هر چند بازی و سرگرمی از نیازهای اساسی برای تخلیه هیجان و رشد خلاقیت‌های ذهنی به شمار می‌رود، اما تأثیر استفاده بیش از حد از این سرگرمی‌ها علاوه بر ایجاد مشکلات روحی، عدم توانایی در مهار کردن تمایلات، ایجاد بی‌ارادگی و تبلی، مشکلات جسمانی نیز برای کاربران ایجاد می‌کند که مشکلات بینایی ناشی از تمرکز و نزدیکی به نمایشگر رایانه، صدماتی که به نظام اسکلتی در اثر نشستن طولانی و نامناسب وارد می‌شود و چاقی از آن جمله است.

از دیگر مسائلی که سرگرمی‌های مجازی برای جوانان ایجاد می‌کند، این است که سرگرمی‌های مجازی علاقه جوانان به مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های مدنی را با انگیزه‌های مختلفی تحت الشعاع قرار می‌دهد و می‌تواند بر مهارت‌های اجتماعی آنان در تدارک فراغت‌های گروهی و تفریحات و بازی‌های غیر مجازی تأثیر منفی بگذارد. اشاره به این مسئله ضروری است که شبکه‌های اجتماعی مجازی از این قاعده مستثنی نیست و با فراهم آوردن امکانات مختلف از جمله بازی‌ها، سرگرمی‌ها، امکان بازی به صورت آنلاین، رقابت با سایر کاربران، دعوت دوستان دیگر کاربر به بازی و حتی بیشتر، هر یک از کاربران با فراهم کردن امکان فرستادن هدیه روزانه

آن بازی به تأثیرگذاری در روابط و تعلقات اجتماعی کاربران و مهم‌تر از آن، استغراق آنان در این فضا می‌پردازند.

۳. اعتیاد اینترنتی

یکی از آسیب‌های اینترنت اعتیاد به آن است؛ به طوری که از میان ۱۱ میلیون استفاده کننده از اینترنت در آمریکا ۱ تا ۵ میلیون دچار اعتیاد اینترنتی شده‌اند و با معضلات زیادی گریبان‌گیر هستند.

در جامعه ایران نیز با گسترش روز افزون اینترنت، این مسئله مشاهده می‌شود. نتیجه تحقیقات انجام شده در کشور نشان می‌دهد بیشترین استفاده کنندگان از اینترنت جوانان هستند و ۳۵ درصد از آن‌ها به خاطر حضور در چت‌روم، ۱۸ درصد برای بازی‌های اینترنتی، ۳۱ درصد به منظور چک کردن پست الکترونیکی و ۱۵ درصد نیز به دلیل جستجو، در شبکه جهانی هستند.

توان اعتیادآورنده مواد مخدر، بر اساس سرعت جذب مواد مزبور به بدن انسان است؛ اما در مورد اینترنت، این سرعت و در دسترس بودن آن است که ایجاد اعتیاد می‌کند. اگر این فرضیه درست باشد، باید با افزایش سرعت مودم‌ها و سهولت دسترسی، سطوح بالاتری از استفاده‌های اعتیادآمیز اینترنت موجب خواهد شد.

قدرت محتوا به عنوان ظرفیت تحریک‌برانگیزی، مطالبی است که به صورت برخط مورد مطالعه قرار می‌گیرند و مشخص است که تحریک‌برانگیزترین محتواها- محتوای جنسی- بیشترین و بالاترین سطوح استفاده در اینترنت را دارا هستند.

این احتمال وجود دارد که با چند زیرمجموعه از اعتیاد اینترنتی و سوء استفاده از اینترنت مواجه بود و این احتمال قوی نیز وجود دارد که درجاتی از سطوح مشترک میان اعتیاد به اینترنت، اعتیاد جنسی، اعتیاد به قمار و اعتیاد به خرید و مصرف- بریز و پاش- وجود داشته باشد.

اعتیاد به اینترنت مثل هر نوع اعتیاد دیگری صرف نظر از این که آن را يك بیماری روانی به حساب آورد یا يك معضل اجتماعی، پدیده‌ای فراگیر است که با صدمات روانی اجتماعی، خانوادگی، جسمانی و حتی اقتصادی همراه است.

معتادان به اینترنت مانند اغلب انواع معتادان، دچار افت در کارکردهای فردی و اجتماعی می‌شوند؛ اما فرق این اعتیاد با بقیه این است که معتادان اینترنت کمتر احساس گناه می‌کنند. این افراد اغلب جزو افراد باکلاس و بافرهنگ جامعه هستند؛ هر چند هنوز معیاری برای تشخیص اعتیاد به اینترنت ارائه نشده است، اما علائم این نوع اعتیاد را به دو دسته علائم روانی و جسمانی تقسیم کرده‌اند.

علائم روانی عبارتند از نوعی احساس لذت و رضایت هنگام دسترسی به اینترنت و ناتوانی در متوقف کردن افسردگی و بدخلقی در مواقعی که دسترسی به اینترنت وجود ندارد و دروغ گفتن به دیگران در مورد میزان استفاده از اینترنت.

علائم جسمی نیز عبارتند از علائمی که ناشی از نشستن زیاد است، سوزش چشم و سردرد و کمردرد و اضافه وزن، علائمی نیز که ناشی از غفلت فرد نسبت به خودش است، بی‌نظمی در غذا خوردن و صرف نظر کردن از بعضی وعده‌های غذایی و توجه نکردن به بهداشت و آراستگی فردی و اختلالات خواب و تغییر در الگوی خواب.

هم‌چنین اعتیاد به اینترنت می‌تواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان به وجود آورد. اگر استفاده کنندگان از اینترنت نتوانند به مدت يك ماه دوری از اینترنت را تحمل کنند، در معرض خطر اعتیاد به آن قرار دارند. پدیده‌ای که در میان جوانان مشاهده می‌شود؛ به طوری که برخی از جوانان، شب‌ها را تا صبح با اینترنت می‌گذرانند و تمام صبح را خواب هستند و این مسئله آغازگر آسیب‌های متعدد دیگر نیز می‌شود. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به آسیب‌های خانوادگی، ارتباطی، عاطفی، روانی، جسمی و اقتصادی اشاره کرد.

شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های مختلف

کارکرد غالب چت‌های اینترنتی در جوانان ایرانی از جنبه‌های فراغتی و سرگرم‌کننده آن است که با فاصله زیادی اولویت نخست استفاده‌کنندگان را تشکیل می‌دهد.

نتایج تحقیقات بیان‌گر این است که فضای غالب در محیط چت‌روم‌های مورد مراجعه جوانان، گفتگوهای دوستانه جوانان غیر همجنس است که با نیت ارضای کنجکاوی، آشنایی و سرگرمی و گاهی ماجراجویی به آن روی می‌آورند.

در مجموع، گفتگوهای اینترنتی عرصه جدیدی برای گذران فراغت طیف رو به افزایشی از جوانان و شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های مختلف با زمینه‌ها و علایق متنوع فراهم ساخته است؛ هر چند نگرش غالب به این میدان جدید و بهره‌مندی از آن، اغلب محدود به آشنایی‌ها و گفتگوهای غیر جدی، کنجکاوانه و عادت‌ی است، با این حال برای اقلیتی مجالی را به منظور تأمل در سیاست زندگی، بازی با هویت و بازاندیشی در پروژه انباشت و ابراز هویت فراهم ساخته است.

این اقلیت از ظرفیت‌های فضای مجازی برای تقویت سرمایه‌های نمادین و فرهنگی خود در برقراری ارتباط و تنظیم روابط با خود و اجتماع بلافصل خویش استفاده می‌کنند.

در وجه منفی، سرگرمی‌های مجازی علاقه جوانان به مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های مدنی را با انگیزه‌های مختلف تحت الشعاع قرار می‌دهد و ممکن است بر مهارت‌های اجتماعی آنان در تدارک فراغت‌های گروهی و تفریحات و بازی‌های غیر مجازی تأثیر منفی بگذارد؛ هم‌چنین مجاورت طولانی با فضای مجازی می‌تواند به فرهنگ‌پذیری یک‌طرفه و تأثیرپذیری افراطی از هنجارها و ارزش‌ها در عرصه‌های مختلف ارتباطی و اجتماعی انجامیده و با تقویت جهان‌وطنی، تعلقات ملی و سنتی کاربران را تحت تأثیر قرار دهد.

۱. ابعاد سیاسی

- ایجاد گروه‌های سیاسی مجازی از طریق اینترنت
- اختلال در روند کنترل جریان اطلاع‌رسانی توسط رسانه‌ها و نشریه‌های الکترونیکی بدون کسب اجازه از حاکمیت
- انتقال مستقیم اندیشه‌ها و دیدگاه‌های جریان‌های معاند به داخل از طریق اینترنت، با استفاده از سایت‌ها، گروه‌های خبری، خبرنامه‌های الکترونیک و پلتاک‌ها و فروم‌ها
- ایجاد گروه‌های فشار و ذی‌نفوذ مجازی با جمع‌آوری امضای الکترونیک به منظور تأکید بر یک موضوع یا اعمال فشار بر یک نهاد
- کارکردهای مشروعیتی از طریق برگزاری همه‌پرسی و سیستم‌های نظرسنجی اینترنتی
- ایجاد مطالبات جدید سیاسی با توجه به تراکم دیدگاه‌ها و مطالبات جدید
- به چالش کشیدن دستاوردهای حرفه‌ای و رسمی
- تضعیف نقش هویت دولت و ملت از طریق اختیار کاربران در برگزیدن هویت‌های محلی و جهانی
- انتشار مطالبات قومی و منطقه‌ای و افزایش تحریک‌پذیری قومیت‌ها با تأسیس سایت‌های قومی و راه‌اندازی وبلاگ‌های منطقه‌ای

۲. ابعاد فرهنگی

- ایجاد محرکه‌های قوی برای تبدلات فرهنگی غیر قابل کنترل با استفاده از کتاب، مقاله، موسیقی، فیلم، نقاشی و عکس
- بسترسازی بیشتر برای تهاجم فرهنگی با استفاده از رسانه تولید شده در غرب اینترنت و همه سرویس‌های متنوعش
- انتقال هنجارها و نرم‌های ارزشی و اخلاقی غربی

آسیب‌های استفاده نادرست از اینترنت

اینترنت بازاری جهانی برای خرید و فروش اطلاعات است و می‌توان از این بازار به نحو مطلوب استفاده کرد؛ اما در ایران به جهت وجود محدودیت در بخش‌های مختلف، اینترنت به منزله ابزاری برای آشنایی افراد مطرح است نه این‌که اطلاع‌رسانی مدنظر باشد. به طور کلی، می‌توان از اینترنت برای گرفتن اطلاعات در زمینه پژوهش‌های علمی و خرید و فروش و سایر کاربردهای مفید استفاده نمود. اینترنت دارای خدمات گوناگونی است از قبیل وب‌سایت، وبلاگ، ایمیل، پروفایل، گروه‌های اینترنتی، چت و انواع خدمات جستجو.

با توجه به این حجم کاربردهای متنوع، ایجاد امنیت اینترنتی برای افراد به ویژه نسل جوان، لازم و ضروری است؛ زیرا غالب نوجوانان و جوانان اطلاعات کمی از خطرهای اینترنت دارند. امروزه دنیای رایانه هویت‌یابی نسل جوان را در ابعاد فکری و اخلاقی تحت تأثیر قرار داده و موجب اعتیاد نو و مدرن شده و بدین وسیله سبب آسیب اجتماعی می‌شود. سودجویان نیز از طریق اینترنت به راحتی کالای خود را تبلیغ می‌کنند، خبرهای دروغین را برای جوامع می‌فرستند، ابهت فرهنگی و دینی خانواده‌ها را می‌شکنند و زمینه‌های آشفستگی هویت را برای جوانان فراهم می‌کنند. استفاده از اینترنت به خودی خود ابزار بی‌ضرری است؛ اما استفاده بیش از حد و نادرست و مهار نشده از آن ممکن است آثار منفی بر سازگاری اجتماعی، شغلی، دانشگاهی، زناشویی و میان‌فردی، سلامت روانی و جسمانی، روابط خانوادگی و وضعیت هیجانی افراد داشته باشد که این پدیده مشکل عمده‌ای را برای بهداشت روانی جامعه ایجاد کرده است.

تأثیرات منفی استفاده از اینترنت زمانی افزایش پیدا کرد که رایانه و اینترنت به منازل، مدارس، دانشگاه‌ها، کافی‌نت‌ها و مشاغل راه پیدا کرد. پیامدهای منفی

استفاده از اینترنت عبارت است از تغییر دادن سبک زندگی به منظور صرف زمان بیشتر در اینترنت، بی‌توجهی به سلامت خود، اجتناب از فعالیت‌های مهم زندگی، کاهش روابط اجتماعی، نادیده گرفتن خانواده و دوستان و مشکلات مالی ناشی از هزینه‌های بهره بردن از اینترنت و مشکلات تحصیلی.

در این میان نقش خانواده در هدایت استفاده از اینترنت قابل اعتنا است. آشنایی فرزندان با خطرات جسمانی و رفتاری و اخلاقی و تقویت مبانی ارزشی - اخلاقی و دینی فرزندان و ایجاد خودکنترلی و خودایمنی در آنها برای استفاده بهینه از فناوری‌های جدید، مهم است.

نتایج تحقیقات و نیز مراجعه به نظر متخصصان، مؤید این نکته است که بهترین کار در این خصوص ترسیم خط‌مشی شفاف و دقیق درباره نحوه استفاده از اینترنت، قبل از فراهم‌آوری امکان استفاده از آن است.

با این رویکرد، والدین می‌توانند ضمن آن‌که رایانه را در مکان عمومی منزل بگذارند، زمانی را به استفاده از اینترنت اختصاص دهند و خود نیز وی را در این زمینه همراهی کنند.

بنابراین هر یک از وسایل ارتباط جمعی ضمن این‌که به لحاظ تسهیل امور، آثار مثبتی در جامعه داشته و دارند؛ اما به لحاظ سوء استفاده‌ای که از آنها می‌شود، ممکن است آسیب‌هایی برای جامعه به دنبال داشته باشند تا جایی که هر چه وسایل ارتباط جمعی در سطح وسیع‌تری قابل کنترل باشند، آسیب‌هایی ناشی از آن نیز کمتر خواهد بود.

از مهم‌ترین آسیب‌های اینترنت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آسیب فکری: استفاده فراتر از حد متعارف که منجر به وابستگی شدید روانی و فکری می‌شود.

- آسیب جسمانی: فشارهای عصبی، چاقی، انزوا و چشم درد از جمله این آسیب‌ها به شمار می‌روند.
- آسیب اجتماعی و فرهنگی: گاهی مشاهده می‌شود کاربران چنان در اتاق‌های گفتگو غرق می‌شوند که حتی زمان صرف غذا را فراموش می‌کنند. این‌ها علائمی شبیه الکلی‌ها یا معتادان دارند. بسیاری از آن‌ها نیز از بی‌خوابی رنج می‌برند، خسته‌اند و روابطشان با اطرافیان به حداقل رسیده است.
- گسست فکری و عاطفی: با ورود اینترنت و رایانه به درون خانواده‌ها بین والدین و فرزندان جدایی فکری و عاطفی و فیزیکی رخ می‌دهد؛ هم‌چنین پیشرفت فناوری تأثیرات محسوس و نامحسوس زیادی بر زندگی دختران گذاشته است.

انواع آسیب‌های ناشی از اینترنت

در مورد گونه‌شناسی آسیب‌های منتج از اینترنت، می‌توان با توجه به دسته‌بندی‌های مختلفی به بررسی این مسئله پرداخت؛ از جمله دسته‌بندی زیر:

- آسیب‌های امنیتی و سیاسی
 - آسیب‌های اقتصادی
 - آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی
- اما در این بخش، از آن‌جا که تمرکز مقاله در بررسی آسیب‌های اجتماعی ناشی از اینترنت است، به سرفصل‌های آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی ناشی از اینترنت پرداخته می‌شود که با عنوان کلی آسیب‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. آسیب‌های اجتماعی ناشی از اینترنت

- آسیب‌های ناشی از سوء استفاده از امکانات اینترنت
- سوق دادن جوانان به سوء استفاده از وبلاگ‌ها و وبسایت‌های اینترنتی

- سوء استفاده از وبلاگ‌ها و وبسایت‌ها علاوه بر مسائل خلاف اخلاق و عفت عمومی نظیر تشویق رابطه جنسی نامشروع و شامل موارد زیر:
 - توهین به ائمه اطهار علیهم‌السلام و مقدسات و به تمسخر گرفتن فرهنگ عاشورا به علت عدم نظارت خانواده
 - توهین به قومیت‌های مختلف
 - سایت‌های الحادی تشویق کننده نوجوانان و جوانان به شیطان پرستی و سایر فرقه‌های ضاله
- سوء استفاده از چت‌روم و اینترنت
 - آسیب عمومی به سخت افزار و نرم افزارهای طرف مقابل
 - اعتیاد به چت
 - دوستی‌های بدون مرز و ضابطه
 - در مواردی خطرناک‌تر بودن از ماهواره و حتی فیلم‌های مستهجن
 - قرار دادن فایل‌های مبتذل در دسترس عموم کاربران
 - پخش اطلاعات خصوصی افراد بدون گرفتن مجوز آن‌ها
 - ناشناس بودن کاربران در اتاق‌های چت
 - رفتارهای وقیحانه و بی ادبانه
 - فریب و بهره‌کشی جنسی
 - تلف شدن وقت جوانان و فاصله گرفتن آن‌ها از واقعیت
 - آثار زیانبار روانی
 - منبع اصلی اعتیاد اینترنتی از نظر یونگ
- سوء استفاده از پروفایل‌ها و سایت‌های دوست‌یابی
- سوء استفاده از اطلاعات داخل رایانه‌های خصوصی مردم
 - هک کردن و بردن اطلاعات

- سوء استفاده از پست الکترونیک و ایمیل
 - سوء استفاده از بازی‌های رایانه‌ای
 - سوء استفاده از امکانات گروه‌های اینترنتی
 - تشکیل گروه‌های و فرقه‌های الحادی؛ مانند گروه‌های شیطان‌پرستی، خرافه‌پرستی و فال‌بینی
- آسیب‌های ناشی از سوء استفاده از ماهیت و طبیعت ویژه اینترنت
- اعتیاد اینترنتی
 - معتاد اینترنتی به کسی گفته می‌شود که نمی‌تواند یک روز را بدون استفاده از اینترنت سپری کند و روزانه چندین ساعت در فضای اینترنت گشت می‌زند.
 - منجر به افسردگی، اضطراب، انزوا، مختل شدن فعالیت‌های روزمره، رها کردن شغل و بیکاری
 - مصنوعی شدن ارتباطات و از بین رفتن روابط صحیح اجتماعی
 - از بین بردن روابط چهره به چهره با استفاده از ایمیل، چت، شب‌نشینی‌های اینترنتی به وسیله وب‌کم و دوست‌یابی مصنوعی
 - تضعیف نهاد خانواده و صله ارحام
 - منجر به طلاق
 - بی‌هویتی و بحران هویت
 - با دروغ‌گویی و پنهان کردن هویت واقعی خود
 - جرأت و جسارت ارتکاب جرم به خاطر ناشناخته بودن در محیط
 - به دلیل عدم ارتباط محله‌ای و شناخت از هم

پیامدهای منفی شبکه‌های اجتماعی

۱. شکل‌گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذب

به علت عدم امکان شناسایی هویت واقعی اعضا و عدم امکان کنترل محتوای تولید شده توسط کاربران شبکه‌های اجتماعی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی این شبکه‌ها، شکل‌گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذب خواهد بود که توسط برخی از اعضای این شبکه‌ها و با اهداف خاص و غالباً سیاسی منتشر می‌شود.

۲. تبلیغات ضد دینی و القای شبهات

در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نیز مانند سایر رسانه‌ها، افراد و گروه‌های مغرض با اهداف از پیش تعیین شده و با شیوه‌های خاص، اقدام به تبلیغات ضد دینی و حمله به اعتقادات مذهبی می‌کنند. گاهی نیز پس از تحقیق و ریشه‌یابی مشخص می‌شود که هدف اصلی گردانندگان برخی از این شبکه‌ها، دین‌زدایی و حمله به مقدسات بوده است.

۳. نقض حریم خصوصی افراد

معمولاً شبکه‌های اجتماعی ابزار و امکاناتی در اختیار کاربران خود قرار می‌دهند تا بتوانند تصاویر و ویدئوهای خویش را در صفحه شخصی خود قرار دهند. همین‌طور، کاربران می‌توانند اطلاعات شخصی خود را در این شبکه‌ها قرار دهند. در اغلب شبکه‌های اجتماعی برای حفظ حریم خصوصی افراد راهکارهایی ارائه شده است؛ برای مثال، دسترسی به تصاویر و اطلاعات را با توجه به درخواست کاربر محدود می‌کنند و با اجازه مشاهده پروفایل کاربر را به هر کسی نمی‌دهند؛ اما این راه‌ها کافی نیست. مشکلاتی از قبیل ساخت پروفایل‌های تقلبی در شبکه‌های اجتماعی و عدم امکان کنترل آن‌ها به دلیل حجم بالای این هرزنامه‌ها باعث می‌شود افرادی با پروفایل‌های تقلبی به شبکه‌های اجتماعی وارد شوند و با ورود به حریم‌های خصوصی افراد مورد نظر، تصاویر و اطلاعات آن‌ها را به سرقت برده و شروع به پخش تصاویر در اینترنت کنند.

۴. انزوا و دور ماندن از محیط‌های واقعی اجتماع

جامعه مجازی، هیچ وقت جایگزین جامعه واقعی نخواهد شد؛ بلکه به عنوان تسهیل‌کننده تجارب اجتماعی عمل خواهد کرد. تسهیلات ارتباطی به کاربر امکان می‌دهد در سطح جهانی و از راه دور، به شیوه‌ای جدید با اجتماعاتی که منافع مشترکی دارد، پیوندد. در نتیجه، با پیوستن به این اجتماعات از راه دور، قادر خواهد بود در دنیای واقعی نیز روابط اجتماعی بهتری با همسایگان، همکاران و سایر شهروندان جامعه واقعی برقرار سازد.

۵. تأثیرات منفی رفتاری

هر شبکه اجتماعی فرهنگ ارتباطاتی خاص خود را دارد؛ یعنی منش و گفتار مخصوص و منحصر به فردی برای خود برگزیده است. البته می‌توان شبکه‌هایی را یافت که فرهنگ ارتباطاتی تقلیدی برای خود برگزیده‌اند؛ به نحوی که کاربر با عضویت در هر شبکه اجتماعی درگیر نوع خاصی از فرهنگ ارتباطاتی می‌شود که شامل برخورد، تکیه کلام، اصطلاحات مخصوص، رفتار و تیپ شخصیتی و ظاهری است. با توجه به این‌که میزان تأثیرپذیری فرد از این محیط، صفر مطلق نخواهد بود؛ پس هر شبکه اجتماعی، هویت مطلوب خود را ترویج می‌کند.

به عنوان مثال؛ در سایت‌هایی مثل فیسبوک و فرندفید و توییتر، کاربر در کنار این‌که عضو جامعه بزرگ پایگاه مورد نظر است، در گروه و شبکه‌های اجتماعی کوچکتری نیز عضو می‌شود که هر کدام از این گروه‌ها وابستگی خاص خود و به تبع، فرهنگ ارتباطاتی مخصوص خود را دارد.

بنابراین، فرد در تأثیرپذیری از فرهنگ ارتباطاتی این گروه‌ها بر خود لازم می‌بیند که هویت ارتباطاتی خود- سبک و هویت کنش‌های کلی خویش در ارتباط با

دیگران- را تغییر دهد؛ هر چند این تغییر هویت موقت و محدود به زمان و مکان خاصی باشد، ولی در هویت واقعی فرد بی تأثیر نخواهد بود. به طور کلی، همه اجزای یک شبکه اجتماعی که فرد با آن در تعامل است، در ضمیر ناخود آگاه فرد تأثیر می‌گذارد. هویت ارتباطاتی فرد نیز چیزی نیست که به ضمیر ناخود آگاه مرتبط نباشد.

راهکارهایی برای ایمنی از آسیب‌های فضای مجازی

۱. آموزش مهارت‌های لازم به نسل جوان

آشنا کردن جوانان و به ویژه دختران به آسیب‌های فضای مجازی و آموزش راه‌های صحیح استفاده از آن توسط خانواده‌ها به فرزندان خود، می‌تواند از بروز مشکلات برای جوانان و خانواده‌ها جلوگیری نماید.

خانواده‌ها نباید فناوری‌هایی که با کارکرد آن آشنایی ندارند را به راحتی در دسترس جوانان قرار دهند. والدین اگر به فکر غذای جسمی فرزندان خود هستند، باید به فکر غذای روحی فرزندان خود نیز باشند و اجازه ندهند هرکسی در فضای مجازی هر غذای مسمومی را وارد فکر و اندیشه جوانان خویش نماید و نسبت به حضور فرزندان خود در دنیای مجازی حساسیت بیشتری داشته باشند.

والدین می‌توانند با کسب آگاهی از فضای مجازی، استفاده صحیح از اینترنت را به فرزندان خود آموزش دهند و جوانان را با مقوله اینترنت و فضای مجازی بیشتر و بهتر آشنا نمایند. در این میان نهادهای فرهنگی نیز باید آموزش‌های لازم را به والدین بدهند و فاصله آن‌ها را با نسل امروز کمتر کنند.

۲. همراهی خانواده با فرزندان

از آسیب‌های اینترنت، تنها بودن فرزندان در دنیای مجازی است. خانواده‌ها باید آگاه باشند که فرزندان خود را در فضای مجازی به تنهای رها ننمایند؛ همان‌طور که

خانواده‌ها حساسیت ویژه‌ای در تنها نبودن دختر و پسر نوجوان در محیط بیرون از خانه دارند، همان حساسیت را باید در فضای مجازی نیز داشته باشند. برای عدم برانگیختن حساسیت نوجوانان در کنترل ایشان، والدین می‌توانند رایانه را در فضایی باز و جلوی چشم اعضا خانواده بگذارند و استفاده از سیستم رایانه را همگانی بدانند؛ هر چند برخی نرم افزارها بری پنهان نگهداشتن اطلاعات و پوشه‌های شخص وجود دارد، ولی اگر خانواده‌ها آگاهی کافی داشته باشند، می‌توانند این موارد را نیز کنترل نمایند؛ البته در این مورد خانواده باید صمیمیت خود را حفظ کند تا فرزند حس نکند پدر و مادرش نقش پلیس در خانه را دارند.

۳. ایجاد فضای صمیمی در خانواده

اصلی‌ترین عامل نزدیکی اعضای خانواده به هم که با مدیریت پدر و مادر محقق خواهد شد، محبت است. محبت کیمیایی است که والدین باید آن را به طور مداوم به خانواده تزریق کنند که غفلت از این مسئله باعث بروز حوادثی تلخ میان اعضای خانواده خواهد شده و کانون صمیمی خانواده را از هم خواهد پاشید.

بنابراین، سرفصل محبت باید به فرزندان آموزش داده شود تا فرزندان در مواجهه با محبت‌های جعلی بیرون از خانه توان تشخیص محبت جعلی از محبت اصلی را داشته باشند؛ چرا که شیادان و سودجویان در دنیای خارج و بیشتر در فضای مجازی به دنبال طعمه‌های خود با قلاب محبت هستند. دنیای مجازی ساده‌ترین فضا برای ابراز عشق و محبت‌های جعلی سودجویان نسبت به نوجوانان و به ویژه دختران است؛ پس اگر فرزندان در کانون خانواده مورد محبت قرار نگیرند و طعم شیرین محبت اصلی را نچشند، در مواجهه با محبت‌های جعلی بیرون از خانواده تسلیم خواهند شد و توان تشخیص محبت جعلی از اصلی را نخواهند داشت.

به طور کلی، هیچ مسئله‌ای نمی‌تواند والدین را از ابراز محبت به اعضای خانواده باز دارد و هیچ عذر و بهانه‌ای از والدین در عدم محبت با اعضای خانواده پذیرفتنی نیست.

نتیجه آن‌که آموختن محبت واقعی در خانواده به فرزندان یکی از وظایف پدر و مادر است و در کنار کسب درآمد و به فکر خوراک و پوشاک فرزندان بودن، والدین نمی‌توانند این وظیفه اصلی خود را نادیده بگیرند که در صورت اهمال در این رسالت، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر کانون خانواده خواهد نشست که شاید جبران‌ناپذیر باشد.

۴. ایجاد رابطه اعتماد بین والدین و فرزندان

فرزندان از کودکی به والدین خود اعتماد دارند، پدر و مادر خود را قبول دارند، با ایشان درد دل می‌کنند و حرف‌های خصوصی خود را به ایشان می‌گویند. این والدین هستند که با برخی اعمال ناصحیح سلب اعتماد از فرزندان خود می‌کنند.

عدم درک صحیح کودک در صورت انجام خطا و اشتباه، سرکوفت زدن به کودک در صورت انجام خطا، مطرح کردن خطاهای کودکان در بین فامیل و دوستان کودک، مقایسه‌های نابجای کودک با هم سن و سالان دوست و فامیل، احترام نگذاشتن به شخصیت کودک در اجتماع در صورت انجام خطا همه و مثل این موارد، باعث سلب اعتماد فرزندان از والدین می‌شود.

بر این اساس، در صورت بروز خطا و اشتباهی از سوی کودکان به والدین خود اعتماد نمی‌کنند و بهترین راه در امان ماندن از سرزنش‌های والدین را مخفی نگهداشتن و یا حتی دروغ گفتن می‌دانند.

به دلایل مختلفی نوجوانان می‌توانند دچار خطا و اشتباه در فضای مجازی شوند؛ اما نکته مهم این است که فرزندان به پدر و مادر خود اعتماد داشته باشند تا در صورت بروز لغزشی به اطلاع والدین برسانند و از آسیب‌های احتمالی بعدی جلوگیری شود؛ هر چند برخی اشتباهات در فضای مجازی مثل انتشار عکس شخصی

و اسرار خانوادگی مثل آب رفته‌ای است که به جوی بر نخواهد گشت، ولی اطلاع والدین می‌تواند از نظر روحی و روانی قوت قلبی برای فرزندان باشد و اگر دیگران بخواهند از این اشتباهات سوء استفاده نمایند، با سد محکمی با عنوان پدر و مادر مواجهه خواهند بود.

۵. نکشاندن روابط فضای مجازی به فضای واقعی

جوانان و به ویژه دختران نباید روابط در فضای مجازی را به دنیای واقعی سرایت دهند و با کسانی که هیچ سابقه آشنایی در دنیای واقعی ندارند، نباید قرار و مدار در پارک و دانشگاه یا سایر محیط‌ها بگذارند؛ چرا که افراد سودجو به راحتی می‌توانند با کشاندن افراد به مکان‌های مختلف، از ایشان سوء استفاده نموده و یا مورد آزار و اذیت قرار دهند.

بنابراین، دختران در این مورد باید بیشتر رعایت نمایند و با اندک آشنایی به جنس مخالف اعتماد نکنند و به حرف‌هایی عاشقانه و دلسوزانه دیگران دل نبندند تا از صدمات و لطمات غیر قابل جبران در امان باشند که پشیمانی‌های بعدی سودی نخواهد داشت.

۶. پرهیز از وب‌گردی‌های بی‌هدف

دختران به علت حضور بیشتر در منزل تمایل بیشتری برای حضور در فضای مجازی دارند و زمان بیشتری نیز در اختیار دارند. این مطلب به معنای حضور کم پسران در اینترنت نیست؛ به عبارتی جنس تهدیدهایی که برای دختران است با جنس تهدید پسران متفاوت است و البته آسیب آن برای خانواده بیشتر است و این از روحیه عاطفی دختران ناشی می‌شود که بیشتر مورد طعمه سودجویان قرار می‌گیرند؛ لذا خانواده‌ها باید محدودیت‌هایی برای حضور فرزندان خود در استفاده از اینترنت اعمال نمایند و این محدودیت‌ها می‌تواند به صورت مستقیم و غیر مستقیم صورت گیرد.

شناسایی سایت‌های معتبر علمی و تفریحی و خبری و ذخیره آن‌ها در سیستم و ارائه آن سایت‌ها به فرزندان جهت استفاده ایشان می‌تواند از جستجوی بدون هدف و به اصطلاح وب‌گردی‌های بی‌هدف در اینترنت مانع شود تا فرزندان از آسیب‌های فضای مجازی و اتلاف وقت و جوانی در امان بمانند.

۷. مطرح نکردن اسرار خانوادگی و مشکلات زندگی خود در فضای مجازی

کاربران نباید اسرار خانوادگی خود را به هیچ عنوان و با هیچ فردی مطرح نمایند؛ چه این‌که سوجویان با آیدی‌های مختلف و با عبارت‌ها و عناوینی عاشقانه و محبت‌آمیز و با کلماتی سرشار از مهربانی و کمک کردن به ایشان و جلب نظر کاربران وارد زندگی خصوصی جوانان می‌شوند.

بیان اندکی از اختلافات خانوادگی و یا مشکلات فردی باعث می‌شود شایدان دام‌هایی را برای به تور انداختن طعمه خود پهن نمایند و با استفاده از عباراتی مثل این‌که «مدتی است به فکر مشکل شما هستم» و اظهار همدردی و شریک غم بودن به فکر سوء استفاده از جوانان باشند.

بر این اساس، والدین می‌توانند با وجود برخی سایت‌های معتبر و وابسته به مراکزی که خود را معرفی نموده و با آدرس مشخصی فعال هستند، فضا را برای مطرح نمودن سؤالات و پرسش‌های فرزندان خود مهیا نمایند تا نوجوانان در این فضا به راحتی سؤالات و مشکلات خود را که در دنیای واقعی نمی‌توانند بازگو کنند، طرح نمایند.

مسئله مهم در این سایت‌ها قابل پی‌گیری بودن آن‌ها است؛ علاوه بر این، سایت‌های رسمی از کارشناسان خیره و مورد اعتمادی برای حل مشکلات نوجوانان و جوانان بهره می‌جویند و خانواده‌ها می‌توانند با شناسایی این سایت‌ها فرزندان خود را با این مراکز آشنا نمایند.

۸. عدم انتشار اطلاعات شخصی و خانوادگی

نوجوانان باید نسبت به عدم انتشار اطلاعات و تصاویر و فیلم‌های شخصی خود و خانواده حساسیت داشته باشند؛ لذا محل زندگی و آدرس منزل و محل کار پدر و مادر و مدرسه و دانشگاه و شماره تلفن از جمله مسائلی است که نباید در فضای مجازی منتشر شوند.

در نتیجه، خانواده‌ها باید آگاهانه با این مسایل برخورد نموده و به فرزندان خود گوشزد نمایند که به هیچ فردی نباید اطلاعات زندگی خود را بدهند تا از صدمات برخی سوجدجویان در امان بمانند.

نتیجه‌گیری

ارتباط از طریق فضای مجازی در سال‌های اخیر جایگاه قابل توجهی در بین نسل جوان جامعه پیدا کرده است و شبکه‌های اجتماعی در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد تأثیرگذار بوده است و در شکل‌دهی به هویت نقش دارند و حتی روی ابعاد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جوامع نیز می‌توانند تأثیرگذار باشند. امروزه با توجه به نقشی که فضای مجازی در ابعاد مختلف زندگی داشته است، نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در حال حاضر اینترنت ابزاری مناسب برای توسعه افکار و اندیشه‌های بشری محسوب می‌شود، به شرط آن‌که در راه صحیح استفاده شود. از طرف دیگر، افراد باید برای ورود به دنیای مجازی اطلاعات کافی در اختیار داشته باشند تا دچار مشکلات مالی و اجتماعی نشوند. ارتباطات سالم در فضای مجازی و لزوم هوشیاری جوانان و خانواده‌ها نسبت به تهدیدات فضای مجازی نیز در درجه نخست اولویت قرار دارد.

پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و توجه والدین به رفتار فرزندان بسیار مهم است و برای جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها، والدین باید تا حدودی به فناوری‌های روز دنیا مسلط باشند و آگاه باشند که تغییر در رفتار فرزندان به معنای ایجاد تغییر در طرز فکر آن‌هاست؛ چرا که وقتی بنیان فکری و شخصیت آن‌ها به صورت ناصحیح شکل بگیرد، راه نفوذ شیادان به حریم خصوصی افراد و محیط امن خانواده باز می‌شود؛ لذا چنان‌چه خانواده‌ها نسبت به شیوه‌های جدید ارتباط فرزندان خود آگاهی و شناخت کافی و لازم را داشته باشند، از انجام بسیاری از جرایم و ارتباطات پنهانی آنان جلوگیری به عمل می‌آید.

فهرست منابع

۱. ابری، انسیه (۱۳۸۷). فضای مجازی عرصه ظهور خلاقیت. اولین کنفرانس ملی خلاقیت‌شناسی، TRIZ، مهندسی و مدیریت نوآوری ایران. تهران: پژوهشکده علوم خلاقیت‌شناسی، نوآوری و TRIZ.
۲. اکبری، ابوالقاسم. و مینا اکبری، مینا (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات رشد و توسعه.
۳. رحیمی، محمد (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی (مطالعه موردی: شهر خلخال). پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران مرکز.
۴. زنجانی‌زاده اعزازی، هما. و علی محمدجوادی (۱۳۸۴). بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش آموزان دبیرستانی ناحیه ۳ مشهد (در سال ۸۲-۸۳). جامعه‌شناسی ایران. دوره ۶. شماره ۲: ۱۴۶-۱۲۱.

۵. ستارزاده، داوود (۱۳۸۶). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد به اینترنت و پیامدهای آن (مطالعه موردی: شهر ساری). علوم اجتماعی. دوره ۳. شماره ۳ (پیاپی ۱۴): ۱۴۲-۱۲۰.
۶. شکر بیگی، عالیه (۱۳۹۱). رسانه، زنان و مناسبات خانواده. تهران: نشست علمی انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۷. صادقیان، عفت (۱۳۸۴). تأثیر کامپیوتر و اینترنت بر کودکان و نوجوانان. مجله الکترونیکی پژوهشگاه مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران (نما). دوره ۴. شماره ۴.
۸. صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۶). بررسی آسیب‌های اجتماعی اینترنت. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۹. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات سمت.
۱۰. عاملی، سید سعید رضا. و حسین حسینی (۱۳۹۱). دوفضایی شدن آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فضای مجازی: مطالعه تطبیقی سیاستگذاری‌های بین‌المللی. تحقیقات فرهنگی. دوره ۵. شماره ۱ (پیاپی ۱۷): ۳۰-۱.
۱۱. کشتی‌آرای، نرگس. و اکرم اکبریان (۱۳۹۰). عصر مجازی و چالش‌های پیش‌رو. تهران: اولین کنفرانس بین‌المللی شهروند مسئول.
۱۲. یاسمی‌نژاد، عرفان. آزادی، اکرم. و محمدرضا امویی (۱۳۹۰). فضای مجازی، امنیت اجتماعی، راهبردها و استراتژی‌ها. تهران: همایش ملی صنایع فرهنگی و نقش آن در توسعه پایدار.

لزوم طرح شبهات رایج مستشرقان و منتقدان حجاب اسلامی در فضای مجازی و کیفیت پاسخگویی

نویسنده: زهرا محمدپور میر (ایران)^۱

بذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۹

دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۸

چکیده

مستشرقان که از آن‌ها به کاوش‌گران شرق نیز تعبیر می‌شود، امروزه به نوعی منتقد احکام اسلامی شده‌اند و حتی پا را فراتر نهاده و دین اسلام را ضد حقوق بشر دانسته و در صد ارائه دلایل علمی در رد و نقد آن می‌باشند که از جمله این مسائل، مسئله حجاب است. نقد مستشرقان به مسئله حجاب، مضر بودن پوشش ظاهری برای زن و به خطر افتادن سلامت جسمی و روحی او و نیز ضایع شدن حق زن برای حضور در اجتماع است؛ مواردی که در این پژوهش - ناظر به فضای مجازی - تلاش شد به بررسی آن‌ها پرداخته شود؛ هم‌چنین تلاش شد بررسی محتویات پژوهش با استفاده از سایر پژوهش‌های علمی و نظریه‌های کارگاهی باشد و بر این اساس، به شبهاتی که مستشرقان برای از بین بردن جایگاه عفت و حجاب پرداخته‌اند، اشاره شده است.

واژگان کلیدی: حجاب اسلامی، مستشرقان و منتقدان، کیفیت پاسخگویی، فضای مجازی

مقدمه

هنوز بیش از دو دهه از ورود اینترنت به زندگی مردم نگذشته که ضریب نفوذ آن با رشد فزاینده‌ای رو به رو شده و با وجود شبکه‌های اجتماعی موبایلی حتی کودکان و نوجوانان نیز وارد این فضا شده‌اند؛ لذا تصور این‌که فضای مجازی دنیایی متفاوت از فضای حقیقی است و تأثیری بر فضای حقیقی جامعه ندارد، چندان واقعی به نظر نمی‌رسد.

۱. کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ،

این تأثیر از همان اولین سال‌های آغاز وبلاگ‌نویسی در ایران- ۱۳۸۳- اتفاق افتاد که وبلاگ‌نویسان ایرانی در واکنش به تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربی، «بمب گوگلی» به راه انداختند. این تأثیرگذاری در سال‌های بعد نیز رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفت و وبلاگ‌نویسی به عنوان ابزار کم هزینه‌ای برای به اشتراک گذاشتن نظرات و واکنش به رویدادها و اتفاقات به کار گرفته شد و بر طبق آمار در سال ۱۳۸۶، تنها در یک سرویس بلاگ (بلاگفا) تعداد وبلاگ‌ها به بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار وبلاگ رسید.

در کنار شکل‌گیری این نوع انتشار دیدگاه‌ها در خصوص موضوعات مختلف در فضای مجازی بخشی به نام ارسال پیام و یا ثبت نظر در وبلاگ‌ها در نظر گرفته شد. با ظهور و قدرت گرفتن شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک، توئیتر و فرندفید حضور در فضای وبلاگ کمتر شد.

در سال ۱۳۸۸ و با نزدیکی به انتخابات ریاست جمهوری در ایران این استقبال بیش از پیش اتفاق افتاد؛ هر چند اساس ایجاد این شبکه‌ها و حمایت آن‌ها توسط کشورهای غربی به منظور مدیریت بر فضای انتخاباتی ایران اعلام شد، اما ارتباط میان زن و مرد را راحت‌تر کرد.

طی چند سال اخیر نیز وجود شبکه‌های اجتماعی موبایلی مانند تلگرام، واتساپ و لاین ارتباط را بسیار ساده‌تر کرده است و اگر برای حضور در شبکه‌های اجتماعی سابق باید از رایانه شخصی استفاده می‌شد در حال حاضر تصمیم تا عملی کردن آن برای حضور در شبکه‌های اجتماعی موبایلی چند لحظه بیشتر طول نمی‌کشد و در این فضا است که آواتارهایی- کاربرانی- که در حال تغییر روند از حالت سنگین و جدی به صمیمی بودند، تا حدی حساسیت‌زدایی از انتشار عکس بانوان در فضای مجازی را برطرف نمودند و در نتیجه زمینه برداشتن حجاب در این فضا شکل گرفت.

لزوم طرح شبهات رایج مستشرقان و منتقدان حجاب اسلامی... / ۱۱۱

این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که در سال ۱۳۹۰ رهبر معظم انقلاب به جهت شناسایی تأثیر فضای مجازی بر فضای حقیقی دستور تشکیل شورای عالی فضای مجازی را صادر کردند. (<https://www.tasnimnews.com>)

مهم‌ترین تغییر دنیای مجازی این است که روابط انسانی با واسطه و از راه دور جایگزین روابط انسانی چهره به چهره شده است، مردم در آن دوستی‌ها و دشمنی‌هایی ایجاد می‌کنند و کارهایی انجام می‌دهند و چیزهایی می‌گویند که در دنیای واقعی و رودررو طرح نمی‌کنند.

در بررسی نقش تفاوت‌های جنسیتی در میزان استفاده، نوع کاربری و تأثیرهای گوناگون اینترنت، چنین دریافت شد که تهدید هویت دختران، اعتیاد، فرهنگ‌پذیری، درگیری در عشق‌های مجازی و سوء استفاده‌های جنسی، تهدیدهای جدی برای کاربران اینترنتی مؤنث می‌باشد. (ابراهیم‌پور کومله و خزایی، ۱۳۹۱)

در مجموع، ارزش و فواید فضای مجازی را به دلیل امکاناتی که در اختیار کاربران قرار می‌دهد، نمی‌توان انکار کرد؛ اما در کنار این فواید، سرگرمی‌هایی نه چندان ارزشمند وجود دارند که نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند؛ عرصه‌های مخربی که نیاز به ضد تخریب و بازدارنده‌هایی دارند که فرد را از رفتن به آن سمت باز دارد و در این پژوهش تلاش می‌شود به ضرورت طرح شبهات رایج در بخش حجاب اسلامی در فضای مجازی و ضرورت پاسخگویی همتراز به آن پرداخته شود.

بیان مسئله

بررسی مزیت‌ها و مفاسد فضای مجازی، الزامی است؛ به دلیل این‌که ناخواسته جامعه دچار آن شده است. از طرف دیگر، در حالی که می‌شود امور اداری یا کاری را در منزل و بدون دغدغه انجام داد، چرا فرد دچار هزینه‌های هنگفت شود؟

امروزه یکی از مسائلی که می‌توان به راحتی از آن به عنوان ابزار آموزش استفاده کرد، همین عرصه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است؛ هر چند که این شبکه‌ها هم‌چون شمشیر دو لبه است که قسمت دیگر آن زهرآلود و خطرناک است.

در این تحقیق درباره هنجار اجتماعی عفت و پوشش و به تعبیر اسلامی آن، حجاب صحبت می‌شود و استفاده از امکانات شبکه‌های مجازی برای گسترش این فرهنگ کارآمد اجتماعی اسلام، بیان می‌گردد؛ چرا که سال‌هاست دشمن از این سلاح برای تخریب بنیان خانواده و اجتماع کشورهای مسلمان و یا دین‌مدار استفاده کرده و آثار و انتقادات افرادی با عناوین مستشرق، فمنیست و لاییک از کتاب‌های داخل کتابخانه‌ها در دستان کودکان و جوانان و بانوان در حال گردش است و با جمله‌ای کوتاه و تأثیرگذار- لایک- علامت تأیید می‌خورند.

لزوم استفاده از فضای مجازی در عرصه‌های دینی

همواره دین اسلام در معرض خطرات ناشی از غرض‌ورزی‌های دین‌ستیزان بوده و اکنون بیش از پیش توسط فناوری جدید به ذهن‌ها و دل‌ها رخنه کرده‌اند؛ بنابراین بهترین راه مقابله و دفاع، ورود به عرصه‌های حضور ستیزه‌جویان و افکار شیطانی تحت سیطره او می‌باشد. این تبیین، اولین و مهم‌ترین دلیل استفاده از فضای مجازی البته با هدف و برنامه است.

دلیل دیگر این‌که دین جایگاهش در دل‌ها و ذهن‌هاست و ابزارهای فردی فناوری و اجتماعی می‌تواند بهترین راه برای دستیابی به ذهن‌های آماده به ویژه در میان نوجوانان و جوانان باشد.

حجاب و عفاف مسئله‌ای است که زنان و دختران را بیشتر تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ لذا می‌بایست ابزار و راهکارهای رسیدن بهتر به این ارزش در دسترس آنان قرار گیرد. از محاسن دیگر و با ارزش فضای مجازی در دسترس بودن آن است که این‌گونه به راحتی آموزش‌های لازم در دسترس بانوان قرار خواهد گرفت.

تأثیر دنیای مجازی در گسترش یا عدم گسترش فرهنگ حجاب

خدای فضای حقیقی همان خدای فضای مجازی است و خداوند، کاربری همیشه آنلاین است که تمام رفتار و سکنتان انسان‌ها را زیر نظر دارد؛ پس همان‌طور که در فضای حقیقی حجاب در برابر نامحرم رعایت می‌شود، لازم است همان حالات در فضای مجازی وجود داشته باشد. (خبرگزاری فارس)

بیان این نکته لازم است که در میان افراد مذهبی نیز چنین لغزش‌هایی دیده می‌شود که این یکی از مهم‌ترین معایب استفاده از فضای مجازی است؛ چون استفاده از این فضا به دلیل حریم خصوصی بودن افراد و گاهی در خفا پرداختن به آن، همانند نفس و خلوت فرد است که او در این عرصه به همراه خود واقعی خویش با مسائل برخورد خواهد کرد که گاهی منجر به شیطنت خواهد شد.

بنابراین حضور همه‌جانبه، توجه و تهذیب خاص خود را می‌طلبد تا پرده‌ها و حجاب‌ها دریده نگردد؛ اما از سوی دیگر، تأثیری که دنیای مجازی در گسترش حجاب دارد قابل انکار نیست، همیشه در مقابل موج و جریان باید ضد جریان وجود داشته باشد تا جلوی سیلی عظیم گرفته شود.

رابطه بی‌عفتی با فضای مجازی و خطرات شبکه‌های مجازی

امروزه روش‌های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته است. پست الکترونیک، پیام‌های کوتاه، چت‌روم‌ها، وب‌پایگاه‌ها و بازی‌ها از جمله روش‌هایی برای گسترش و حفظ روابط اجتماعی شده‌اند تا جایی که روزانه نزدیک به ۴۰۰ میلیون نفر در سراسر دنیا از اینترنت استفاده می‌کنند و یکی از کاربردهای اصلی اینترنت، برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران است و شاید عیب اصلی ارتباط‌های اینترنتی آن است که ارتباط در فضای مجازی بر متن استوار است و از نشانه‌های بصری و شنیداری در تعامل‌های رو در رو، بی‌بهره است.

پیامدهای مواجهه مخاطبان ایرانی با برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای، دغدغه‌های بسیاری برای جامعه کارشناسی ایجاد کرده است. بسیاری از کارشناسان خانواده و بهداشت جنسی از برنامه‌ریزی برای تأثیر فرهنگی این سریال‌ها در عادی‌سازی خیانت زوجین به یکدیگر می‌گویند.

در بحث ازدواج نیز مسائلی مثل ناپایداری ازدواج‌ها، تغییر الگوی همسرگزینی، نداشتن مهارت‌هایی برای ازدواج، ناتوانی والدین برای آموزش به فرزندان، افزایش روابط دختر و پسر در زمان نامزدی بدون عقد، تمایل به دریافت مهریه‌های سنگین و بالا رفتن سن ازدواج را می‌توان اشاره کرد. تغییراتی که در حوزه دینی در جامعه رخ داده، کاهش آموزه‌های دینی در خانواده، دوری خانواده از شریعت و کم‌رنگ شدن حریم‌های دینی در روابط خانوادگی است. (آسیب‌شناسی فضای مجازی و خانواده‌ها، ۱۳۹۵)

از جمله تأثیرات منفی فضای مجازی بر حجاب را می‌توان این‌گونه بیان کرد: رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های تعاملی نظیر اینترنت در دنیای امروز مرز میان زنانگی و مردانگی و نیز فضای خصوصی و عمومی را درنوردیده‌اند. این مسئله با مطرح شدن اولین ایده شبکه اجتماعی در ۱۹۶۰ میلادی و شکل‌گیری اولین شبکه اجتماعی در سال ۱۹۹۷ با عنوان شش درجه^۱ قوت گرفت و هر ساله حتی کشورهای غیر مسلمان که به موضوع حجاب اعتقادی ندارند، از آثار منفی این فضاها مانند سوء استفاده از پوشش کاربران بی‌نصیب نبوده‌اند.

امروزه «فیسبوک» به عنوان بزرگترین و گسترده‌ترین شبکه اجتماعی مجازی که بیش از سایر فضاها مسئله بحران پوشش را با خود به همراه دارد، به عنوان اسب تروای مافیای صهیونیسم در خدمت سرویس‌های جاسوسی غرب و ایدئولوژی ضد اسلامی

لزوم طرح شبهات رایج مستشرقان و منتقدان حجاب اسلامی... / ۱۱۵

و تروریسم فرهنگی قرار دارد. شبکه‌های اجتماعی بارها اثبات کرده‌اند که محلی برای توطئه‌ها و اقدامات تجاوزگرانه به محیط خصوصی افراد هستند.

نکته مهم دیگر حجاب و عفاف مجازی است؛ یعنی فرد در مقابل هجوم عظیمی از جنس مخالف قرار دارد که برای زن و مرد با اهمیت است و البته زنان آسیب‌پذیرتر هستند. از طرف دیگر، شاید بتوان گفت یکی از اساسی‌ترین نقاطی که در جنگ نرم کشورهای مستکبر هدف‌گیری شده است، موضوع عفاف و حجاب است که در تاریخ ۵۰۰ ساله استعمار می‌توان آثار و عواقب آن را مشاهده کرد.

به طور کلی، هدف برخی کشورهای غربی استعمارگر در کنار استعمار فیزیکی و جغرافیایی مستعمرات، متزلزل کردن باورهای دینی و کمرنگ کردن معنویات مردم آن جوامع بوده است.

به طور مثال با وجود این‌که جامعه ایران هرگز مستعمره کشور دیگری نبوده است، اما مسئله مبارزه با حجاب در دوران پهلوی از حمایت چند کشور غربی برخوردار بوده است. امروز این سلطه چهره جدیدی به خو گرفته است که در کشاکش نامحسوس با عقاید مذهبی ملل دیگر، مسئله ترویج و تبلیغ ضد اسلامی به خوبی دیده می‌شود. (بی‌حجابی مجازی، ۱۳۹۱)

راه‌های آموزش مسائل دینی در فضای مجازی

فضای مجازی ابزاری کارآمد است برای این‌که بتوان پیام خود را به گوش همه رساند. این امکان دیروز نبود، اما امروز مهیا بوده و یکی از امتیازات مهم این فضا است. (مقام معظم رهبری، دیدار با طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران، ۱۳۹۶/۶/۶)

اولین راهکار که اکنون نیز توسط کاربران شبکه‌های مجازی در حال انجام است، ایجاد گروه‌های حجاب و عفاف، ایجاد گروه‌های دوره‌می و در کنار آن بیان مسائل شرعی حجاب است؛ البته مسئولان در این میان و در زمینه حمایت مالی و اعتباری به این گروه‌ها نقش عمده‌ای دارند و یا این‌که استادان حوزه و دانشگاه در هر بخشی و در هر منطقه‌ای که حوزه مسئولیت آن‌هاست، جلسات پرسش و پاسخ در زمینه حجاب را برقرار کنند.

مساجد نیز به عنوان مکان غیر دانشگاهی می‌تواند کارآمد باشد؛ لذا به مسئله پوشش و حجاب باید به خوبی و دقت پرداخته شود. در جهت کم‌رنگ‌تر کردن نقش شعاری در فضای مجازی نیز می‌توان به صورت حقیقی و حضوری این اهداف ادامه یابد. از این جهت فضای مجازی بهترین مکان و نحوه اطلاع‌رسانی برای انجام و اجرای برنامه‌هاست.

در چنین فضایی کلاس‌ها می‌تواند هم به صورت صوتی و هم تاپی برگزار شود و یا اتاق‌های فکر توسط مدیران و مربیان برای پیشبرد برنامه‌های مورد نظر به صورت آنلاین و غیر حضوری و در زمان‌های آزاد آن‌ها صورت گیرد تا نامبردگان به کارهای روزمره خود نیز رسیدگی کنند.

پلیس فتا برای مقابله با موج برنامه‌های مجازی دشمن و به تعبیر خود پدافندی را به این شرح بیان کرد:

به منظور گسترش حجاب مجازی، کاهش لطمات وارده در اثر سوء استفاده در فضای مجازی، مصونیت قشر زن در جامعه و نیز حفظ ارزش‌های دینی و ملی، نهادهای فرهنگی ذیربط مانند وزارت ارشاد، وزارت آموزش و پرورش و نیز وزارت علوم به همراه رسانه‌های داخلی اعم از صدا و سیما، مطبوعات، وبسایت‌های تحلیلی و خبری در این امر به طور پویا عمل کنند.

لزوم طرح شبهات رایج مستشرقان و منتقدان حجاب اسلامی... / ۱۱۷

به طور کلی، میان تمامی نهادهای دولتی و غیر دولتی و نیز نهادهای حاکمیتی و نظارتی که به نوعی در ترویج امر حجاب و عفاف دخیل هستند و اقدامات آن‌ها به طور قطع باعث حفظ جایگاه حجاب در جامعه می‌شود، هماهنگی حاصل گردد. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود به دلیل گسترش قشر نوجوان و جوان جامعه که بیشتر از همه در معرض آسیب‌های جدی شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها و سایت‌ها قرار می‌گیرند، با مسئله بی‌حجابی در فضای مجازی به طور زیرساختی برخورد شود و برگزاری همایش‌ها و نمایشگاه‌های مد و لباس در مرحله ثانوی قرار گیرد.

منظور از اقدامات زیرساختی این است که چون عفاف خانواده‌ها از سوی رسانه‌های بیگانه مورد هدف قرار گرفته است، بهترین راه مقابله، مصون‌سازی جامعه است و این مصون‌سازی با پرورش افراد جامعه از دوران کودکی مهیا می‌شود؛ زیرا از نفوذ ماهواره، اینترنت و سایر عرصه‌های تبلیغاتی دشمن نمی‌توان جلوگیری کرد.

<https://www.cyberpolice.ir/trick/22181>

بررسی‌های مرتبط در کشورهای غربی

در این زمینه کشور چین بیشترین میزان کار روی فیلترینگ فضای مجازی را انجام داده است. در یک تحقیق درباره ارتباطات مجازی جنسی نویسنده از قول محقق دیگری این‌گونه می‌نویسد: رابطه جنسی در فضای مجازی یک نوع گفتگو است و اینترنت در اولین نگاه کلمه‌ای یا اصطلاحی است از آزادی جنسی و برای برخی فرصت، ولی واقعاً چه کاربران رایگانی دارد. (Ben-Ze'ev, 2003)

محقق بنا به قول خود در مقاله‌اش، سعی دارد از طبیعت و ذات و آینده ارتباطات آنلاین جنسی و یا با محتوای جنسی، پرده بردارد. (Dowling, 2010) در مقاله بعدی با عنوان «کامپیوترها در رفتار بشر» نویسنده اعتراف می‌کند که معمولاً احساسات با باز بودن و نزدیکی با هم ارتباط دارند. به نظر می‌رسد تمایل

به حریم خصوصی با این ویژگی‌های عاطفی در تناقض است و نزدیکی عاطفی به معنای از دست دادن برخی حریم‌های خصوصی و نزدیکی عاطفی مانع از حفظ سطح بالاتری از حریم خصوصی می‌شود. به همین ترتیب باز بودن یا راحت بودن زیاد، سلامتی کاربر را به خطر می‌اندازد و ممکن است آسیب برساند.

هم‌چنین به بررسی میزان حفظ حریم افراد در فضای مجازی و کنترل حدود با عنوان حریم خصوصی و بازداشتن از آزادی و راحتی بیش از اندازه در این عرصه می‌پردازد. (Ben-Ze'ev, 2003)

در پژوهش بعدی، کام ونگ به بررسی دولت در فضای مجازی (الکترونیک) در چین می‌پردازد. در فصل آخر مقاله، این تیتیر طرح شده: کشف خطرات سایبری، جرم کامپیوتری و حفظ حریم خصوصی؛ در این بخش، پس از پرداختن به دولت الکترونیک و بیان روش‌های اجرای آن در چین به وجوب دخالت پلیس در حفظ حریم افراد اشاره کرده که اهمیت حریم انسانی را در هر کشوری و از سوی هر نهادی بیان می‌کند. (Kam Wong, 2011)

مقاله بعدی با عنوان شرم در فضای مجازی به بررسی روانشناسانه درباره معایب و مزایای ناشناس بودن می‌پردازد و به مشاوره و کار بالینی در اختلالاتی که پس از حضور در فضای سایبری دارد، اشاره می‌کند.

شرم در این پژوهش به عنوان مفهوم محوری و اصلی معرفی شده که معایب و مزایای تعامل در فضای مجازی را زیر پا گذاشته و اختلالاتی با عنوان سندرم‌های مبتنی بر شرم را در پی دارد. در نهایت نیز پیشنهادهایی مربوط به فعالیت‌های درمانی در ارتباطات کامپیوتری ارائه می‌دهد.

فعالیت مستشرقان و اسلام‌ستیزان علیه حجاب

قرآن کریم به مؤمنان می‌فرماید:

لزوم طرح شبهات رایج مستشرقان و منتقدان حجاب اسلامی... / ۱۱۹

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...»؛ (انفال، ۶۰) هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید.

در حال حاضر دشمن از ابزار فضای مجازی برای نفوذ و سیطره و سلطه فرهنگی استفاده می‌کند که باید از این فضا برای تبلیغ و ترویج فرهنگ و معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام استفاده کرد.

در بررسی اقداماتی که علیه حجاب توسط مخالفان آن با استفاده از اطلاعات، داستان‌ها، مقالات، پژوهش‌ها، فیلم‌ها، اخبار ضد و نقیض برخورد می‌شود، سابقه این فعالیت‌ها به گذشته‌های دور بر می‌گردد؛ اما امروزه با توجه به دسترسی مطالب آنان توسط کاربران عادی خطر بزرگتری مبانی اسلام را مورد هدف قرار می‌دهد.

پیش از ادامه این بحث، لازم است با معنا و مفهوم شرق‌شناسی آشنا شد: ماکسیم رودینسون^۱ - مستشرق قرن ۲۰ میلادی - استشرق را چنین تعریف می‌کند:

اتجاه علمی لدراسة الشرق الإسلامي وحضارته؛ جهت‌گیری علمی برای بررسی سرزمین‌های اسلامی مشرق زمین و تمدن آنان.

هر چند وجود واژه «الشرق» در این تعریف محدود کننده منطقه جغرافیایی است؛ اما از تأکید بر قید اسلامی می‌توان دریافت که هر جا این ملاک و هدف اسلام‌شناسی وجود داشته باشد، مقتضای حضور عملیات استشرق در آن‌جا وجود دارد. بر این اساس، تمامی سرزمین‌های مسلمان‌نشین جهان حتی در آفریقا، اروپا و آمریکا نیز مورد بررسی مستشرقان متأخر قرار می‌گیرد. در این صورت، نوع چهارمی از محدوده جغرافیایی برای استشرق ترسیم خواهد شد. (زمانی، ۱۳۸۵)

1. Maxime Rodinson

ادوارد سعید^۱ - اندیشه‌ور فلسطینی الاصل آمریکایی - نیز شرق‌شناسی را نوعی ابزار برای شناختن شرق توسط غرب برای ادامه و استقرار سلطه استعمار و استثمار غربی‌ها مطرح کرده است.

- حرکات ضد اسلامی برخی مستشرقین در ایران

حرکتی که شرق‌شناسان غربی شروع کردند، بعدها توسط برخی از عناصر داخلی مورد توجه قرار گرفت و برخی از نیروهای فرهنگی که به ویژه با روی کارآمدن نظام جمهوری اسلامی از برخی از موقعیت‌های شغلی و اجتماعی خود فاصله گرفتند، در صدد نقد اسلام و تمدن اسلامی برآمدند.

بر این اساس، گروهی از اسلام‌ستیزان معاصر در پی آنند که با کشیدن دیواری پولادین میان دو فرهنگ ایران باستان و آموزه‌های اسلامی، آیین و فرهنگ ایرانی را زنده کنند.

به طور مثال؛ بسیاری از معاندان فرهنگ اسلامی که زرتشت و به تعبیر دیگر زندگی در خرد و نور اهورایی را تبلیغ می‌کنند، به جای کلمه «صد» املای «سد» را به کار می‌برند و کتاب‌هایی هم‌چون «فرهنگ واژه‌های تازی به فارسی» در ۲ جلد، «سنجش فرهنگ پارسی با فرهنگ تازی» و «گنجینه نام» را به رشته تحریر درآورد. (انگیزه‌های اجتماعی و فرهنگی اسلام‌ستیزان، ۱۳۸۹)

از جمله فعالیت‌های سازمان یافته دیگر می‌توان ایجاد هزاران شبکه اینترنتی برای مبارزه با حجاب و گسترش مدل‌های غیر ایرانی و غیر اسلامی هم‌زمان با طرح حجاب و عفاف نام برد. این سایت‌ها در اقدامی هماهنگ و سازماندهی شده به مبارزه با طرح حجاب و عفاف پرداختند و با پرهیز از شیوه تقابلی زیرکانه و با روش‌های روانشناسانه، مدل‌هایی عاری از پوشش تبلیغ کردند. روش عجیب و

لزوم طرح شبهات رایج مستشرقان و منتقدان حجاب اسلامی... / ۱۲۱

جدید این گروه نیز استفاده از هرزنامه‌های رایانامه‌ای به پست الکترونیک جوانان و مدگرایی و بدحجابی است

SA... JOO ... CAR... FRI... ARDO... TIBA... SIL... 20...

برخی از نام‌های این شبکه‌ها هستند که با ارسال سریالی نامه‌ای الکترونیکی، انواع و اقسام مدگرایی و بدحجابی را در میان کاربران گسترش می‌دهند؛ حتی گاهی این شبکه‌ها به ارسال تصویر نیز اکتفا نکرده و با ارسال متن‌های مبتذل و با عناوین آموزش مهارت زندگی، دستیابی به خوشبختی و چند نکته برای موفقیت در زندگی زناشویی طعمه‌هایشان را در چنگال خود گرفتار می‌کنند. (فعالیت گسترده شبکه‌های مجازی علیه حجاب و عفاف، ۱۳۸۹)

چریس وکر استاندار منطقه اسکس در سال ۲۰۰۹ میلادی در روش پیشنهادی خود ورود زنان عریان به خیابان‌ها را یکی از راه‌های مقابله با حجاب زنان مسلمان دانست و یا شهادت مروه الشربینی در دادگاه آلمان در برابر دید عموم از این قبیل نمونه‌هاست.

مطابق با آمار اعلام شده، کشورهای فرانسه و ترکیه و تاجیکستان - به ترتیب - سه کشور نخست دنیا در مبارزه با حجاب زنان شهروند خود به شمار می‌روند.

از سوی دیگر، نظریه «مارپیچ سکوت» الیزابت نوئل نئومان، اذعان می‌دارد که در یک فضا (حقیقی یا مجازی) اگر عقیده‌ای خاص و رو به گسترش، مثلاً پوشش توسط اکثریت افراد یک جامعه مورد قبول واقع شود، و به تدریج مخالفت با آن موضوع توسط اقلیت جامعه دشوار شود، مارپیچ سکوت در آن جامعه از میان همین اقلیت شکل می‌گیرد و هر کس می‌خواهد بداند نظر دیگری در آن موضوع چیست که اگر با عقیده خودش در تضاد بود، سکوت اختیار کند.

در این‌جا مسئله بی‌حجابی حکایت همین نظریه است که کاربران فضای مجازی هر کدام به دیگری نگاه می‌کنند و می‌بینند دوستان، همکاران و حتی برخی

بازیگران داخلی که بعضاً هم با پوشش‌های مناسب در اجتماع و رسانه ظاهر می‌شوند، در شبکه‌های مجازی به گونه دیگری عکس‌های کاربری خود را در معرض دید بقیه قرار می‌دهند؛ پس قبح این قضیه از بعد اجتماعی به تدریج از بین می‌رود و این خود به خود به شکل‌گیری یک مارپیچ بزرگ سکوت نسبت به پوشش کمک می‌کند.

شبهه رابطه عدم سلامت جسمی زنان و حجاب در صفحات مجازی به عقیده برخی در فضای مجازی، جو ترسناکی که عده‌ای از زنان مسلمان در آن قرار دارد، باعث انتخاب حجاب در آن‌ها شده است.

<http://www.scpr.org/news/2015/12/22/56360/climate-of->

[*\(fear-has-some-muslim-women-making-diffi*](#)

این مطلب یک ادعاست؛ چرا که در کشورهایی مثل استرالیا، امریکا، اروپا و کشورهای غیر اسلامی یا حتی اسلامی مثل مالزی و اندونزی و مراکش به استثنای برخی کشورها مثل عربستان که زن در درجه بعدی نسبت به مرد قرار دارد، این ادعا باطل است. در ایران نیز در عین این که حجاب به صورت قانون اجرایی درآمده؛ اما محیط نامناسبی برای تحکم به مردم در این مسئله وجود ندارد.

شبهات بعدی که در صفحات مجازی مشاهده می‌شود، از سوی روشنفکرانی است که ایراد پزشکی از حجاب می‌گیرند و به لحاظ روحی مدعی افسرده شدن فرد محجبه به ویژه با حجاب تیره و کامل دارند و هم‌چنین به لحاظ جسمی قائل بر ایجاد بیماری‌های پوستی و حتی سرطانی توسط حجاب کامل دارند.

برای پاسخ به این نظریه و ادعا لازم است آمار کلی جهانی از بیماری‌های سرطانی و پوستی و افسردگی را مشاهده کرد؛ این در حالی است که در بررسی‌های آماری، بیشترین میزان سرطان از جمله سرطان سینه در بانوان و پروستات در آقایان

لزوم طرح شبهات رایج مستشرقان و منتقدان حجاب اسلامی... / ۱۲۳

متعلق به افراد سیگاری است و آن دسته از افرادی که در جوامع کمتر توسعه یافته زندگی می‌کنند و یا در کشورهایی که گذرگاه اقتصادی هستند، مثل اروپای شرقی به دلیل سبک زندگی ناسالم مثل همان سیگار کشیدن، عدم فعالیت بدنی و خوردن غذاهای پر کالری، در معرض این عارضه قرار دارند که این آمار در حال افزایش است. در همین بررسی، یکی از مهم‌ترین نمودارها مربوط به اثر فعالیت‌های نامشروع جنسی - سکس - است که ابتلا به سرطان کبد را افزایش می‌دهد؛ اما آن‌چه مورد ایجاد شبهه بیشتری در میان اسلام‌ستیزان و یا اسلام‌گریزان است، مانور روی سرطان پوست است؛ در حالی که آمار آن قابل مشاهده است.

به عنوان مثال کشور دانمارک را می‌توان نام برد که پایتخت سرطان جهان نام دارد؛

<http://www.wcrf.org/int/cancer-facts-figures/data-cancer->

[frequency-country](#)) در حالی که در میان آمارهای جهانی کشورهای مسلمان‌نشین مثل یمن، نیجریه و عمان جزو کمترین میزان سرطان یاد شده و بیشترین آمار مربوط به دانمارک، فرانسه، استرالیا، بلژیک، نروژ و آمریکا است. (مسترجمی و محمدپورمیر، ۱۳۹۵)

چگونگی برخورد با مخالفان حجاب در فضای مجازی

از جمله انتقادات مخالفان اسلام و برخی مستشرقین، مخالفت با حکم حجاب است که از نمونه‌های این مخالفت‌ها و نظریه‌ها، ایدئولوژی یکی از فمینیست‌های مقیم خارج کشور است که معتقد است:

تصور این‌که به زنان مسلمان ظلم شد بسیار آسان است: پوشیده بودن، ناشناس بودن، دور از جامعه بودن، جدایی، بدون این‌که حق کار و آموزش یکسانی نسبت به مرد داشتن، مجبور به قبولی تعدد زوجات، حق طلاق کمی که به دنبال خود ترس از شرمساری برای خود و خانواده خود را دارد. (Shirazi, 2003: 222)

امروزه شبهه جدید روشنفکران فمنیست و یا دین‌ستیزان، مضربودن پوشش ظاهری زن و به خطراتادن سلامت جسمی و روحی وی و نیز ضایع شدن حق او برای حضور در اجتماع است.

پس از شناخت موقعیت موجود، برای تقابل مسئله حجاب و حفظ این ارزش لازم است راه‌حل‌ها و هزینه‌هایی برای مواجهه و مقابله با آن اندیشید که نیازمند کار و عمل همگانی و انقلابی است.

بر این اساس، ترجمه مقالات و کتب مرتبط و ایجاد سایتی مختص این کار و مربوط به کرسی آزاد اندیشی حجاب در میان اندیشه‌وران بنام دنیا و ایجاد پرسش و پاسخ در همان مکان و ارتباط با جوانان در شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی و ایجاد سایت و بازتاب خبری، ایجاد باشگاه‌های حجاب در سراسر دنیا به زبان‌های مختلف به صورت مجازی، کنترل سایت‌های مد و شوهای لباس که در صدد الگودهی به جوانان دختر و پسر هستند و رسیدگی پلیس فتا و دستگاه‌های اجرایی به این سایت‌ها از جمله راه‌های برخورد با مخالفان حجاب در فضای مجازی به شمار می‌رود.

شبهه پوشش سر و موها

این روزها مشاهده می‌شود که چالش‌های زیادی بر علیه روسری و پوشش موی سر اتفاق افتاده است که در آن‌ها کاربران خواستار برداشتن روسری و حجاب اجباری- به تلقی آن‌ها- هستند و از آن‌جا که توانایی مقابله با قانون کشور اسلامی را ندارند، به نفوذ بر ذهن و فکر جوانان پرداخته و از یک سو دختران را به آزاد بودن مثل مردان تشویق می‌کنند و از طرف دیگر، مردان را به سوی بی‌غیرتی سوق می‌دهند.

شبهه مهمی که در این راستا دست به دست می‌گردد، این است که پوشش سر قانون الهی نیست و در قرآن کریم نیامده و این ساخته و پرداخته ذهن متصدیان مذهب است و یا اجباری در آن نیست و یا این‌که مربوط به همسران پیامبر اکرم ﷺ است.

لزوم طرح شبهات رایج مستشرقان و منتقدان حجاب اسلامی... / ۱۲۵

این شبهات جدید نبوده و از لابه‌لای کتاب‌های مخالفان حجاب درآمده و از سوی فمنیست‌ها بیش از سایرین مطرح شده بود؛ افرادی مثل لیلا احمد، فاطمه مرینی و سایر فمنیست‌های ایرانی که در ابتدای انقلاب موج نه‌چندان عظیمی را رهبری می‌کردند.

به طور کلی در فضای مجازی مدتی است که پس از جستجوی کلمه حجاب، حجم گسترده‌ای از مطالب و تصاویر درباره روسری دیده می‌شود.
(<https://www.google.com/search?q=hijab&tbm=isch&imgil>)

جایگاه حجاب و عفاف در عرصه‌های مجازی و نحوه تبلیغ آن

با مشاهده برخی شبهات در این حوزه، گاهی با پوشش چادر، اصل حجاب هدف‌گیری می‌شود که برای مقابله با این شبهه و بیشتر از دختران و بانوان بدحجاب، شبکه‌های مجازی برای آموزش مربی و مبلغان می‌تواند کارآمد باشد؛ به این ترتیب که راه‌های درست بیان مسئله حجاب را از استادان مجرب و با تجربه بیاموزند.

تشکیل جلسات پرسش و پاسخ و پرسمان عقیدتی مجازی در وبگاه‌ها و سایت‌ها موج می‌زند؛ اما باز هم کار کمی انجام شده است. آنچه مهم است، اثبات اهمیت حجاب، حیا و پوشش از جنبه‌های علمی و تحقیقاتی است که جای این فعالیت‌ها بسیار خالی است.

- بررسی و آزمایش‌های علمی در وبگاه‌های شخصی و غیر شخصی

در این بخش، چند مثال از فعالیت‌ها و تحقیقات غرب درباره پوشش بیان می‌شود: در مقاله‌ای نویسنده روسری را به مخاطب معرفی می‌کند؛ (Toseeb, 2014) هر چند در ابتدا از حجاب به عنوان علامتی اجتماعی و سیاسی برای زنان مسلمان صحبت شده؛ اما سوال این است که چرا همیشه در مقالات مربوط به حجاب، مستشرقین حجاب را به عنوان علامتی سیاسی معرفی کردند؟

البته این مطلب بعید نیست؛ چرا که امثال هما هودفر و فائقه شیرازی همواره از حجاب به عنوان حربه‌ای سیاسی در مقابل دشمنان یاد کردند که حاصل دوران پس از انقلاب اسلامی ایران است؛ (Shirazi, 2003: 222) حال آن‌که مسئله حجاب رکنی اصلی و رو به فراموشی بود که انقلاب آن را دوباره زنده نمود. از طرفی در این مقاله، جنبه‌های اجتماعی و سیاسی حجاب در غرب بررسی شده است و اذعان نموده که در غرب هم ریشه‌ای داشته است؛ البته هنوز تحقیق و منبعی از کارکردهای حجاب در غرب انجام نشده است. در این مقاله اثر حجاب از جنبه پزشکی بررسی شده و فرض بر این گذاشته شده که با حجاب زنان، سطح هورمون جنسی زن پایین آمده و احساسات مردان نسبت به جذابیت‌های فیزیکی کاهش می‌یابد و در نتیجه زن به همسر خود نسبت به مردان بیگانه- و به تعبیر غربی‌ها به رقبای جنسی همسرش- رسیدگی می‌کند و برای آزمایش این فرضیه بین ۸۰ مرد مسلمان، زنان با درجات مختلف حجاب را روبرو می‌کردند و آن‌ها به جذابیت و محرک بودن پوشششان نظر و امتیاز می‌دادند که در این میان زنانی که پوشش کمتری داشتند، جذاب‌تر و محرک‌تر بودند. در نتیجه بررسی و رسم نمودار این تحقیق، حجاب باعث تقویت پیوند زناشویی و موجب امنیت گزارش شد.

سؤالی که از پی جویی چنین مقاله‌هایی طرح می‌شود، این است که:

- چرا در اغلب مقالات از روسری به عنوان حجاب یاد می‌شود
- چرا اغلب با گذاشتن روسری و پوشاندن موی سر مشکل دارن؟
- چرا بیشتر فمینیست‌ها و مستشرقین و منتقدان، نوک پیکان را به سمت پوشاندن موی سر نشانه می‌گیرند؟

لزوم طرح شبهات رایج مستشرقان و منتقدان حجاب اسلامی... / ۱۲۷

این در حالی است که خداوند در قرآن کریم حتی بر خلاف نماز و ارکان آن تنها به نام بسنده نکرده و نحوه و نوع پوشش را معرفی می‌نماید. بررسی این نکته و پاسخ به این سؤال‌ها می‌تواند یکی از دلایل ستیز با این حکم الهی را بیان کند. دلیل چنین سؤال‌هایی را می‌توان در مقاله «دمکراسی و توسعه» جستجو کرد.

(Democracy and Development)

در این مقاله به پاسخ چند پرسش درباره روستی پرداخته شد و تحقیقی است درباره دلایل و نتایج اجتماعی، سیاسی و قانونی گذاشتن روستی؛ سؤال‌هایی به شرح زیر:

- آیا روستی مسلمانان نشانه ایدئولوژیکی و یا سیاسی یک امر الهی متعادل کننده است که با اصول اساسی مدرنیته غرب مغایر است؟
- آیا روستی عقاید مذهبی زنان و هویت مذهبی و فرهنگی را بیان می‌کند؟
- آیا نسخ روستی و برداشتن قانونی آن بر عدم تحمل تنوع فرهنگی و سنت اسلامی اشاره دارد؟
- آیا پوشیدن روستی یک نشانه و علامت ایدئولوژیک بنیادگرایی برای نشان دادن عزم زنان مسلمان برای نشان دادن حقوق اسلامی و شریعت است؟
- آیا روستی مسلمانان تهدیدی برای سکولاریزاسیون در فرانسه، آلمان و ترکیه است و بر این اساس در زندگی عمومی ممنوع شده است؟
- آزادی انتخاب زنان، حقوق بشر، حقوق جنسیتی، حقوق اشتغال و حقوق آموزش چیست؟
- آیا کشورهای مثل ترکیه، فرانسه و آلمان تبعیض غیر مستقیم و رفتار نابرابر در بازار کار دارند و آیا زنان مسلمان با روستی از حقوق کار محروم هستند؟

- آیا با توجه تعداد زیادی از زنان با حجاب روسری که از تحصیل و اشتغال منع شده‌اند، برابری حقوقی رسمی وجود دارد؟

بنابراین و با توجه به این سؤال‌ها مشاهده می‌شود که در غرب از حقوق شهروندی زنان محجبه با روسری جلوگیری شده و به دلیل نامشخص و غیر منطقی گویا با انتخاب این نوع پوشش دچار محرومیت‌هایی شده‌اند.

در جای دیگر چنین آمده است: به لحاظ تاریخی حجاب در میان نخبگان باستان نیز وجود داشته و امپراتوری ایران اسلامی و روم شرقی پیش از اسلام و امپراتوری بیزانس و بعدها مسلمانان با تحریم قرآن این‌گونه مجزا شدند تا به امروز که یکی از نشانه‌های مسلمانان است.

هم‌چنین از نام روسری استفاده می‌شود و استدلال می‌کنند که امروزه حجاب تهدیدی برای بیشتر کشورهای اروپایی نیست؛ بلکه کشورهای حوزه اسکاندیناوی، هلند، بلژیک، بریتانیا و اسپانیا قانون منع حجاب ندارند و تنها در آلمان و فرانسه و ترکیه این قانون وجود دارد.

نویسنده این مقاله با طرح سؤالاتی وجود دموکراسی در غرب را به چالش می‌کشد و آزادی را در سه کشور نامبرده با نقض حقوق بشر همراه می‌داند.

از سویی دیگر، برخی نویسندگان یا منتقدان قانون حجاب جور دیگری برخورد می‌کنند. آن‌ها با عبور از مسئله حجاب آن را از بن و پایه رد کرده و اعتقاد دارند قانون اسلامی و حکم اجباری برای حجاب نیست و آیات حجاب را زیر سؤال می‌برند. این دسته مقالات از وبسایتی برگزیده شده که همانند همه سایت‌های معتبر داخلی و خارجی و پس از پیدا کردن یک مقاله، مقالات مرتبط در ذیل آن آورده می‌شود؛ حتی درباره اثر پوشش سر- روسری- نیز در چندین حالت طی مقالاتی، تحقیق و بررسی شده است.

ضد تبلیغ حجاب و عفاف در عرصه‌های مجازی

همان‌طور که سال‌هاست همه می‌دانند و مقام معظم رهبری نیز همواره تأکید بر مقابله با جنگ نرم داشتند، دشمن از هر طریقی برای از بین بردن عفاف و حجاب دریغ نکرده است و بیشتر از غیر مسلمانان یا مسلمانانی که معترض مسائل زنان بودند، استفاده کرده است که مثال عمده این ادعا را می‌توان در گروه‌های فمینیستی ملاحظه کرد؛ گروه‌هایی که اغلب ملیت مصری و یا ایرانی و یا سایر کشورهای مسلمان دارند و بعضاً تحصیل کرده دانشگاه‌های امریکا و کانادا در رشته ادیان و مذاهب اسلامی و شرقی و یا امور خاورمیانه هستند و این نشان از زیرکی انتخاب دشمن در این زمینه دارد.

این سیر، کافی است که با شناخت کامل ضربه مهلک بر جوامع مسلمان زده شود. تنها کافی است برای صحت این مطلب به تعداد مقالاتی که درباره زن و یا حجاب آمده و نویسندگان آن‌ها مراجعه شود.

ضد تبلیغات از سوی خود زنان مسلمان نیز گیراتر است و هم مهر تأییدی به اعتراض آن‌ها خواهد بود؛ بنابراین جامعه بزرگ جهانی به ادعاهای بی‌شمار آن‌ها مهر تأیید خواهد زد، چرا که زن محجبه، هم در این عرصه کم کار کرده و هم حق خود را که حق مسلم خداوند متعال است، کمتر مطالبه کرده است؛ لذا صدای حجاب بلند نیست و هنوز جای فریاد دارد.

از طرف دیگر، ضد تبلیغ پوشش و حجاب را در فعالیت‌های مختلف گروه‌های خاص مخالف آن می‌توان دید. از تبلیغ لوازم منزل گرفته تا فعالیت‌های مددکاری و اخلاقی و حمایت از اقشار مختلف جامعه مانند ایتام و یا بیماران خاص و سالمندان و از همه مهم‌تر زنان؛ در حالی که حجاب یک عقیده شخصی نیست و جامعیت دارد.

به طور کلی، مدل و نوع لباس حائز اهمیت است که گاهی از دید مسئولین یا خارج مانده و یا از حیطة قدرت آن‌ها دور است. طرح‌هایی که از غرب و فرهنگ آن وارد می‌شود و سپس به دست جوانان بومی‌سازی می‌شود و دیگر لازم نیست از سوی دشمن هزینه خاص و هنگفتی شود؛ حتی گروه‌های سیاسی نیز در این زمینه فعالیت می‌کنند و به گونه‌ای دیگر به ادعای خودشان به دنبال احقاق حقوق هستند. در این زمینه مراجع تقلید نیز نظر خود را اعلام کردند؛ به عنوان مثال، آیت الله مکارم شیرازی در این باره در هفته عفاف و حجاب و سالگرد قیام گوه‌رشاد در حرم مطهر رضوی علیه السلام بیان داشتند:

عده‌ای در خارج از کشور پیگیر کم‌رنگ کردن یا حذف حجاب در ایران به عنوان یک مسئله سیاسی هستند. آنان در فضای مجازی با راه اندازی پویشی به نام بی‌حجاب‌ها در صدد تهی کردن جامعه اسلامی از درون هستند که گرامیداشت هفته حجاب و عفاف و یادآوری قیام گوه‌رشاد، هشدار ملت به دشمن نسبت به آگاهی از این اقدامات در خارج از کشور است. (هشدار آیت الله مکارم نسبت به اقدامات علیه حجاب در ایران، ۱۳۹۵)

نتیجه‌گیری

در این‌که حضور افراد اندیشه‌ور در حیطة حجاب و عفاف در شبکه‌های مجازی لازم است، شکی نیست؛ اما روش و چگونگی این حضور، بیشتر حایز اهمیت است؛ لذا لزوم بررسی علمی و آزمایشگاهی حتی در زمینه پزشکی درباره حجاب، مهجور مانده و ورود اندیشه‌وران رشته‌های مرتبط با پدیده جسمی و روحی و روانی افراد بیشتر مسئله و معضل را از بین خواهد برد و تا زمانی که حرف‌ها و بررسی‌ها صرفاً غالب فرهنگی و تربیتی داشته باشد، کمتر به نتیجه می‌رسد.

لزوم طرح شبهات رایج مستشرقان و منتقدان حجاب اسلامی... / ۱۳۱

بنا بر بررسی‌های انجام شده در فضای مجازی و دانستن این‌که دشمن به طور هوشمندانه‌تری در حال انجام عملیات جسمی و روانی بر انسان‌هاست، می‌طلبید که از این موقعیت اگر بهتر نمی‌توان عمل کرد، لاقلاً به فکر مقابله با روش‌های دشمنان بود؛ مثلاً بررسی اثرات انواع حجاب بر جسم و سلامت بانوان. این بررسی‌ها از داخل حوزه و اماکن و تشکل‌های خاص باید بیرون آمده و وارد محافل علمی علوم اجتماعی و حتی پزشکی شود و آثار دانشمندان و پژوهشگران غربی نیز ترجمه صحیح گردد تا همزمان بتوان اثربخشی درستی داشت. فضای مجازی اکنون بهترین راه اطلاع‌رسانی این اثرات و این راه درمان‌ها برای جامعه اسلامی نیز می‌تواند باشد.

نکته حائز اهمیت دیگر این‌که تا در جامعه اسلامی فقر فرهنگی و اقتصاد و سیاسی حکمفرما است، مردم قربانی اصلی این فقر و نداری هستند؛ لذا ایجاد بستر کار و فعالیت برای جوانان بسیاری از سرگردانی‌ها را از بین خواهد برد و ایجاد محیط‌های آموزشی مناسب برای ازدواج و بعد از ازدواج و فراهم کردن ازدواج آسان رفتن از حرکت به سمت بی‌عفتی و ابتذال پیشگیری خواهد کرد. نتیجه آن‌که در این محیط‌های آموزشی به دلیل بالا رفتن هوش اجتماعی و فرهنگی جامعه، لازم است به درستی دلایل علمی و عملی حجاب بیان شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. تارنمای مقام معظم رهبری به نشانی: <http://farsi.khamenei.ir>
۳. ابراهیم پور کومله، سمیرا، و کامیان خزایی (۱۳۹۱). آسیب‌های نوپدید؛ شبکه‌های اجتماعی مجازی در کمین خانواده ایرانی. نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید. تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
۴. زمانی، محمد حسن (۱۳۸۵). مفهوم‌شناسی، تاریخچه و دوره‌های استشراف. قرآن‌پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان). شماره ۱: ۴۲-۲۷.
۵. مسترحمی، سید عیسی. و زهرا محمدپورمیر (۱۳۹۵). نقد دیدگاه‌های مستشرقان درباره چالش حجاب و سلامت زن. همایش ملی سلامت از دیدگاه قرآن کریم. بجنورد: جهاد دانشگاهی خراسان شمالی.
۶. آسیب‌شناسی فضای مجازی و خانواده‌ها (۱۳۹۵):
<http://armanezanan.ir/25089/25089>
۷. انگیزه‌های اجتماعی و فرهنگی اسلام‌ستیزان (۱۳۸۹):
<http://jamejamonline.ir>
۸. بی‌حجابی مجازی، دستاورد تروریسم فرهنگی غرب (۱۳۹۱):
<https://www.cyberpolice.ir/trick/22181>
۹. خبرگزاری فارس.
۱۰. فعالیت گسترده شبکه‌های مجازی علیه حجاب و عفاف (۱۳۸۹):
<http://www.Javann.ir/387732>
۱۱. هشدار آیت الله مکارم نسبت به اقدامات علیه حجاب در ایران (۱۳۹۵):
<http://www.fardanews.com/fa/news>
12. Ben-Ze'ev, Aaron (2003). **Privacy, Emotional Closeness and Openness in Cyberspace**. Computers in Human Behavior. Vol. 19 (Issue. 4): 451-467.
13. **Democracy and Development**. Washington D.C.

14. Dowling, Regenia (2010). **Syberitic Cyberspace: A Meta-Analysis of Computer Mediated Sexual Communication Literature**. Degree Master of Arts in Communication and Leadership Studies. Spokane, Washington: Faculty in Communication and Leadership Studies School of Professional Studies Gonzaga University.
15. Shirazi, Faegheh (2003). **The Veil Unveils: The Hijab in Modern Culture**. Gainesville, Florida: University Press of Florida Gainesville.
16. Toseeb, Umar. Bryant, Eleanor. And David Keeble (2014). **The Muslim Headscarf and Face Perception: "They All Look the Same, don't they?"** PLoS ONE 9 (2): e84754. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0084754>
17. Wong, Kam (2011). **Cyberspace Governance in China and Hong Kong**. Cincinnati: Xavier University.
18. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940407001638>
19. <https://www.tasnimnews.com>
20. <http://www.wcrf.org/int/cancer-facts-figures/data-cancer-frequency-country>

نقش سواد رسانه‌ای در حفظ و ارتقای هویت دینی جوانان

نویسندگان: دکتر حسن نجفی سولاری (ایران)^۱، الهه حسنی (ایران)^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۱

دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۵

چکیده

سواد رسانه‌ای در شکل‌گیری هویت تعاملات انسانی بسیار تأثیرگذار است؛ به طور کلی، فرد هنگامی که به تعامل با دیگری می‌پردازد، هویت خویش را به عنوان یک عضو جامعه پیدا می‌کند. از طرف دیگر، با ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی، دگرگونی بنیادینی در معاملات و ارتباطات انسانی ایجاد شد و هویت در بستر تعاملات اجتماعی تعریف شد؛ اما در جهان معاصر که بشر با سیری وصف‌ناپذیر از جامعه صنعتی به فراصنعتی پا نهاده، در بحث هویت و مباحث اخلاقی و ارزشی سیر قهقرایی پیدا کرده است؛ به طوری که زمینه ظهور و بروز انواع نگرانی‌ها، ناآرامی‌های روانی و اجتماعی را در پی داشته است. در این میان، دین در تمدن بشری و هویت بخشی به انسان و جامعه انسانی نقشی اساسی دارد؛ هر چند دین نیز مانند زبان و نژاد شاخه‌ای از فرهنگ است، ولی می‌توان دین را اولین منبع هویت بخشی یک جامعه محسوب نمود. از آن‌جا که انتقال ارزش‌ها از طریق ارتباطات صورت می‌گیرد، با ظهور فناوری‌های جدید نوع ارتباطات نیز دچار دستخوش و دگرگونی‌های بنیادین می‌گردد که همین گستردگی ارتباطات بدون داشتن دانشی برای مواجهه هویت دینی، جوانان ایران معاصر را با نوعی بحران مواجه کرده است. به نظر می‌رسد تنها راه چاره انسان جهت در امان ماندن از این عوارض، این است که گمشده اساسی خود- معنویت و هویت دینی- را هر چه زودتر یافته و به هویت حقیقی خویش پی ببرد؛ البته این کار بدون داشتن علمی برای مواجهه با این وسایل ارتباطی محقق نمی‌شود؛

۱. مدرس گروه ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران،

najafi.soulari@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد گروه ارتباطات، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران،

hasanielahe22@gmail.com

چرا که هویت دینی حول محورهایی هم‌چون مرز جغرافیایی- سرزمین- دین و مذهب، باورها و سنن فرهنگی و زبان مشترک تعریف می‌شود. از طرف دیگر، دستیابی به جامعه مجازی منجر به اجتماعی شدن بیشتر و سطوح بالاتری از جامعه‌پذیری می‌شود؛ لذا نیاز به سواد رسانه‌ای به عنوان سلاحی برای مقابله با ایدئولوژی و رفتارهای نوپدید کنشگران اجتماعی لازم است. در این پژوهش که بر اساس پرسش اصلی پژوهش مبنی بر این‌که آیا سواد رسانه‌ای در حفظ و ارتقای هویت دینی جوانان تأثیرگذار بوده است، با روش مصاحبه توصیفی- تحلیلی انجام یافته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که استفاده از رسانه‌ها- به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی- بدون داشتن دانش و مهارت سواد رسانه‌ای باعث تغییرات در میزان هویت دینی جوانان شده و با تغییر یا جایگزین شدن عوامل دیگر، معناسازی هویت را دستخوش تغییر نموده‌اند.

واژگان کلیدی: هویت دینی جوانان، سواد رسانه‌ای، فضای مجازی

مقدمه

در دنیای امروز به کسی می‌توان باسواد رسانه‌ای گفت که شاخص‌های سواد رسانه‌ای را دارا باشد و امروزه این شاخص‌ها نه تنها قدرت تفکیک و شناسایی رسانه‌ها و تولیدات و خوراک‌های فکری آن‌هاست؛ بلکه توانایی تأثیرگذاری متقابل و خط‌دهی و جهت‌دهی به عنوان یک مخاطب فعال را نیز شامل می‌شود. (ماهتانی، ۱۳۹۰)

سواد رسانه‌ای نوعی مهارت و درک شناختی و معرفتی است که بر اساس آن مخاطب می‌تواند در عصر حاضر به شناخت تولیدات متنوع رسانه‌ای در زمینه‌های مختلف وسایل ارتباط جمعی پی ببرد.

امروزه انواع رسانه‌ها وارد حوزه زندگی خانوادگی، کاری و اجتماعی بشر شده و شرایط متفاوتی را به وجود آورده است و همین امر بین افرادی که سواد رسانه‌ای

دارند و کسانی که فاقد آن هستند در برخورد با پیام‌های رسانه و اهداف و کارکردهای آن، تفاوتی بنیادین ایجاد نموده است.

سواد رسانه‌ای مهارتی لازم است که باید در کنار استفاده از رسانه‌ها به خصوص اینترنت به عنوان یک رسانه تعاملی به آن مجهز شد. استفاده از رسانه‌ها بدون داشتن این مهارت می‌تواند با اثرات نامطلوبی همراه باشد؛ به ویژه به خاطر فاصله اطلاعاتی و مهارتی که بین جوانان با والدین ایجاد شد و هم‌چنین تنوع و تخصصی شدن رسانه‌های جدید، لزوم ارتقای مهارت‌های سواد رسانه‌ای دوچندان شد.

سواد رسانه‌ای می‌تواند هم‌چون یک ناظر هوشمند درونی شده، رژیم مصرف رسانه‌ای جوانان را در استفاده از فضای مجازی تنظیم کند. معمولاً وقتی تأثیرات نامناسب انواع رسانه‌ها مانند برنامه‌های رسانه‌ای غیر مجاز، بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های ماهواره‌ای برون‌مرزی، استفاده نابجا از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر جوانان به صورت افت تحصیلی، مشکلات اخلاقی و رفتاری و آسیب‌های اجتماعی آشکار می‌شود، به راه‌های درمانی اندیشیده می‌شود؛ در حالی که بهتر است این گروه به ابزار نیرومندتری به نام سواد رسانه‌ای مجهز شوند تا خود به کمک والدین و سایر منابع مفید، فعالانه دست به گزینش‌گری و پالایش بزنند و رژیم مصرف رسانه‌ای خود را تنظیم و کنترل کنند.

سهم سواد رسانه‌ای در فرهنگ جامعه ایرانی اندک است و این امر موجب نگرانی است؛ زیرا در یک محیط رسانه‌ای باید تمامی اطلاعات عملکردی جامعه را فرا گرفت. با یادگیری مهارت سواد رسانه‌ای می‌توان به مخاطبان شیوه‌های تفکیک، تمایز و شناسایی تولیدات مختلف رسانه‌های جمعی را برای دست یافتن به واقعیت آموزش داد تا بتوانند تشخیص دهند کدام یک از رسانه‌های جمعی درباره موضوعات مختلف دقیق‌ترین، رساترین و شیواترین مطالب را از واقعیت بیان می‌کند.

ضرورت و اهمیت پژوهش

از مهم‌ترین عوامل بروز بحران هویت دینی در جوامع فعلی، گسترش استفاده از فضای مجازی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی سایبری به عنوان آزادترین محیط‌هایی است که بشر تا به امروز با آن مواجه بوده و همین تنوع و گستردگی، منابع هویت‌ساز سنتی و معمول در جوامع را تضعیف و یا کارکرد آن‌ها را با مشکل رو به رو کرده است. این بحران فقط به کشورهای در حال توسعه محدود نبوده و نخواهد بود؛ به طوری که در جهان امروز هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعا کند که از تأثیرات ناشی از این بحران در امان خواهد بود.

در سال‌های اخیر رسانه‌های بیگانه تلاش گسترده‌ای برای تغییر هویت دینی جوانان ایرانی آغاز کرده‌اند و این کار با پیامدهای ناگوار تغییر هویت دینی آن‌ها روبرو شد. ضرورت اتخاذ راهکارهایی برای مصونیت‌بخشی جوانان در برابر پیام‌های رسانه‌ای به خصوص رسانه‌های بیگانه، احساس می‌شود.

درجه نفوذ رسانه در جوامع و تأثیرات آن‌ها به حدی است که آموزش سواد رسانه‌ای را به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده است. به نظر می‌رسد دوران کنونی، دوران بلاتکلیفی در فرجام این فرایند است.

با این وصف، امکان دارد وقوع چندگانگی و شکاف‌های هویتی در درون جامعه ایران رخ دهد. این مسئله در کشورهای مختلف متفاوت است؛ اما در ایران با توجه به استقبال بالا مردم از شبکه‌های اجتماعی و نداشتن زیرساخت‌های مناسب برای استفاده درست از این فناوری‌ها، وضعیتی متفاوت دارد؛ چرا که باعث تأثیرپذیری بیشتر بر روی افراد شده و خود عاملی شده تا هویت دینی در معرض بحران قرار گیرد. هدف اصلی آموزش رسانه، هشیار کردن و اختیاربخشی در مواجهه با رسانه و برنامه‌ها و محتوای آن است. آموزش رسانه به افراد می‌آموزد که پیام را تفسیر و تولید

کنند و مناسب‌ترین رسانه را انتخاب کرده و نقش بیشتری در تأثیرپذیری از آن‌ها به عهده گیرند.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، سواد رسانه‌ای در ارتقای عرصه‌های مختلف جامعه تأثیرگذار است. به عنوان مثال؛ سواد رسانه‌ای را می‌توان به عنوان یک جزء لازم از تلاش‌های آموزشی در جهت ارتقای مهارت‌های تفکر نقادانه برای درک موضوعات پیچیده و تربیت شهروندان مسئول به کار گرفت.

مبانی نظری پژوهش

۱. هویت

با توجه تعاریف صورت گرفته، می‌توان هویت را به صورت زیر تشریح کرد:

- برساخته‌ای اجتماعی است؛ کیفیتی ثابت یا ذاتی نیست، بلکه ساخته می‌شود و سپس در تعامل با دیگران تغییر می‌کند.
 - توأم با احساس تعلق است؛ جزء ذاتی این‌که بدانیم چه کسی هستیم و عضویت در گروه یا گروه‌های اجتماعی است که از اعضای شبیه به یکدیگر تشکیل شده‌اند.
 - به تفاوت انسان با دیگران مربوط می‌شود. بخشی از دانستن این‌که چه کسی هستیم، دانستن این است که چه کسی نیستیم.
 - از آن‌جا که هویت اکتسابی است، انعطاف‌پذیر نیز هست و در برخی از جوامع انعطاف‌پذیرتر از برخی دیگر است.
- به طور کلی، دو معنای اصلی هویت، تمایز و تشابه مطلق است. (جنکینز^۱)

(۵: ۱۳۹۱)

هویت در سطوح و ابعاد مختلف واکاوی شده است؛ از جمله هویت ملی، هویت اجتماعی و هویت جهانی. هنگامی از هویت دینی سخن به میان می آید، به ابعاد کارکردی و عینی دین اشاره می شود. هویت دینی آن احساس خاصی است که پیروان یک دین را به یکدیگر پیوند می دهد و آن ها را در تعلق به یک هویت جمعی تعریف می کند. (گزارش راهبردی، ۱۳۸۵: ۱۴)

بنابراین، هویت دینی یکی از ابعاد مهم هویت اجتماعی است که متضمن سطحی از دینداری است که با مای جمعی یا همان اجتماع دینی مقارن است و نشان دهنده احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است.

به بیان دیگر، هویت دینی عبارت است از هویت دینی که همان آثار و عوارض ناشی از حمل وصف دین بر فرد دیندار است؛ به تعبیر بهتر، با پذیرش دین به عنوان یک اصل اعتقادی، در زندگی فرد مؤمن تغییرات و نتایج مهمی در وجوه مختلف حیات حاصل می شود. (چیت ساز قمی، ۱۳۸۳)

۲. جوانی و شکل گیری هویت

نوجوانی دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی تعریف می شود و دوره جوانی دوره انسجام هویت و مدخل زندگی بزرگسالی است. سنین ۲۰ سالگی و بعد از آن نیز دوره ای است که فرد به کمال رشد بدنی خود رسیده و توانایی های شناختی و زبانی و رشد اجتماعی او از کیفیت بالایی برخوردار است و تغییرات روانی مربوط به انسجام هویت وی نیز برجسته و شوق آفرین است. علاوه بر این، ورود به زندگی اجتماعی - اقتصادی و سازگاری و نقش آفرینی فرهنگی نیز در این سال ها رخ می دهد. (لطف آبادی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۱۳)

۳. سواد رسانه ای

تاکنون تعاریف متعددی از سوی اندیشه وران حوزه ارتباطات و رسانه در خصوص سواد رسانه ای ارائه شده است که با وجود تفاوت های چند، دارای وجوه مشترکی نیز

هستند و تا حدودی کاربر را در رسیدن به تعریف واحد از سواد رسانه‌ای یاری کرده و تجارب مفیدی در مطالعات تطبیقی در اختیار قرار می‌دهد.

سواد رسانه‌ای واژه‌ای است که بسیاری از زمینه‌های ذهنی و بینشی را پوشش می‌دهد. طبق تعریفی که از همایش رهبری و هدایت ملی در مورد سواد رسانه‌ای برداشت می‌شود، توانایی کاربرد، تحلیل، ارزیابی و ابلاغ پیام‌ها بیان شده است.

سواد رسانه‌ای به عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های عصر اطلاعات ظهور می‌کند تا به مخاطب کمک کند تا سطح اطلاعات و دانش خود را بالا برد و سعی کند از سر عادت و صرفاً برای سرگرمی و تفریح از رسانه‌ها استفاده نکند؛ بلکه با بینش و آگاهی لازم به تولید و تفسیر پیام‌ها بپردازد. (نصیری، ۱۳۸۴)

سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از چشم‌اندازهاست که کاربر به طور فعالانه، برای قرار گرفتن در معرض رسانه از آن‌ها بهره‌برداری می‌کند تا معنای پیام‌هایی را که با آن‌ها مواجه می‌شود، تفسیر نماید.

ما چشم‌اندازهای خود را با استفاده از ساختارهای دانش خود می‌سازیم. برای ساختن ساختارهای دانش، به ابزار و مواد اولیه نیاز داریم. ابزار، مهارت‌های ما در حوزه سواد رسانه‌ای و ماده اولیه اطلاعات به دست آمده از محتوای پیام‌ها و دنیای رسانه‌ای است. استفاده فعالانه از رسانه‌ها بدان معنی است که ما از پیام‌ها آگاهیم و به طور خودآگاهانه با آن‌ها در تعامل هستیم. (بصیریان و بصیریان، ۱۳۸۵)

از طرف دیگر، هدف سواد رسانه‌ای در توانایی بخشیدن به مخاطبان برای دفاع در مقابل رسانه‌ها است. اگر به پیروی از جیمز پاتر^۱، سواد رسانه‌ای یک پیوستار فرض شود، داشتن میزان بالای این سواد در گرو تجهیز ذهن به رویکردهای نظری و

1. James Potter

انتقادی گسترده‌ای است که آن هم به داشتن کمیت و کیفیت ساختارهای دانش وابسته است.

هدف اساسی سواد رسانه‌ای در رسانه‌های جمعی می‌تواند به نوعی رابطه با عدالت اجتماعی باشد که این مهارت در هر جامعه‌ای تا چه حد مورد اهمیت و ضرورت قرار می‌گیرد و سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی هر حاکمیتی تا چه حد حاضر است از طریق وسایل ارتباط جمعی این مهارت را در بین شهروندان و مخاطبان رسانه‌ای خود اشاعه دهد تا از این طریق بتواند سرمایه‌های اجتماعی و پیوند اعتمادی خود را با افکار عمومی تحکیم و استمرار بخشد.

با این‌که هویت دینی سیستم کنترل‌کننده مجموعه‌ای از هنجارها و ضد هنجارها در فرد و جامعه است که معنای چگونه بودن را در خصوص نقش‌های فردی و اجتماعی به او القا می‌کند.

بنابراین، هدف قرار دادن آن برای برخی رسانه‌ها و بهره‌گیری از ابزارهای فنی نوین برای قرار دادن فرد در موقعیت تعارض‌آمیز از فرایندهای فرهنگی و اجتماعی و ارزشی دور از ذهن نخواهد بود.

در چنین وضعیتی و با وجود این‌که اهداف تجاری، فرهنگی و سیاسی، رسانه‌ها را برای حفظ سود و سرمایه تا آن‌جا پیش می‌برد که به ساخت فکر و ایدئولوژی و ارزش دست زده و حتی با ایجاد بار سیاسی و نفوذ به صنایع فرهنگی و دینی سعی در تولید پیام برای جلب عقاید عمومی دارند و از آن‌جا که زیربنای نفوذ و سلطه، فرهنگ‌سازی است و در بسترسازی برای نهادینه شدن فرهنگ جوانان بهترین گزینه هویت دینی است؛ لذا رسانه‌ها با رسالت همیشگی خود- بازسازی واقعیت- به میدان آمده و مانند همیشه واسطه درک کاربر با جهان بیرونی می‌شوند از همین روی تشخیص مرز حقیقت و مجاز نیازمند داشتن یک نگاه گزینشی برای تفکیک درست از نادرست است.

از آن جایی که بحران هویت به دلیل شرایط خاص جامعه و جوان بودن جمعیت کشور گریبان‌گیر جوانان می‌شود و بی‌انگیزگی و بی‌مسئولیتی را در آن‌ها به وجود می‌آورد و مانع از فعالیت‌های مفید و سازنده آنان می‌گردد، باید بیشتر بررسی و در ارائه راهکارهای کلیدی بیش از پیش تلاش شود. (اکبری، ۱۳۸۷)

در حال حاضر، فرهنگ تهاجمی غرب و شرق با استفاده از دو ویژگی و نقطه ضعف جوان که عبارت است از کمبود تجربه و غلبه احساسات بر تعقل و با استفاده از ویژگی‌ها و شگردهای تبلیغی، روان‌شناسانه و جذاب رسانه‌ایی سعی در فروپاشی نظام اعتقادی و فکری نسل جوان دارند تا از طریق تهی ساختن آن‌ها از درون زمینه جذبشان را به مبانی فرهنگ خود فراهم آورد و هویت‌های ساختگی خود تحمیل نمایند و مهم‌ترین ابزار مورد استفاده برای عملی کردن این نقشه، استفاده گسترده از انواع رسانه‌هاست.

همین امر موجب شده ضرورت اتخاذ راهکارهایی برای مصونیت‌بخشی جوانان در برابر پیام‌های رسانه‌ای احساس شود. یکی از این راهکارها آموزش سواد رسانه‌ای به آن‌هاست که اصلی‌ترین مخاطبان رسانه‌ای محسوب می‌شوند. همان‌طور که رسانه‌های بیگانه و به ویژه شبکه‌ها و برنامه‌های متنوع ماهواره‌ای سعی در تخریب هویت دینی نسل حاضر دارند، در مقابل نیز باید با ارائه آموزش‌های لازم به جوانان آن‌ها را از اهداف مختلف این رسانه آگاه نمایند.

فضای رسانه‌ای و بحران هویت در ایران

در بررسی بحران هویت ناشی از رسانه‌ها و به ویژه شبکه‌های اجتماعی در ایران، نمی‌توان بحران‌های هویتی دینی ناشی از دوران گذار جامعه را نادیده گرفت. به نظر می‌رسد جامعه ایران امروز با دو گونه بحران هویتی با دو منشأ و علل مختلف رو به رو است که در ادامه تبیین می‌شود.

مطالعات گسترده در خصوص بحران‌های دوران صنعتی شدن در جوامع مختلف نشان می‌دهد این‌گونه جوامع در معرض بحران‌های ناشی از تغییرات ساختاری در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاست و اجتماع قرار می‌گیرند. جامعه امروز ایران نیز در عین حال که بحران‌های هویت ناشی از یک دوره تاریخی را با خود حمل می‌کند، در سه دهه اخیر با بحران‌های دوره تاریخی فراصنعتی بدون آن‌که به طور طبیعی وارد این دوره شده باشد، روبه‌رو شده است.

با توجه به خاصیت و کارکرد فناوری‌های نوین ارتباطی به خصوص شبکه‌های اجتماعی، ورود آثار کنترل‌ناپذیر و بحران‌زای این دوره از سوی حاکمیت به سهولت صورت گرفته و عواقب ناشی از آن وارد جامعه امروز شده است. این شرایط در مجموع وضعیتی را پدید آورده است که می‌توان گفت در حال حاضر، با نوعی از بحران‌های هویت هم‌پوشان مواجه است.

استفاده از اینترنت و این اواخر مخصوصاً شبکه‌های اجتماعی در میان ایرانی‌ها به طور غیر قابل توجهی افزایش یافته و بررسی‌ها نشان می‌دهد این روند کماکان ادامه دارد. اینترنت، به ویژه در میان جوانان ایرانی شیوع زیادی دارد و فاصله آن با سایر نسل‌های قدیم‌تر به صورت قابل اعتنایی وجود دارد.

بنابراین، نداشتن علم مواجهه با رسانه در جامعه به عنوان یک ضعف بزرگ به ویژه برای غالب کاربران اینترنت که به نسل جوان تعلق دارد، به شمار می‌رود.

بنا بر یک تقسیم‌بندی نسلی، نسل سوم بیشترین کاربران اینترنتی در ایران بوده و بیش از نسل‌های دیگر در معرض آثار ناشی از اینترنت؛ از جمله مسائل هویتی و بحران هویتی دینی قرار می‌گیرند.

فارغ از شکاف‌های به وجود آمده ناشی از فرایند رسانه‌های نوین، شکاف نسلی موجود ناشی از تحولات ساختاری و جمعیتی جامعه ایران باعث شده انتقال ارزش‌ها و آموزه‌ها در قالب سنت از نسلی به نسل دیگر با اختلال رو به رو شود.

این پدیده از یک سو به روند انتقال فرهنگ آسیب می‌رساند و از سوی دیگر، حافظه تاریخی را مختل می‌سازد و بدین ترتیب، انتقال تجربیات سیاسی و فرهنگی دوره‌های پیشین به زمان حاضر با دشواری انجام می‌شود. (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۶۶-۱۶۵)

یکی از ویژگی‌ها و نیازهای ضروری جامعه جوان ایرانی، کسب هویت اجتماعی-دینی و ملی-است و این هویت اجتماعی جوانان در صورتی کسب می‌شود که نظام اجتماعی از طریق نهادهای واسط خانواده، مدرسه، رسانه‌های جمعی و دولت، زمینه‌های لازم را برای کسب هویت اجتماعی آنان فراهم کند.

در این صورت، آحاد جامعه نسبت به نظام اجتماعی خود، احساس هویت اجتماعی خواهد کرد و به طور طبیعی، گرایش‌های آنان که به سه سطح ایستاری (شناختی و ارزشی)، کنشی (هنجاری و رفتاری) و نمادی (ظاهری) تقسیم می‌شود، بر اساس الگوها و هنجارهای نظام اجتماعی شکل خواهد گرفت. (اورت و شومیکر^۱، ۱۳۷۶)

امروز که آسیب‌های استفاده بی‌رویه و مدیریت نشده از رسانه‌ها در بین اقشار مختلف جامعه به خصوص جوانان خودنمایی می‌کند، سخن از روش‌های مواجهه با این پدیده به منظور کاهش عوارض و آسیب‌های آن کمی دیر است؛ اما به هر حال نمی‌توان در برابر آن سکوت اختیار کرد و به عنوان یک مشاهده‌گر صرف بود.

به نظر می‌رسد یکی از روش‌های اصولی مواجهه با این پدیده رشد سواد رسانه‌ای آحاد جامعه است که به نوعی مصون‌سازی در برابر عوارض ناشی از رسانه‌ها محسوب می‌شود؛ البته این راهکار اصولی می‌بایست پیش از همه‌گیر شدن استفاده از رسانه‌ها اجرایی می‌شد و به عبارتی علاج پیش از واقعه صورت می‌گرفت.

رشد سواد رسانه‌ای راهکاری است که بسیاری از کشورهای پیشرفته از آن بهره گرفته‌اند و علی‌رغم آن‌که خود از بنیان و تولید کنندگان محتوای رسانه‌ای و حتی شبکه‌های اجتماعی هستند؛ اما با شناختی که از عوارض آن در جامعه خود دارند، رشد سواد رسانه‌ای را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

رشد سواد رسانه‌ای به عنوان یک راهکار فرهنگی و مورد قبول صاحب‌نظران می‌تواند وحدت نظر خوبی را در میان مسئولان، نخبگان و آحاد جامعه به وجود آورد و در آینده با رشد سواد رسانه‌ای شاهد رشد روحیه منتقدانه در جوانان می‌شود تا هر محتوایی به راحتی بر روی اعتقادات و داشته‌هایشان تأثیر نگذارد؛ اما موفقیت طرح‌های بزرگ فرهنگی در هر جامعه‌ای نیازمند هم‌افزایی و مشارکت همه نهادها و به خصوص پذیرش آن از سوی خانواده‌ها به عنوان اولین نهادها در شکل‌گیری هویت افراد مطرح است.

تاکنون اقدام مؤثری در خصوص آموزش سواد رسانه‌ای انجام نشده است؛ در حالی که با عملیاتی کردن این دانش نه تنها فرهنگ ایرانی- اسلامی تقویت می‌شود بلکه از کم‌رنگ شدن و یا جایگزین شدن رسانه به جای خانواده نیز جلوگیری می‌شود.

در این وضعیت، اگر نهاد خانواده در فرایند زمینه‌سازی کسب هویت دینی فرزند خود به خوبی عمل نکند و نتواند الگوها و هنجارهای هویت دینی را برای آنان ساخته و درونی کند، افراد نسبت به هویت دینی خود احساس پوچی خواهند کرد و در نتیجه با جایگزین شدن محتواهای جدید و جذاب از سوی رسانه‌ها هویت دینی افراد کاهش و یا حتی تغییر می‌یابد و به منابع دیگری که در فضای زندگی پیرامون آن‌ها از طریق رسانه‌ها در دسترس است، رجوع خواهند کرد.

در این صورت گرایش‌های ایستاری، کنشی و نمادی آن‌ها نیز متناسب با الگوهای فرهنگ غربی شکل خواهد گرفت. در دنیای کنونی که انفجار اطلاعات

در آن به وقوع پیوسته و بخش عظیمی از انسان‌ها و به ویژه جوانان در معرض پیامدهای آن قرار گرفته‌اند، هویت مبنا و معنای گذشته خود را از دست داده است و شدت و دامنه تغییرات هویتی در نسل‌های جدید به حدی است که در برخی موارد چالش‌ها و بحران‌های هویتی را پدید آورده است و برخلاف گذشته، فرآیند انتقال هویت دینی از سوی خانواده صورت می‌گیرد، اما این هویت بیش از آن‌که در زمینه ارزش‌ها، باورها و رفتارها و خلاصه آن معیارهایی که والدین انتقال داده‌اند، باشد متأثر از رسانه‌ها، صنعت، فرهنگ، همسالان و جوانان دیگر که چه بسا از دیگر کشورها باشند، تأثیر می‌پذیرد.

در مورد این‌که چگونه سواد رسانه‌ای در فضای مجازی می‌تواند کمک کند تا هویت دینی جوانان حفظ شده و یا ارتقا یابد، با توجه به نظریه کاشت، دنیای افراد دنیایی است که رسانه برای آن‌ها می‌سازد. روابط اجتماعی و فضای جامعه در ذهن افراد آن‌گونه به نظر می‌رسد که رسانه آن را توصیف می‌کند.

احساس امنیت و آرامش یا احساس ناامنی و تنش در جامعه بستگی به تصویری دارد که رسانه از محیط به نمایش می‌گذارد؛ اما آن‌چه می‌تواند این مسئله را تحت الشعاع قرار دهد، میزان درک و فهم افراد از پیام‌های رسانه‌ای و تشخیص میزان تفریط یا افراط احتمالی است که در پیام‌های رسانه‌ای وجود دارد.

به عبارت دیگر، بر اساس میزان سواد رسانه‌ای هر فرد، میزان تأثیرپذیری او از پیام‌ها نیز تغییر می‌کند. انبوه اطلاعاتی که رسانه‌ها به افراد می‌دهند، آن‌ها را در گزینش پیام با دشواری روبرو می‌سازد و گاهی اعتقادات و ارزش‌های آن‌ها را دچار تناقض می‌نماید و گاهی با آن‌ها در تضاد قرار می‌گیرد و در مجموع، هویت شخص را دستخوش تغییر می‌سازد و حتی گاهی سبب تزلزل هویت می‌شود.

بر این اساس، برخی خود را نیازمند به هماهنگ شدن با پیام‌های جدید در ظاهر زندگی و رفتار خود می‌دانند و از این رو به هویت واحدی دست نمی‌یابند و به نوعی با «خود»های متعدد زندگی می‌کنند و در آن واحد، ویژگی‌های متناقضی را یکجا و با همدیگر دارند.

طبق نتایج این تحقیق، سواد رسانه‌ای در میزان حفظ و ارتقای هویت دینی نقش دارد و افرادی که سواد رسانه‌ای بالاتری دارند، از ثبات بیشتری برخوردارند؛ اما در رابطه با شاخص‌های سواد رسانه‌ای، میان میزان مهارت فرد در گزینش آگاهانه پیام و حفظ و ارتقای هویت دینی نیز رابطه وجود دارد و افرادی که مهارت بیشتری در گزینش آگاهانه پیام دارند، ثبات بیشتری در هویت آن‌ها مشاهده می‌شود.

مطابق با یافته‌های تحقیقی، زمانی این فرض نظریه کاشت منطقی به نظر می‌رسد که مخاطبان را افرادی منفعل دانست که محتوای تمامی پیام‌های رسانه‌ای را بدون هیچ‌گونه تردیدی باور می‌کنند و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند؛ اما آن‌چنان که نتایج نیز نشان می‌دهد، نمی‌توان همه مخاطبان را افرادی منفعل فرض کرد.

به طور کلی، افرادی که با نگاه انتقادی به دنیای پیرامون خود می‌نگرند و به تشخیص درست و نادرست هر پیامی دست می‌یابند، در ارتباط با پیام‌های رسانه‌ای نیز رفتاری مشابه در پیش می‌گیرند و اغراق در پیام‌ها را موشکافانه تمیز می‌دهند.

بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق، افرادی که از سواد رسانه‌ای بالاتری برخوردار هستند، کمتر دچار تزلزل هویت دینی می‌شوند و می‌توان گفت جوانان به دلیل این‌که هنوز در جریان جامعه‌پذیری به هویتی واحد دست نیافته‌اند، آسان‌تر از افرادی که سن بالاتری دارند تحت تأثیر پیام‌های رسانه‌ای قرار می‌گیرند و تناقض بیشتری در افکار و رفتارهای آن‌ها مشاهده می‌شود.

طبق نظریه استفاده و رضامندی، مخاطبان افرادی فعال در نظر گرفته می‌شوند که پیام‌هایی خاص را با توجه به سلائق و علایق خود گزینش می‌کنند.

به عبارت بهتر، آن‌ها محتوایی را برمی‌گزینند که به نیازهای آنان پاسخ دهد. از آن‌جا که میزان آگاهی از اهداف پنهان رسانه‌ها، میزان قدرت درک محتوای پیام، میزان قدرت درک محتوای پیام، میزان مهارت گزینش آگاهانه پیام و میزان یادگیری مهارت تجزیه و تحلیل پیام از شاخص‌های سواد رسانه‌ای است، می‌توان گفت فرضیه این نظریه در مورد افرادی که سواد رسانه‌ای بالاتری دارند، د صدق می‌کند؛ یعنی همان‌طور که مصاحبه‌ها و تحلیل‌های تحقیق نشان داد، رابطه سواد رسانه‌ای و هویت دینی تنگاتنگ است و با افزایش سواد رسانه‌ای جوانان، هویت دینی آن‌ها نیز ارتقا می‌یابد.

از طرف دیگر، افرادی که تحصیلات بالاتری دارند نیز سواد رسانه‌ای بالاتری دارند و در گزینش پیام‌ها به صورت فعال برخورد می‌کنند؛ اما افرادی که تحصیلات پایین‌تر و به تبع آن سواد رسانه‌ای کمتری دارند، مخاطبانی فعال نیستند و نمی‌توان گفت نظریه استفاده و رضامندی، لزوماً در مورد همه مخاطبان صدق می‌کند.

به طور کلی، با توجه به مبانی نظری تحقیق و آنچه که نظریه کاشت و استفاده و رضامندی بیان می‌دارند، نمی‌توان گفت الزاماً مخاطبان پیام‌های رسانه‌ای افرادی منفعل یا فعال هستند؛ بلکه آن‌ها با تأثیرپذیری از دیگر عوامل به دو دسته مخاطبان فعال و منفعل تقسیم می‌شوند و نمی‌توان نظریه کاشت یا نظریه استفاده و رضامندی را به تمامی مخاطبان تعمیم داد.

نظریه دیگری که در این تحقیق مورد مطالعه واقع می‌شود، نظریه برجسته‌سازی است. برجسته‌سازی، خلق آگاهی عمومی و جلب توجه عامه به موضوعات مطلوب رسانه‌ها است.

دو فرض اساسی بیشتر تحقیقات در زمینه کارکرد برجسته‌سازی رسانه‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهد:

۱. روزنامه‌ها و رسانه‌ها حقایق را منعکس نمی‌کنند؛ بلکه حقایق را سانسور می‌کنند و بعد شکل می‌دهند.

۲. تمرکز رسانه‌ها بر موضوعات محدود، سبب می‌شود همان موضوعات برای عامه مردم نیز مهم شود.

پژوهشگران کارکرد برجسته‌سازی را در سه مرحله زیر مطرح می‌نمایند:

- نهاد رسانه از میان موضوعات گوناگونی که از رسانه‌ها پخش می‌شود، مهم‌ترین موضوع را مشخص می‌کند.

- آن بخش از موضوع که از نظر نهاد رسانه اهمیت ویژه‌ای دارد، تعیین می‌شود. در این مرحله رسانه پیش‌زمینه افکار عمومی را آماده می‌کند و پس از اعمال نظرات و تغییرات، محتوا در قالب و چارچوب معین به مخاطب ارائه می‌گردد که در این مرحله، رسانه افکار عمومی را سازماندهی می‌کند و شکل می‌دهد؛ بدین ترتیب رسانه‌ها از طریق برجسته‌سازی اولویت‌هایی را برای مخاطبان تعیین می‌کنند.

- پیام دستکاری شده بر افکار عمومی تأثیر گذاشته و افکار عمومی نیز متأثر از رسانه در برابر موضوع مورد نظر رسانه واکنش نشان می‌دهد.

ارتباط نظریه برجسته‌سازی با سواد رسانه‌ای و تأثیر آن در حفظ و ارتقای هویت دینی جوانان در این است که طبق این نظریه رسانه‌ها با برجسته ساختن پیام‌ها قصد القا و تأثیرگذاری بر مخاطب داشته و حتی گاهی قصد دارند به مخاطبان خود بگویند، چگونه ببینند و چگونه ببینند.

سواد رسانه‌ای به مخاطبان می‌آموزد که هر آنچه از رسانه‌ها منتشر می‌شود، دلیل واقعیت آن نیست؛ لزوم مواجهه درست با رسانه‌ها نگاه نقادانه و گزینشی به پیام‌های رسانه‌هاست و در این میان، جوانان به عنوان مخاطبان اصلی رسانه‌ها با

داشتن قدرت درک محتوای پیام‌های رسانه‌ای می‌توانند در مواجهه با این پیام‌ها ضمن انتخاب آگاهانه برنامه‌ها و حفظ باورها و ارزش‌ها از رسانه‌ها در جهت ارتقای هویت دینی بهره‌گیرند.

طبق این نظریه، افرادی که سواد رسانه‌ای بالاتری دارند، کمتر از رسانه‌ها تأثیر می‌پذیرند و دارای ثبات بالاتری هستند. آن‌چنان‌که نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، افرادی که سواد رسانه‌ای بالاتری دارند، کمتر دستخوش تناقض‌ها و تغییرات هویتی می‌شوند و رسانه نمی‌تواند با برجسته کردن موضوعات خاص و یا برخی از سبک‌های زندگی، بر هویت آنان تأثیر بگذارد.

این افراد شگردهای رسانه‌ای را مورد نقد و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند، آن‌ها را تشخیص می‌دهند، به آن‌چه در ظاهر نمایان می‌شود بسنده نمی‌کنند و به عمق پیام‌های رسانه‌ای توجه می‌کنند.

رسانه‌ها با در نظر گرفتن باورها و ارزش‌ها آن‌چه را که متناسب با داشته‌ها باشد برمی‌گزینند، از نظر هویتی دچار تزلزل نمی‌شوند و به صورت فعال با پیام‌های رسانه‌ای برخورد می‌کنند؛ اما در نقطه مقابل افرادی قرار دارند که سواد رسانه‌ای پایینی دارند. این افراد در حفظ و ارتقای هویتی در مقایسه با آن‌ها که مجهز به سواد رسانه‌ای هستند، در برابر پیام‌های رسانه‌ای به صورت منفعل برخورد می‌کنند.

بنابراین، نظریه برجسته‌سازی در مورد این افراد به خوبی صدق می‌کند و رسانه می‌تواند به آن‌ها بگوید که به چه فکر کنند؛ چرا که چنین افرادی در برخورد با پیام‌های رسانه‌ای بیشتر بر اساس احساسات زودگذر، اعتقادات و باورهای سطحی رفتار می‌کنند. رسانه‌ها نه تنها بر افکار که بر سبک زندگی آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارند. آن‌گونه که نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، افراد جوان‌تر اگر از سواد رسانه‌ای پایین‌تری برخوردار باشند، در حفظ و ارتقای هویت دینی خود ضعیف‌تر عمل می‌کنند؛

این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که در مورد افراد جوان‌تر به علت استفاده بیشتر از رسانه‌ها، سریعتر و بهتر تغییرات شکل می‌گیرد و تولیدکنندگان محتوای رسانه‌ای راحت‌تر می‌توانند به دستکاری افکار بپردازند.

از سوی دیگر، برجسته‌سازی پیام‌های خاص در رسانه، افراد جوان‌تر را بیشتر از دیگر افراد هدف قرار می‌دهد و به اهداف مورد نظر خود دست می‌یابد. به عبارت بهتر، به آن‌ها می‌گوید که به چه چیزی فکر کنند، چه سبک‌هایی از زندگی را برگزینند و چه چیزهایی را ارزش و چه چیزهایی را ضد ارزش بدانند.

از طرفی با توجه به نظریه‌های هویت و همان‌طور که با بالا رفتن سن، تغییر هویت نیز کمتر می‌شود، طبق یافته‌های این تحقیق با بالا رفتن سن سواد رسانه‌ای کاربران، هویت دینی نیز ارتقا می‌یابد.

طبق این نظریه‌ها رسانه‌های جمعی به عنوان نهادهای جمعی بر شکل‌گیری هویت دینی جوانان تأثیرگذارند که یافته‌ها نشان می‌دهد با وارد شدن متغیر سواد رسانه‌ای، نقش رسانه‌ها بر شکل‌دهی هویت دینی خیلی تأثیرگذار نیست؛ چرا که منبع شکل‌گیری هویت دینی در نهاد خانواده شکل می‌گیرد و تنها در حفظ و ارتقای آن تأثیر می‌گذارد؛ یعنی اگر فرد از اهداف پنهان رسانه‌ها آگاهی داشته باشد، محتوای پیام‌ها را درک کند، قدرت درک محتوای پیام را داشته باشد، مهارت لازم جهت گزینش آگاهانه پیام و مهارت تجزیه و تحلیل آن‌ها را دارا باشد، رسانه‌ها به سادگی نمی‌توانند هویت دینی آن‌ها را تغییر دهند؛ چرا که فرد از میان انبوه پیام‌های منتشر شده توسط رسانه‌ها، محتواهایی را انتخاب می‌کند که در راستای هویت دینی خودش باشد؛ هم‌چنین هنگام مواجهه با پیام‌های متضاد به صورت گزینشی پیام‌ها را قبول یا رد می‌کند.

طبق نظریه هویت، رسانه‌های مدرن با برداشتن مرزهای زمانی و مکانی در همه فرهنگ‌ها رسوخ می‌کند و موضوعات و محتوای از قبل برنامه‌ریزی شده را با اهداف

متفاوتی هم‌چون اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی انتشار می‌دهند که سواد رسانه برای فرد هنگام مواجهه با این نوع پیام‌ها مانند پادزهر عمل می‌کند؛ یعنی با منتقد کردن فرد و به زبان دیگر آماده ساختن او برای مقابله با پیام‌هایی که در تضاد با ارزش‌ها و باورهای دینی است، می‌تواند در حفظ هویت دینی وی اثرگذار باشد که در نتایج یافته‌های تحقیق نیز مشاهده می‌شود بین سواد رسانه‌ای و ابعاد آن با حفظ و ارتقای هویت دینی رابطه مثبتی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

بنا به نظر متخصصان حوزه ارتباطات، جامعه‌شناسی و مدیریت فرهنگی، در عصر حاضر با ایجاد احساس نیاز در بین افراد و برای کسب دانش و مهارت سواد رسانه و مجهز کردن جوانان به سواد رسانه‌ای، می‌توان در حفظ و ارتقای هویت دینی آن‌ها تأثیرگذار بود؛ چرا که با توجه به گسترش استفاده روز افزون از رسانه‌ها، داشتن دانشی برای مواجهه با آن یک ضرورت غیر قابل اجتناب است.

از ورای گفتگوهای صورت گرفته با متخصصان حوزه‌های مختلف، نقش رسانه به عنوان تأثیرگذارترین عامل در کسب هویت دینی رد شد؛ هر چند همگی رسانه را به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار معرفی کردند؛ اما معتقدند نقش خانواده در آموزش سواد رسانه‌ای را باید جدی گرفت، چرا که با توانمند کردن آن‌ها قدم بزرگی برای نهادینه کردن آموزش سواد رسانه‌ای برداشته می‌شود و دیگر جوانان در برابر اطلاعات دریافتی منفعل نبوده و قدرت درک و تجزیه و تحلیل پیدا کرده و از اهداف آن آگاه و توان‌گزینه‌ش آگاهانه پیدا می‌کنند.

فهرست منابع

۱. اکبری، بهمن (۱۳۸۷). بحران هویت و هویت دینی. بیک نور- علوم انسانی. دوره ۶. شماره ۴ (ویژه فلسفه و معارف اسلامی): ۲۳۱-۲۱۹.
۲. اورت، راجرز. و فلویید شومیکر (۱۳۷۶). رسانش نوآوری‌ها: رهیافتی میان‌فرهنگی. ترجمه عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنایی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
۳. بصیریان، حسین. و رضا بصیریان (۱۳۸۵). درآمدی به سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی. رسانه. سال ۱۷. شماره ۴ (پیاپی ۶۸): ۵۰-۳۳.
۴. شکرخواه، یونس. (۱۳۸۵). سواد رسانه‌ای یک مقاله عقیده‌ای. رسانه. سال ۱۷. شماره ۶۸: ۳۲-۲۷.
۵. جنکینز، ریچارد (۱۳۹۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر شیرازه.
۶. چیت‌ساز قمی، محمد جواد (۱۳۸۳). هویت دینی در ایران. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۷. ربیعی، علی (۱۳۸۷). رسانه‌های نوین و بحران هویت. مطالعات ملی. دوره ۹. شماره ۴ (پیاپی ۳۶): ۱۷۶-۱۴۹.
۸. گزارش راهبردی (۱۳۸۵). بررسی بحران هویت در ایران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۹. ماهتانی، میشل (۱۳۹۰). مخاطب تأثیرگذار و رسانه تأثیرپذیر. ترجمه فرزاد مرادی. سروش. شماره ۱۴۹۱: ۶۶.
۱۰. لطف‌آبادی، حسین (۱۳۷۸). روانشناسی رشد. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. نصیری، بهاره (۱۳۸۴). مخاطبان و سواد رسانه‌ای. همشهری. شماره ۳۷۰۷.

نشانه‌شناسی داستان مصور جنسی

نویسندگان: سید محمود مرتضوی (ایران)^۱، محمد علی مومبینی (ایران)^۲، جلال عراقی (ایران)^۳

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۲

دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۶

چکیده

فضای مجازی همواره به عنوان یکی از زمینه‌های اصلی بروز مشکلات خانوادگی و تغییر ذائقه زوجین در زندگی مشترک بوده که تولیدات آن سبب تحریف ارزش‌های عرفی زندگی مشترک و اشاعه و ترویج فحشا- به ویژه در میان نسل جوان جامعه اسلامی- شده است. پژوهش حاضر در پی آن بود که با بررسی فضای روایی یک داستان مصور، زمینه شکل‌گیری این فضا را در مخاطبان و تأثیرات عینی و ذهنی آن بر کنش کاربران تارنماهای پورنوگرافیک مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش با استفاده از تحلیل نشانه‌شناسی، پیام‌های رمزگذاری شده و روابط خیالی که در داستان‌های مصور جنسی برای خانواده- به ویژه زوجین- متصور می‌شود، واکاوی و تفسیر شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که پدیده بی‌غیرتی ناموسی که در دیدگاه فقهی و اسلامی و نیز عرف جامعه ایرانی مورد نكوهش است، متأثر از چنین پیام‌هایی- به ویژه در عرصه فضای مجازی- در حال ظهور است.

واژگان کلیدی: نشانه‌شناسی، داستان مصور جنسی، فضای مجازی

مقدمه

داستان مصور نقاشی یا مجموعه‌ای از نقاشی‌های دنباله‌دار است که ماجرای را روایت می‌کند. به کسی که کمیک را می‌کشد نیز کارتون‌نویست می‌گویند، این کمیک‌ها معمولاً در دوره‌های مرتبی به چاپ می‌رسند.

-
۱. مدرس حوزه علمیه، دبیر علمی انجمن ارتباطات و تبلیغ، قم، ایران، mortazavi55870@gmail.com
 ۲. دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، nnombeini@yahoo.com
 ۳. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو انجمن ارتباطات و تبلیغ، قم، ایران، eraghi115@gmail.com

شرح روایت و بیان ماجراها به زبان تصویر و بعضاً با استفاده از دیالوگ‌ها به زمان مصر باستان بر می‌گردد؛ اما اگر شرح روایت‌های مدرن را در نظر بگیریم، کمیک^۱ اولین بار در کشورهای آلمان و انگلستان پا گرفت. اولین کمیک‌های آمریکایی در قرن بیستم شکل گرفتند. دیالوگ‌ها درون بالن‌ها گفته می‌شد که برای غافل‌گیری از علامت تعجب روی کله‌ها استفاده شد و برخی از لغات مثل «زارت و زورت و آخ و پاخ» برای بیان حالات یا ضربات استفاده گشت و تا امروز نیز کاربرد دارد. اولین کتاب کمیک بر اساس مجموعه‌ای از داستان‌های مصور روزنامه‌ای شکل گرفت. («پروفیسورها»، ۱۳۹۵)

داستان مصور امروز آئینه انعکاس روابط میان انسان و ماشین، ایده‌ها و گرایشات این عصر است. داستان مصور، زبان مادری گرافیک و شیوه‌ای از انتقال پیام است که واقعیت را در یک واحد متن-تصور متراکم کرده و جای می‌دهد و زبان را می‌خوانند؛ در حالی که فیلم را نگاه می‌کنند و گرافیسیم و تصاویر مستمر خواننده می‌شوند، یعنی می‌توان آن‌ها را به زبان انتزاعی ترجمه کرد که نشان دهنده موقعیت‌ها، اماکن، شخصیت‌ها و گروه‌های اجتماعی مشخص است.

در داستان مصور همه چیز دارای مفهوم است، متن به همراه تصویر، ابهام موجود در آن را از بین می‌برد. هیچ‌گاه تصویر، خود متن و یا ابهام آن را شرح نمی‌دهد؛ بلکه این دو مکمل یکدیگرند و به کمک هم، یک داستان کامل را شرح می‌دهند.

در داستان مصور هیچ اثری از جذابیت بصری هنر نقاشی دیده نمی‌شود؛ یک داستان مصور کمیک کاملاً فاقد زیبایی‌های تزئینی بوده و تصاویر تنها کمک می‌کنند تا حالتی از ناخودآگاهی و بی‌واسطگی به کلام‌ها ببخشند. (محمدی، ۱۳۷۸: ۳۷)

یکی از بزرگترین مسائل اجتماعی که جوامع امروزی به آن مبتلا هستند، ضعف بنیاد خانواده است؛ از آنجایی که مشکلات خانواده‌ها به صورت ناهنجاری‌های اجتماعی بروز می‌کند، خانواده و سلامت آن اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

بر این اساس، آماده کردن فرزندان برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی یکی از وظایف مهم و اساسی خانواده‌ها به شمار می‌رود. جوانان باید بتوانند برای زندگی‌های مشترک آماده شوند و بکوشند روابط خود را با افراد پیرامونشان در حد متعارف و قابل‌قبولی تنظیم کنند. صرف‌نظر از آماری که در مسائلی مانند بالا رفتن سن ازدواج، طلاق، فرار از منزل، فحشا و مسائل خانوادگی وجود دارد، سرد شدن ارتباطات عاطفی و نارضایتی از زندگی خانوادگی باعث ناکامی‌ها و شکست‌های بزرگی در زندگی جوانان شده است. این‌ها نشان از مشکلات عمیقی در سطح خانواده دارد که به نوعی باید ریشه‌یابی و درمان شود.

یکی از زمینه‌های اصلی در بروز مشکلات خانوادگی و اصولاً نارضایتی از زندگی مشترک، فضای مجازی است که تولیدات آن سبب افزایش سطح توقع و ارضا از زندگی‌های مشترک به ویژه در میان نسل جوان شده است.

تحت تأثیر این فضا، انتظارات جوان از زندگی مشترک به نوعی تحریف‌شده است. لذت و صمیمیتی که از برنامه‌ها و محتویات رسانه‌ها مانند فیلم‌ها و سریال‌ها در اذهان جوانان نقش می‌بندد، تا حد بسیار زیادی در زندگی طبیعی قابل‌دستیابی نخواهند بود و این می‌تواند تبعات زیان‌باری برای آینده جوانان به همراه داشته باشد.

در محیط مجازی، ناشناسی و گمنامی به فرد این امکان را می‌دهد که بدون ترس از شناخته شدن به هر گونه خیال‌پردازی روی آورد. اینترنت هم‌چنین با ایجاد دسترسی آسان به محصولات هرزه‌نگاری، ورود حجم وسیعی از این محصولات

به داخل خانه‌ها را تسهیل کرده است و شبانه‌روزی در این زمینه می‌پردازد. در نتیجه خانواده‌ها به صورت مداوم در معرض این محصولات قرار دارند؛ محصولات می‌تواند حامل پیام‌های مخربی برای کانون خانواده هستند که روابط واقعی و دیدگاه اعضای خانواده را نسبت به یکدیگر تحت الشعاع قرار می‌دهد. (معمار و همکاران، ۱۳۹۱)

هدف اصلی این مقاله آن است که با استفاده از تحلیل نشانه‌شناسی، پیام‌های رمزگذاری شده و روابط خیالی که در داستان‌های مصور جنسی، برای خانواده به ویژه زوجین متصور می‌شوند را بازشناسد؛ به عبارت دیگر با بررسی فضای روایی داستان مصور، زمینه شکل‌گیری این فضا را در مخاطبان بررسی کند و تأثیرات عینی و ذهنی آن را بر کنش کاربران سایت‌های پورنوگرافیک نشان دهد.

نظریه شبیه‌سازی و حاد واقعیت

شالوده نظری این تحلیل را نظریه شبیه‌سازی و حاد واقعیت ژان بودریار^۱ تشکیل می‌دهد. بودریار معتقد است ما اینک در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که به مدد رسانه‌ها، جامعه مصرفی در صورت‌های خیالی گرفتار آمده و هیچ نسبتی با واقعیت‌های خارجی ندارد. از دید بودریار معانی در روند شبیه‌سازی که نوعی بازنمود^۲ است، دچار وضعیت‌های فراواقعی می‌شوند که او از این حالت فراواقعی با واژه حاد واقعیت یاد می‌کند. (بودریار، ۱۳۸۷)

بودریار برای درک جهان پست مدرن نظریه وانموده‌ها^۳ را ارائه کرد و معتقد است وارد عصر شبیه‌ها^۴ شده‌ایم. امروزه در دوره پست مدرن، شبیه‌سازی‌ها به هیچ

-
1. Jean Baudrillard
 2. Represent
 3. Simulacra
 4. Simulacrum

واقعیتی اشاره ندارند، آن‌ها همزمان ایده واقعیتی را که مدعی بازنمایی آن هستند به وجود می‌آورند. شبیه‌سازی‌ها به هیچ واقعیتی خارج از خودشان اشاره ندارند. به زعم بودریار، در عصر نشانه‌ها وارد فضای فراواقع می‌شویم. بازنمایی امر واقع، واقعی‌تر از آن واقعیتی تلقی می‌شود که قرار است به آن ارجاع داشته باشد. (سیدمن، ۱۳۸۶: ۲۳۱)

هم‌چنین معتقد است جوامع غربی در سیلی از کثرت معانی و بازنمایی‌های فرهنگی غرق شده‌اند و سلطه اجتماعی نه از طریق سرکوب و اجبار یا قدرت عقلانی شده، بلکه به واسطه اغفال فرد از طریق تصاویر و معانی رسانه‌های جمعی عمل می‌کند. سیاست مدرن طغیان، از مواجهه با این سیستم سلطه اجتماعی که از طریق اغفال، قابلیت تسکین‌بخشی نشانه، تصاویر، رسانه‌ها و شبیه‌سازی‌ها عمل می‌کند، عاجز است. (همان: ۲۳۲)

از نظر بودریار وانموده سه سطح دارد:

۱. نسخه بدلی از واقعیت است که به روشنی تشخیص‌دانی است؛ عکس‌هایی که مردم از زمینه آماده از اماکن مقدس می‌گیرند، می‌تواند مثالی از این سطح باشد.
۲. نسخه بدلی است آن‌چنان که مرزهای واقعیت را محو می‌کند؛ ویرایش حرفه‌ای عکس‌ها و روزنامه‌ها و نشریه‌ها می‌تواند نمونه‌ای از این سطح باشد.
۳. نسخه بدلی است که واقعیتی از آن خود را تولید می‌کند، بدون این‌که ذره‌ای بر واقعیت‌های جهان تکیه داشته باشد.

بودریار این سطح را حاد واقعی می‌نامد. نمونه بارز این سطح، داستان‌های مصوری است که توسط این سایت تولید و به وسیله مترجمان ایرانی در دنیای مجازی فارسی زبان انتشار می‌یابد. (عبداللهیان و یحیایی، ۱۳۹۰: ۱۳۱)

داستان مصور مورد مطالعه که به سبب غیر اخلاقی بودن، بیش از این شرح داده نمی‌شود، از یکی از سایت‌های غیر اخلاقی استخراج شده است. این سایت در زمینه تولید و نشر داستان‌های مصور پورنو فعالیت دارد که با بررسی آن، نمایان شد هدف اصلی مدیران آن، رواج فرم قبیحی از روابط بین زوجین بوده است و در این راستا با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و در راستای تحقق اهداف پژوهشگر و تحقیق، یک داستان مصور انتخاب گردید.

روش تحلیل نشانه‌شناسی رسانه‌ها

موضوع اصلی نشانه‌شناسی رسانه‌ها این است که بررسی کند چگونه رسانه‌های جمعی، نشانه‌ها را برای اهداف خاص خود، خلق و بازیابی^۱ می‌کنند؛ نشانه‌شناسی رسانه‌ها این کار را با طرح پرسش‌هایی به صورت زیر انجام می‌دهد (دانسی، ۱۳۸۷: ۶۶) که در ادامه به پاسخی برای هر کدام نیز پرداخته می‌شود:

۱. هر چیزی چه معنایی دارد یا چه چیزی را بازنمایی می‌کند؟

این داستان در زمینه رواج هرزگی همزمان زوجین فعالیت می‌کند. در این داستان طوری به مخاطب القا شده که گزینه جنسی و رسیدن به نهایت لذت به جای وفاداری به ازدواج، شرم و حیا، عفت و از خودگذشتگی می‌نشیند.

به طور کلی سه سازوکار اصلی، مبنای شهوت بصری را تشکیل می‌دهند:

- اعترافی است به ناتوانی‌ای که با نقش دادن به نگاه، فرد بیننده را به جای فاعل عمل جنسی قرار می‌دهد و به بیان دیگر، گزینه جنسی در جایی که باید باشد، نیست.

- به معنای جستجوی مشوق یا نمونه و سرمشقی است که به نوعی زایل کننده احساس گناهی می‌باشد که از ناکامی در برآوردن میل جنسی مترتب می‌شود.
- بعضی از شهوت‌رانان بصری، خود را به طور ناخودآگاه به جای یکی از دو طرف دخیل در عمل جنسی قرار می‌دهند، هویتشان را با او یکی می‌کنند و در عالم خیال همان لذتی را که او می‌برد، احساس می‌کنند. (مورالی دانیو، ۱۳۷۸)

۲. چگونه معنای آن را تثبیت می‌کند؟

پاسخ به این سؤال نیازمند به تأمل در این مطلب است که چرا این داستان‌های تصویری برای مخاطبان مدرن، جذاب و جالب است؟ در تعریف عام، هرزگی جنسی را می‌توان رابطه بسیار کوتاه، غالباً بی‌فردا و متفاوت از روسپی‌گری تعریف کرد؛ رفتاری که بیشتر وقت‌ها در این زمینه مشاهده می‌شود، مربوط به فردی است که می‌خواهد بفهماند نیازهای جنسی بزرگی از جهات کمی و کیفی دارد؛ به طوری که نمی‌تواند دائماً به یک نفر قناعت کند، همان‌طور که نباید انتظار داشت انسان دائماً با یک نوع غذای واحد و تغییرناپذیر رفع گرسنگی نماید.

این گونه روابط، برساختی جدید از نظام‌های خانوادگی کهن زیر است:

- گونه‌ای رابطه مرسوم در جوامعی که تعدد زوجات در آن رایج است؛ مانند جوامعی که ادیانشان کمتر رنگ ایده‌آل پروانه دارد و نیز در تمدن‌های سنتی متکی بر کشاورزان سنتی که در آن اهمیت نقش زن به عنوان کارگر قابل چشم‌پوشی نیست، مشاهده می‌شود. (همان: ۹۹)

- ترتیبات چندشوهری که مربوط به جوامع فقیر بدوی است که به دلیل مشکلات مادی، چندین مرد با یک زن و یک خانواده مشترک سروکار داشتند. در این‌گونه جوامع چون نمی‌توانستند پدر را به طور قطع مشخص کنند، در نتیجه شجره مادری که همان تعیین هویت اولاد از روی نسبت مادری است، نتیجه الزامی چنین نظامی بود. (مالینفسکی، ۱۳۸۷)
- شوهر کمکی که معمولاً مرد کم‌بضاعتی است، نقش مددکار را در کارهای منزل و مواظبت از زن ایفا می‌کند.
- نظام ازدواج گروهی که هنوز به ندرت در جزایر مارکیز^۱- سکوتگاهی در فرانسه و در اقیانوس آرام- به چشم می‌خورد، به عنوان نوعی مشارکت بین ارباب و مردان خدمتکاری است که لطف زنان ارباب به عنوان جبران زحمات شامل حالشان می‌گردد تا آن‌ها را به کار کردن و ماندن نزد ارباب تشویق کند. (همان: ۱۰۰)

در نظام‌هایی که برشمرده شد، زن و مرد در چارچوب قوانین و عرف جامعه اقدام به ایجاد رابطه زناشویی می‌کردند و هدف از رابطه جنسی، برآوردن لذت جنسی به این صورت مطرح نبوده است و هدف غایی ازدواج، تشکیل خانواده در چارچوب عرف همان جامعه بوده است.

از طرفی این داستان به طور کلی، دلالت بر تنوع‌طلبی در رابطه دارد، آن هم در چارچوب بسته زناشویی؛ در گونه سنتی و مرسوم خانواده چه شرقی و چه غربی، زن و مرد در تعاملی همسطح روابط خود را شکل می‌دهند و حریم خانواده از نفوذ هر بیگانه‌ای در امان است؛ اما در عصر مدرن، ذائقه انسان به دلیل ایجاد نیازهای کاذب ناشی از تبلیغات گسترده کالاهای مصرفی، دچار تغییر و تحول شده است.

مصرف‌گرایی به عنوان پیامدهای مخرب مدرنیته، طبع انسان مدرن را تنوع‌طلب کرده است که این تنوع‌طلبی از طریق کلاهای جدیدی با اندکی تغییر به عنوان مد ارائه می‌شود. در این شرایط انسان دائماً بر آن است که از هر چیزی که مربوط به گذشته و سنت است، دل برکند و با شیوه‌ها و تجربه‌های جدید، نیازهای کاذبش را ارضا نماید. (تیموتی، ۱۳۸۸: ۱۸)

در نهایت پدیده تنوع‌طلبی جنسی چنین تعریف می‌شود که هر گاه عشق در روابط زناشویی کمرنگ شود، ارضای ناقص جنسی متولد می‌شود. در این زمینه محرک‌هایی مثل ماهواره و سایت‌های غیر مجاز از عوامل پُررنگی است که موجب بروز هیجان‌ات کاذب شده و برخی افراد که نمی‌توانند به طور طبیعی با شریک زندگی خود به رضایتمندی جنسی برسند و هم‌چون افراد گرسنه‌ای هستند که همه چیز را غذا می‌بینند، همواره در پی کشف فردی زیباتر، جذاب‌تر و یا روشی جدیدتر برای ارضای جنسی خویش هستند. (پایگاه اطلاع‌رسانی تنظیم خانواده، ۱۳۹۵)

۳. چرا آن چیز معنایی را که دارد، دارد؟

برای پاسخ به این سؤال، باید معناهای صریحی که در ذهن مخاطب متجلی می‌شود را مشخص نمود و سپس تفسیرهای تلویحی مترتب شده از معناهای صریح را دریافت. به طور کلی، معنای صریح^۱، رابطه ارزش‌صوری^۲ است که بین یک نشانه و مرجع آن برقرار است؛ معنای صریح یک تعمیم از چند نشانه و معنایی است که در نگاهی سطحی متجلی می‌شود. تفسیرهای تلویحی در تولید و رمزگشایی متن‌های بدیع مانند شعر، رمان، آثار هنری و در این‌جا داستان مصور کاربرد دارد.

1. Denotative Meaning

2. Face Value

برای تولید معناهای به لحاظ فرهنگی مهم، معناهای تلویحی قدرتی شگرف دارند؛ زیرا احساسات و ادراکات درباره چیزها را برمی‌انگیزد، همان‌گونه که سوزان لنگر^۱ در سال ۱۹۴۸ میلادی استدلال می‌کرد، اشکال هنری تأثیرگذارند؛ زیرا احساس می‌کنیم آن‌ها چیزهای زیادی دارند که به ما بگویند، بسیار فراتر از آنچه در ابتدا و به ظاهر انتقال می‌دهند؛ زیرا مخاطبان به صورت احساسی و برای ارضای نیازهای غریزی با آن‌ها مواجه می‌شوند. (دانسی، ۱۳۸۷: ۷۱-۶۹)

نتیجه‌گیری

داستان مصور مورد مطالعه از سائیتی انگلیسی‌زبان که گردانندگان نامشخصی دارد و با اندکی دخل و تصرف به فارسی برگردانده شده است. در این تحلیل، هدف اصلی سایت از تولید این داستان‌های مصور، اهمیت قابل توجهی دارد؛ اما از آن‌جا که در فرهنگ و فضای آمریکایی در حال فعالیت است و اطلاعات اندکی در مورد گردانندگان آن و تأثیرات آن بر مخاطبان در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد، از موضوع بحث خارج است؛ هرچند بررسی آن می‌تواند راهگشا باشد.

از طرف دیگر، بررسی غرض‌ورزی مترجم فارسی این اثر از اهمیت زیادی برخوردار است؛ به دلیل این‌که در انتخاب یک اثر علمی، فرهنگی، ادبی و حتی پورنوگرافی برای ترجمه و عرضه به یک فرهنگ، انگیزه و مقاصد مترجم متجلی می‌شود. مترجم نیز با توجه به انگاره‌ها و انگیزه‌های ذهنی و یا حتی منافع مادی، یک اثر را از یک زبان غیر، انتخاب و به ترجمه آن همت می‌گمارد؛ در نتیجه با یافتن پیام‌های اثر می‌توان به ماورای ذهن مترجم راه یافت.

با توجه به محتوای داستان و تحلیلی که ارائه شد، پیام کلی متن - به طور خاص - رواج خرده‌فرهنگ منحرف بی‌غیرتی جنسی (ناموسی) است.

در فرهنگ لغت دهخدا ذیل معنای غیرت چنین آمده است: واژه غیرت از تغییر و تغیر گرفته شده و یک نوع حالت، دگرگونی و برانگیختگی درونی به همراه حس دفاع در شخص، نسبت به آنچه دوست می‌دارد؛ اعم از عزت، آبرو، شرف، دین، ناموس و کشور است.

غیرت در اصطلاح روان‌شناسی نیز عبارت است از اظهار نگرانی از این‌که، آنچه مال خودش می‌داند به تصرف دیگران درآید؛ البته برخی نیز آن را یک نوع حس درونی می‌دانند که از احساسات و عواطف نشئت می‌گیرد و تغییرات بدنی را به دنبال دارد و هیجان‌ها و عواطف را سبب می‌شود و به بیان دیگر، اول تغییرات بدنی ظاهر می‌شوند و سپس هیجان و عاطفه نمودار می‌گردد. (رودگر و قاسمی سوته، ۱۳۹۴: ۷۲)

با توجه به آنچه در تعریف غیرت گفته شد، اگر غیرت را نوعی برانگیختگی حس دفاع یا حمایت از شیء ارزشمند دانست که فرد انسانی یا حیوانی از آن برخوردار است، ولی مورد تهدید یا تعدی و تعرض از سوی دیگران قرار گرفته است، چنان‌چه آن شیء ارزشمند از مقوله جنسی و ناموسی باشد که در مورد انسان‌ها شرافت افراد به آن گره می‌خورد، به این برانگیختگی و تغییر حالت، غیرت جنسی گفته می‌شود. (همان: ۷۵)

بی‌غیرتی جنسی یا ناموسی، نوعی عرفی‌سازی هنجار و تا حد زیادی ضد هنجار غیرتمندی و ناموس‌دوستی تلقی می‌شود. این هنجار در فرهنگ ایرانی-اسلامی از گذشته محترم شمرده می‌شده تا آن‌جا که برخی مواقع این غیرتمندی در نقاطی از کشور، سویه‌هایی خشن به خود گرفته و به قتل‌های ناموسی ختم شده است؛^۱

۱. برای مطالعه تکمیلی، ر. ک به: «فاجعه خاموش (قتل‌های ناموسی)»، پروین بختیارنژاد، ۱۳۸۱، انتشارات صمدیه.

البته این مواضع افراطی در زمینه مسائل ناموسی تا حدودی تعدیل شده‌اند و وضعیت کنونی جامعه گویای کاهش این سنخ رفتارهای خشن در قبال مسائل است. بازتاب رسانه‌ای گسترده این رویکردهای خشن به مسئله غیرتمندی، باعث تأثیر منفی در ذهن برخی مخاطبان شده که زمینه را برای پذیرش الگوی بی‌غیرتی مهیا می‌کند.

در داستان مورد بحث، انگاره بی‌غیرتی پیشفرض اصلی داستان است و تمامی صحنه‌های به شکلی عریان، نمایانگر این انگاره است.

بی‌غیرتی در فضای مجازی به ویژه در سایت‌ها و انجمن‌های پورنوگرافی فرم‌های خاصی به خود می‌گیرد. بررسی‌های انجام شده در سایت‌های فارسی پورنوگرافی و رصد محتوای کامنت‌های اعضا نشان می‌دهد که می‌توان فرم‌های مختلفی را برای بی‌غیرتی برشمرد که شرح آن با توجه به رعایت اصول اخلاقی، ارائه نمی‌شود.

فهرست منابع

۱. تیموتی، دالن (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی مصرف*. ترجمه علی اصغر سعیدی و مهدی حسین‌آبادی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۲. دانسی، مارسل (۱۳۸۷). *نشانه‌شناسی رسانه‌ها*. ترجمه گودرز میرایی و بهزاد دوران. تهران: نشر چاپار.
۳. رودگر، نرجس. و زهرا قاسمی سوته (۱۳۹۴). *هنجارشناسی غیرت جنسی در اسلام از منظر روایات*. مطالعات اسلامی زنان و خانواده، شماره ۲: ۷۱-۹۰.
۴. سیدمن، استیون (۱۳۸۶). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

۵. عبداللهیان، حمید. و سبحان یحیایی (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی تصویرهایی از شیوه زندگی ایرانی؛ مطالعه «خودبازنمایی» های دیداری کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی یا هو ۳۶۰. مطالعات فرهنگ-ارتباطات (نامه پژوهش فرهنگی سابق). شماره ۱۵ (پیاپی ۴۷): ۱۱۹-۱۴۹.
۶. مالدینفسکی، برانسیلاف (۱۳۸۷). غریزه جنسی و سرکوبی آن در جوامع ابتدایی. تهران: نشر ثالث.
۷. محمدی، مهتاب (۱۳۷۸). داستان مصور، یک اکسپرسیونیسم آمریکایی. هنرهای تجسمی. شماره ۵: ۳۶-۴۷.
۸. معمار، ثریا. عدلی‌پور، صمد. و فائزه خاکسار (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران). مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران. دوره ۱. شماره ۴: ۱۷۶-۱۵۵.
۹. مورالی دانیو، آندره (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی روابط جنسی. ترجمه حسن پویان. تهران: انتشارات توس.
۱۰. پایگاه اطلاع‌رسانی تنظیم خانواده (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر ایجاد تنوع طلبی جنسی:

<http://www.tanzimekhanevadeh.com/wedlock/1086-%D8%AA%D9%86%D9%88%D8%B9-%D8%B7%D9%84%D8%A8%DB%8C-%D8%AC%D9%86%D8%B3%DB%8C>

۱۱. «پروفسورها»، کمیک یا داستان مصور چیست؟ (۱۳۹۵):

<http://porsesh.professorha.ir/%DA%A9%D9%85%DB%8C%DA%A9-%DB%8C%D8%A7-%D8%AF%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D9%85%D8%B5%D9%88%D8%B1-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%9F/795>

ابعاد روان‌شناختی فضای مجازی^۱

نویسندگان: دکتر ماجا زیوکو (کرواسی)^۲، مهدی نصرتی (ایران)^۳

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۹

دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۲

چکیده

فضای مجازی از منظر روان‌شناسی دارای دو بعد مثبت و منفی است که ابعاد مثبت آن شامل انعطاف‌پذیری موقت، فضای نامحدود، سرعت تبادل اطلاعات، کثرت جوامع، ارتباط نوشتاری، افزایش توانایی ثبت و ضبط، سرگرمی، تقویت نیرو و توان انسانی، مساوات و برابری، کاهش آنچه که اصطلاحاً به آن اثر هاله‌ای گفته می‌شود، می‌باشد؛ در حالی که ابعاد منفی آن عبارت است از تفسیرهای نادرستی که ناشی از کمبود یکپارچگی حسی است، فیلتر کردن یا جذب اطلاعات، ناامیدی‌های ناشی از نواقص فنی، بازتعریف مشخصات هویتی، زورگیری مجازی، تخریب‌های رفتاری و اعتیاد سایبری؛ البته برخی از ابعاد نیز می‌توانند هم مثبت باشند و هم منفی؛ مثل گمنامی، آموزش از دور و جهانی‌سازی روان‌شناسانه آنلاین که همگی این مباحث در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: روان‌شناسی، ابعاد روان‌شناختی، فضای مجازی

۱. بخشی از ترجمه مقاله زیر:

Živko, Maja (2011). *Psychological Aspects of Cyberspace*. Department of Information Sciences. Vol. (3) : 99-108.

۲. نویسنده: استاد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه زاگرب، زاگرب، کرواسی،

mazivko@ffzg.hr

۳. مترجم: پژوهشگر دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ، قم، ایران،

nosrati1391@gmail.com

مقدمه

در استعمالات رایج، فضای مجازی برای شبکه جهانی زیربنای تکنولوژی اطلاعات به هم وابسته، شبکه‌های ارتباط از راه دور و سیستم‌های پردازش با کامپیوتر استفاده می‌گردد و اشاره به کانال‌های رایانه‌بنیانی دارد که براساس کامپیوترها بنا نهاده شده و شبکه‌های کامپیوتری و واقعیت مجازی را ارائه می‌دهند.

فضای مجازی به تدریج به عنوان نامی متعارف و مرسوم برای فهماندن و توصیف هر چیزی به کار گرفته می‌شود که با اینترنت مرتبط است. به واسطه این رسانه الکتریکی، اشخاص می‌توانند با هم ارتباط برقرار نموده، کار کنند، رسانه‌های هنری بسازند، روزنامه بخوانند، خود را آموزش دهند، بازی کنند، در کنفرانس‌ها شرکت کنند و تبادل نظر نمایند.

در روانشناسی، فضای مجازی به عنوان شبکه ذهن‌ها نامگذاری شده است. در این فضا، کاربران می‌توانند تبادل نظر نموده و نظرات خود را با دیگران به اشتراک بگذارند. به عبارت دیگر، ذهن‌های کاربران با دیگران ارتباط برقرار کرده و تبادل نظر می‌نمایند. در شبکه واقعیت، یک توسعه معنایی گفتاری وجود دارد. سولر^۱ این‌گونه اظهار می‌کند که وقتی افراد ایمیل یا صفحه‌ای اینترنتی و یا پیغامی فوری را که توسط یک رفیق آنلاین نوشته شده، ملاحظه می‌کنند، برخی از آن‌ها به طور واقعی حس می‌کنند ذهنشان با ذهن دیگران مرتبط و عجین گشته است.

هم‌چنین در شبکه ذهن‌ها، بین اذهان تعامل وجود دارد. طبق گفته باراک^۲ شناخت چیزی است که در فضای مجازی بین افراد رخ می‌دهد نه درون آن‌ها و این یک فعالیت همزمان است.

-
1. Soler
 2. Barack

از همه مهم‌تر این است که چارچوبه مغزی سایبرنتیک به یک تولید کننده اطلاعات مبدل می‌شود؛ در حالی که چارچوبه ذهنی افراد به یک چارچوبه ذهنی درونی تغییر یافته است.

بنابراین، هدف این تحقیق این است که هر دو جنبه مثبت و منفی که فضای مجازی- شبکه ذهن‌ها- برای جامعه به ارمغان آورده است، از منظر روان‌شناسی تشریح شود و بر این امر تأکید شود که ابعادی که در ادامه بررسی می‌شود، تنها بخشی از یک بازه گسترده‌تر از مسائل موجود در این زمینه است.

ابعاد مثبت فضای مجازی

ابعاد مثبت فضای مجازی شامل انعطاف‌پذیری وقت، فضای نامحدود، کثرت جوامع، ارتباط متنی، توانایی ثبت و ضبط، سرعت تبادل اطلاعات، سرگرمی، مقدار نامحدودی از اطلاعات فراهم آورده شده، تقویت توان انسانی، مساوات و برابری و کاهش به اصطلاح تأثیر هاله‌ای است که در ادامه بررسی می‌شوند:

۱. انعطاف‌پذیری وقت

در فضای مجازی، وقت قابل انعطاف است، ارتباط می‌تواند یا به طور همزمان و یا به واسطه اتاق‌های چت در فراجهان- مکانی که در آن افراد و شخصیت‌ها درون یک فیلم به عنوان یک آواتار یا اسم رمزی و شکلک ظاهر می‌شوند- و یا به طور غیر همزمان از طریق ایمیل و تالارهای گفتمان شکل بگیرد.

در ارتباط‌های غیر همزمان، لازم نیست افراد با همدیگر در یک زمان ارتباط برقرار کنند. در هر دو شکل ارتباط همزمان و غیر همزمان بجز کنفرانس ویدئوها و تماس‌های اینترنتی، زمان همراه با کشش است.

در یک چت یا گفتگوی آنلاین، افراد هر چقدر وقت بخواهند برای پاسخ‌دهی به شخص دیگر دارند، از چند ثانیه گرفته تا یک دقیقه یا بیشتر که این وقفه

در مقایسه با وقفه‌ای که می‌توان در ملاقات رو در رو داشت، به طور قابل توجهی طولانی‌تر است.

در ایمیل‌ها و بلاگ‌ها و گروه‌های خبری نیز افراد ساعت‌ها، روزها یا حتی هفته‌ها وقت برای پاسخ دادن دارند که همین مسئله، زمانی برای فکر کردن پیرامون آن‌چه که کاربران می‌خواهند بگویند، می‌دهد و پاسخ آنان را دقیقاً به همان شیوه‌ای که می‌خواهند، تنظیم می‌کند. این ارتباط با فاصله، برخی را در این‌که بیشتر در پیغام‌های نوشتاری توانمند شوند، مهیا می‌سازد.

۲. فضای نامحدود

مسافت‌های جغرافیایی درون فضای مجازی وجود ندارد و از این جهت شبکه‌های کامپیوتری افراد را قادر می‌سازند با هم تعامل داشته باشند و مهم نیست که کجا حضور دارند.

۳. کثرت جوامع

تعامل با بستگان، به فرد کمک می‌کند تا بتواند با صدها و شاید هزاران نفر ارتباط برقرار نماید. برای مثال، افراد با قرار دادن یک پیام در وبلاگ، صفحه گفتگو یا سایت شبکه‌ای اجتماعی که توسط تعداد بی‌شماری از دیگر کاربران خوانده می‌شود، با یکدیگر و در یک آن مرتبط شوند.

۴. ارتباط متنی

با وجود کمبود کیفیت احساس در ارتباط متنی، هیچ یک از شیوه‌های تعامل نوشتاری نباید به عنوان یک ابزار قدرتمند برای خود اظهاری و ارتباط درون فردی، دست‌کم گرفته شود.

ایمیل‌ها، چت‌های آنلاین، پیام‌های فوری و وبلاگ‌ها پیوسته در صدر رایج‌ترین نوع تعامل اجتماعی قرار دارند. نوشتن افکار شخصی و خواندن افکار فرد دیگر یک راه منحصر به فرد برای ارائه مشخصه فردی، درک شاخصه‌های ارتباط آنلاین و ایجاد رابطه است. برخی افراد احساس می‌کنند که می‌توانند نظر خود را با نوشتن بهتر ابراز کنند.

۵. توانایی ثبت و ضبط

یک مزیت واضح و عملی هر نوع ارتباط تاییبی این است که نوشته، همواره قابلیت ذخیره شدن بر روی دیسک یا نوار، پرینت یا بایگانی شدن به عنوان یک فایل استاندارد را داراست.

این توانایی ثبت کمک می‌کند که افراد در فضای مجازی بتوانند هر گوشه‌ای از ارتباطشان را که می‌خواهند، بسنجند و دوباره ارزیابی نمایند. هم‌چنین می‌توانند از نوشته‌های نقل قول شده به عنوان بازخورد به دیگران استفاده نمایند.

۶. سرعت تبادل اطلاعات

در فضای مجازی این سهولت و سرعت وجود دارد که از این راه، پیام‌ها هر چند با فواصل بسیار طولانی انتقال داده می‌شوند. اشخاص می‌توانند پیام‌ها را در یک بازه زمانی بسیار کوتاه فرستاده و دریافت نمایند. این خیلی مهم است؛ به ویژه در تجارت، این‌که از کجا و چگونه افراد می‌توانند با سرعت هر چه بیشتر با هم ارتباط برقرار کنند.

۷. سرگرمی

اینترنت در قالب فیلم‌ها، بازی‌های ویدیویی، موسیقی، کتب آنلاین، مجلات و گفتگوهای آنلاین به مردم سرگرمی ارائه می‌دهد؛ از این رو اینترنت یک منبع سرگرمی برای میلیون‌ها نفر در سراسر جهان شده است، زیرا ارائه دهنده انواع بسیاری از سرگرمی‌های قابل دسترس و ارزان است؛ البته سرگرمی گاهی می‌تواند ابعاد منفی و مخربی نیز داشته باشد، مثل بازی‌های ویدیویی که ممکن است باعث تقویت خشونت و پرخاشگری و ترس گردد.

۸. مقدار نامحدود اطلاعات فراهم آورده شده

فضای مجازی توانایی مردم در بهتر آگاهی دادن به همدیگر را رصد و آن را به طور شگرفی تقویت کرده است. بر این اساس، مردم می‌توانند از طریق تعداد زیادی از

روزنامه‌های آنلاین، مجلات، کتاب‌ها و تابلوهای اعلانات، هر اطلاعاتی که می‌خواهند را بدون حد و مرز به دست آورند.

۹. توانمندسازی

اینترنت می‌تواند باعث توانمند ساختن کاربران گردد؛ زیرا استفاده از آن، تأثیرات قدرتمندی بر طرز فکر اشخاص می‌گذارد. زمانی می‌توان از توانمندسازی کاربران صحبت کرد که در حال اشاره به توسعه و ترقی کامل نیرو و ظرفیت انسانی بود که این به معنای رهایی از قضاوت‌های یک‌طرفه (تعصبات)، اجبارها، دشمنی‌ها، عدم اعتماد به نفس، درک پایین و آسان‌پذیری دیگر عقاید است.

هم‌چنین، اینترنت به افراد این اجازه را می‌دهد که تخصص و ایده‌های خویش را بسازند؛ لذا به ارتقای خلاقیت‌ها و شاخصه‌های فردی کمک خواهد شد.

۱۰. مساوات و برابری

اینترنت بین مردم از لحاظ جنسیت، طبقه اجتماعی یا نژاد تبعیض قائل نمی‌شود و به افراد این فرصت را می‌دهد که ایده‌ها و نظرات خود را بیان کنند؛ لذا هر کس می‌تواند به نشر نظرات، نیازها و علاقه‌مندی‌های فردی خود بپردازد.

۱۱. کاهش تأثیر هاله‌ای

در فضای مجازی مردم نمی‌توانند شخصیت دیگر افراد را با توجه به ظاهر فیزیکی آن‌ها قضاوت کند. این صفحه الکترونیکی، کاربر را از هر گونه تأثیر تعامل چهره به چهره دور می‌سازد؛ زیرا درک ویژگی یک فرد مثل ظاهر یا خصیصه‌های یک فرد، متأثر از درک ویژگی دیگر افراد یا اشیا نیست.

ابعاد منفی فضای مجازی

فارغ از ابعاد مثبت فضای مجازی، چندین جنبه منفی نیز وجود دارد که می‌بایست بیان شود؛ از جمله کمبود هماهنگی حسی، جذب اطلاعات بدون فیلتر کردن،

ناامیدی ناشی از اختلالات فنی، بازتعریف مشخصه‌ها، زورگیری مجازی، تخریب‌های رفتاری، احساس این‌که خوشی صرفاً برای دیگران است، اعتیاد اینترنتی و... که در ادامه توضیح داده می‌شود:

۱. کمبود هماهنگی حسی

به واسطه ارتباط‌های متن‌محور، نارسایی حسگرهای صوتی - تصویری از قبیل تغییر در تن صدا، ابرازهای چهره‌ای یا زبان بدن، ارتباطات می‌تواند منجر به تفسیر اشتباه گردد. برای مثال، شبیه‌سازی لمسی مثل حس چشایی و بویایی در فضای مجازی وجود ندارد. در فضای مجازی، فقدان هماهنگی حسی مشاهده می‌شود؛ زیرا کاربر می‌بیند و می‌شنود، اما لمس نمی‌کند و مزه و بو را حس نمی‌کند.

فضای مجازی علاوه بر متن، اجازه استفاده از ترکیبات متنوعی از متن، صوت و انواع ارتباط تصویرمحور را می‌دهد؛ در عین حال مردم می‌توانند صدای هم را بشنوند، اما همدیگر را نبینند، متن بخوانند و همدیگر را ببینند، اما نشنوند یا این‌که می‌توانند همدیگر را دیده و صدای هم را بشنوند، اما همدیگر را با یکی از شیوه‌های نوشتاری ارتباط به زحمت نیندازند.

در برخی موارد، ارتباط متنی ممکن است منجر به سوء تفاهم‌ها و کشمکش‌ها گردد. کمبود اثرات صوتی-تصویری، یک پیام الکترونیکی، وبلاگ یا یک پست درون یک گروه خبری ممکن است مبهم و دوپهلو باشد. زمانی که مردم یک پیام تاییبی را می‌خوانند، گرایش شدیدی که گاهی ناخودآگاه است، نسبت به این دارند که انتظارات، امیال، هیجانات و ترس‌های خود را در آن‌چه که فرد دیگر می‌نویسد، به تصویر کشند.

اندیشه‌وران حیطه روان‌کاوی این فرایند را انتقال می‌نامند. تغییر و تحریف منظور یک فرد می‌تواند منجر به سوء تفاهم‌ها و اختلافات گردد. با این حال در محیط

گفتگوی چندرسانه‌ای امروز، این سوء تفاهم‌ها و اختلافات کاهش یافته است؛ زیرا چنین محیطی، این فرصت را می‌دهد که از حالت ارتباطی صوتی- تصویری نیز استفاده کند.

به واسطه استفاده از برنامه‌های نرم افزاری متنوع، صدای کاربران به خاطر سخنان و معانی و احساسات لطیف و دقیق، ممکن است بیشتر مورد واکاوی و بررسی قرار گیرد و این‌که مردم می‌توانند ارتباطات خود را با همدیگر بازبینی نمایند.

۲. جذب اطلاعات بدون فیلتر کردن آن

قرار دادن آسان اطلاعات در اینترنت به معنای خوب، درست، قانونی و با کیفیت بودن آن نیست. برخی کاربران ممکن است خریدار یا جذب کننده انحصاری هر گونه داده الکترونیکی که ورود به اینترنت پیدا می‌کند، باشند. این شبکه‌ها باعث این می‌شود که افرادی این‌گونه انتظار داشته باشند که می‌توانند وسیله‌ای یافته که با آن به سرعت هر مشکلی را حل نمایند.

مردم به جای این‌که وقت بگذارند برای بازبینی مسائل و تفکر در راه‌حل‌های جایگزین و تحلیل حساس مشکلات، بی‌صبرانه به دنبال راه‌حل‌های فنی می‌گردند؛ از این رو بسیار مهم است که اطلاعات را فیلتر نمود و آن‌ها را به گونه‌ای حساس تحلیل کرد.

۳. ناامیدی ناشی از اختلالات فنی

رسانه الکترونیکی مصون از مشکل داشتن با تعامل دانشجو و فناوری نیست؛ مثل هر نوع ناامیدی ناشی از اشکالات فنی و خاموش شدن‌ها. برای مثال، پیشرفت یک دانشجوی دانشگاه در یک دوره ممکن است به دلیل ناامیدی‌های ناشی از فناوری به توقف بیانجامد؛ همان‌طور که ویلکن بر آن است که دانشجویان تا زمان حل شدن یک مشکل فنی، فلج به نظر می‌آیند و حس طرد شدگی یا در برخی موارد، محبوس شدگی دارند؛ زمانی که با ارتباطشان با درس به دلیل مشکلات فنی قطع شده است.

۴. بازتعریف هویت‌های فردی

چیز دیگری که ممکن است در فضای مجازی اتفاق افتد، بازتعریف مشخصه‌ها است. یکی از مشکلات حین شکل‌دهی هویت فردی این است که افراد سن پایین، در حال شکل‌گیری توسط اینترنت هستند. گزینه‌های سرگرمی و اطلاعات که این فناوری‌ها به ارمان آورده‌اند مثل اینترنت، هویت آن‌ها را پشتیبانی نموده و به طور تساعدی تعریف می‌نمایند. اینترنت هم‌چنین قادر است افکار را تحریف نماید و گیرنده‌ها را دستکاری کند؛ به ویژه در بین جوانان امروزی که تمایل به پذیرش عقاید افراطی در آن‌ها دیده می‌شود بدون آن‌که منتقدانه به این عقاید فکر کنند.

۵. احساس متعلق بودن خوشی صرفاً برای دیگران

سایت‌های شبکه‌های اجتماعی مثل فیسبوک و توئیتر می‌توانند موجب ناراحتی و تنهایی شوند؛ چه این‌که نگاه به تصاویر شاد دیگران می‌تواند منجر به این شود که برخی به خود این را بقبولانند که افراد دیگر در یک زندگی بی‌نقص بوده و نهایتاً خوشی‌های دیگر افراد را دست بالا می‌گیرند و بیش از آن‌چه هست می‌پندارند. بنابراین، سایت‌های شبکه اجتماعی ممکن است منجر به ناامیدی، غمگینی و تنهایی و بلکه احساس باختن شود.

۶. زورگیری مجازی

آزارها و زورگیری‌های آنلاین در اینترنت نسبتاً رایج است. زورگیرهای فضای مجازی می‌تواند با وسایل گوناگونی قربانی‌های خود را مورد هدف قرار دهد؛ از جمله اتاق‌های چت و صفحات پیام و تالارهای گفتگو و ایمیل.

زورگیری اینترنتی ممکن است به طرق مختلفی انجام شود؛ مثل ارسال ایمیل تهدیدآمیز یا وقیح، به هرزنامه فرستادن که در آن یک زورگیر به قربانی خود تعداد بسیاری ایمیل بی‌ارزش می‌فرستد، آزار و اذیت در چت‌های آنلاین زنده که منجر به

سوء استفاده زبانی به طور زنده و مستقیم می‌شود، گذاردن پیام‌های زنده و توهین آمیز در صفحه پیام‌ها یا مکان میهمانان، ارسال ویروس‌های الکترونیکی یا ایمیل‌های ناخواسته.

۷. خشونت رفتاری

این مسئله نسبتاً مشهور است که گاهی کاربران در فضای مجازی رفتاری دارند که آن را در جهان واقعی ناشایست می‌دانند؛ این بخاطر این واقعیت است که آن‌ها بیشتر احساس آزادی و عدم کنترل شدن توسط دیگران می‌کنند. اینترنت این عدم تطابق را قوت می‌بخشد؛ لذا افراد گاهی اوقات خشن و یا حتی رفتارهای کنترل نشده از خود بروز می‌دهند.

علت عمده این نوع رفتارهای مشکل‌ساز زمانی خودنمایی می‌کند که استفاده از اینترنت به پدیده خشونت رفتاری مربوط باشد. در حالات ارتباطی رو در رو، اشخاص توسط قوانین اجتماعی موجود که بر تعاملات بین مردمی، برخوردهای منفی فوری و هر گونه پیامد دیداری رفتار ناشایست آن‌ها حاکم است، محدود شده‌اند. علاوه بر این، مردم با تحریم‌ها و طرد کردن اجتماعی که نتیجه این‌گونه رفتار کردن است نیز محصور گشته‌اند.

در دنیای الکترونیک و گمنام، کاربران اغلب از هویت‌ها و شخصیت‌های هم‌باخبر نیستند؛ لذا به سادگی می‌توانند از پیامدهای منفی رفتارهای خطرناک و ناپسند خود چشم‌پوشی نمایند و همین منجر می‌شود به ابراز کردن خشم و خشونت و افشاسازی‌های نابجا.

۸. اعتیاد به اینترنت

دیویس^۱ میان دو نوع از اعتیادهای اینترنتی که آن‌ها را به خاص و عام تقسیم می‌کند، تمایز قائل شده است. اعتیاد به معنای خاص یا اخص به استفاده بیش از حد یا

سوء استفاده از هر گونه عملیات اینترنتی با محتوای خاص گفته می‌شود؛ برای مثال قماربازی و خرید و فروش سهام.

اعتیاد به معنای عام نیز به استفاده بیش از حد از اینترنت به صورت چندجانبه گفته می‌شود که در چند عرصه و نه یک عرصه خاص مثل سهام صورت می‌گیرد و منجر به اختلالات شخصیتی و حرفه‌ای منفی برای فرد می‌شود؛ لذا یک فرد معتاد به این معنای عام، به سوی آنلاین بودن کشیده می‌شود و همواره ارجحیت و برتری ارتباط بین مردمی مجازی را نسبت به واقعی اظهار می‌کند.

برای مثال؛ محبوبیت سایت شبکه اجتماعی فیسبوک منجر به برخی مشکلات اعتیادی جدی شده است. در ادبیات روان‌شناسی یک واژه مربوط به بحث اعتیاد به فیسبوک ابداع شده است. مسئله اصلی این است که مردم توجهی به آن مقدار زیاد انرژی و زمانی که در فیسبوک صرف می‌کنند، ندارند. لینک‌های بیشتر در صفحات وب در قالب به اشتراک‌گذاری و دیگر انواع فعالیت‌های مرتبط با فیسبوک دعوت می‌کنند. کاربران نوعی از فعالیت‌های فیسبوکی را استفاده می‌کنند که از طرفی می‌توان آن‌ها را خلاقانه و مبرز احساسات و اجتماعی خواند؛ اما از طرف دیگر، افراد می‌توانند به سادگی معتاد به آن شوند.

اختلال اعتیاد به فیسبوک^۱ حالتی است که استفاده از فیسبوک به مثابه یک عمل وسواسی و اجباری تبدیل گشته و افراد تمام وقت خود را در این شبکه اجتماعی صرف می‌کنند و از زندگی اجتماعی واقعی خود با دوستان و بستگان و محیط کار غافل می‌شوند.

جهانی سازی روان شناختی، تحصیل الکترونیکی و گمنامی؛ مثبت یا منفی؟

۱. جهانی سازی روان شناختی آنلاین

فضای مجازی باعث توسعه در روابط اینترنتی می شود و به واسطه آن، کاربران معمولی جدید قادرند تبادل اطلاعات نموده و گروه هایی پیدا یا ایجاد کنند تا علائق مشابه خود را به اشتراک گذارند.

فضای مجازی یک دهکده جهانی یا جامعه ای مجازی است و از طریق سایت های شبکه اجتماعی و دنیا های مجازی مثل زندگی دوم یا جهان وارکرفت، افراد با علائق مشترک قادر به اشتراک گذاری اطلاعات، کار کردن با هم، تعریف کردن قصه و لطیفه، بحث های سیاسی، کمک نمودن به هم یا بازی کردن می شوند.

در فضای مجازی، مردم هم چنین یک به یک با هم ارتباط برقرار کرده و گروه های آنلاینی می سازند؛ مثل گروه های علاقه و سرگرمی، گروه های کمک به خود، گروه های مصرف کننده خاص المنفعه.

تمامی اعضای فضای مجازی این فرصت را دارند که وارد اجتماعی شده که به آن تعلق دارند. این برای کسانی که به سختی با دیگران در دنیای واقعی ارتباط برقرار می کنند؛ مثل قدیمی ترهایی که دایره اجتماعی و کاری آن ها ضیق و تنگ گشته، افراد خجالتی و ترسو و کمرو و کسانی که در یافتن اشخاصی با علائق مشترک به مشکل برمی خورند، ارزنده است.

با این وجود، جهانی سازی آنلاین ممکن است تأثیر منفی نیز داشته باشد؛ به این صورت که فضای مجازی به طور انحصاری برای کسانی قابل دسترسی است که امکان برقراری ارتباط به وسیله رسانه های الکترونیکی را دارند.

نتیجه آن که در واقعیت هنوز خیلی از افراد وجود دارند که دسترسی به اینترنت ندارند و این که درباره فناوری های الکترونیکی آموزش ندیده اند و مهارت مربوط به کامپیوتر ندارند.

از طرفی، یک جامعه آنلاین جهانی وجود دارد و از آن طرف افرادی وجود دارند که متصل به جهان اینترنتی نیستند. در این راستا، جهان الکترونیک ممکن است باعث توسعه این نابرابری اجتماعی موجود گردد.

۲. تحصیل آنلاین

ثورلو و لنگل فردی که توسط رایانه آموزش می‌بیند را دانشجوی سایبری یا مجازی می‌نامند. اینترنت به دانشجویهای مجازی کمک می‌کند مهارت‌های نوینی به دست آورند. اشخاص قادرند از طریق کتب آنلاین، ویدیوکنفرانس‌ها و تالارهای گفتگو در رابطه با حیطه‌ها و شیوه‌های جدید بیاموزند و مهارت‌های جدیدی کسب کنند.

به نظر می‌رسد انگیزه در یادگیری الکترونیکی بیشتر از یادگیری آفلاین است؛ به این دلیل که به خاطر طریقه آموزش متفاوت مثل صفحه یا سطح چندرسانه‌ای، آزمونک، بازی‌ها، یافتن منابع علمی به صورت آنلاین، چت همزمان، تالارهای گفتمان، پیام‌های همزمان و پیوست‌های ایمیلی، افراد می‌توانند با تعامل با هم و معلمان و از راه به اشتراک‌گذاری دانش و اطلاعات، یکدیگر را کمک و پشتیبانی نمایند. علاوه برین، می‌توانند از راه صفحات رسانه‌ای اجتماعی مثل فیسبوک و یوتیوب و دنیا‌های اجتماعی مجازی مثل زندگی دوم و دنیا‌های بازی مجازی مثل جهان وارکرفت که مردم می‌توانند در آن سرگرمی و آموزش را با هم تلفیق نمایند، با یکدیگر تعامل نمایند.

در مقابل، آموزش مجازی و آنلاین ممکن است ابعاد منفی نیز داشته باشد؛ برای مثال کمبود حس زندگی، لذا گفتگوهای کلاسی می‌تواند مهیج‌تر و تأثیرگذارتر از یادگیری با اینترنت باشد. گفتگوهای بلادرنگ فراهم کننده تعامل آنی بین دانشجوی سایبری و استاد به صورت دوطرفه بوده و باعث تقویت تعاملات بین افراد می‌شود که این مسئله در کلاس‌های آموزشی از راه دور، اغلب یافت نمی‌شود.

۳. گمنامی یا ناشناختگی

اینترنت به افراد اجازه این را می‌دهد که هویت واقعی و اطلاعات شخصی خود را با اسامی کاذب و جزئیات شخصیتی بیپوشانند که باعث می‌شود خود را آزادانه‌تر و خالصانه‌تر از آن‌چه که در تعاملات رودررو اظهار می‌کنند، نشان دهند.

این مسئله به خاطر این واقعیت است که آن‌ها نه می‌توانند دیده شوند و نه شنیده شوند؛ اما فضای مجازی این اجازه را می‌دهد که زبان بگشاید و چیزهایی بگویند که معمولاً در دنیای واقعی حرفی از آن نمی‌زدند.

به واسطه همین ناشناختگی، کاربران می‌توانند خود افشاسازی و صمیمیت ابراز کنند؛ چون مردم در فضای مجازی گاهی ممکن است اطلاعات حساس‌تر و خصوصی‌تر و شخصی‌تر خود را فاش نمایند.

در یک محیط الکترونیکی احتمال بیشتری می‌رود که کاربران، افشاسازی‌های عمیق‌تری نسبت به رازهای خود داشته باشند تا در دنیای واقعی؛ هم‌چنین ناشناخته بودن در فضای مجازی برای آن‌هایی که در کشورهایی زندگی می‌کنند که آزادی بیان و دسترسی به رسانه‌ها کمتر است، سودمند می‌باشد. این ناشناختگی در فضای مجازی، یک تالار آزاد برای آگاه نمودن دیگران بدون رساندن آزاری به آن‌ها، ایجاد می‌شود.

ناشناختگی، ابعادی منفی نیز دارد؛ از جمله این‌که فاصله فیزیکی بین مشترکین اینترنت منجر به رفتارهای مخرب می‌گردد، چون در فضای مجازی یک فرد می‌تواند چندین هویت برای خود ایجاد کند، غریبه‌ها می‌توانند دیدار داشته باشند، اطلاعات درست یا غلط را تبادل کنند و برای صحبت کردن به میزان دلخواه، خصوصیات فردی خود را کم و زیاد جلوه دهند.

به عنوان مثال؛ کاربری از جنس مرد می‌تواند هویتی زنانه ایجاد نماید یا یک دانش‌آموز دبیرستانی قادر است خود را به عنوان مهندس جا بزند؛ علاوه بر این،

کاربران اینترنتی متضمن و مسئول آن چه می‌گویند نیستند، لذا روابط شخصی مثبت در اینترنت کمتر پیدا شده و غیر فراگیر است.

نتیجه‌گیری

این مقاله هر دو جنبه مثبت و منفی دنیای اینترنت که به آن فضای مجازی گفته می‌شود را مورد بررسی قرار داد. فضای مجازی این اجازه را می‌دهد که آزادانه بین ارتباط‌های قابل جایگزینی همزمان و غیر همزمان انتخاب کرد و این قدرت را ایجاد می‌کند که با هزاران نفر بدون هیچ محدودیت زمانی و مکانی ارتباط برقرار نمود و هویت خود را با یک فرم نوشتاری ارائه داد و ارتباطات خود را ضبط نمود، فیلم مشاهده کرد، بازی کرد و به موسیقی گوش داد و به خواندن کتاب‌ها و مجلات پرداخت و چت انجام داد. مجموعه این موارد باعث می‌شود شخصیت کاربران با دیگران برابر گردد و تبعیض از میان برود.

از طرف دیگر، در فضای مجازی بسیاری اطلاعات بدون فیلتر جذب می‌شوند و به مشکلات فنی برخورد می‌شود که اغلب اوقات منجر به ناامیدی می‌گردد؛ به نحوی که گاهی در اینترنت توسط دیگران سوء استفاده می‌شود یا بعضاً حس می‌شود خوشی فقط به دیگران تعلق دارد.

دیگر جنبه خطرناک آن می‌تواند موجب زورگیری‌های الکترونیکی شود که توسط کاربران الکترونیکی صورت می‌پذیرد و به آن زورگیری مجازی گفته می‌شود. ناشناختگی‌ای که دنیای مجازی به ارمغان می‌آورد، می‌تواند باعث شود که با افرادی خطرناک ارتباط برقرار کرد؛ بدون آن‌که خبر از آن وجود داشته باشد. کاربران اینترنتی هم‌چنین در یک شبکه روانشناختی، جهانی‌سازی شده‌اند که همین آن‌هایی را که به اینترنت دسترسی ندارند، بی‌بهره و از لحاظ اجتماعی فلج می‌سازد. نتیجه آن‌که فضای مجازی بخش مهمی از زندگی هر روزه انسان‌ها شده است و

دارای ابعاد منفی و مثبتی است که باید در مورد آن به کسب آگاهی پرداخت. آیا می‌توان یک جهان مجازی ایجاد نمود که با کمترین حد ممکن از ابعاد منفی آن، مواجه بود؟ این بر عهده همه کاربران است که فضای مجازی بهبود یافته نوین فردا را ساخت؛ جایی که ابعاد مثبت بر ابعاد منفی آن بچربد.

فهرست منابع

1. Barak, Azy (2008). **Psychological Aspects of Cyberspace: Theory, Research, Applications**. UK: Cambridge University Press.
2. Caroly, Wilken (2004). **Computer Mediated Interaction in a Distance Education**: <http://www.kon.org/archives/forum/11-1/wilken.html>
3. Cohen, Elizabeth (2009). **Five Clues that you are Addicted to Facebook**: <http://edition.cnn.com/2009/HEALTH/04/23/ep.facebook.addict/index.html>
4. Cyberspace (2011). <http://en.wikipedia.org/wiki/cyberspace>
5. Cyberpsychology (2010). **Behavior and Social Networking**: <http://www.liebertpub.com/products/product.aspx?pid=10>
6. Davis, J. A (2001). **A Cognitive-Behavioral Model of Pathological Internet Use**. Computers in Human Behavior. Vol. 17 (Issue. 2): 187-195.
7. Foster, Derek (1997). **Community and Identity in the Electronic Village**. Internet Culture. New York: Routledge.
8. Joinson, Adam (2003). **Understanding the Psychology of Internet Behavior: Virtual Worlds, Real Lives**. UK: Palgrave Macmillan.
9. De Kerckhova, Lumsden (2012). **The Alphabet and the Brain**. USA: Springer-Verlag.

10. Poole, Bernard (1997). **Education for an Information Age: Teaching in the Computerized Classroom**. Boston, MA: WCB/McGraw-Hill.
11. Staiger, Janet (2005). **Media Reception Studies**. New York: New York University Press.
12. Suler, John (2008). **The Psychology of Cyberspace Relationships**. UK: Cambridge University Press.
13. Wallace, Patricia (1999). **The Psychology of the Internet**. UK: Cambridge University Press.



دورية علمية متخصصة متعددة اللغات

PURE LIFE

العدد الخاص بعنوان: ﴿ المؤتمر الدولي الأول مدى قدرة واستيعاب الفضاء الإلكتروني في تعزيز التعليم الديني ﴾ (١١)

العدد العشرون - السنة السادسة، رجب المرجب ١٤٤١ / ١٣٩٨ ش / ٢٠٢٠ م

صاحب الامتياز: جامعة المصطفى عليه السلام العالمية

جامعة المصطفى عليه السلام المفتوحة، عمادة البحث والإنتاج العلمي

المشرف العام: الدكتور سيد مهدي حسيني

رئيس التحرير: الدكتور سيد ابازر هاشمي هريكندئي

المدير التنفيذي: سماحة الشيخ محمد جواد نجفلي

أعضاء هيئة التحرير:

سيد مهدي حسيني	رئيس في جامعة المصطفى <small>عليه السلام</small> المفتوحة (إيران)
سيد ابازر هاشمي هريكندئي	عميد البحث والإنتاج العلمي في جامعة المصطفى <small>عليه السلام</small> المفتوحة (إيران)
محمود نظري	مدير دائرة العلاقات العامة والشؤون الدولية في جامعة المصطفى <small>عليه السلام</small> المفتوحة (إيران)
مهدي سازندكي	عضو في اللجان العلمية في جامعة المصطفى <small>عليه السلام</small> المفتوحة (إيران)
مجتبي رحمتي	عضو في اللجان العلمية في جامعة المصطفى <small>عليه السلام</small> المفتوحة (إيران)
يزن علي	عضو في اللجان العلمية في جامعة المصطفى <small>عليه السلام</small> المفتوحة (سوريا)
غلام جابر محمدي	مدير لجنة القرآن والحديث في جامعة المصطفى <small>عليه السلام</small> المفتوحة (باكستان)
توفيق أسدوف	مدير الدراسات الإسلامية في جامعة المصطفى <small>عليه السلام</small> المفتوحة (أذربايجان)
كمال كوركماز	عضو في اللجان العلمية في جامعة المصطفى <small>عليه السلام</small> المفتوحة (تركيا)

العنوان: قم، شارع ساحلي جنوبي، غربي مصلى القدس، ما بين الزقاقين ٤-٦

ص ب: ٣٧١٣٩١٣٥٥٤ **العاتف / الفاكس:** ٢٢١١١٤١٧٥ - ٢٢٤١٢٨٧٥

عدد الصفحات: ٢٨٠ ص نوع الطبع: إلكتروني

الرقم التسلسلي المعياري الدولي: ٧٦١٩-٢٦٧٦

Web: <http://p-l.journals.miu.ac.ir/>

Email: research@mou.ir

موضوع القرار:

حسب القرار المنبثق من الإجتماع الثاني والعشرين لمجلس إدارة منشورات المصطفى عليه السلام (بتاريخ: ١٣٩٢/١٢/١٩)،
لقد تمت المصادقة على إصدار هذه المجلة المصنفة ضمن المنشورات العلمية المتخصصة، رقم ترخيص ٧٤٣٢٧ الصادر من الجهاز الشامل لوسائل الإعلام الرسمية (وزارة الثقافة والأرشاد الإسلامي)
(بتاريخ: ١٣٩٣/١٢/١١)

هذه المجلة متاحة بشكل إلكتروني، ويمكن تحميلها
على العنوان التالي:

<http://journals.miu.ac.ir/>

[https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/2125/
pure-life](https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/2125/pure-life)

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1325/pure-life>

https://www.civilica.com/Journal-JR_PLIFE=%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AD%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%B7%DB%8C%D8%A8%D9%87.html

شروط كتابة المقال

١. يجب أن يتضمن المقال ما يلي: العنوان والملخص والمفردات الرئيسية والمقدمة والعرض والنتيجة والمصادر.
٢. تخضع المقالات المستلمة للتحكيم العلمي شريطة أن لم تنشر سابقاً، ويتعين على الكاتب التعهد بعدم قيامه بإرسال مقاله إلى مؤسسات أخرى.
٣. يتحمل «الكاتب المراسل» مسؤولية صحة المعلومات الواردة في المقال من الناحيتين العلمية والحقوقية.
٤. تحتفظ المجلة لنفسها بحق رفض المقالات أو قبولها كما تتعهد أمانة المجلة بتقديم تقرير عن نتيجة التحكيم العلمي للكاتب المراسل خلال فترة لا تتجاوز شهر - ٣٠ يوماً - على الأكثر.
٥. لا يتم القبول النهائي لطع المقال في المجلة إلا بعد موافقة هيئة التحكيم وهيئة التحرير عليه.
٦. يجب عدم تجاوز حجم المقال ٨ صفحات كحد أدنى و ٢٥ صفحة كحد أقصى وكل صفحة عبارة عن ٢٥٠ كلمة.
٧. يجوز النقل والإقتباس من المقالات المنشورة الأخرى شرط ذكر المصدر.
٨. يستخدم نوع الخط "IRLotus" وحجم الخط (١٣) في طباعة المقال بالفارسية والعربية، ويستخدم نوع الخط "Alvi Nastaleeq" وحجم الخط (١٣) في طباعة المقال بالأردية، ويستخدم نوع الخط "Times New Roman" وحجم الخط (١٣) في طباعة المقال بالإنجليزية ولغات أخرى.
٩. يتضمن قائمة المصادر المرتبة وفق الحروف الأبجدية ما يلي:
✓ فيما يتعلق بالكتاب والمقالة: لقب واسم الكاتب. (تاريخ النشر). عنوان (بخط غامق). اسم المترجم. الطبعة. مكان النشر: اسم الناشر.
١٠. تدرج التوثيق المرجعية في النص الأصلي على النحو الآتي (اسم المؤلف، تاريخ النشر: الصفحة).
١١. تدرج التوثيق التوضيحية في هامش الصفحة نفسها ككتابة المفردة باللاتينية وشرح المصطلحات وغيرها.

١٢. على كاتب أو كُتاب المقال إرسال أبحاثهم إلى معاونة البحث والإنتاج العلمي في جامعة المصطفى عليه السلام المفتوحة عبر هذا العنوان: "research@mou.ir" مزودة بالمعلومات: الاسم واللقب والمستوى العلمي والعنوان المقالة.
١٣. نظرا لتنوع لغات المجلة يمكن للباحثين الأعزاء إرسال مقالاتهم إلى مكتب المجلة بإحدى اللغات التالية: الفارسية والعربية والأردية والإنجليزية والفرنسية والتركية والأذرية ...
١٤. يتعين على أمانة سر المجلة إرسال نسخة من المجلة الإلكترونية- بعد نشرها- إلى كاتب أو كُتاب المقال عبر البريد الإلكتروني.

كلمة المشرف العام

مجلة **“PURE LIFE”** سوف تظل نافذة إلى حياة الإنسان الأبدية، تهدف جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة بوصفها داعية الإنسان الأرضي إلى معرفة التعاليم الإلهية لبناء حياة جديدة من خلال ما أودعه الله فيه من علم ولتجلب له السكينة الدنيوية والسعادة الأخروية معا.

“PURE LIFE” هي فرصة للباحثين وخريجي الجامعات لبسط معلوماتهم العلمية المعرفية عبر الفضاء الإلكتروني على نطاق واسع وإسقاط المعارف الدينية على مختلف شؤون الحياة البشرية.

على أمل أن تسطع أنوار هذه النافذة أكثر فأكثر في ظل جهود الباحثين عن نور المعرفة.

كلمة رئيس التحرير

البحث العلمي هو بمثابة شريان الحياة في مجال المعرفة والبصيرة والذي يمكن أن يُحفَّزَ- في ديناميتها- النموّ والتوسّع لحدود العلم والمعرفة ويؤدي إهمال هذا المجال إلى ركود المعرفة بل موتها في نهاية المطاف، فإن الجهل هو أول آثار التخلي عن البحث كما نشهد اليوم كارثة الجهل العصرية التي ظهرت جراء فقدان البحث القويم في مختلف المجالات. ثم يتمّ توسيع حدود المعرفة من خلال البحوث بوصفها حائزة على مكانة مرموقة ضمن الأنشطة البشرية اليوم، فإن التحقيق في مجال العلوم الإنسانية والإسلامية يمكن الباحث من فهم المشكلات والقضايا الإنسانية كما يوفر لها حلولاً عملية. والتطور المتزايد في المجال المعرفي يفرض علينا الدخول في المجالات العلمية أكثر فأكثر، فالآن العديد من مجالات المعرفة الإسلامية هي بحاجة إلى الشرح والعرض على نطاق عالمي.

”PURE LIFE“ هي مجلة طلابية تحاول إعداد أرضية لنشر مقالات طلاب جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة وتحسين مستوى البحوث الطلابية المتعلقة بالعلوم الإسلامية كما هي تعد أرضية مناسبة لتطوير العلاقات بين الباحثين في مجال العلوم الإسلامية- الإنسانية.

”PURE LIFE“ هي مجلة فصلية، متعددة اللغات، إلكترونية-تخصصية، أما عنوان هذا العدد فهو: «المؤتمر الدولي الأول مدى قدرة واستيعاب الفضاء الإلكتروني في تعزيز التعليم الديني (١١)»، وهو يتكون من أحد عشر مقالات باللغات الثلاثة (الفارسية والعربية والإنجليزية) حيث قامت بها معاونية البحوث في جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة.

يتمّ إصدار مجلة ”PURE LIFE“ برعاية لجنة نشر الكتب في جامعة المصطفى ﷺ العالمية ووزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي في إيران بصفتها أول مجلة علمية في جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة وهي مستعدة لنشر مقالات طلاب جامعة المصطفى ﷺ العالمية.

قابلية الإسلام لتحقيق الحضارة الإسلامية الحديثة

الكاتب: مالك مهدي خلصان (امريكا)^١

قبول: ١٤٣٨/١١/١٤

استلام: ١٤٣٨/١٠/٢٣

المستخلص

ان واجهة اي امة في حضارتها بجميع الميادين سواء كانت: الإقتصادية أو الثقافية أو الإجتماعية، فهي حضارتها التي فيها تندثر او تثبت وجودها ويقتبس منها ما هو مفيد للإنسانيه، ونحن هنا في هذا البحث قمنا باستعراض قابلية الدين الإسلامي في تحقيق الحضارة الإسلامية الحديثه أكثر منه في الحضارات الأخرى، ونعرض سابقية البحث والفترة التاريخية التي مرت من خلالها الحضارات بداياتها بشكل موجز، ونبين أهم العلماء وبرزهم في أغلب العلوم، وكيف ان الغرب قام بانتحال شخصية أكثر من كاتب، وزور في الأوراق كي ياخذ اكتشافات العرب المسلمين وينسبها لنفسه مخارقاً قانون الأمانة العلمية؛ بغية التربح والشهرة على حساب الغير. وتعرضنا في هذا البحث الى الفضائح التي قام بها الغرب من أجل الشهرة، وأدعاء حقائق زائفه يخدع بها العالم، كأكذوبة النزول الى القمر؛ حيث ركزنا في هذا البحث على قدرة العرب والمسلمين من خلال القرآن الكريم على معالجة العقبات في كافة مجالات الحياة لتثبيت الحضارة العريقة المنشودة لخدمة الإنسانيه، وتحقيق الرفاه المنشودة في السلام والإنسانية واهدافها السامية لتحقيق مصالحها في الحياة.

الكلمات المفتاحية: الحضارة الإسلامية، قابلية الإسلام، أكذوبة الغرب

المقدمة

كلمه الحضارة مشتقه من الفعل حضر، وعكسه البداوه وهي تاليف بيئة اجتماعيه لها قوانين وتشريعات تضعها تلك البيئة والجماعه التي تعيش فيها، وتمتد من البيئه

١. ماجستير فرع التفسير وعلوم القرآن، جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة، قم، ايران،

الصغيرة الى ان تتوسع الى الدولة التي لها عناصر النظام الاقتصادي والسياسي والثقافي، الذي يميزها عن غيرها من الحضارات باختلاف الازمان، وتبقى خصائص الحضارة ما دامت تتسم بهذه المعالم وتزول بزوالها.

ان الحضارة الاسلامية من أرقى الحضارات، وتتوقف بقيه الحضارات عليها، وتقتبس منها قوانين الحياة من جميع الجوانب، لانها تتسجم مع جميع البلدان والاطراف الدولية، لانها لا تخالف الاعراف الدولية، والمنظمات والمؤسسات، والقوانين فهي نموذج فعال ياخذ بالعالم الى سمو الرقي والحضارة الخالده، لانها تستقي اثارها وتكوينها من الخالق، العالم بخفايا الكون ومصالحهم.

ان اي حضارة بامكانها التفاعل مع الحضارات الاخرى، ما لم تاتي بعوائق تؤدي الى انهيارها، متى ما لم تكن لها ادراك وشعور بالمسؤولية واعطاء المناعه، وتسخير العوامل التي من خلالها تشق طريقها، لصد العقبات والتقدم نحو افاق التوسع والازدهار، فالمسؤولية تقع على القائمين بها، فالحضارة الاسلاميه لها مناعه لا يستطيع احد من ازاحتها او تضعيفها، لانها صادرة من خالق الكون وانه يعلم احتياجاتنا من كافة جوانب الحياه الاجتماعيه والاقتصاديه والثقافيه والمعيشيه، والمشكله تكمن في عائق المسلمين للنهوض في هذه الحضارة وذلك بسد جميع الثغرات التي تمنع الوصول الى انهيار تلك الحضاره، والقيم السماويه الساميه التي اوجدتها.

والحل لا يعني مقاطعه الحضارات الغربيه، والانعزال عن العالم، بل عدم الاخذ بها هو عين مقاطعتها، من هنا يتبين ضرورة البحث وما ينبغي فعله من دراسه جميع الجوانب التي تساعد على أرساء قواعد الحضارة وتطويرها، وعرضها الى العالم اجمع، لارساء اركان الحضارة الاسلاميه الخالده، وتثبيت قواعدها وهذه المسؤوليه تقع على عاتق المجتهدين، والافراد المنتمين الى هذه الحضاره لصيانتها وتعزيزها من جميع الجوانب الثقافيه، والاعلاميه وتاسيس الكوادر الواعيه المثقفه، وتعزيز الاقتصاد ودراسه التفاعل مع السياسات الاخرى، دون المساس بجوانب الحضارة العريقه، والتصدي لجميع المبادرات الهادفه لزعرعه الامه ووحدها.

سواء من النزعات الاجرامية من الداخل او الخارج واهمها: الحضارة الغربية التي جاءت على اكتاف الحضارة الاسلاميه وذلك بالسرقات العلمية التي نسبوها لانفسهم والدليل على ذلك فقدانهم لمعالم الحضارة الخالدة العريقة مما أجبرهم الى اختراع الاكاذيب العلمية لغرض الظهور والبروز أمام العالم كما هو معروف بأكذوبة النزول الى القمر، وتسخيرهم الاعلام ضد الجمهورية الاسلاميه والعلماء، بدعم من اعداء الحضاره، وكذلك العمل على صد جميع الاتجاهات الاعلاميه التي تصرخ زيفا تحت قناع الارهاب، وتدحر كافه وسائل الدفاع عن النفس، وكبح تصدير الثورة الاسلاميه التي ينبغي لها ان تكشف الضوء امام العالم، ونشر ثقافه الاسلاميه في انحاء العالم، وما تقوم به اغلب الدول العربيه بتوجيه الاتهامات الى الجمهوريه الاسلاميه الايرانية بكل ما يصادفها من جرائم ومشاكل لا تقدر ان نجد لها تفسير- عن عمد- او حقدا منها على الشيعة، وكأن الاستكبار العالمي والصهيونييه اصبحوا المدافعين، ولم يكن لهم عبره ما حدث في العراق، وما جنوا من نتائج، وما جرى للدول العربيه- اغلبها- ان لم نقل جميعها، ولحد الان وابواق الديمقراطيه تزمز، واين هي؟ اين حكم الشعب العرفي الديمقراطى المنشود؟ والى اين اوصل بهم، لتسائل: كيف لمجموعه من العصابات تقف امام العالم باكملة؟ اليس هو من خلق الاستعمار نفسه؟ الم تعلن تحديها للغرب والاسلام باسم- داعش- يا للمهزله! ويسال البعض عن العوائق التي تمنع من نمو الحضارة الاسلاميه، وكيف؟

هذا ما نحب ان نعرضه امام القاريء ونحاول ان نسلط الضوء. كي نكشف الصعوبات التي تواجهنا واسلوب القدرات الاسلاميه، ولكي نحقق ذلك لا بد من معرفة القوى المعاديه من داخل الوطن العربي أو من خارجه، والتي تقف حجر عثرة امام البناء الحضاري، والعمل على فضح كافة المؤامرات الهدامة، وتجسيد روح الاسلام باقامه مبادئ العدالة الاسلاميه، والقضاء على الفوارق بين الطبقات في

المعيشة، وبناء الحضارة الاسلامية واعادة مجدها والتاكيد على مجابهة الاستكبار العالمي الذي يحاول هدم صرح الحضارة، وفضح كافة العملاء من الداخل والعمل بكل وسائل التوعيه لكشفهم امام المأ، والسير قدما لتحقيق أهدافنا في ارساء قواعد الحضارة الاسلامية وازالة الموانع، وتصدير الثورة الاسلاميه وجعل حضارتنا خالدة عبر الاجيال.

دور العلماء والمجتهدين الشيعة في دعم وبيان قدرات الاسلام على مسايرة الحضارة الحديثه ودعمها

لا يخفى ان أغلبيه علماء الشيعة يعملون جاهدين في ابداعات علمية في كافة المجالات، وخصوصا المجتهدين في كافة مجالات الحياة في الحضارة الحديثه وحل الاشكالات، وأصدار الفتاوى في مجالات الحياة في الطب الحديث: من حيث أحكام التشريح، وترقيع الاعضاء، والتلقيح الصناعي، والتخصيب وأطفال الانابيب، وتحديد النسل، وموانع الحمل ووباء الاذمان على المخدرات. وفي مجال أعمال المصارف: كالايداع والاقراض والاعتمادات، خزن البضائع، وتخلف أصحابها عن التسليم، والكفالة في البنوك، وبيع الاسهم والسندات، والحوالات الداخلية والخارجية، وجوائز البنوك، وبيع العملات الاجنبية وشراؤها، وخصم الكمبيالات، وأوراق اليانصيب، وعقد التأمين. أما في مجال المدن: كالشوارع العامة، والطرق المشتركة والشوارع التابعة للدولة، والمياه والانهار والابار، وأحياء الارض الموات. أما في مجال السفر: في اختلاف الاوقات بين البلدان، والقبلة. أما الاطعمة: في مجال التذكية وطعام غير المسلمين، والمطاعم المشبوهة، والمعلبات، والمنتجات الاجنبية.

قابلية الإسلام لتحقيق الحضارة الإسلامية الحديثة / ١٩٧

أما مجال مظاهر الحياة: كالاختلاط في المدارس، ومشاهدة المجون والرقص، وسماع الغناء ولعب القمار. وكثير من الامور المستحدثة التي صدرت أولا عن طريق آية الله الخوئي، وآية الله السيستاني، وغيرهما من المجتهدين.

تاريخ الحضارة^١

كتاب تاريخ الحضارة الاسلامية والفكر الاسلامي أبو زيد شلبي بتصرف الطبعة ١١ لسنة ٢٠٠٤ مكتبة وهبة - القاهرة

يرى بعض الفلاسفة، ومنهم العلامة (ول ديورانت)، بان للحضارة عناصر تتألف منها حيث توجد بوجودها، وهذه العناصر هي: الموارد البشرية، النظم الساسية، التقاليد الخلقية ومتابعة العلوم والفنون.

والحضارة العربية الاسلامية، قد أستوعبت هذه العناصر، وعنيت بها عناية كبيرة، وبرزت وتفوقت فيها، وكذلك لها عوامل تكون الحضارة، وتستحث خطاها، وعوامل أخرى تبطيء بها أو تعوق مسارها، أهم هذه العوامل: العوامل الجغرافية، العوامل الثقافية، العوامل الاقتصادية، العوامل الدينية، العوامل النفسية، العوامل الاخلاقية، العوامل التربوية، العوامل الجيولوجية.

فالعامل الجغرافي من وجود الامطار والمياه؛ كوسائل مهمه للحياة والطعام والانهار، تساعد كمرافيء، ووسائل للانتقال والتجارة، والموقع الاستراتيجي للتجارة العالمية. اما العوامل الاقتصادية، فلها أهمية في تكوين الحضارة فقد تكون القبيله، والسكان من الازكياء أو يمتلكوا صفات الشجاعه كما هو الحال في الحياة البدوية، لكن دون وجود عوامل اقتصادية كالطعام وتوفير الماء والعلوم والفنون. وعامل الثقافة، ايضا مهم كالوحدة اللغوية وسيلة لتبادل الافكار والمعلومات.

١. «تاريخ الحضارة الإسلامية والفكر الإسلامي»، أبو زيد شلبي، مكتبة وهبة القاهرة، ٢٠٠٤، الطبعة ١١.

والعامل الديني، ضروري لان اتفاق المجتمع في العقائد، وجوانب ما وراء الطبيعيه، يرفع الاخلاق من مرحله نفع العمل، وضرره الى مرحله الاخلاص. اما عامل الاخلاق ضرورته تكمن في القيم التي تسود المجتمع، ومراعاته لهذه القيم وتواجدها في الاسرة، والمدرسه، والبيت تشكل ضروره بالغه. والعامل النفسي لنشوء الحضارة في سياده النظام السياسي، يبعد الفوضى ويشعرهم بالاطمئنان، ويبعد عنهم القلق. اما عوامل التربية والمدنيه من جيل لآخر عن طريق التقليد، والتعليم أو التلقين للمعارف والفنون لا بد منها. اما عوامل الجيولوجيا، فاهميته تظهر من حيث وجود الزلازل التي تسبب نكبات للمجتمع.

احوال البلدان قبل الاسلام

١. الرومان والفرس

وكانت هاتان الدولتان، تتحكمان في العالم آنذاك وتتنازعان على السيادة، رغم بلوغهما شانا عظيما في الحضارة والرقى الا ان عوامل الفساد، والاضطراب كانت شائعه خصوصا من الناحية الدينية والاجتماعية. أما الفرس، من أقدم دول العالم، وأشدهم بأسا في الارض غلبت عليهم المجوسية(عباده النار)، وفشت فكرة اله الخير، واله الشر وظهرت النصرانية، وتعددت الاديان والتنازع في العقيدة، والحروب مع الاتراك، والوقائع مع الرومان، والعرب في الغرب. وكانت ملوكهم منغمسين في اللهو والملذات، ويسوقون الرعيه الى الحرب. وكانت الحروب وفرض الضرائب، وجمع الاموال يفشل اقتصاد البلاد. أما الروم، فقد بلغت دولتهم من القوة والسلطان، وبسط النفوذ درجه كبيرة. فوقعت منازعات في انقسام المسيحيون على أنفسهم بشأن العقيدة، وتعدد الآراء، وشغلهم هذا الانقسام للتحيز عن تدبير سياسه البلاد وعمت الفوضى في جميع اطراف الامبراطورية

٢. العرب قبل الإسلام

فكانت أرض جزيرة العرب كثيرة الجبال، والسيول التي هياؤها السيول لجريان الماء. فبقوا في مكان واحد، وعند تاخر المطر، يشتد حالهم، وبما ان مياه الاودية لا تسد الحاجات، واعتماد اهل البادية على الانعام لا سيما الابل للاكل والنقل، ولما كان اليمن أكثر البلاد أمطارا واشتهرت بالسدود كسد مأرب، حيث يحجز الماء خلفه للانتفاع به عند الحاجة، فكانت غنيه بالخصب والسكان.

الحالة الدينية للعرب في جاهليتهم اشتهرت في عبادة الاوثان، ومنهم طوائف تعبد النار، كذلك في اليمن من يعبد الشمس، والكواكب كالصابئة، واليهودية في يثرب. أما علوم العرب، فكانت الامية مشهورة لقله التعليم، وكانت الضرورة لمعالجة امراض الابلو التفكير بالعلاج بالكي بالنار كدواء غالبا، وكان لهم معرفة باوقات مطالع النجوم ومغاربها، وعلم انواع الكواكب والامطار، وكانوا يجيدون علم القيافة، والفراسة. أما التجارة، فكانت العرب لا تكفي حاجتها بنفسها، بل يتبادلون التجارة لاحتياجاتهم من لباس وغيره. وكان لقريش رحلة الشتاء، والصيد للتجارة. اما صناعتهم، فلم تظهر بسبب البداوة، كانت اليمن تعمل في دبغ الجلود وحياسة الثياب، وكان نساء العرب يشتغلن بالغزل.

بعض مشاهير العلماء العرب في بعض العلوم

١. في أوربا تعتمد كتبه

- سابور بن سهل: علم الادوية.
- يوحنا بن ماسويه، أبرز الطب.
- اشهر اطباء علي بن عيسى، ابرز اطباء العيون.
- أبو بكر محمد الرازي: ظلت كتبه في الحميات، ذات البثور كالحصبة والجذري من المراجع الاساسية في الطب، وكتاب في امراض الاطفال. وقد ظلت كليات الطب في أوربا تعتمد كتبه.
- سابور بن سهل: علم الادوية.

٢. من العرب المسلمين العظام

- ابن النفيس: مكتشف الدورة الدموية.
- ابن سينا: موسوعه العلم والعلوم.
- الرازي: معجزة الطب عبر الاجيال.
- أبوالقاسم الزهراوي: رائد علم الجراحة.
- ابن البيطار: عبقرية علمية نادرة.
- ابن أبي اصيبعة: الطبيب المؤوخ.
- ابن الكحال: مؤسس طب العيون.
- يوحنا ابن ماسويه: الطبيب النابغه.
- ابن زهر: عبقرية اندلسية فريدة.
- الكندي: الطبيب الموسوعي.
- عمار الموصلي: رائد طب العيون.
- علي بن عباس المجوسي: الطبيب البارع.
- ابن الجزار القيرواني: شيخ الطب.
- ابن مندويه الاصفهاني: النجيب المتميز.
- السموأل بن يحيى المغربي: الطبيب المتوقد.
- آل يختيشوع: عائله طبيه رائدة.
- داود الانطاكي: العبقرية الضرير.
- المجيب السمرقندي: الطبيب الحكيم.
- ابن الطفيل: الطبيب الفيلسوف.
- ابن رضوان المصري: امام الطب.

٣. مشاهير الفلاسفة العرب المسلمين

الكندي، الفارابي، ابن سينا، اخوان الصفا، الغوالي، ابن رشد وأبن سينا أشهر اطباء المسلمين وهو قاموس في الطب والصيدلة وهو أول من كشف الطفيلية الموجوده في الانسان (الانكلستوما).

٤. أشهر الصيادلة والاطباء

حنين بن أسحاق، أبو حنيفة الدينوري، الرازي، علي بن عباس المجوسي، ابن سينا، البيروني، موسى بن ميمون، ابن البيطار، دادود العطار، داود الانطاكي.

٥. الفلك

برع العرب في علم الفلك، وقد جمعوا بين آراء الهند والفرس، والكلدان، واليونان، وغيرهم وكان علم الفلك يدرس في بغداد، ودمشق والقاهرة وسمرقند، وطليطلة وقرطبة وغيرها، فادخال خطوط التماس في الحساب الفلكي، منذ القرن العاشر الميلادي، ووضع جداول لحركة الكواكب، وتحديد سمت الشمس تحديدا دقيقا، وتدرجه في النقص، وتقدير الاعتدالين تقديرا صحيحا، ووضع أول تحديد صحيح لمدة السنة، واثبات ما في أكبر خط عرض للقمر من ضروب عدم الانتظام، واكتشاف عدم التساوي القمري الثالث المعبر عنه اليوم بالتغيير، والتوصل لنظرية دوران الارض وتحسين الاضطراب واختراع آلة الرصد (التلسكوب).

- ومن اشهر علماء الفلك

- أبو جعفر محمد البتاني، الذي صحح بعض أخطاء بطليموس السكندري، وصحح الرصاد الكواكب وامتحان حركاتها.
- أبو الريحان البيروني، في العلوم الفلكية والطبيعية والرياضية، الذي وصل لتحديد دقيق لخطوط الطول والعرض، وحدد مقدار محيط الكرة الارضية.
- أبو الوفاء شاهد الاختلاف الفلكي القمري.

٦. الكيمياء

يكاد المسلمون من ابدعوا علم الكيمياء الحديثه بتجاربههم وملاحظاتهم الدقيقة. اكتشفوا كثيرا من المركبات الكيماوية كالكحول، زيت الزاج (الحامض الكبريتي) وماء الفضة (الحامض النتريك) وماء الذهب (الحامض النتروهيديرو كلوريك) والبوتاس، وروح النشادر، وملحه، وملح البارود (نترات البوتاس) والزاج الاخضر (كبريتات الحديد) والزرنيخ (كلوريد الزئبق).

- أقدم علماء العرب

- جابر بن حيان، الذي اشتملت كتبه كثير من المركبات المجهولة كماء الفضة، وماء الذهب.
- الرازي، اول من وصف زيت الزاج والكحول، وله اكثر من مائتي مؤلف.
- خالد بن زيد، الكندي، ابن سينا، البيروني، الطغراني و الجلدطي.

٧. الفيزياء

أبوالريحان البيروني، الذي عين الكثافة النوعيه لثمانيه عشر نوعا من انواع الاحجار الكريمة، ووضع القاعدة التي تنص على ان الكثافة النوعية للجسم تتناسب مع حجم الماء الذي يزيغه، وشرح أسباب خروج الماء من العيون الطبيعیه، والابار الارتواثيه بنظرية الاواني المستطرقة.

الحين بن الهيثم: له ابحاث في الرؤية المستقيمه، والمنعكسة والمنعطفه، وفي الضوء، والعدسات والبصريات وابتكر طريقه البعد البؤري.

٨. الرياضيات

استخدمت اوربا في حسابها اعدادا، يرجع فضل معرفتها للعرب. والطرق الحسابيه كذلك، علما بان الغرب لم يعرفوا الصفر قبل القرن الثاني عشر الميلادي، والمسلمون يعرفونه في القرن الثامن.

وقد تقدم علم الجبر على يديهم، وكذلك الهندسة، وعلم المثلثات والزوايا والتماس.

قابلية الإسلام لتحقيق الحضارة الإسلامية الحديثة / ٢٠٣

- وأشهر العلماء العرب في الرياضيات

- محمد بن موسى الخوارزمي.
- ابن الهيثم المصري، الذي ادخل للجبر طرقاً جديدة.
- بنو موسى بن شاكر، اشتغلوا في المسائل الهندسية.

٩. التاريخ

أشهر الكتب محمد بن أسحاق، والمقرئزي، أبو بكر الخطيب البغدادي، ابن جرير الطبري، ابن خلدون، وحاجي خليفة صاحب كشف الظنون.

١٠. الجغرافيا

أشهرهم التاجر سليمان، والمسعودي، ابن بطوطة، وياقوت الحموي.

١١. الاجتماع

أشهر من كتب في هذا الميدان المسعودي، ابن حوقل، البيروني، المقرئزي، وابن خلدون.

١٢. علم النبات

أشهر من كتب الخليل بن احمد، النضر بن شميل، أبو عبيدة البصري، الاصمعي، أبو زيد الانصاري، أبو عبيدة القاسم، أحمد بن حاتم، ابن الاعرابي، محمد بن حبيب، ابن السكيت، أبو حاتم السجستاني، السكري، أبو جنيه الدينوري، المفضل بن سلمة، ابن دريد، ابن خالويه، الجوهري، ابن سيده، الصغاني، ابن منظور، مجد الدين الفيروزآبادي، ومرتنضى الزبيدي.

أشهر السرقات العلمية في تاريخ الغرب^١

من السهل اخذ كتاب واعادة نسخه حرفيا ومحو أسم المؤلف الاصيلي، وان يضع اسما آخر بدلا منه ، بهذه الطريقة اخذت اكنشافات كثيرة عن حضارة العرب والمسلمين، ولولا ذلك لما كان لحضارة الغرب ان تتشأ، وتنتشر هذه العلوم

١. موقع عبدالدائم الكحيل للاعجاز العلمي، الكحيل، عبدالدائم (ب تا):

<http://www.kaheel.com/ar/index.php/17-07-19-09-01-2014-10918/02-00-23-02-02-2010>

والاكتشافات التي جاءت نتيجة تعاليم القرآن التي تحث على العلم والمعرفة، وتبرز الاكتشافات المخفية في شتى العلوم، وقد نشرت القناة الالمانية تناولت. موضوع الحضارة الاسلامية، ومجال العلوم، والتطور التكنولوجي الكبير الذي تشهده الحضارة العربية الاسلامية، خلال قرون عديدة وذلك قبل ألف سنة كان العالم والحضارة الاسلامية متطورة لدرجة كبيرة، بحيث كانت أوروبا تعيش حالة من التخلف والجهل، لأن المسلمون وضعوا المؤلفات والاكتشافات العلمية والاختراعات في كافة المجالات كالطب حيث كان المسلمون يتبعون الطرق العلمية، والادوية ويقومون باجراء العمليات الجراحية، والغرب كان يتبع أساليب السحر والشعوذة للشفاء والعلاج.

أما المسلمون اعتمدوا أسلوب التوثيق العلمي، وأسلوب الاستقراء الناقص لاكتشاف العلوم والتحليل وكانوا يضعون أسم المرجع الذي اعتمده ان وجد، ففي مجال الهندسة اخترعوا ساعات دقيقة جدا، واساليب حربية متطورة وجاءت اول فكرة للصاروخ، والدبابة وأول اسلوب لقفل سري يعمل بالشفرة.

وقام الغرب بسرقة هذه العلوم بعد انهزام المسلمين، وطمسوا أسماء المؤلفين ونسبوا هذه الاختراعات والاكتشافات والعلوم لانفسهم في أكبر سرقة في تاريخ العلم. ولو دققنا في الكتب القديمة لوجدنا أول تصميم يعمل على رفع الماء، وجد قبل الف سنه من تصميم عالم مسلم وخريطة العالم المعروفة قبل الف سنه، كانت لعالم مسلم أيضا، وان اول اختراع للطيران من عالم مسلم عباس بن فرناس.

ناهيك عن العمليات الدقيقة، والمضخات والساعات ودور الحضانه والجامعات، واختراع الدراجات، والموسيقى والحوالات المصرفيه للبنوك، وعلم الجبر والبصريات وكروية الارض، وكثير من العلوم الحديثة كلها اختراعات اسلامية، وقد ظهر متحف في لندن بعنوان الف وواحد اختراع اسلامي والف سنه من التاريخ المنسي للمخترعين المسلمين، لكن الغرب اتهم المسلمين بالجهل

والتخلف والارهاب ولكثرة سيطرة الاسلام على اوربا وانتشار الدين الاسلامي عليهم يتحذرون من الاسلام، ان اول آية نزلت «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» / العلق: ١، «وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» / البقرة: ٢٨١، فلا يظلمون اشارة الى العدل فالاسلام دين العلم والعدل فالامانة العلمية مبدأ لم يعرف الا بعد ظهور الاسلام، فالكثير من العلوم الاسلاميه تنسب الى الغرب، منها ذكر ان علم الاجتماع ينسب الى اليهودي الفرنسي دوركايم، بينما ان الذي اكتشف هذا العلم واسسه هو العالم المسلم ابن خلدون.

ونسبت قوانين الحركة لاسحاق نيوتن، بينما الذ اكتشف هذه القوانين عالمان مسلمان هما: ابن سينا، وهبة الله بن ملكا (أبو البركات هبة الله بن علي بن ملكا البلدي (ت ٥٦٠ هجرية- ١١٦٥ ميلادية) المعروف بأوحد الزمان، من سكان بغداد كان يهوديا واسلم آخر عمرة). وقد وجد في كتاب روجر بيكون فصلا كاملا، وهو الفصل الخامس، منقولاً من كتاب المناظر لابن الهيثم العالم المسلم، وذلك دون الاشارة الى مؤلفه الاصيلي على الاطلاق، والمشهور ان بيكون مؤسس المنهاج العلمي الحديث والصحيح ان المسلمين هم أول من اكتشف ذلك العلم من قرون وقد اعترف بذلك جوستاف لوبون صاحب كتاب (حضارة العرب) قائلاً: ويعزى (ينسب) الى بيكون، وعلى العموم انه اول من أقام التجربة والترصد، اللذين هما ركن المناهج العلمية الحديثة. وامتلات كتبهم باسماء العلماء الذين نقلوا عنهم، وذلك امثال: أبقراط وجاليموس وسقراط وأرسطو وغيرهم.

بعض نماذج من العلوم لعلماء مسلمين

١. علم الحساب والجبر والأعداد

حيث يعتبر العالم المسلم محمد بن موسى الخوارزمي، الذي نبغ في عهد الخليفة المعتضد، صاحب الفضل الأكبر في علم الحاسبات الحديثة والحاسوب، وهو أساس جميع العلوم الحاضرة، فلا يكاد علم من العلوم المعقدة الحديثة يخلو من

جبر الخوارزمي وإنجازات المسلمين في الرياضيات والإحصاء باعتراف الغربيين أنفسهم، حيث يقول البروفيسور كيني: يكفي المسلمين فخراً أن تكون أرقامهم أساساً لكل علومنا الحاضرة.

ويقول روم لاندو: على أيدي المسلمين وحدهم عرفت الرياضيات ذلك التحول الذي مكناها آخر الأمر أن تصبح الأساس الذي قام عليه العالم الغربي الحديث، فلولاً الرياضيات كما طورها المسلمون كان خليقاً بمكتشفات كوبرنيكس، وكلمبرت، وديكارت، ولاينز أن يتأخر ظهورها كثيراً.

أما المستشرق المنصف بريفو فقد شهد للحضارة الإسلامية وفضلها على الغرب بقوله: أن العلم أجل خدم أسدتها الحضارة الإسلامية إلى العالم الحديث، ولهم الفضل الكبير في تعريف أوروبا بالمعرفة العلمية، وأن العلم الأوروبي سيقى مديناً بوجوده إلى هذه الحضارة حيث لا تزال كلمة خوارزمية تستعمل في أحدث الحواسيب عبر العالم، فهو مبدع نظام الأرقام، ومخترع الأعداد وعلم الحساب والمتواليات العددية والهندسية، والتألفية والمعادلات الجبرية والجذور واللوغاريتمات والفلك والمثلثات، وهو مؤسس علم الجبر ومبتكر الصفر، وقد سرق الايطالي فيبوناتشي الكثير من علم الخوارزمي ونسبه لنفسه لعدة قرون إلى أن اكتشف الغربيون المخطوطات التي ترجمها فيبوناتشي ونسبها لنفسه حرفياً. وللخوارزمي أكثر من ٢٧ مؤلفاً معروفاً كانت تدرس في الغرب لغاية بدايات القرن العشرين.

٢. مضخة المكبس ذي الاسطوانات

التي تعمل على تحويل الطاقة إلى قوة ميكانيكية وكانت من اختراع العالم الميكانيكي المسلم الجزري وقد أورد لها وصفاً دقيقاً مزوداً بالرسوم التوضيحية الملونة في كتابه المعروف «الحيل الجامع بين العلم والعمل» والذي ترجم إلى معظم اللغات الأوروبية باسم «الحيل الهندسية» بالإضافة إلى كتاب «الحيل النافعة

في الميكانيكا» لأولاد موسى بن شاكر، أخذ الغربيون الفكرة الأساسية التي بنوا على أساسها المحرك البخاري ومحركات الديزل والبنزين.

٣. صناعة الفولاذ أو ما يعرف الآن بمصانع الحديد والصلب

وهو من مقومات الدول العظمى وقد تجلت في صناعة آلات الجراحة الدقيقة ومختلف أنواع الأسلحة حيث أثبتت الفحوصات المخبرية الحديثة التي أجريت على هذه المصنوعات اليدوية الإسلامية أنها أصلب وامتن بعدة مرات من مثيلاتها الغربية المصنعة وفق أحدث التقنيات والآلات الحديثة، حيث توصل علماء وصناع المسلمين ومن أبرزهم العراقي الذي اكتشف أنواع الأصباغ والدهانات وتحويل الحديد الى فولاذ في كتبه المشهورة «عيون الحقائق» و«الكنز الأوفر» وأشار فيها الى إسرار هذه الصناعة قبل الغرب بعدة قرون، ولا يزال الغربيون خلال هذه المدة يلهثون جاهدين بإجراء التجارب في محاولة للوصول الى اكتشاف إسرارها حيث أجرى العالم الروسي أنوسوف آلاف التجارب في بدايات القرن التاسع عشر ثم تبعه الباحث تشيرنوف المختص بعلم المعادن في ذلك ولم يتوصلوا إلى نتيجة كاملة ثم تبعهم الباحثان الأمريكيان أوليغ شيربي أستاذ علم المعادن والهندسة في جامعة ستانفورد وهيفري وادسون الذي يعمل في مختبرات شركة لوكهيد للصناعات الحربية الأمريكية حيث توصلوا بعد أبحاث مضنيه استمرت لسنوات وبالاستعانة بأحدث الآلات الى طريقة مشابهة للطريقة الإسلامية أما أحدث الدراسات فقد أكدت أن المسلمون كانوا يستخدمون ما يعرف بالنانو وهي أنابيب بأبعاد نانومترية أي رتبة من جزء من المليار من المتر تحفر خلال الصلب لاعطاء الصلابة والليونة وهذه لم تكتشف إلا عام ١٩٩١م كما برعوا في علم المعادن حيث اكتشف المسلمون معظم أنواع المعادن وقاموا باستخراجها وتصنيعها ومعرفة خواصها واكتشفوا النفط وقاموا باستخراجه واستخدامه في الحروب فيما عرف بداية النار الاغريقية ثم تحول الى سلاح أساسي في الجيوش الإسلامية تسمى فرق النفطجية.

٤. القمرة أو الخزانة المظلمة ذات الثقب

التي اخترعها العالم المسلم ابن الهيثم الذي يلقبه الغربيون بأمير النور وهي ما أخذت وحرفت الى الكاميرا وهي أساس جميع الكاميرات الموجودة في العالم اليوم بدا من القمرات العادية وكاميرات الجوال وكاميرات الأقمار الصناعية التجسسية وانتهاء بكاميرات المناظير الطبية كما يعود له الفضل في اختراع وتصنيع العدسات المقعرة والمحدبة التي تستعمل في صناعة الكاميرات والمناظير والتلسكوبات والمراسد الفلكية والنظارات الطبية الى الآن وهي موجودة في كتابه المسمى المناظر حيث كان أول من اخترع النظارة قبل جيلي أمني بخمسة قرون لتساعده على القراءة.

وأول من اكتشف مسار الضوء في العين وحدد وظيفة القرنية والعدسة والبؤبؤ والشبكية بالإضافة إلى أنه أول من استطاع عن طريق الحسابات تحديد ما يعرف الآن بخطوط العرض وذلك موجود في كتابه المسمى ارتفاع القطب.

٥. فكرة الطائرة

وكان العالم المسلم عباس بن فرناس قد سبق الأخوين رايت بألف عام بمحاولة الطيران وصناعة طائرة، حيث طار من منذنة مسجد قرطبة بعباءة محشوة بمواد خشبية، ولكنه اكتشف أنه لم يصنع ذيلاً للطائرة فلم تصمد طويلاً في الجو فأعاد المحاولة وصنع آلة أخرى من الحرير وريش الطيور طار فيها من أعلى جبل وبقي في الجو لأكثر من عشر دقائق، ولو لم تعاجله المنية واستمر في محاولاته لربما وصل الى أكثر مما وصل إليه الأخوان رايت في محاولاتهم الكثيرة للطيران.

٦. علم الذرة والانشطار النووي

حيث كان جابر بن حيان أول من أشار إليها وشرح الانشطار النووي في كتاباته التي من أشهرها «المعرفة بالصفة الإلهية» ثم تبعه العالم الشيخ البهائي سيد علماء الذرة الذي قال لو قدر لنا أن نقسم النواة لنتجت طاقه تحرق بغداد وقد درس علماء

المسلمين المعادن المشعة وكان ابن سينا قد تحدث عن الذرة ووصفها وصفا دقيقا فيما يعرف عنده بنظرية البعد الرابع وكان المسلمون قد توصلوا لذلك قبل دالتون ورازرفود بعشرة قرون الذين لا يستبعد إنهم قد اقتبسوا الاكتشاف عن المسلمين.

٧. علم ضغط السوائل

الذي برع به العالم المسلم البيروني حيث قام بدراسات ووضع نظريات وتطبيقات، وشرح كيفية صعود مياه الفوارات والينابيع لأعلى، ويعتبر مؤسس ما يعرف الآن بعلم الهيدروليكا الذي تعمل على أساسه معظم الآلات الصناعية الحديثة والرافعات والحفارات العملاقة وغيرها، ويعتبر أول من حسب سرعة الصوت والضوء في كتابه في الفلك.

٨. العلوم الطبية والعمليات الجراحية

حيث كان للمسلمين الفضل في وضع أسس علم التخدير على يد ابن سينا، وكان يسمى المرقد كما كان أول من قام بإجراء عمليات استئصال السرطان وجراحة الأعصاب المقطوعة، ويعتبر أول من غلف الأدوية بأملاح الذهب والفضة، وأول من وضع فكرة الجلفانومتر لتحديد سرعة خفقان القلب كما أن الرازي كان أول من صنع خيوط الجراحة من أمعاء الحيوانات، وأول من اخترع الحقن الطبية وسماها الزرافة.

ويعتبر أول من درس البيئة الصحية المناسبة لإقامة المستشفيات، وأول من وضع نظام الفحص السريري، ونظام الحماية للمرضى وقياس الحرارة والنبض وتحسس الكبد والأمعاء وفحص بول المريض، وابتدع نظام العزل الطبي أما ابن زهر فكان أول من اكتشف الجراثيم وشرح الميكروب في كتابه «إصلاح الأجساد والأنفاس» وكان عز الدين الجلدكي أول من استعمل الكمادات أثناء علاج المرضى، وشرح القلوبيات والحوامض في كتابه «نهاية الطب».

أما الطيب ابن اسلم الغافقي، فهو أول من أجرى عملية إزالة الماء الأزرق من العين، وقد نسبها الجراح جون هنتر لنفسه زوراً وبهتاناً.

أما الزهراوي فهو أول من ابتدع جراحة الأوعية الدموية وخياطة الشرايين والجراحة التجميلية وتقويم الأسنان باستخدام أسلاك الذهب وعمليات استئصال اللوز وإزالة حصى المثانة وشق الحنجرة للتنفيس وجراحات الأنف والإذن وعمليات جراحة البطن والأمعاء والمسالك البولية، وأول من اجري عليه الغدة الدرقية ووصفها قبل هالستد بأكثر من ثماني قرون كما يعود له الفضل في وضع تصاميم ورسومات وطريقة صنع أكثر من ثلاثمائة آلة جراحية لا يزال معظمها يستخدم لغاية الآن ولمن أراد الاستزادة عن انجازات علماء المسلمين فليرجع الى كتاب «الحاوي في الطب» و«سر الأسرار» و«الطب المنصوري» و«من لا يحضره الطب» وغيرها للرازي و«القانون» وبقية كتب ابن سينا و«التصريف» وغيره للزهراوي وغيرها الآلاف المؤلفة من مؤلفات الأفاضل الذي نبغوا في جميع المجالات بتشجيع ودعم ورعاية الدولة الاسلامية.

أكذوبة الوصول الى القمر

في عام ١٩٦٩ وبعد السباق مع الاتحاد السوفيتي والولايات المتحدة الامريكية على غزو الفضاء، أعلنت الولايات المتحدة الامريكية عن ناسا^١ بتمكنها من الوصول الى سطح القمر، وذلك عن طريق برنامج أبولو^{١١} الذي كتنت تديره^٢ على متن المكوك أبولو الذي هبط بنجاح على سطح القمر بادعاء نيل ارمسترانك^٣ وباز آلدرين^٤ كأول انسان يهبط على سطح القمر، وادعو أيضا ارمسترانك وتم بث صورهم على شاشات التلفاز الامريكي حينها ومن خلال كاميرات فيديو محموله وكاميرات للتصوير الثابت. وقد تحدثت اكثر الصحف وبث تصوير الفيديو مع الاشارة الى الاشكالات الواردة حوله وهي كما موضحه في اليوتيوب لمن شاهد الفيديو يتضح من خلاله ان

-
1. NASA
 2. National Aeronautics and Space Administration
 3. Neil Armstrong
 4. Buzz Aldrin

فرق الظل بين رواد الفضاء رهيب جدا، رغم ان طولهما متقارب ويبعدون عن بعضهما بعدة خطوات، اي خطوات بسيطه مما يدل ان مصدر الضوء مسلط قريب جدا، وفيه ضوء مسلط عليهم.

وصورة اخرى من ناسا وجود علامه تقاطع التابعه للكامرة لمساعدة المصور على تركيز الصورة، علما ان الصورة واضحه.

وصورة اخرى تم التلاعب فيها حيث انها التقطت بدون جهاز وتمت اضافة الجهاز اليها.

وصورة اخرى فيها جزء ذهبي واضح ومن المفروض ان يكون في الظل؟
وصورة اخرى لنزول المكوك عند هبوطه لا يوجد غبار او عاصفه من الاتربه، بينما نلاحظ رواد الفضاء وهم يمشون على القمر ورغم ان خطواتهم بسيطة لكن قد اثار الغبار والاتربه.

علما ان الكامرة التي صورت كيف تتحمل درجات الحرارة الخرافية وكيف ان الفلم لم يحترق وهو بالنهاية كربون.

صورة اخرى عليها حرف سي بالانكليزية وحرف اخر فمن اين جاءت الحروف.
وصورة اخرى يتضح فيها الجزء المرفاع من سترة رائد الفضاء حيث ظهر بانه مفتوح لكنه لم يظهر تماما في الفيديو.

زهنا لك صورة يظهر فيها الظل افقي واتجاهه مائل اي انه يدل على وجود اكثر من مصدر ضوء في الموقع، كذلك صورة توضح زميل رائد الفضاء تصور ارجل زميله مع ان الكامرة مهيته على كتفه كيف نفسر ذلك وهنالك صورته يتضح السطوع واللمعان والاشعاع فمن اين جاء، ان الطريقه التي ظهرت وخصوصا انخفاض الجاذبيه وظهور الهبوط مع ان النجوم غير ظاهرة في الصورة مع ان الارض اكبر من القمر ب٦ مرات تقريبا وهي نفس النجوم السيارة.

علما ان وجود الظل في القمر وكذلك رفرفه العلم الامريكي مع ان القمر خالي من الهواء كما يدعون.

أخيرا تم نشر فضيحة للمخرج الامريكي وهو يكشف حقيقة الرحلة الامريكية الى القمر، فكشف المخرج الامريكي الكبير ستينلي كوبريك أن كل مشاهد هبوط أول انسان على سطح القمر مزورة، معلنا أنه هو الذي صور ذلك. وشرح كوبريك في حديثه بشكل مفصل وشامل كيفية أختلاق وكالة (ناسا) الامريكية للفضاء كافة عمليات الهبوط على القمر، وكيف أنه كان يصور على الارض جميع مشاهدات البعثات الامريكية المزعومة الى القمر.

بهذا الشكل تم وضع نقطة كبيرة ونهائية في القطاع الفضائي الامريكي (غير المسبوق) من قبل مايسترو المخرج في هوليوود الذي يتمتع باعتراف عالمي. ونشر هذا الحديث المتضمن اعترافا صارخا لموضوع قد أثار الكثير من التساؤلات والشكوك لاعوام كثيرة، بعد وفاة المخرج ب١٦ عاما، وبات الاخير له له حيث صوره المخرج باتريك ميوري قبل ثلاثة أيام من وفاته في مارس - آذار من عام ١٩٩٩م.

واجبر ميوري قبل تسجيل الحوار على التوقيع على اتفاق من ٨٨ صفحة يلزمه بعدم نشر أو الاعلان عن فحواه خلال ١٥ عاما من يوم وفاة كوبريك. وقد أثار اللقاء ضجة عالمية في الايام الاخيرة في كافة انحاء العالم وكشف اخيرا زيف أكبر أكذوبة أمريكيه كانت قد أثارَت سابقا الشكوك والتساؤلات، على الاقل لعدم تكرار مثل هذه الرحلات الفضائية الى القمر مرة اخرى مع ان التقنيات صارت متطورة وحديثة.

احترام الملكية الفكرية في الحضارة الإسلامية^١

يعد مبدأ الأمانة العلميّة مبدأً جديداً لم يُعرف إلا بعد ظهور الإسلام، وذلك أنه في ظلّ غياب الدين والخُلُق لن يتورّع إنسان عن نسبة الاكتشافات المختلفة لنفسه بُعْيَة التريّح والشهرة.

وإن كانت الأمانة العلميّة تقتضي احترام الحقوق الفكرية والعلميّة، ونسبة الجُهد والاكتشاف لصاحبه وأهله، إلاّ أن علماء المسلمين عانوا كثيراً من سرقة أبحاثهم واكتشافاتهم، ونسبتها إلى غيرهم من علماء الغرب ممن وُلِدوا بعدهم بعشرات أو مئات السنين.

سرقة من ابنالنفيس

وليس خافياً على أحد الآن تلك السرقة الشنيعة التي حدثت لعالمنا الجليل ابن النفيس مكتشف الدورة الدموية الصغرى^٢، حيث قام بتسجيلها بدقّة في كتابه (شرح تشريح القانون)، غير أن هذه الحقيقة ظلّت مخفية قروناً طويلة، ونُسبت فيما بعد وهماً إلى الطبيب الإنجليزي وليام هارفي الذي بحث في دورة الدم بعد وفاة ابن النفيس بأكثر من ثلاثة قرون، وظلّ الناس يتداولون هذا الوهم حتى أبان عن الحقيقة الدكتور المصري محيي الدين التطاوي.

وكان الطبيب الإيطالي ألباجو قد ترجم في سنة (٩٥٤هـ / ١٥٤٧م) أقساماً من كتاب ابن النفيس (شرح تشريح القانون) إلى اللاتينية، وهذا الطبيب أقام ما يقرب من ثلاثين عاماً في (الرّها)، وأتقن اللغة العربيّة لينقل منها إلى اللاتينية، وكان

١. موقع قصة الإسلام، أ.د. راغب السرجاني (٢٠١٠):

<http://islamstory.com/-/%D8%A7%D8%AD%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D9%85-%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%D9%83%D9%8A%D8%A9-%D8%A7%D9%84%D9%81%D9%83%D8%B1%D9%8A%D8%A9-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D8%AD%D8%B6%D8%A7%D8%B1%D8%A9-%D8%A7%D9%84%D8%A5%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%D9%8A%D8%A9>

القسم المتعلق بالدورة الدموية في الرنة ضمن ما ترجمه من أقسام الكتاب، غير أن هذه الترجمة فُقدت، وأتفق أن عالمًا إسبانيًا ليس من رجال الطب كان يُدعى (سيرفيتوس) كان يدرس في جامعة باريس أطلع على ما ترجمه ألباجو من كتاب ابن النفيس، ونظرًا لاتهام سيرفيتوس في عقيدته، فقد طُرد من الجامعة، وتشرّد بين المدن، وانتهى به الحال إلى الإعدام حرقًا هو وأكثر كُتبه في سنة (١٠٦٥هـ/ ١٥٥٣م). وشاء الله أن تبقى بعض كتبه دون حرق، وكان من بينها ما نقله من ترجمة ألباجو عن ابن النفيس فيما يخص الدورة الدموية، واعتقد الباحثون أن فضل اكتشافها يعود إلى هذا العالم الإسباني ومن بعده هارفي حتى سنة (١٣٤٣هـ/ ١٩٢٤م)، حتى صحّح الطبيب المصري الدكتور محيي الدين التطاوي هذا الوهم، وأعاد الحقّ إلى صاحبه، وذلك حين عثر على نسخة من مخطوطة (شرح تشريح القانون) لابن النفيس في مكتبة برلين، وقام بإعداد رسالة في الدكتوراه عنها، وعُني فيها بجانب واحد من جوانب هذا الكتاب العظيم، ألا وهو موضوع: (الدورة الدموية تبعًا للقُرشي)، وذلك سنة (١٣٤٣هـ/ ١٩٢٤م).

وقد ذُهل أساتذته والمشرفون على الرسالة، وأصابتهم الدهشة حين أطلعوا على ما فيها، وما كادوا يصدقونه! ولجهلهم باللغة العربيّة بعثوا بنسخة من الرسالة إلى المستشرق الألماني الدكتور (مايرهوف) الذي كان آنذاك مقيمًا في القاهرة، وطلبوا رأيه فيما كتبه الباحث، وكانت النتيجة أن أيد مايرهوف الدكتور التطاوي، وكتب في أحد بحوثه عن ابن النفيس: إن ما أذهلني هو مشابهة، لا بل مماثلة، بعض الجمل الأساسية في كلمات سيرفيتوس لأقوال ابن النفيس التي تُرجمت ترجمة حرفيّة... أي أن سيرفيتوس، وهو رجل دين متحرّر وليس طبيبًا، قد ذكر الدورة الدموية في الرنة بلغة ابن النفيس الذي عاش قبله بما يزيد على القرن والنصف، ثم أبلغ مايرهوف حقيقة ما كشفه من جهود ابن النفيس إلى المؤرّخ- جورج سارتون^١- فنشر هذه الحقيقة في آخر جزء من كتابه المعروف «تاريخ العلم».

وقد اطلع (ألدو ميلي) على المُنْتَنِ فقال: إن لابن النفيس وصفًا للدوران الصغير تُطابقُ كلماته كلمات سيرفيتوس تمامًا، وهكذا فمن الحق الصريح أن يُعزَى كشف الدوران الرنوي إلى ابن النفيس لا إلى سيرفيتوس أو هارفي.

نماذج لسرقات علمية شهيرة

وإن مثل هذه السرقات وانعدام مبدأ الأمانة العلميّة في حقّ العلماء المسلمين، ليست بالشيء القليل، ويكفي أن نسرد سريعًا هنا الحقائق التالية:

- نُسب علم الاجتماع إلى دوركايم^١ اليهودي الفرنسي، بينما الذي اكتشف هذا العلم وأسسّه - كما سيأتي بيانه - هو العلامة المسلم ابن خلدون.
- نُسبت قوانين الحركة لإسحاق نيوتن^٢، بينما الذي اكتشف هذه القوانين كما سيّضح ذلك أيضًا فيما بعد، عالمان مسلمان هما: ابن سينا، وهبة الله بن مَلْكَا.
- وجدنا في كتاب روجر بيكون^٣ المعروف بـ "Cepus Majus" فصلًا كاملاً، هو الفصل الخامس، ما هو إلا ترجمة حرفية لكتاب المناظر لابن الهيثم، وذلك دون أن يشير بتاتًا إلى المؤلّف الأصلي للمادة.

لقد حدث كل ذلك مع المسلمين، أمّا المسلمون فكان دَيْدُنُهُمْ منهجًا آخر، إنه منهج الأمانة العلميّة، ونسبة الجُهد والفضل لأهله، وهو المنهج الذي لم يجعل عالمًا منهم يدّعي اكتشافًا، أو سبقًا علميًا نقله من عالم آخر من علماء الحضارات الأخرى، بل امتلأت كتبهم بأسماء العلماء الذين نقلوا عنهم، وذلك مثل: أبقراط وجالينوس وسقراط وأرسطو وغيرهم، وقد أنزلوهم منزلتهم، وأعطوهم التقدير الكافي والتبجيل الواضح، ولم يكن يُغفَل اسم واحد منهم، حتى ولو كان إسهامه في الكتاب قليلًا.

1. Émile Durkheim
2. Isaac Newton
3. Roger Bacon

وعلى سبيل المثال فقد ذكر أولاد موسى بن شاذان في كتابهم «معرفة مساحة الأشكال البسيطة والكرية» ما نصّه: فكل ما وصفنا في كتابنا فإنه من عملنا إلا معرفة المحيط من القطر، فإنه من عمل أرشميدس، وإلا معرفة وضع مقدارين بين مقدارين لتتوالى على نسبة واحدة، فإنه من عمل مانالوس.

ولك أن تستمع أيضاً إلى كلام العلامة الإسلامي الطبيب المشهور أبي بكر الرازي صاحب كتاب «الحاوي» - من أعظم الكتب في تاريخ الطب - وهو يقول: ولقد جمعتُ في كتابي هذا جملاً وعبيراً من صناعة الطبِّ مما استخرجتُه من كتب (أبقراط)، و(جالينوس)، و(أرامسوس)... ومَنْ دونهم من قدماء فلاسفة الأطباء، ومَنْ بعدهم من المحدثين في أحكام الطبِّ مثل: (بولس)، و(أهرون)، و(حنين بن إسحاق)، و(يحيى بن ماسويه)... وغيرهم.

وفوق هذا فإننا كنا نجد في المكتبة الإسلامية كتب العلماء الأجانب مترجمة في نسخ منفصلة منسوبة لأصحابها، وكان كثيراً ما يقوم عالم من علماء المسلمين بالتعليق عليها دون أن يتدخّل في مَنهجها؛ لكي يحافظ على فكرة المؤلف دون تحريف، وهذا مثل تعليق العالم المسلم الفارابي على كتاب (ما بعد الطبيعة) لأرسطو. فهذه الأمانة العلميّة المشرّفة كانت بالفعل من أعظم مناقب علماء المسلمين، ومن أهمّ الأسس التي غير بها المسلمون من نمط وطريقة تفكير العلماء السابقين، وخاصّة أن المعاصرين من أبناء الأمم الأخرى لم يكونوا يعرفون تاريخ أجدادهم، وبالتالي فقد كان من السهل جدّاً أن تُسرق أبحاثهم، لولا البُعد الأخلاقي العميق عند علماء المسلمين.

قابلية الإسلام نحو تحقيق حضارة حديثة

قدرات الإسلام في احتضان وتطور الحضارة كونه يرى ان حياة البشر لا تنقطع بالموت، وان آثاره خالدة ومستمرة بالعبء وفق المبدأ الذي يسير فيه ليرتقي نحو الخلود والمسائل المستحدثة خير دليل على نظرة الانسان للتقدم وميولات الانسان

المادية والمعنوية، لأن الإسلام تصحيح لاساليب الحياة وأسمى اساليب التفكير وأكملها، لأن الإسلام لا يحصر التفكير البشري في الماديات والامور الاقتصادية فحسب بل أن اساس دعوته أسمى واوسع لانها تتناول كافة مجالات الحياة ونظام الخلقه العام والحاص للانسان.

ان نظرية الاسلام الى تطور الحضارة من حيث الانسجام والكمال واستيعابها جميع جوانب الحياة المختلفة في كافة المجالات ومعالجة مشاكل البشر جميعا، واكثر قوانين الاسلام تنسجم مع كافة المجتمعات لان فيها أصالة التربية وتكامل الانسان لانها تضع الانسان في مكانه الحقيقي، لان ازمة التشريع الاسلامي في الاسلام منوطة لارادة الله وحده لا على أساس الميول المادية والاطماع بل لحاكمية الله المطلقة فيا ترى هل اننا نرى أهليته لهذا المنصب وصلاحيته للبشرية جمعاء؟ مع ان بناء وجود الانسان ووجوده كيفية معقدة كذلك القوانين لان البشر محدود العلمية وما بذل من جهود لاكتشاف أسرار وجوده ليس كافيا لبلوغ المجهول.

رغم تقدم البشريه مع ذلك لا تزال اسرار العالم وحل مشكله مجهولة على البشر، لكن مع ذلك فان النظام الاسلامي له الاستعدادات للتكامل والرقي لان الشريعه الاسلامية تحوي كل المباديء اللازمه للتكامل والرقي.

وبما ان الحضارة منها العلميه: والتي هي عبارة عن المعارف الالهية المودعة في القرآن الكريم، والسنة المباركة، وروايات أهل بيت النبوة والعصمة، والاخرى الحضارة العملية: التي تتجسد في الرصيد الهائل الذي بين يدينا من السيرة العمليه لرسولنا الاعظم ﷺ وأهل بيته الكرام ﷺ التي استطاعت بقوتها وتفاعلها مع المجتمع الاسلامي وتطبيقها له، لاجل فتح أبواب المعرفة المتكاملة الخالية من العيوب، وبواسطة كل مؤمن وعالم أن يواصل طريقه لتطور الحضارتين بوضع الاساس الراسخ لهما بمواصلة بحوثه العلمية بالعمق العلمي بالعمل نحو الكمال وذلك بالتسلح بالعلم والمعرفه بالعلم والعمل.

قال تعالى: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» / الفاطر: ٣٢، فبينت الآية الكريمه وراثه الحضارة، وتفوق السابقين بالخيرات وفوزهم لا يكون الا نتيجة أتعابهم في العمل. وبما أننا الوارثون الشرعيون لحضارتنا الاسلامية، ينبغي علينا تسخير العلم في مجتمعاتنا ونشر حضارتنا في كل العالم وأيضالها لمن يرغب ان ينال من ثمارها، والاسلوب الامثل لنشر الحضاره في الابتكار والابداع والحوار البناء بالحكمه والموعظة والجدال والتي هي أحسن والعطاء في كافة المجالات وجوانب الحياة وليبرز كل عالم علمه، سواء أكان هذا العلم روحيا في معالجة الروح بالعلم الاخلاقي أو في العلوم المدبوة والعلمية في جميع المجالات الفكرية، والاقتصادية، والطبية، والسياسية، ومجالات الحياة الاخرى والابداع.

المشاكل الاقتصادية

في هذا الجانب نوجد سياسة اقتصادية خاصة غير الاقتصاد الرأسمالي أو الاقتصاد الشيوعي أو الاشتراكي وهو الاقتصاد الاسلامي حيث عالج كثير من المشاكل الطبقيه والتنافس وحرمة انتزاع المصانع بالقوة من ايدي مؤسسها وبدأ يبين احترام حقوق الافراد والاقتصاد الاسلامي يقول باصالة الفرد والمجتمع، والانتفاع بوسائل الانتاج وتحقيق الملكيه بشروط تنفي ابواب الظلم والعدوان.

قال تعالى «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» / الحشر: ٧، فافر الملكيه الفردية ومنع عدوان الراسمالية والفقه الاسلامي اثبت على انه يصلح ان يكون متبعا للتشريع في عالمنا المعاصر واستجاباته لكل مستلزمات الحياة.

ان المنهج الحضاري الذي نشده يحتاج الى انجازات فعلية وذلك: في تحديد الموقف المعرفي من التراث، والفحص والبحث في القراءة التراثية الفكرية، لمعرفة الجوانب الحيه والجوانب السلبية، وتحديد الموقف للمعارف الغربية، والذي يكمن في المنهج العلمي للتطلع الى دراسة حضارة الغرب بعمق وتحديد المواقف.

وكذلك أبرز الدور العلمي والحضاري في تاريخنا الاسلامي وحضارتنا العريقة وبيان الادوار التي قامت بهها الحضارة في بناء الحضارة الاسلامية ومشاركتها في النهوض بالانسانية ودرو العلماء في اكتشاف المعرف والعلوم. والتركيز على قيمة العقل والعلم في الدين والتركيز على مشاكل التخلف العلمي والحضاري ومعالجتها بشكل جذري، واعداد الدراسات العلمية حولها. والاهتمام باصلاح وتطوير التخطيط لبرامج التربية وأصلاح مناهد التفكير الاسلامي، والتفاعل مع الظروف الراهنة، ودراسة الحضارات ومقارنة الانشطة التي كانت عاملا لتقدم الحضارة لدى أبرز الامم وهذا التفاعل والتماس مع العالم والحضارات يجعل التفاعل جديا لآخذ القرارات الحاسمة ووجعل التاريخ الحضاري دروسا وعبر نستفيد منها في تقدم وارساء الجانِب الحضاري، ودراسة التخطيط للمستقبل وبيان الانجازات وما تحتاجه الامة لابراز شأن الحضارة ووقوفها بجانب الحضارات الاخرى والتحديات.

فيلزم أم يرتفع العالم الاسلامي نحو خطوات التقدم العلمي والدخول في اجواء علمية مناسبة في كافة المجالات والعمل على ازدهار حركة العلوم وتلبية حاجات الباحثين وتوفير الارضية الخصبة وتشجيعهم نحو الابداع والتطلع الى المستقبل الزاهر.

الخاتمة

أستنادا الى ما تقدم في بحثنا يمكن ان نجمل النتائج التالية:

- ان أي أمه يتوقف بقائها، وزوالها من خلال حضارتها من جميع جوانبها الاقتصادية، والثقافية، والاجتماعية، والمعيشية.
- لكي تبقى الحضارة خالدة، لابد من معرفة قدرات حضارته في تحقيق الحضارة الحديثه، والراسحة.
- لابد من كشف السرقات وانسابها الى حضارة أخرى، من اجل الحط من مكانة ومقومات هذه الحضارة.

- الهدف الرئيسي الذي ننشده، هو تصدير الثورة الاسلامية عن طريق الاعلام، ونشر الثقافة وتوعية العالم الى قوى الاستكبار العالمي، وسلبها لاموال الشعوب واذلالها والدعوة الى توحيد الكلمة.
- تبيين زيف الاكاذيب الغربية، وانتحالهم للبحوث والاكتشافات العلمية، وبيان أصالة القدرة للعرب والمسلمين، على ضوء القرآن في تثبيت الحضارة المنشودة، وتحقيق الحضارة الحديثة الخالدة.

قائمة المصادر

١. القرآن الكريم.
٢. أبوزيد، شليبي (٢٠٠٤). تاريخ الحضارة الإسلامية والفكر الإسلامي. القاهرة: مكتبة وهبة.
٣. بابائي، حبيب الله (٢٠١٤). جدلية النظر والعمل في التأسيس الإسلامي لالهيات الحضارة. ترجمة حسين الصافي، بيروت: مركز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي.
٤. بدوي، عبدالرحمن (١٩٩٥). موسوعة الحضارة العربية الإسلامية. عمان: دار الفكر للنشر.
٥. الرحباني، راغب (٢٠٠٩). قصة العلوم الطبية في الحضارة الإسلامية. القاهرة: مؤسسة أقرأ للنشر.
٦. السيستاني، السيد علي (ب.تا). فقه الحضارة. بيروت: دار المؤرخ العربي.
٧. طحان، محمد جمال (٢٠٠١). أفكار غيرت العالم عبر أعلامها. دمشق: الأوائل للطباعة والنشر.
٨. مونتجومري وات، ويليام (١٩٨٣). فضل الإسلام على الحضارة الغربية. ترجمة حسين أحمد أمين. القاهرة: مكتبة مدبولي.
٩. ويمدر، ر. ب (١٩٩٠). عبقرية الحضارة العربية منبع النهضة الاوربية. ترجمة عبدالكريم محفوظ. ليبيا: الدار الجماهيرية للنشر.

المحاور الإجتماعية في تفسير الأمثل

الكُتاب: مريم علي أحمد عيسى الدقاق (عراق)^١، الدكتور علي الحواني (عراق)^٢

قبول: ١٤٣٨/٠٧/١١

استلام: ١٤٣٨/٠٦/٠٢

المستخلص

تفسير الأمثل تفسير ذو صبغة اجتماعية، يعتمد على تطبيق النظرية القرآنية في المجال الاجتماعي، وعرض الأفكار والمباحث الاجتماعية خلال تفسيره للآيات القرآنية بهدف بناء المجتمع على الأسس الاجتماعية التي طرحها القرآن الكريم، وإقامة حياة الجماعة البشرية على أساسها، بما يتطلبه ذلك من علاقات اجتماعية واقتصادية وسياسية، والتوفيق بين الدين الإسلامي وقضايا الإنسان المعاصرة، وإثبات صلاحية العقيدة والقرآن الكريم لحياة الجماعة البشرية، وتلبية حاجات المجتمع المسلم المعرفية، وإيجاد حلول للمشكلات الاجتماعية بالاعتماد على المفاهيم القرآنية ومكافحة الانحرافات الاجتماعية وإصلاح المجتمع، وقد تمثلت هذه النظرة الاجتماعية في مجموعة محاور كبرى تعبر عن القضايا والمفاهيم الاجتماعية المحورية في حياة المجتمع والأمة الإسلامية، التي قام المؤلف ببيان معانيها ومصاديقها وتحليل أبعادها على هدي القرآن، ومن هذه المفاهيم: الحكومة الإسلامية، والعدالة الاجتماعية، ومكافحة الظلم والاستبداد، وتعيين الوظائف والمسؤوليات في المجتمع المسلم.

الكلمات المفتاحية: المحاور الاجتماعية، الاتجاه الاجتماعي في التفسير، تفسير الأمثل

المقدمة

شهد العالم الإسلامي نشوء الاتجاه الاجتماعي في تفسير القرآن الكريم على يد شخصيات إسلامية رفعت شعار الإصلاح والتجديد أمثال السيد جمال الدين الأسد آبادي،

١. ماجستير فرع التفسير وعلوم القرآن، جامعة المصطفى عليه السلام المفتوحة، قم، إيران،

MDD_63@hotmail.com

٢. محاضر في جامعة المصطفى عليه السلام العالمية، قم، إيران، alialtaher09@gmail.com

والشيخ محمد عبده، وتبعهم آخرون. منهم آية الله ناصر مكارم الشيرازي في تفسيره «الأمثل في تفسير كتاب الله المنزل»، وقد سار مؤلفه على منهج اجتهادي جمع فيه بين تفسير القرآن بالقرآن، وتفسير القرآن بالسنة والعقل وأصول المحاورات الأدبية، وسلك اتجاهًا اجتماعيًا منطلقًا من اعتبار القرآن كتاب هداية يهدف إلى تربية الإنسان، ويوفر السعادة للفرد والمجتمع في الدنيا والآخرة. مستخلصًا المفاهيم الاجتماعية من الآيات اعتمادًا على مجموعة من مباني التفسير الاجتماعي وأسسها تمثلت في استخراج قوانين اجتماعية من القرآن الكريم، واكتشاف أصول النظام الاجتماعي وقواعده فيه، وذكر التفسير العلمي للآيات ذات البعد التكويني، وقد برزت فيه «المباني النظرية والعملية» للتفسير الاجتماعي، كأصالة الفطرة الاجتماعية للإنسانية، وأصالة تقديم الحياة الاجتماعية على الحياة الفردية، وتأثير السلوكيات الفردية على المجتمع وبالعكس، وشمولية هداية القرآن لكافة أبعاد الحياة الإنسانية، وقد جاءت هذه الأبحاث الاجتماعية وغيرها، من خلال عمل المؤلف على تحليل المفاهيم والمحاور الاجتماعية التي يثيرها القرآن الكريم.

فرضية البحث

- تفسير الأمثل ذو اتجاه اجتماعي عرض المسائل الاجتماعية في تفسيره للآيات القرآنية، عرضًا يُعالج فيه مشكلات المجتمع المعاصرة، ويعرض النظريات والأفكار الاجتماعية التي تبناها القرآن في محاور اجتماعية كبرى.

أسئلة البحث

- السؤال الأساسي
 - ما المحاور الاجتماعية التي أثارها تفسير الأمثل؟
- الأسئلة الفرعية
 - مامفهوم الإتجاه الإجتماعي في تفسير الامثل؟
 - ما خصائص الإتجاه الإجتماعي في تفسير الأمثل؟

أهداف المقال

١. اكتشاف المحاور الإجتماعية التي تناولها تفسير الأمثل بالأدلة والنماذج التي تؤيد ذلك.
٢. بيان مفهوم وخصائص التفسير الإجتماعي من خلال تفسير الأمثل.

مفهوم الإتجاه الإجتماعي في التفسير وخصائصه

الاتجاه لغةً كلمة اشتقت من (و، ج، ه) مصدر إتَّجَهَ، وجمعها اتجاهات، وتأتي بمعنى الموضوع الذي تتوجه إليه وتقصد (ابن منظور، ١٤٢٩، ج ٥٣: ٥٧٧٥)، وكذلك بمعنى الميل والنزعة (أحمد مختار عبدالحميد عمر، ١٤٢٩: ٢٤٠٧)، واصطلاحًا بمعنى الهدف الذي يتَّجه إليه المفسِّرون في تفاسيرهم، ويجعلونه نصب أعينهم (الرومي، ١٤١٨، ج ١: ٢٢).

بعبارة أخرى فإنَّ الاتجاه التفسيري يُعبر عن موقف المفسِّر ونظراته ووجهته التي يوليها، ومن هذه الاتجاهات الاتجاه التربوي، والجهادي، والإرشادي، والاجتماعي، والذي يحدد نوع الاتجاه للمؤلف في التفسير هو شياع المباحث والأفكار الخاصة باتجاه معيَّن في التفسير كما هو حال تفسير الأمثل الذي تكثر في المباحث الاجتماعية. وهناك مفهومان للتفسير الاجتماعي:

١. إنَّه تفسير يحاول المفسر من خلاله مدِّ النظر في أحوال البشر في أطوارهم وأدوارهم ومناشئ اختلاف أحوالهم، من قوة وضعف، وغير ذلك، ثم يتلوه هداية الخلق، أو إصلاح حالهم، أو التشريع لهم، ويميل إلى علم الاجتماع والتاريخ.
٢. التفسير الاجتماعي بمعنى الخضوع للمفهوم الاجتماعي ولمفهوم العصر، ويؤكد المفسر فيه على ممازجة الهدف الديني في القرآن للهدف الاجتماعي. أي إنَّه يعتمد على تطبيق النظرية القرآنية في المجال الاجتماعي، وإقامة حياة الجماعة البشرية على أساسها، بما يتطلبه ذلك

من علاقات اجتماعية واقتصادية وسياسية، والأهم عند المفسر التوفيق بين الدين الإسلامي وقضايا الإنسان المعاصرة، من ناحية عرض القيم القرآنية عرضاً اجتماعياً لإثبات صلاحية العقيدة والقرآن لحياة الجماعة البشرية، لينتهي إلى القول بأنّ الجماعات التي تدين بالقيم القرآنية لا بدّ أن تستمد احتياجاتها منه، ويطلق عليه الاتجاه الاجتماعي، واللون الاجتماعي، والاتجاه الهدائي. (الرضائي الإصفهاني، ٢٠١١: ٣٨٣-٣٨٢)

ومؤلف تفسير الأمثل يعتمد المفهوم الثاني الذي يسعى فيه المفسر لإيجاد حلول للمشكلات الاجتماعية بالاعتماد على المفاهيم القرآنية، أما التفسير المبني على أساس علم الاجتماع فلا شأن له به.

خصائص التفسير الاجتماعي في تفسير الأمثل

من خصائص هذا الاتجاه التفسيري المعاصر النظرة الاجتماعية للقرآن الكريم، حيث يعتقد أصحاب هذا الاتجاه بأنه لا يوجد نظام شامل ودستور متكامل أفضل من القرآن الكريم يبين المسائل المرتبطة بالحياة الاجتماعية للإنسان، ولذا كان من خصائص تفسير الأمثل العناية بالمسائل الاجتماعية المعاصرة، والعناية الخاصة بالآيات التي تحمل مضموناً اجتماعياً أو تربوياً في القرآن والبحث في معرفة السنن الحاكمة في العالم والإنسان والمجتمعات البشرية، والاستفادة من تعاليم القرآن في حل المشكلات الاجتماعية المعاصرة، والسعي لإظهار التناسب بين الدين وحداثة العصر بشكل جدي وإثبات أنه طريق سعادة الإنسان، يصلح لكل زمان ومكان، وأنه كتاب حياة قادر على حل مشاكل الإنسان المعاصر، والاهتمام في بيان أنواع من الإعجاز القرآني، والإجابة عن الشبهات في الدين والقرآن والإسلام بصورة خاصة، ومحاربة التخلف والجهل في المجتمع الإسلامي، واستبعاد الأفكار الخرافية والأوهام عن ساحة التفسير وإشاعة الأفكار العقلانية في أوساط الناس، ولم يهتم بالأحاديث الضعيفة والموضوعة كالإسرائيليات. (الحواني، ١٣٩٢: ٧٠-٦٩)

وقد ذكر هذه الخصائص آية الله مكارم الشيرازي في مقدمة كتابه، وذلك لتكوين رؤية واضحة عن تفسيره، وللتأكيد على الاتجاه الذي سلكه حين التأليف، ألا وهو الاتجاه الاجتماعي في التفسير، فقال:

- لما كان القرآن (كتاب حياة) فإننا لم نركز في التفسير على المسائل الأدبية والعرفانية، بل بدلاً من ذلك عالجت المسائل الحيوية المادية والمعنوية وخاصة المسائل الاجتماعية، وسعينا إلى إشباعها بحثاً وتحليلاً، وخاصة ما يرتبط من قريب بحياة الفرد والمجتمع.
- في ذيل كل آية تناولنا تحت عنوان (بحوث) المسائل المطروحة في الآية بشكل مستقل، كالربا، والرق، وحقوق المرأة، وفلسفة الحج، وأسرار تحريم القمار، والخمر، ولحم الخنزير، ومسائل الجهاد الإسلامي، وأمثالها من الموضوعات، كي يستغني القارئ عن مراجعة الكتب الأخرى في هذه المجالات وعزفنا عن تناول البحوث ذات الفائدة القليلة.
- عرضنا التساؤلات والشبهات والاعتراضات المطروحة حول أصول الإسلام وفروعه بمناسبة كل آية، وذكرنا الجواب عليها باختصار مثل شبهة الأكل والمأكول، والمعراج، وتعدد الزوجات، وسبب الاختلاف بين إرث المرأة والرجل، ودية المرأة والرجل، والحروف المقطعة في القرآن، ونسخ الأحكام، والغزوات الإسلامية، والاختبارات الإلهية، وعشرات المسائل الأخرى، كي لا تبقى أية علامة استفهام عند مطالعة تفسير الآيات.
- أعرضنا عن استعمال المصطلحات العلمية المعقدة التي تجعل الكتاب خاصاً بفتنة خاصة من القراء، ولدى الضرورة تناولنا ذلك في هامش الكتاب من أجل استفادة المتخصصين. (مكارم الشيرازي، ١٤٢١، ج: ١٣-١٢)

المحاور الإجتماعية في تفسير الأمثل

لما كان هدف بحثنا كشف الاتجاه الاجتماعي في تفسير الأمثل، نذكر بعض المسائل الاجتماعية الكبرى التي عرضها آية الله العظمى الشيخ ناصر مكارم الشيرازي في تفسيره، لنوضح كيف تناول المؤلف هذه المسائل ووضح معانيها ومصاديقها؟ وكيف حلل أبعادها على هدي القرآن الكريم؟

وقد عبرنا عنها بالمحاور الاجتماعية، وهي تربو على عشرة محاور، وسنستعرض خمسة منها في هذا المقال، هي كالتالي: الحكومة الإسلامية والمسائل السياسية في المجتمع، هوية المجتمع المسلم، العدالة الاجتماعية، مكافحة الظلم والاستبداد، بيان الوظائف والمسؤوليات الاجتماعية. (معرفة، ١٤١٩، ج ٢: ٤٧٦-٤٧٥)

١. الحكومة الإسلامية والمسائل السياسية في المجتمع

اهتم تفسير الأمثل بطرح قضية الحكومة الإسلامية باعتبار هذه الحكومة الركيزة التي تسيّر القوانين في المجتمع، وتحفظ حقوق الناس جميعاً.

فقد ورد لفظ الحكومة أكثر من مائة مرة في تفسير الأمثل، وقد خص لفظ (الحكومة الإسلامية) فيما يزيد عن العشرين مرة في موارد مختلفة، وقد تناول المؤلف هذا الموضوع اجتماعياً في ثلاثة أمور أساسية:

- الأمر الأول: يتعلق بمرتكزات الحكومة الإسلامية والتي تقوم على الحاكمية المطلقة لله تعالى، ولمن خصهم الله عزوجل بالعصمة من خلقه، مع التأكيد على أركان هذه الحكومة التي تبني على العلم والقدرة. جاء في تفسير الآية الأولى من سورة الجمعة: تشير الآية أولاً إلى (المالكية والحاكمية المطلقة لله تعالى)، ثم تنزّهه من أي نوع من الظلم والنقص وذلك لارتباط اسم المملوك بأنواع المظالم والمآسي، فجاءت كلمة (قدّوس) لتنفّي كلّ ذلك عن الله جلّ شأنه، ومن جانب آخر فالآية تركّز على ركنين أساسيين من أركان الحكومة هما (القدرة) و (العلم).
- (مكارم الشيرازي، ١٤٢١، ج ٣: ٣١٤-٣١٣)

وكنموذج لهذه الحكومة الإلهية التي تقوم على العلم والقدرة، وتستمد شرعيتها من الله عز وجل، أشار المؤلف إلى حكومة نبي الله داود وسليمان عليهما السلام قال في تفسير الآية (١٥) من سورة النمل: ذكر هذا المقطع من قصة هذين النبيين بعد قصة موسى عليه السلام ونتيجة للاستعداد الفكري وملائمة المحيط الاجتماعي في عهدهما، قد وقفا إلى تأسيس حكومة عظيمة، وأن ينشرا بالاستعانة والإفادة من حكومتهما دين الله، لذلك لا نجد هنا أثراً أو خبراً عمّا عهدناه من أسلوب في تلك الآيات التي كانت تتكلم عن الأنبياء الآخرين، وهم يواجهون قومهم المعاندين، وربما نالوا منهم الأذى والطرده والخراج من مدنهم وقراهم، فالتعابير هنا تختلف عن تلكم التعابير تماماً. ويدلّ هذا بوضوح أنه لو كان المصلحون والدعاة إلى الله يوفقون إلى تشكيل حكومة لما بقيت معضلة ولغدى طريقهم معبداً سالكاً، وعلى كل حال، فالكلام هنا عن العلم والقدرة والعظمة، وعن طاعة الآخرين حتى الجن والشياطين لحكومة الله، وعن تسليم الطير في الهواء والموجودات الأخرى لحكومة الله. (مكارم الشيرازي، ١٤٢١، ج ١٢: ٢٥) فإذا هذه الحكومة الإلهية التي نظّمها نبي الله داود وسليمان عليهما السلام لم يكن قائدها إلا معصوماً كما أنها كانت ترتكز على العلم والقدرة التي وهبها الله سبحانه وتعالى للنبي داود وسليمان عليهما السلام وهذه هي المرتكزات التي يجب أن تقوم عليها كل حكومة تستمد شرعيتها من الله سبحانه وتعالى.

- الأمر الثاني: فيتعلق ببيان وظائف الحكومة الإسلامية، والتي تقوم على إقامة العدل، وتوفير أجواء الحرية، ومعالجة الاعوجاج الاجتماعي، فقد ورد في مبحث علاقة الدين والسياسة في تفسير سورة النمل على أن إقامة العدل وتوفير أجواء الحرية من أهم أسس ووظائف الحكومة الإسلامية، بل أنّها سبب بعثة الأنبياء والرسول، فقال: خلافاً لما يتصوره أصحاب

النظرة الضيقة من أن الدين مجموعة من النصائح والمواظب أو المسائل الخاصة بالحياة الشخصية للإنسان، بل هو مجموعة من القوانين والمناهج الحيوية التي تستوعب جميع مسائل حياة الإنسان وخاصة المسائل الاجتماعية، فقد بُعث الأنبياء لإقامة القسط والعدل كما في الآية (٢٥) من سورة الحديد، إذ يقول سبحانه: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، وليضع الأنبياء عن الناس إصرهم «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» فيتمتعوا بالحرية كما أشارت إلى ذلك الآية (١٥٧) من سورة الأعراف، والدين رحمة ومنجاة للمستضعفين لتخليصهم من نير المتكبرين الظالمين، والدين أخيراً مجموعة من التعاليم والتربية في مسير تزكية الإنسان والرفقي به نحو الكمال (كما أشارت إليه الآية ٢ من سورة الجمعة).

وبديهي أنّ هذه الأهداف الكبرى لا يمكن أن تتحقق دون إقامة الحكومة، فمن ذا يستطيع أن يقيم القسط بين الناس بمجرد التوصيات الاخلاقية؟ أو أن يقطع أيدي الظالمين عن المستضعفين، ويضع الإصر والأغلال عن يدي الإنسان ورجليه دون الاستناد إلى قدرة شاملة. (مكارم الشيرازي، ١٤٢١، ج ١٢: ٢٩)

- الأمر الثالث: فهو بيان الهدف النهائي من الحكومة الإسلامية، وقد وضع مؤلف تفسير الأمثل ذلك في تفسير الآية (٥٠) من سورة النور بقوله: إنّ مفهوم عبارة «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» من الناحية الأدبية سواء كانت جملة حالية أم مستقبلية، هو أن الهدف النهائي إعداد حكومة عادلة راسخة الأسس، ينتشر فيها الحقّ والأمن والاطمئنان، وتكون ذات تحصينات أسسها العبودية لله وتوحيده على نحو ما ذكرته آية قرآنية أخرى تذكر الغاية من الخلق (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)، عبادة هدفها السامي تربية البشر وتسامي أنفسهم.

عبادة لا يحتاج الله إليها، وإنما يحتاج إليها البشر لظي مراحل تكاملهم الإنساني، وعلى هذا فإنّ الفكر الإسلامي ليس كالأفكار المادية التي تتوخى مكاسب مادية ورفاهية في الحياة، بل تكون للحياة المادية قيمة في الإسلام إن أصبحت وسيلة لتحقيق هدف معنوي سام، فالاهتمام بكون العبادة خاليةً من شوائب الشرك نافيةً للأهواء الزائفة، يعني أنّه لا يمكن تحقق هذه العبادة الصافية إلاّ بتشكيل حكومة عادلة، تُدار من قبل المؤمنين الصالحين، والصفة السائدة في المجتمع هي خلوّه من الشرك، وبما أنّ الإنسان خلق حرّاً، فإن مجال الانحراف موجود حتى في أفضل المجتمعات الإنسانية. (مكارم الشيرازي، ١٤٢١، ج١١: ١٣٨-١٣٧)

٢. بيان هوية المجتمع المسلم

يؤكد هذا المحور على إظهار ما ينبغي أن يمتاز به المسلم من خلال وصف القرآن الكريم لأصحاب النبي الأكرم ﷺ وبذلك نبين هوية المجتمع المسلم في القرآن الكريم عندما نبين اللبنة التي يبني عليها هذا المجتمع، ألا وهو المسلم المتكامل، وقد تناول ذلك تفسير الأئمة عند تفسير الآية الأخيرة من سورة الفتح المباركة بقوله: وفي آخر آية وصف بليغ لأصحاب النبي الخاصين، والذين كانوا على مناجاه على لسان التوراة والإنجيل، وهو مدعاة افتخار لهم إذ أبدوا شهامتهم ورُجولتهم في الحديبية والمراحل الأخرى، كما أنّه درس اختبار لجميع المسلمين على مدى القرون والأعصار، فتصف الآية أصحاب رسول الله ﷺ خلالهم وسجاياهم الباطنية والظاهرية ضمن خمس صفات، إذ تبين صفتهم الأولى:

(وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ)، وصفتهم الثانية أنّهم: (رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)، فهم منطلق للمحبة والرحمة فيما بينهم كما أنّهم نار ملتتهمة وسد محكم بوجه أعدائهم الكفار، وفي الحقيقة أنّ عواطفهم وأفكارهم تتلخّص في هاتين الخصلتين:

الرحمة" و"الشدة لكن لا تضادّ في الجمع بينهما أولاً، ولا رحمتهم فيما بينهم وشدّتهم على الكفّار تقتضي أن تحيد أقدامهم عن جادة الحق ثانياً.
ثمّ تضيف الآية مبيّنة وصفهم الثالث فتقول: (تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا)، هذا التعبير يجسد العبادة بركنيتها الأساسيين: الركوع والسجود على أنّها حالة دائمية لهم، العبادة التي هي رمز للتسليم أمام أمر الله الحق، ونفي الكبر والغرور والأنانية عن وجودهم، أمّا الوصف الرابع الذي تذكره الآية عن هؤلاء الأصحاب فهو بيان نيّتهم الخالصة الطاهرة فتقول: «يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا» فهم لا يعملون رياءً ولا يبتغون من الخلق الثواب، بل هدفهم رضا الله وفضله فحسب، والباعث على تحركهم في حياتهم جميعاً هو هذا الهدف ليس إلّا. (مكارم الشيرازي، ١٤٢١، ج١٦: ٤٩٣-٤٩٢)

فهؤلاء الصحابة الذين رسم لهم الإسلام الحنيف هوّيّتهم، وصاغها القرآن الكريم على يد الرسول العظيم محمد ﷺ هم أفراد المجتمع المسلم كما أراده الله عزّ وجلّ.
ولاشك أنّ مجتمعاً يعيش التراحم والتعاطف، ويعيش الأمن والأمان، والعزة والكرامة الإنسانية هو مايسعى إليه القرآن الكريم وهو صناعة الإنسان والمجتمع الإنساني.

٣. العدالة الإجتماعية

أشار مؤلف تفسير الأمثل إلى ذلك في تفسير الآية (٩٠) من سورة النحل بقوله:
العدل هو القانون الذي تدور حول محوره جميع أنظمة الوجود، وحتى السماوات والأرض فهي قائمة على أساس العدل بالعدل قامت السماوات والأرض، والمجتمع الإنساني الذي هو جزء صغير في كيان هذا الوجود الكبير، لا يقوى أن يخرج عن قانون العدل، ولا يمكن تصور مجتمع ينشد السلام يحظى بذلك دون أن تستند أركان حياته على أسس العدل في جميع المجالات.

ولما كان المعنى الواقعي للعدل يتجسد في جعل كل شيء في مكانه المناسب، فالانحراف والإفراط والتفريط وتجاوز الحد والتعدي على حقوق الآخرين، ما هي إلّا صور لخلاف أصل العدل، فالإنسان السليم هو ذلك الذي تعمل جميع أعضاء

جسمه بالشكل الصحيح بدون أية زيادة أو نقصان، ويحل المرض فيه وتبين عليه
علائم الضعف والخوار بمجرد تعطيل أحد الأعضاء أو تقصيره في أداء وظيفته،
ويمكن تشبيه المجتمع ببدن إنسان واحد، فإنه سيمرض ويعتل إن لم يُراع فيه العدل.
(مكارم الشيرازي، ١٤٢١، ج٨: ٢٩٧)

نستنج مما طرحه آية الله مكارم الشيرازي لموضوع العدل في تفسير هذه الآية
أهمية العدل في المجتمع الإنساني، وذلك ما يأمر به القرآن الكريم، ونحن إن أردنا
التقدم والتطور والازدهار في مجتمعنا الإسلامي فلا بد لنا من الالتزام بما يأمر به الله تعالى.

٤. مكافحة الظلم والإستبداد

ذكر مؤلف تفسير الأمثل ضرر الظلم على المجتمع باعتباره يقوض الأمن
والاستقرار، وكيفية مكافحة ذلك، هذا ما جاء في تفسير الآية ١٤٩-١٤٨ من سورة النساء
«لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ» تحت عنوان الأمر بمكافحة
الظلم الذي يقع الإنسان، فقال: «إِلَّا أَنْ الْآيَةَ الْكَرِيمَةَ لَمْ تَحْرَمِ (القول بالسوء) تحريماً
مطلقاً، فقد استثنت حالة يمكن فيها أن يصار إلى الكشف والفضح، وهذه الحالة
هي إذا وقع الإنسان مظلوماً حين قالت الآية: (إِلَّا مَنْ ظَلِمَ) وبهذا الدليل يستطيع
المظلوم في مقام الدفاع عن نفسه، أن يكشف فضائح الظالم، سواء عن طريق
الشكوى أو فضح مساوئ الظالم أو توجيه النقد له أو استغابته، ولا يسكت على
الظلم حتى استعادة حقوقه من الظالم، وحقيقة هذا الاستثناء أنّ الله أراد به أن
يسلب من الظالمين فرصة إساءة استغلال حكم المنع والتحريم، ولكي لا يكون هذا
الحكم سبباً في سكوت المظلوم عن المطالبة بحقه من الظالم.

واضح من الآية بأنّ عملية الكشف والفضح يجب أن تنحصر في إطار بيان
مساوئ الظالم لدى الدفاع عن المظلومين أو لدى دفاع المظلوم عن نفسه، ولكي
تسد الآية الطريق على كل انتهازي كاذب يريد إساءة استغلال هذا الحكم بدعوى

وقوع الظلم عليه أكدّت على أنّ الله يراقب أعمال البشر ويعلم ويسمع بكل ما يصدر عنهم من أفعال حيث تقول الآية: «وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً» (النساء: ١٤٨). وهذه حقيقة لا يمكن لأي إنسان عاقل أن يتجاوزها، فإذا حلّ الظلم مكان العدل في أي مجتمع كان، حلّ معه انعدام الأمن والأمان، وإذا ما تمت مكافحة ذلك كان له الأثر الفاعل في حياة الفرد والمجتمع وعاش أفراد ذلك المجتمع في حالة من الاستقرار والأمن، وهذا ما يدعو إليه ديننا الإسلامي الحنيف.

فإذاً كما يأمر الإسلام بالعدل الاجتماعي من جانب، فإنه يدعو من جانب آخر إلى مكافحة الظلم والظالمين، وعدم فسح المجال لانتشار الظلم في المجتمع المسلم لما له من آثار وخيمة، تعتري حياة الفرد والمجتمع ويصعب بعد ذلك اقتلاع جذورها إذا تم السكوت عنها.

٥. بيان الوظائف والمسؤوليات الاجتماعية

ونخص هنا ذكر حقوق المرأة المطلقة، فمن أهم المسؤوليات الاجتماعية تلك المسؤولية الملقاة على عاتق الأسرة باعتبارها اللبنة الأولى لبناء المجتمع.

فإذا صلحت الأسرة صلح المجتمع، وإذا انهدمت سببت شرخاً غائراً في المجتمع، وما أكثر المشاكل التي تحدث بين الزوجين وعلى أساسها يبتني هدم الأسرة بالطلاق وهو أبغض الحلال عند الله تعالى، حينها تكون هذه الأسرة في أمس الحاجة إلى تضميد الجراح وعودة المياه إلى مجاريها بعلاج نافع مفيد، وإن لم ينفع ذلك، فهي بحاجة لنظام خاص يكفل حق كل فرد فيها، وهذا ما سعى إليه الإسلام من خلال الأحكام الشرعية المتعلقة بأحكام الزواج والطلاق وغير ذلك، حتى يستتب أمن الأسرة واستقرارها، وذلك بتوزيع الأدوار والمسؤوليات بين الطرفين، وخص للمرأة حقوق في هذا الشأن حتى يحفظ ما لها من حقوق في الطلاق ممن يريد ظلمها وقهرها كما كان في المجتمع الجاهلي.

وكنموذج على ذلك يشير المؤلف الى أنّ آيات النساء تهدف إلى مكافحة الكثير من الأعمال الظالمة والممارسات المجحفة التي كانت رائجة في العهد الجاهلي،

وفي تفسيره للآية (١٩) من السورة «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا» يقول: وفي هذه الآية بالذات أُشير إلى بعض هذه العادات الجاهلية المقيتة، وحذر الله سبحانه فيها المسلمين من التورط بها، وتلك هي:

- لا تحبسوا النساء لثروا أموالهنّ، فلقد كانت إحدى العادات الظالمة في الجاهلية كما ذكرنا في سبب نزول الآية، أنّ الرجل كان يتزوج بالنساء الغنيات ذوات الشرف والمقام اللاتي لم يكن يحظين بالجمال، ثم كانوا يذرونهن هكذا فلا يطلقونهنّ، ولا يعاملونهنّ كالزوجات، بانتظار أن يمتن فيرثوا أموالهن، فقالت الآية الحاضرة: السورة «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا» وبهذا استنكر الإسلام هذه العادة السيئة.
- لا تضغطوا على أزواجكم ليهبّ لكم مهرهنّ، فقد كان من عادات الجاهليين المقيتة أيضاً أنّهم كانوا يضغطون على الزوجات بشتى الوسائل والطرق ليتخلين عن مهرهنّ، ويقبلن بالطلاق، وكانت هذه العادة تتبع إذا كان المهر ثقيلًا باهظًا، فمنعت الآية الحاضرة من هذا العمل بقولها: «وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ» أي من المهر.
- عاشروهن بالمعاشرة الحسنة، وهذا هو الشيء الذي يوصي به سبحانه وتعالى الأزواج في هذه الآية بقوله: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»، أي عاشروهن بالعشرة الإنسانية التي تليق بالزوجة والمرأة، ثم عقب على ذلك بقوله: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا».

فحتى إذا لم تكونوا على رضا كامل من الزوجات، وكرهتموهنّ لبعض الأسباب فلا تبادروا إلى الانفصال عنهن والطلاق، بل عليكم بمداراتهنّ ما استطعتم، إذ يجوز أن تكونوا قد وقعتم في شأنهنّ في الخطأ، وأن يكون الله قد جعل فيما كرهتموه خيراً كثيراً، ولهذا ينبغي أن لا تتركوا معاشرتهمّ

بالمعروف والمعاشرة الحسنة ما لم يبلغ السيل الزبي، ولم تصل الأمور إلى الحدّ الذي لا يطاق، خاصّة وإن أكثر ما يقع بين الأزواج من سوء الظن لا يستند إلى مبرر صحيح، وأكثر ما يصدر عنه من أحكام لا يقوم على أسس واقعية إلى درجة أنّهم قد يرون الأمر الحسن سيئاً والأمر السيء حسناً في حين ينكشف الأمر على حقيقته بعد مضي حين من الزمن، وشيء من المداراة، ثمّ إنّّه لا بدّ من التذكير بأن للخير الكثير في الآية الذي يبشر به الأزواج الذين يدارون زوجاتهم مفهومًا واسعاً، ومن مصاديقه الواضحة الأولاد الصالحون والأبناء الكرام. (مكارم الشيرازي، ١٤٢١، ج ٣: ١٦١-١٦٠)

من خلال ما جاء من تفسير لهذه الآيات المباركة يتبين الحرص الشديد من جانب المفسر على إبراز الناحية الاجتماعية، والمشاعر والأحاسيس التي ترافق قهر المرأة كما في أيام الجاهلية، وكيف أنّ الإسلام أنقذها، وحفظها، من خلال تشريعاته وأحكامه، ليحفظ بذلك كيان الأسرة، اللبنة الأولى لبناء المجتمع. هذه خمس نماذج للمحاور الاجتماعية التي وردت في تفسير الأمثل تكشف عن الاتجاه الاجتماعي في تفسير الأمثل، وعن مدى استفادة المؤلف من المفاهيم الاجتماعية في الآيات الكريمة، واستثمارها لتأسيس مجتمع يقوم على حاكمية الله، وإقامة العدل، والبعد عن الظلم والاستبداد، ورعاية حقوق الآخرين، وحل مشكلات المجتمع على هدي القرآن الكريم، لإيصاله لحالة من الكمال في الدنيا، ولبلوغ السعادة في الآخرة.

الخاتمة

- التفسير الاجتماعي بمعنى الخضوع للمفهوم الاجتماعي، وممازجة الهدف الديني في القرآن للهدف الاجتماعي والتوفيق بين الدين الإسلامي وقضايا الإنسان المعاصرة، وعرض القيم القرآنية عرضاً

اجتماعيًا لإثبات صلاحية العقيدة والقرآن لحياة الجماعة البشرية، وإيجاد حلول للمشكلات الاجتماعية، هو الاتجاه الذي اتسم به تفسير الأمثل، وقد برزت خصائص هذا الاتجاه من خلال نظرة المؤلف الى القرآن على أنه كتاب حياة عالج المسائل الاجتماعية، وعرضه التساؤلات والشبهات المطروحة حول الإسلام والإجابة عنها، واتباعه الأسلوب العصري واعراضه عن البحوث قليلة الفائدة وعن المصطلحات العلمية المعقدة.

- عرض تفسير الأمثل المسائل الاجتماعية ضمن محاور كبرى منها: الحكومة الإسلامية والمسائل السياسية في المجتمع، هوية المجتمع المسلم، العدالة الاجتماعية، مكافحة الظلم والاستبداد، بيان الوظائف والمسؤوليات الاجتماعية، وقد وضح المؤلف معانيها ومصاديقها وحلل أبعادها على هدي القرآن الكريم.

- طرح قضية الحكومة الإسلامية اجتماعيًا في ثلاثة أمور:

○ مرتكزات الحكومة الإسلامية وهي الحاكمة المطلقة لله تعالى، وعصمة القيادة.

○ بيان وظائف الحكومة الإسلامية، كإقامة العدل، وتوفير أجواء الحرية.

○ بيان الهدف النهائي من الحكومة الإسلامية كإعداد حكومة

عادلة راسخة الأسس، تنشر الحق والأمن والاطمئنان، وأسسها

العبودية لله وتوحيده.

- استوحى مؤلف تفسير الأمثل هوية المسلم من وصف القرآن للصحابة الكرام الذين تربوا على نهج القرآن ويد الرسول العظيم محمد ﷺ حيث وصفتهم الآيات بالتراحم والتعاطف، والأمن والأمان، والعزة والكرامة الإنسانية.

- استنتج مؤلف الأمثل من تفسير بعض الآيات أن العدل قانون شامل لجميع أنظمة الوجود، والمجتمع الإنساني جزء من هذا الوجود الكبير،

وكما يأمر الإسلام بالعدل الاجتماعي فإنه يدعو إلى مكافحة الظلم والظالمين، لما له من آثار وخيمة، تعترى حياة الفرد باعتباره يقوض الأمن والاستقرار.

- نلاحظ في تفسير الأمثل بيان الوظائف والمسؤوليات الاجتماعية للأفراد، ومنها ما يخص الأسرة كحقوق المرأة المطلقة التي حددها الإسلام من خلال الأحكام الشرعية المتعلقة بأحكام الزواج والطلاق وغير ذلك.

قائمة المصادر

١. القرآن الكريم.
٢. أحمد مختار عبدالحميد عمر (١٤٢٩). معجم اللغة العربية المعاصر. القاهرة: عالم الكتب.
٣. ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤٢٩). لسان العرب. بيروت: دار صادر.
٤. الحواني، علي (١٣٩٢ش). المنهج التاريخي في التفسير «دراسة نقدية». رسالة دكتوراه.
٥. الرضائي الإصفهاني، محمد علي (٢٠١١). مناهج التفسير واتجاهاته: دراسة مقارنة في مناهج تفسير القرآن الكريم. تعريب: قاسم البيضاني. بيروت: مركز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي.
٦. الرومي، فهد عبدالرحمن (١٤١٨). اتجاهات التفسير في القرن الرابع عشر. بيروت: مؤسسة الرسالة.
٧. معرفة، محمد هادي (١٤١٩). التفسير والمفسرون في ثوبه القشيب. مشهد: الجامعة الرضوية.
٨. مكارم الشيرازي، ناصر (١٤٢١). الأمثل في تفسير كتاب الله المنزل. قم: مدرسة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام.

Resources

1. **The Holy Quran.**
2. **Al-Muhaj al-Zahab 2.** Written by Abi al-Hasan al-Masoudi al-Hadhli, a reminder of the characteristics of the nation. 7 Ibn al-Jawzi al-Hanafi, Hanafi.
3. **Ashraf (2005).**
4. **Bee Daaneed Manam Fatima.**
5. **Encyclopedia of Islam.**
6. **Karbala: Chain of Events Section – On the Way to Karbala.**
7. **Karbala – The Facts and the Fairy-tales.**
8. **Madelung (1997).**
9. **Maqtal al Husain – Al-Hurr Repents.**

"If anyone disputes with you about it (your prophet hood) after the knowledge has come to you, say, 'Come, let us bring our sons and your sons and our women and your women and ourselves and yourselves and pray to Allah to curse the lying party."

The noble verse called Hassan and Hussein "our sons," mentioned the Prophet Muhammad, and referred to Ali as "ourselves" and Fatimah as "our women." She symbolizes the whole of womankind in this verse. Had there been other people who had higher status than these people, the Holy Prophet certainly would have brought them along with him.

3. Verse of Affection (Mawada)

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى».

(The Holy Quran: Surat Ash-Shura, Verse 23)

"...say: 'I do not ask you for any payment for my preaching to you, except the love for my relatives...'"

Conclusion

Muslims must learn from the life of Imam Hussein and also from his death, he is an example and role model in Generosity, good character, steadfastness on the right and sacrifice.

He deserved that high status in the world and the Hereafter, The reason is that high

With this description he denies any companions better than his companions, not in the past, or present nor in the future.

The status of Imam Hussein (Abu-Abdullah) is unparalleled, except by that of his father, mother, brother, and the Imams of his offspring, on all of them be the peace and blessings of Allah. Should a historian make a good research, collecting the stories and traditions concerning Imam Hussein, he would certainly end up with the Imam as the top example among the Muslims. He would write a voluminous, great work covering this Imam.

The Glorious Qur'an, the supreme divine document, which falsehood can never reach from before or behind it, expresses in many verses the lofty position Imam Hussein achieved in the sight of Allah, the Exalted. Following are some of these verses:

1. Verse of Purification (Tathir)

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».

(The Holy Quran: Surat Al-Ahzab, Verse 33)

"Allah only wishes to keep away uncleanness from you (Household of the Prophet) and purify you thoroughly."

2. Verse of Malediction (Mubahalah)

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا
وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ
عَلَى الْكَافِرِينَ».

(The Holy Quran: Surat Al-Imran, Verse 61)

"And Allah loves the charitable, sir," said the servant.

"I set you free, for the sake of Allah," said the Imam. "Henceforth I am going to give you the double of what I have been giving you."

These are only brief instances of the ethical side of the character of Imam Hussein.

The Imam AS swears by Allah as he doesn't ever tell a lie or to swear uselessly nor to speak irrationally, nor to talk haphazardly because he is the infallible Imam whose Allah the Almighty created him as pretense on people after his father and brother.

The Status of Imam Hussein

Saying about him :(Amro bin Alhaja shouted on his companions: Do you know who you fighting with?

You are fighting the knights of the country, people of mind, commando people, any one of you face them will get killed for fighting them. I swear by Allah if you only thrown stones at them you could kill them).

The infallible Imam described them with the once who stand firm beside the truth and loyalty when he said: O my Allah let me stand firm in safety before You on account of my sincere attachment with Hussain, along with him and his comrades, who sacrificed everything they had (heart, mind, soul and life) for Hussain, peace be on him.

They are the Righteous and good people whom described by Imam Hussain AS when he said: ' I have never known any companions more loyal or favorable than my companions are, and I have never known any family members more regardful and pious than my family members are.'

Having had their food, they hastened to ask him to share with them. He dismounted from, his horse saying, "Surely, Allah doesn't like the haughty." He partook of their food and said: "I have accepted your invitation. Won't you accept mine?"

"Certainly, we Will," said they. He took them to his house and said to al-Rabab, his wife, "Bring us what you have been storing."

He did care for the people. He would always help them, even though, for the most part, they wouldn't recognize his legitimate right.

Shu'aib bin Abdul-Rahman is reported to have said: "On the way of al-Taf (battle of Karbala', wherein he was martyred) a mark was seen on the back of Hussein bin Ali. Imam Zain al-Abideen (his eldest son, and the son who survived the battle) was asked about it. 'It is the trace,' he replied, 'of the bag, which he puts on his back (carrying food) to the house of the widows, orphans and the poor.'"

This fact attests to his remarkable humbleness, his care for the ummah, his awareness and deep feeling of his responsibility toward the people.

4. His Forgiveness of the Wrongdoers

This is another one of his key attributes. Once a young servant of his did something which deserved punishment. When Imam Hussein wanted to punish him, the servant said:

"Who curb their anger." "Let him go", said the Imam.

"And those who forgive their fellow-man," added the servant.

"I forgive you," said the Imam.

The nature of the relationship between the Imam and the ummah is actually outlined by the Divine Message. Imams represent it, as personified in their daily life.

Following are some examples of that great, high and brilliant relationship.

3. His Humbleness

Once Imam Hussein passed by poor men eating crumbs of bread on a mat. He greeted them and they invited him to their meal. He sat among them and said: "If your food were not alms, I would have eaten with you. Come home with me," he asked them. There, he fed them, clothed them and provided them with money.

One could easily detect the depth of his humbleness through examination of this vivid testimony, particularly when we take into consideration that Imam Hussein was the political and ideological figure who was appointed as the legitimate leader of the Muslims by Allah, through His Messenger.

As for his social position, he was so matchless and unique, that Ibn Abbas, the revered companion of the Holy Prophet, used to hold the stirrup of his horse when he would mount it. Ibn Abbas was older than Imam Hussein, but he did this out of his respect for him.

It is because of his glorious social status that the people would dismount from their horses and camels, on the way to Mecca to perform their pilgrimage, as long as he would travel on foot.

Another example reflecting his humble nature is that of his acceptance of an invitation to having food with the poor. He encountered a number of poor men.

He said, "This night we want to offer our prayers to our Lord, and we want to ask His forgiveness. He knows that I love to offer my prayer to Him, recite His Book, and pray much asking for His forgiveness."

During the most critical and horrifying hours of the last day of his earthly life, he realized that it was midday and he had to perform his prayer. The battle of Karbala' was in full swing. He asked the enemies to stop fighting so as to let him and his followers offer their prayer. No better testimony than this can reflect the depth and strength of his relationship with Allah and his love for Him.

He used to recite this supplication, "O Lord! Grant me the desire for the other world, till I realize that it is a real thing in my heart, through my apathy to this world. O Lord! Grant me perception with regard to the other world so much that I will seek the divine reward with acute longing, and flee from the bad deeds out of fearing You, O Lord...".

We Will address this plea more elaborately when we cover the uprising of Imam Hussein and his heroic, and matchless sacrifice for the sake of Allah, the Most High.

2. His Relationship with People

A look at the ethical side of Imam Hussein's character would be enough to shed light on the vividness of his relations with the ummah, for he was the most perfect and exemplary leader during his time.

We don't mean that Imam Hussein was different from the other Imams in this respect.

A group revolted against us, their hands holding their swords like wild lions, smashing knights left and aright, throwing themselves towards death and not carrying about safety, not after money, nothing is between them and death or conquer the government.

If gave them a little chance they would kill all the army. What could we do O bastard! they were like Imam Hussain AS said about them: "they trained themselves to sacrifice themselves and being killed.

Characteristics of Imam Hussein and his Qualities

1. His Relationship with Allah

We can better understand the depth of Imam Hussein's relationship with Allah, the Highest, if we don't lose sight of the fact that the Prophet himself taught him the ideology of Islam and brought him up spiritually as he had done with his father, Imam Ali, his mother, al-Zahra', and his brother, Imam Hassan. By so doing, his path was defined and his character was formed.

One day he was asked, "How great is your fear of your Lord?"

"No one would be secure on the Day of Judgement except those who feared Allah in this life," he replied.

His face would turn pale, and he would tremble at the time of doing his ablution. He was asked about this and answered, "Whoever stands in the presence of the Almighty Allah is not to blame if his color turns pale and his limbs shake."

On the night before the tenth of the month of Muharram, Imam Hussein asked the Umayyad army to delay the battle till the following morning.

They are the Out strippers, (i.e., those who precede others) the Out strippers.

Companions of Imam Hussain, their enemies praised them before their friends saying (they are people of mind and knights of the country) and then saying (Amro bin Alhaja shouted on his companions: Do you know who you fighting with?

You are fighting the knights of the country, people of mind, commando people, any one of you face them will get killed for fighting them.

I swear by Allah if you only thrown stones at them you could kill them) The infallible Imam described them with the once who stand firm beside the truth and loyalty when he said: O my Allah let me stand firm in safety before You on account of my sincere attachment with Hussain, along with him and his comrades, who sacrificed everything they had (heart, mind, soul and life) for Hussain, peace be on him.

They are the Righteous and good people whom described by Imam Hussain AS when he said: ' I have never known any companions more loyal or favorable than my companions are, and I have never known any family members more regardful and pious than my family members are.' With this description he denies any companions better than his companions, not in the past, or present nor in the future.

Companions of Imam Hussain AS were an example in heroism no one else could reach their level for this reason one of the enemies said: if you could see what we seen you will do as we did.

Companions of Imam Hussain, their enemies praised them before their friends saying (they are people of mind and knights of the country) and then saying (Amro bin Alhaja shouted on his companions: Do you know who you fighting with?)

You are fighting the knights of the country, people of mind, commando people, any one of you face them will get killed for fighting them. I swear by Allah if you only thrown stones at them you could kill them).

The infallible Imam described them with the once who stand firm beside the truth and loyalty when he said: O my Allah let me stand firm in safety before You on account of my sincere attachment with Hussain, along with him and his comrades, who sacrificed everything they had (heart, mind, soul and life) for Hussain, peace be on him. They are the Righteous and good people whom described by Imam Hussain AS when he said: ' I have never known any companions more loyal or favorable than my companions are, and I have never known any family members more regardful and pious than my family members are.' With this description he denies any companions better than his companions, not in the past, or present nor in the future.

The companions of Imam Hussain AS mean dignity, highness, prestige, eminence pure selves, impure bodies, submitted hearts, tearful eyes, alive conscience, clear minds, strong faith, powerful strength, ever-less stability, hard intentions, knighthood, truth, faithfulness, loyalty, generosity, Mowalat (being loyal to the custodians), Bara'ah (to repudiate the enemies of Ahl Albeit AS), vision, intelligence, humility, honor, mystic, worship.

The companions of Imam Hussein AS were particularized than other supporters because they knew that they will be martyred and certain about not remaining alive however, they went with their Imam looking after meeting Allah the Almighty.

They were armored with their hearts over their armors. They were receiving good tidings of favor of what Allah saved for them and were competing each other's to martyrdoms, recommending each other's on their Imam AS, wishing if they got more than one body and soul to sacrifice to defense their truthful Imam and religion which bloods shaded for, souls sacrificed for, eyes awoken for, and bodies tired for.

The companions of Imam Hussain AS mean dignity, highness, prestige, eminence pure selves, impure bodies, submitted hearts, tearful eyes, alive conscience, clear minds, strong faith, powerful strength, ever-less stability, hard intentions, knighthood, truth, faithfulness, loyalty, generosity, Mowalat (being loyal to the custodians), Bara'ah (to repudiate the enemies of Ahl Abait AS), vision, intelligence, humility, honor, mystic, worship. They are the Out strippers, (i.e., those who precede others) the Out strippers.

strength, ever-less stability, hard intentions, knighthood, truth, faithfulness, loyalty, generosity, Mowalat (being loyal to the custodians), Bara'ah (to repudiate the enemies of Ahl Albeit AS), vision, intelligence, humility, honor, mystic, worship.

They are the Out strippers, (i.e., those who precede others) the Out strippers.

After ibn Sa'ad's army went out of Karbala, some people from Banu Asad tribe came there and buried their dead, but did not mark any of the graves, with the exception of Husayn's which was marked with a simple plant. Later Ali ibn Hussein returned to Karbala to identify the grave sites.

Hurr was buried by his tribe a distance away from the battlefield. The prisoners were held in Damascus for a year. During this year, some prisoners died of grief, most notably Sukayna bint Hussein. The people of Damascus began to frequent the prison, and Zaynab and Ali ibn al-Hussein used that as an opportunity to further propagate the message of Hussein and explain to the people the reason for Husayn's uprising.

As public opinion against Yazid began to foment in Syria and parts of Iraq, Yazid ordered their release and return to Medina, where they continued to tell the world of Husayn's cause.

what we should Learn from the Battle of Karbala

Speaking about the companions of Imam Hussain AS is a speech about the best companions with highest ranks and Superior prestige. Not because they were killed for the sake of the almighty Allah but because they were killed in a time where supporters were very few. While general people were after life precious the (companions) were strangers no-one associates with them nor agree with their path none person of that society fears Allah the almighty.

Hussein ibn Ali told Yazid's army to offer him single battle, and they gave him his request. He killed everybody that fought him in single battles. He frequently forced his enemy into retreat, killing a great number of opponents. Hussein and earlier his son Ali al-Akbar ibn Hussein were the two warriors who penetrated and dispersed the core of ibn Sa'ad's army, a sign of extreme chaos in traditional warfare.

By the afternoon of the tenth day, Hussein was left alone surrounded by the enemy. There was hesitation among the individuals over accepting the responsibility of Husayn's death. According to Lohuf, Hussein advanced very deep in the back ranks of the Syrian army shouted:

Woe betide you oh followers of Abu Sufyan ibn Harb's dynasty! If no religion has ever been accepted by you and you have not been fearing the resurrection day then be noble in your world, that's if you were Arabs as you claim.

They continuously attacked each other, until his numerous injuries caused him to stay a moment. At this time, he was hit on his forehead with a stone. He was cleaning blood from his face while he was hit on the heart with an arrow and he said: "In the name of Allah, and by Allah, and on the religion of the messenger of Allah." Then he raised his head up and said: "Oh my God! You know that they are killing a man that there is son of daughter of a prophet on the earth except him." He then grasped and pulled the arrow out of his chest, which caused heavy bleeding.

He immediately started filling the water skin. In a gesture of loyalty to his brother and Muhammad's grandson he did not drink any water despite being extremely thirsty.

He put the water skin on his right shoulder and started riding back toward their tents. Umar ibn Sa'ad ordered an assault on Al-Abbas ibn Ali saying that if Al-Abbas ibn Ali succeeded in taking water back to his camp, they would not be able to defeat them till the end of time. An enemy army blocked Al-Abbas' way and surrounded him. He was ambushed from behind a bush and his right arm was cut off. Al-Abbas ibn Ali put the water skin on his left shoulder and continued on his way but his left arm was also cut off. Al-Abbas ibn Ali now held the water skin with his teeth.

The army of ibn Sa'ad started shooting arrows at him, one arrow hit the water skin and water poured out of it, now he turned his horse back towards the army and charged towards them but one arrow hit his eyes and someone hit his head with a gurz and he fell off the horse. In his last moments when Al-Abbas ibn Ali was wiping the blood in his eyes to enable him to see Husayn's face, Al-Abbas ibn Ali said not to take his body back to the camps because he had promised to bring back water but could not and so could not face Bibi Sakinah, the daughter of Hussein ibn Ali.

Then he called Hussein "brother" for the first time in his life. Before the death of Abbas, Hussein ibn Ali said: "Abbas your death is like the breaking of my back". Zayd ibn Varqa Hanafi and Hakim ibn al-Tofayl Sanani are reported to be Abbas ibn Ali's murderers.

They were attempting to save Husayn's life by shielding him. Every casualty had a considerable effect on their military strength since they were vastly outnumbered by Yazid I's army. Husayn's companions were coming, one by one, to say goodbye to him, even in the midst of battle. Almost all of Husayn's companions were killed by the onslaught of arrows or lances.

After almost all of Husayn's companions were killed, his relatives asked his permission to fight. The men of Banu Hashim, the clan of Muhammad and Ali, went out one by one. Ali al-Akbar ibn Hussein, the middle son of Hussein ibn Ali, was the first one of the Hashemite who received permission from his father. (Maqtal al Husain – Al-Hurr Repents. p. 189)

Casualties from Banu Hashim were sons of Ali ibn Abi Talib, sons of Hasan ibn Ali, a son of Hussein ibn Ali, a son of Abdullah ibn Jaafar ibn Abi-Talib and Zaynab bint Ali, sons of Aqeel ibn Abi Talib, as well as a son of Muslim ibn Aqeel. There were seventy-two Hashemites dead in all (including Hussein ibn Ali).

There are two accounts regarding the death of Abbas ibn Ali; One is by Abu Mikhnaf which mentions no detail on the death and, however, the other well-known report clearly details how he was killed somewhere near the river and far from the camp while fetching water with a large skin of water, since the besieged Ahl al-Bayt were thirsty. Al-Abbas ibn Ali advanced towards a branch of the Euphrates along a dyke.

Al-Abbas ibn Ali continued his advance into the heart of ibn Sa'ad's army. He was under a shower of arrows but was able to penetrate them and get to the branch, leaving heavy casualties from the enemy.

A couple of dozen men under the command of Zuhayr ibn Qayn repulsed the initial infantry attack and destroyed the left flank of the Syrian army which in disarray collided with the middle of the army. The Syrian army retreated and broke the pre-war verbal agreement of not using arrows and lances. This agreement was made in view of the small number of Hussein ibn Ali's companions. Umar ibn Sa'ad on advice of 'Amr ibn al Hajjaj ordered his army not to come out for any duel and to attack Hussein ibn Ali's army together.

`Amr ibn al-Hajjaj attacked Hussein ibn Ali's right wing, but the men were able to maintain their ground, kneeling down as they planted their lances. They were thus able to frighten the enemy's horses. When the horsemen came back to charge at them again, Husayn's men met them with their arrows, killing some of them and wounding others.

`Amr ibn al-Hajjaj kept saying the following to his men, "Fight those who abandoned their creed and who deserted the jam`a!" Hearing him say so, Hussein ibn Ali said to him, "Woe unto you, O `Amr! Are you really instigating people to fight me?! Are we really the ones who abandoned their creed while you yourself uphold it?! As soon as our souls part from our bodies, you will find out who is most worthy of entering the fire.

In order to prevent random and indiscriminate showering of arrows on Hussein ibn Ali's camp which had women and children in it, Husayn's followers went out to single combats. Men like Burayr ibn Khudhayr, Muslim ibn Awsajaand Habib ibn Muzahir were slain in the fighting.

None of Husayn's men defected and they all remained with him. Hussein and his followers held a vigil and prayed all night.

On Muharram 10th, also called Ashura, Hussein ibn Ali completed the morning prayers with his companions. He appointed Zuhayr ibn Qayn to command the right flank of his army, Habib ibn Muzahir to command the left flank and his half-brother Al-Abbas ibn Ali as the standard bearer. Hussein ibn Ali's companions numbered 32 horsemen and 40 infantrymen. Hussein rode on his horse Zuljanah.

Hussein ibn Ali called the people around him to join him for the sake of God and to defend Muhammad's family. His speech affected Hurr, the commander of the Tamim and Hamdan tribes, who had stopped Hussein from his journey. He abandoned Umar ibn Sa'ad and joined Husayn's small band of followers.

On the other side, Yazid had sent Shimr ibn Thil-Jawshan (his chief commander) to replace Umar ibn Sa'ad as the commander.

Umar ibn Sa'ad advanced and shot an arrow at Hussein ibn Ali's army, saying: "Give evidence before the governor that I was the first thrower." Ibn Sa'ad's army started showering Husayn's army with arrows. Hardly any men from Hussein ibn Ali's army escaped from being shot by an arrow. Both sides began fighting. Successive assaults resulted in the death of a group of Hussein ibn Ali's companions.

The first skirmish was between the right flank of Husayn's army and the left of the Syrian army.

Ubaydullah ibn Ziyad appointed Umar ibn Sa'ad to command the battle against Hussein ibn Ali. At first Umar ibn Sa'ad rejected the leadership of the army but accepted after Ibn Ziyad threatened to take away the governorship of Rey city and put Shimr ibn Thil-Jawshan in his place. Ibn Ziyad also urged Umar ibn Sa'ad to initiate the battle on the sixth day of Muharram. Umar ibn Sa'ad moved towards the battlefield with an army and arrived at Karbala on Muharram 3, 61 AH (October 3, 680 AD).

Ibn Ziyad sent a brief letter to Umar ibn Sa'ad that commanded, "Prevent Husain and his followers from accessing water and do not allow them to drink a drop [of water]". Ibn Sa'ad followed the orders, and 5,000 horsemen blockaded the Euphrates. (Karbala: Chain of events Section – On the Way to Karbala)

One of Husayn's followers met Umar ibn Sa'ad and tried to negotiate some sort of access to water, but was denied. The water blockade continued up to the end of the battle on Muharram 10th (October 10, 680 AD).

Umar ibn Sa'ad received an order from Ibn Ziyad to start the battle immediately and not to postpone it further. The army started advancing toward Husayn's camp on the afternoon of Muharram 9th. At this point Hussein sent Al-Abbas ibn Ali to ask Ibn Sa'ad to wait until the next morning, so that he and his men could spend the night praying. Ibn Sa'ad agreed to the respite.

On the night before the battle, Hussein gathered his men and told them that they were all free to leave the camp in the middle of the night, under cover of darkness, rather than face certain death if they stayed with him.

Hussein ibn Ali, however, had resolved to go ahead with his plan. He gave a speech to people the day before his departure and said:

Death is a certainty for mankind, just like the trace of necklace on the neck of young girls. And I am enamored of my ancestors like eagerness of Jacob to Joseph... Everyone, who is going to devote his blood for our sake and is prepared to meet Allah, must depart with us...

On their way to Kufa, the small caravan received the news of the execution of Muslim ibn Aqeel and the indifference of the people of Kufa. Instead of turning back, Hussein decided to continue the journey and sent Qays ibn Musahir Al Saidawi as messenger to talk to the nobles of Kufa. The messenger was captured in the vicinity of Kufa but managed to tear the letter to pieces to hide names of its recipients. Just like Muslim ibn Aqeel, Qays ibn Musahir Al Saidawi was executed.

Hussein and his followers were two days away from Kufa when they were intercepted by the vanguard of Yazidi's army; about 1,000 men led by Hurr ibn Riahy. Hussein asked the army, "With us or against us?" They replied: "Of course against you, oh Aba Abd Allah!" Hussein ibn Ali said: "If you are different from what I received from your letters and from your messengers then I will return to where I came from."

Their leader, Hurr, refused Husayn's request to let him return to Medina. The caravan of Muhammad's family arrived at Karbala on Muharram 2, 61 AH (October 2, 680 AD). They were forced to pitch a camp on the dry, bare land and Hurr stationed his army nearby.

Husayn's representative to Kufa, Muslim ibn Aqeel was welcomed by the people of Kufa, and most of them swore allegiance to him. After this initial observation, Muslim ibn Aqeel wrote to Hussein ibn Ali that the situation in Kufa was favorable.

However, after the arrival of the new Governor of Kufa, Ubayd Allah ibn Ziyad, the situation changed. Muslim ibn Aqeel and his host, Hani ibn Urawa, were executed on Dhu al-Hijjah 9, 60 AH (September 10, 680 AD) without any real resistance of the people. This shifted the loyalties of the people of Kufa, in favor of Yazid and against Hussein ibn Ali.

Hussein ibn Ali also discovered that Yazid had appointed `Amr ibn Sa`ad ibn al Aas as the head of an army, ordering him to take charge of the pilgrimage caravans and to kill al Hussein ibn Ali wherever he could find him during Hajj, and hence decided to leave Mecca on 8th Dhu al-Hijjah 60 AH (9 September 680 AD), just a day before Hajj and was contented with Umrah, due to his concern about potential violation of the sanctity of the Kaaba.

He delivered a sermon at the Kaaba highlighting his reasons to leave, that he didn't want the sanctity of the Kaaba to be violated, since his opponents had crossed any norm of decency and were willing to violate all tenets of Islam.

When Hussein ibn Ali was making up his mind to leave for Kufa, Abd Allah ibn Abbas and Abd Allah ibn al-Zubayr held a meeting with him and advised him not to move to Iraq, or, if he was determined to move, not to take women and children with him in this dangerous journey.

He insisted on his legitimacy based on his own special position as a direct descendant of Muhammad and his legitimate legatees. As a consequence, he left Medina, his home town, to take refuge in Mecca in 60 AH. Muawiyah warned Yazid specifically about Hussein ibn Ali, since he was the only blood relative of Muhammad. Abd Allah ibn Abbas and Abdullah ibn Umar did not want to start another civil war and wanted to wait. Abd Allah ibn al-Zubayr challenged them and went to Mecca.

According to Fitzpatrick et al. the Yazid succession, which was considered as an "anomaly in Islamic history", transformed the government from a "consultative" form to a monarchy, named the Umayyad dynasty, with its capital in Damascus.

Yazid instructed his Governor Walid in Medina to force Hussein ibn Ali as well as the other prominent figures to pledge allegiance to Yazid. Hussein refused it and said that "Anyone akin to me will never accept anyone akin to Yazid as a ruler (Karbala – The Facts and the Fairy-tales)."

Hussein departed Medina on Rajab 28, 60 AH (680 AD), two days after Walid's attempt to force him to submit to Yazid I's rule. He stayed in Mecca from the beginnings of the month of Sha'aban and all of the months of Ramadan, Shawwal, as well as Dhu al-Qi'dah.

It is mainly during his stay in Mecca that he received many letters from Kufa assuring him their support and asking him to come over there and guide them. He answered their calls and sent Muslim ibn Aqeel, his cousin, to Kufa as his representative in an attempt to consider the exact situation and public opinion.

In the treaty, Hasan was to hand over power to Muawiyah on the condition that he be just to the people and keep them safe and secure and that he would not establish a dynasty. This brought to an end the era of the Rightly Guided Caliphs and Hasan ibn Ali was also the last Imam for the Shias to be a Caliph.

Hussein ibn Ali became the head of Banu Hashim after his older brother, Hasan ibn Ali, was poisoned to death in 670 (50 AH). His father's supporters in Kufa gave their allegiance to him. However, he told them he was still bound by the peace treaty between Hasan and Muawiyah I as long as Muawiyah was alive.

The Battle of Karbala occurred within the crisis environment resulting from the succession of Yazid I. Muawiyah persuaded several leading companions to swear loyalty to his son, Yazid, and appointed him as his successor both in breach of the treaty and the *Shura* succession principle, for many Muslims instead wanted Hussein ibn Ali to be their Caliph.

Later, Hussein ibn Ali did not accept Muawiyah's request for his son Yazid's succession, referring to the peace treaty. The legitimacy of Yazid's succession as well as his "worthiness" for this position was questioned at the time, and people like Said ibn 'Uthman, Ahnaf ibn Qais, denounced the Yazid caliphate.

Also, Hussein ibn Ali along with the sons of several other well-known companions of Muhammad namely, Abd Allah ibn Umar, and Abd Allah ibn al-Zubayr rejected the caliphate of Yazid, because he considered the Umayyad's an oppressive and religiously-misguided regime.

The battle was followed by later uprisings namely, Ibn al-Zubayr, Tawwabin, and Mukhtar uprising which occurred years later.

The dead are widely regarded as martyrs by Sufi, Sunni and Shia Muslims. The battle has a central place in Shia history, tradition and theology and it has frequently been recounted in Shia Islamic literature. Mainstream Sunni Muslims, on the other hand, do not regard the incident as one that influences the traditional Islamic theology and traditions, but merely as a historical tragedy.

The Battle of Karbala is commemorated during an annual 10-day period held every Muharram by Shia and Alevi, culminating on its tenth day, known as the Day of Ashura. Shia Muslims commemorate these events by mourning, holding public processions, organizing majlis, striking the chest and in some cases self-flagellation.

The Battle of Karbala played a central role in shaping the identity of Shia and turned the already distinguished sect into a sect with "its own rituals and collective memory Hussein's suffering and death became a symbol of sacrifice "in the struggle for right against wrong, and for justice and truth against wrongdoing and falsehood.

During Ali's Caliphate, the Muslim world became divided and rebellion broke out against the ruling Ali by Muawiyah I. When Ali was assassinated by Ibn Muljam (a Kharijite) in 661, his eldest son, Hasan, succeeded him but soon signed a peace treaty with Muawiyah to avoid further bloodshed.

The Shi'a maintain that the infallibility of the Imam is a basic rule in the Imamate.

"The theologians have defined the Imamate, saying: "Surely the Imamate is a grace from Allah, who grants it to the most perfect and best of His servants to Him Other traditions record Muhammad with his grandsons on his knees, on his shoulders, and even on his back during prayer at the moment of prostrating himself, when they were young.

The Battle of Karbala

The Battle of Karbala took place on Muharram 10, in the year 61 AH of the Islamic calendar (October 10, 680 AD) in Karbala, in present-day Iraq. The battle took place between a small group of supporters and relatives of Muhammad's grandson, Hussein ibn Ali, and a larger military detachment from the forces of Yazid I, the Umayyad caliph.

When Muawiyah I died in 680, Hussein did not give allegiance to his son, Yazid I, who had been appointed as Umayyad caliph by Muawiyah; Hussein considered Yazid's succession a breach of the Hasan-Muawiyah treaty. The people of Kufa sent letters to Hussein, asking his help and pledging allegiance to him, but they later did not support him.

As Husain traveled towards Kufa, at a nearby place known as Karbala, his caravan was intercepted by Yazid I's army led by Al-Hurr ibn Yazid al Tamimi. He was killed and beheaded in the Battle of Karbala by Shimr Ibn Thil-Jawshan, along with most of his family and companions, including Husayn's six month old son, Ali al-Asghar, with the women and children taken as prisoners.

The abundance of his names indicates the abundance of noble morals...

2. His Birth (God bless him)

He was born in Madinah El Monawara on 8 January 626 AD ,3 Sha'ban on 4 Hijri.

His father wanted to name him Harb, but his grandfather Mohamed named him Hussein and he call in his ears and slaughter scapegoat for him. And the weight of his hair, and he gave his weight of silver.

And he said:(Hussein from me and I am from him, my god please love who loved Hussein, Hussein is a tribe of tribes.

Hussein received love and compassion from his grandfather Mohamed, He was like his grandfather in form and morals, He used to fast, pray and charity, also he went to the house of Allah 25 times walking!

Hussein and his brother Hasan were the last descendants of Muhammad living during his lifetime and remaining after his death.

There are many accounts of his love for them which refer to them together. Muhammad is reported to have said that "He who loves me and loves these two, their father and their mother, will be with me at my place on the Day of Resurrection. And that "Hussain is of me and I am of him.

Allah loves those who love Hussain. Hussain is a grandson among grandsons. A narration declares them the "Masters of the Youth of Paradise"; this has been particularly important for the Shia who have used it in support of the right of Muhammad's descendants to succeed him.

Ali al-Akbar ibn Hussein, Fatima Al-Sughra (Mother: Layla)

Sukayna bint Hussein and Ali Al-Asghar ibn Hussein (Mother: Rubab) siblings: Hassan Ibn Ali, Zainab bint Ali, Abbas Ibn Ali.

Biography of Imam Hussein

1. Titles of Imam Hussein

He is Abu Abdullah, The Messenger of Allah called him this name, also he is Abu Shuhadaa, Abu Al-Ahrar, Abu Mujahedeen, Prophet Mohamed who named him, he said:" I have ordered to name my sons Hassan and Hussein, in another story he said to Fatima: Names of Hassan and Hussein in names of sons of Aaron Chabr and chber because they are honored, and name of Hussein Known in the Torah as Shubair, In the Bible as Tab.

al-Hasan and al-Hussein are names of the people of Paradise and have not been in the pre-Islamic era.

Ibn Saad narrated in the book of classes that Um al-Fadl (Abbas bin Abdul Muttalib's wife) said: O Messenger of Allah! I saw in a dream a member of your members in my house, he said to her: That's good... Fatima will have a child and you will feed him with your milk, after that It happened!

Also Imam Hussein has many of nicknames such as Alsibt (Tribe), The master of youth of the people of Paradise, Consciousness, AL Zaki, Master of Martyrs, Shaheed al-Abrat, The prisoner of the adversity, The sacrifice, the stranger, Abu Al-Ahrar, Warrior, A piece of liver of Messenger of Allah, Al-Mubarak Al-Sharif, helpful and good, Basil the Messenger of Allah!

The Attribute of Generosity

He heard a man calling God to give him 10,000 dirhams, Hassan went home and brought 10,000 dirhams and gave it to him.

Slave of al-Hasan gave him a group of basil and Hasan said to her: (you are free!).

He divided all his money three times in his life, once poor man entered to the mosque and asked for money, a man guided him to go to the men in the mosque, they were Hassan and Hussain and Abdullah bin Jaafar and all of them gave him money.

Longanimity of Imam Al-Hasan

Narrated that a man from Sham who saw Imam Al-Hasan ride, this man cursed Hassan but Hassan do not reply him, when he finishes, Hassan handed him, laughed and said to him: Dear Sheikh: I think you are a stranger, the man said to Hasan: (I bear witness that you are the successor of God).

When Hassan died, Marwan Ibn al-Hakam cried, and Hussein told him: Do you cry for him? Marwan reply: I did that for man who more forgiveness than a mountain.

Those are some of the qualities shown by Imam Hassan may Allah be pleased with him.

Wives of Imam Hussein and his Sons

Shahrbanu daughter of The king of the Persians, Rubab bint Imra al-Qais , Layla bint Abi Murrâh al-Thaqafi, Umm Ishaq bint Talhah. (Ashraf 2005, p. 14)

He has "Ali ibn Al-Hussein (*Zayn Al-Abidin*), Sakinah bint Hussein, (Mother:Shahr Banu).

AL Hasan and AL Hussain are the masters of paradise's youths.

Yes, they deserve that high status because of their sacrifice and their good morals.

When Al-Hassan was born, Muhammad slaughtered a ram for the poor on the occasion of his birth, and he chose a name of "Al-Hasan" for him. Fatimah shaved his head and gave the weight of his hair as silver to the poor.

According to Shi'ite belief, theirs was the only house that archangel Gabriel allowed to have a door to the courtyard of *al-Masjid an-Nabawi* ("the Mosque of the Prophet"). Both Shi'ite and Sunni Muslims consider Al-Hasan to belong to the *Bayt* 'Household') of Muhammad, *Ahl al-Kisa'*, "People of the Cloak"), and participants of the Event of Mubahalah.

There are many narrations showing the respect of Muhammad toward his grandsons, including the statements that his two grandsons would be "*sayyedā šabāb* (masters of youth) of Paradise", and that they were Imams "whether they stand up or sit down". He also reportedly predicted that Hasan would make peace between two factions of Muslims (Madelung 1997, pp. 15-16).

The Prophet said: Those are Imams if stood or sat and the prophet Mohamed Asked Hasan to testify Despite his young age.

He took power for six months after the death of his father, and supported by Qais bin Saad, he said to him: To cooperate on the support of the book of God and the methodology of the Prophet and the fight against the violators, but AL Hassan said: (Cooperate on the Book of Allah and the methodology of the Prophet they do not are changing.

Saddest of them stand up and threw the remnants of the slaughtered camel on the shoulder of the Prophet, and they mocked it and laughed, prophet Mohamed was prostrate and Someone went and told Fatima...

She came and insulted them and she removed the residue of camel, Prophet Mohamed cursed them.

She was very sad when the messenger of Allah died, narrated by al-Bukhaari: When the Prophet Muhammad's disease she said: What's worse! Prophet Mohamed said: There is not a bad thing after today and when he died she said: Will inhabit paradise, Dad.

This is Ms. Fatima Mother Imam Hussein Allah bless them. And now what about his brother Al-Hassan?

Al-Hassan ibn Ali ibn Abi Taalib , commonly known as Hasan or Hassan, is the eldest son of Muhammad's daughter Fatimah and of Ali, and the older brother to Hussain. Muslims respect him as a grandson of the Islamic Prophet Muhammad.

Among Shia Muslims, Hasan is revered as the 2nd Imam by Twelvers and Zaydis, and as the 1st Imam by Musta'li Isma'ili's. Sunni Muslims revere him as the 5th caliph, 'Successor'), having briefly succeeded his father after the latter's assassination at the hands of the Kharijite.

He abdicated after six or seven months to Muawiyah I, who succeeded him as the 6th caliph, the second of the Umayyad caliphs after Uthman, Al-Hasan was known for donating to the poor, his kindness to the poor and bondmen, and for his knowledge, tolerance and bravery. For the rest of his life, Hasan lived in Medina, until he died at the age of 45.

She was the first wife of Ali, whom Sunnis consider the fourth *Rashidun caliph* and the first infallible Imam (Shi'a doctrine), the mother of the second and third Imams, and the ancestor of all the succeeding Imams; indeed, the Fatimid Caliphate is named after her.

Ms. Aisha quoted (Fatima came walking, she is similar her father in his walk, Mohamed peace be upon him said: Hello my daughter and Sit her on the right or the left and told her a secret and she cried, Ms. Aisha asked her: Why are you crying?

After that he told her another secret, she laughed, Ms. Aisha said :(What I saw today joyous is closer than sorrow and she asked her about secret but Ms. Fatima do not tell her about it, until Mohamed died, Ms. Fatima told her about the secrets, she said: (he told me that Jibril reviewed the Qur'an this year twice, it means that The approaching death of Mohammed, so I cried, after that he told me that I am the first to die after him and I will follow him, and he said: (Do not you want to be a woman of the people of Paradise? (Bee Daaneed Manam Fatima).

Prophet Mohamed said: (Fatima is a part of me, those who angered her angered me, I worry about what she worried about, and hurt me what hurts her!

Here is an example for Her compassion for her father:

Narrated by Ibn Masood: (While the Prophet was praying at Kaaba, There Abu Jahl and his companions was sitting, there was waste slaughtered camel, Abu Jahl said: (Who among you will take this waste and throw it on Muhammad's shoulder when he prostrates?

Twelver Shia sources, however, state that she was born either two or five years after the first Qur'anic revelations, but that timeline would imply her mother was over fifty at the time of her birth, according to Sunni sources.

Fatimah is given many titles by Muslims to show their admiration of her moral and physical characteristics. The most used title is "*al-Zahra*"(Encyclopedia of Islam: Al - Zahra, the Lady of the Women of Paradise: Virtues of Ms. Fatima), meaning "the shining one", and she is commonly referred to as *Fatimah Zahra*.

She was also known as "*al-Batūl*" (the chaste and pure one) as she spent much of her time in prayer, reciting the Qur'an and in other acts of worship. Besides, amongst 125 famous veneration titles, she has also been honored with the title of Umm-ul-Aaima (Mother of Imams).

Muslims regard Fatimah as a loving and devoted daughter, mother, wife, a sincere Muslim, and an exemplar for women. It is believed that she was very close to her father and her distinction from other women is mentioned in many hadith.

After Khadijah, Muslims regard Fatimah as the most significant historical figure, considered to be the leader of all women in this world and in Paradise. It is because of her moral purity that she occupies an analogous position in Islam to that Mary occupies in Catholic Christianity.

On moat day Prophet Mohamed said (Ali's Blow in ditch Day better than all works of my nation in Doomsday.

On 19 Ramadan AH 40, which would correspond to 27 January 661, while praying in the Great Mosque of Kufa, Ali was attacked by Abd-al-Rahman ibn Muljam. He was wounded by ibn Muljam's poison-coated sword while prostrating in the Fajr prayer. 'Ali ordered his sons not to attack the Kharijites, instead stipulating that if he survived, ibn Muljam would be pardoned whereas if he died, ibn Muljam should be given only one equal hit (regardless of whether or not he died from the hit). 'Ali died two days. (Madelung 1997, p. 309)

later on 29 January 661 (21 Ramadan AH 40). Al-Hasan fulfilled Qisas and gave equal punishment to ibn Muljam upon Ali's death.

Imam Ali was martyred as Omar ibn al-Khattab and 'Uthman ibn Affan.

Throughout history, Ahl-Albeit has been exposed to many tribulations and they struck the finest examples of stability on the right.

Ms. Fatima Al-Zahra (God please her):

We must recognize the pure source which the master of the martyrs was taken from...

She is MS. Fatima Al-Zahra who born in Mecca to Khadija, the first of Muhammad's wives. There are differences of opinion on the exact date of her birth, but the widely accepted view is that she was born five years before the first Quranic revelations, during the time of the rebuilding of the Kaaba in 605, although this does imply she was over 18 at the time of her marriage, which was unusual in Arabia.

Ali took part in the early caravan raids from Mecca and later in almost all the battles fought by the nascent Muslim community.

Ali's reign saw civil wars and in 661, he was attacked and assassinated by a Kharijite while praying in the Great Mosque of Kufa, being martyred two days later.

He was The fourth Caliph after Caliph 'Uthman ibn Affan was assassinated, the first to be Muslim despite his young age, grew up in house of the Messenger of Allah, Abu Talib was a poor man and has a lot of children, so Prophet Mohamed peace be upon him Sponsor Ali Since childhood. (Al-Muhaj al-Zahab 2 p. 2. Written by Abi al-Hasan al-Masoudi al-Hadhli, a reminder of the characteristics of the nation. 7 Ibn al-Jawzi al-Hanafi, Hanafi)

Ali compiled a complete version of the Quran, *mus'haf*, six months after the death of Muhammad.

The Honor of Imam Ali and his Qualities

Imam Ali (God honored his face), he never worshiped an idol, The prophet Peace Be Upon Him said (Virgins Al-Hour Al-Eeen miss three, Ali, Amar and Salman).

And he said:(Ali Imam of the righteous, Assassin villains, who victory him will be triumph, who let him down will be disappointed).

And said (I am a city of knowledge and Ali is its door), also in a Battle of Khyber, the messenger of Allah said :(I will give the flag to a man loves Allah and His Messenger, also Allah and his Messenger loves him).

Hussein was born on 10 October CE 625. However, Shia Hadith state that He was born AH 3. Hussein and his brother Hasan were the last descendants of Mohamed living during his lifetime and remaining after his death. There are many accounts of his love for them which refer to them together.

Is reported to have said that "Who loves me and loves these two, their father and their mother, will be with me at my place on the Day of Resurrection. And that "Hussein is of me and I am of him.

Allah loves those who love Hussain. Hussein is a grandson among grandsons. A narration declares them the "Masters of the Youth of Paradise"; this has been particularly important for the Shia who have used it in support of the right of Muhammad's descendants to succeed him.

We will get closer to recognize the honorable family of Imam Hussein may Allah be pleased with him (Master of youth of the people of Paradise), who is his father, his mother, his brother, his wives and his children?

Imam Ali bin Abi Talib:

He was born to parents ,Abu Talib and Fatimah bint Asad, Ali is the only person to be born in the sacred sanctuary of the Kaaba in Mecca, the holiest place in Islam, according to many classical Islamic sources, especially Shia ones.

Ali was the first male who accepted Islam, and according to some authors the first Muslim. After migrating to Medina, he married Muhammad's daughter Fatimah.

Problem Statement

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».

(The Holy Quran: Surat Al-Ahzab, Verse 33)

The Holy Prophet Muhammad has recommended all Muslims to love (Ahl Albeit) and keep them in mind.

We will shed light on that noble origin of Imam Hussein, may Allah be pleased with him:

He is Hussein ibn Ali ibn Abi Talib bin Abdul Muttalib bin Hashim bin Abdul Manaf bin Qusai bin Kallab bin Mourad bin Ka'b bin Luai bin Ghalib bin Fahr bin Malik bin Ndar bin Kenana bin Khuzaymah bin Mdarka bin Elias bin Mudar bin Nizar bin Maad bin Adnan.

He shares with his grandfather Mohammed at Abd al-Muttalib, this is an origin of Hussein and this is an origin of the Prophet Mohamed Peace be upon him, Where Hussein agrees with his grandfather Muhammad in this noble origin and a words of the Messenger of Allah (I'm one of a good guy from good guys) Applies to Hussein too.

The reason for charity is not a lot of money but a good creative.

«اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ».

(The Holy Quran: Surat Al- Hajj: Verse 75)

God chooses and picks messengers from angels and people.

Spiritual Journey

Author: Ali Hassnain Khan Khichi (Pakistan)¹

Receive: 25/03/2019

Accept: 12/10/2019

Abstract

We will review in this spiritual journey One of the greatest personalities in sacrifice and redemption, he is Hussein bin Ali (Abu Shuhadaa) May Allah be pleased with him, My heart rejoiced and my pen because I have received that honor to write about an honorable person Son of the Master Ali ibn Abi Talib, a pure seed with deep roots in faith. Imam Hussein derives his glory from of the Messenger of Allah Muhammad Peace be upon him. In fact, I do not find much trouble in a flow of ideas which follows one idea after the other about the wonderful example in steadfastness on the right and I am thirsty for the moment when the article will be finished to start reading it again. When I started in my writing, I did not know much about the subject, but when I read the references and resources and studied the details of Imam's life, I was surprised with many meanings that added a lot to my personality. When we talk about this great person we must mention the environment in which he grew up and the family from which he descended. They are a family of the Prophet Muhammad (Ahl Albeit), who are distinguished by good deeds, redemption and sacrifice, the reason for their preference was their commitment to the method of God and they paid precious cost to become the word of God is the highest.

Key Words: Spiritual Journey, Ideas, Sacrifice and Redemption

1. MA of Islamic Studies Department, Al-Mustafa International University, Qom, Iran, ali_h_khichi@hotmail.com

A Word from Managing Editor

Research is the artery of life in the realm of insight and science. Its dynamism leads to generation and expansion of knowledge borders and discarding this area, makes knowledge resting and lifeless; and the first achievement of this resting is ignorance. In these very days, we are witnessing the modern ignorance, which roots in absence of sound and lucid research in different areas.

Today research is considered to be a gate for expanding the borders of knowledge and plays an eminent role in human activities. Exploring Humanities and Islamic areas can enable people to understand the human issues and difficulties to offer solutions for them.

The growing development in different areas of knowledge demands discussions in more scientific areas. Explaining a huge range of Islamic Science areas in global scope is a necessity today.

“**Pure Life**” student journal, with the aim of creating a situation for presenting articles of Al-Mustafa Open University students, is trying to improve the level of student researches in Islamic Science and also grounding an area for expanding the relationships among researchers in humanities and islamic science areas.

“**Pure Life**” is published, every season, in a form of a multilingual, electronic and promotive student journal. This very volume, trying to discuss “**First International Conference of Capacity and Impact of Cyberspace in Promoting Religious Education**” (11), represents the eleven best articles in Three language: Farsi, Arabic and English.

Thanks to Al-Mustafa Journals Commission and Ministry of Culture and Islamic Guidance in Islamic Republic of Iran, “**Pure Life**” journal, as the first scientific journal in Al-Mustafa Open University is ready to publish the students’ journal.

A Word from Chief Editor

“PURE LIFE” will be a window towards man’s eternal life. Al Mustafa Virtual University considers its mission to introduce the divine teachings to ground dwelled man, so that he could be able to establish a fresh living by using the knowledge bestowed upon him by Almighty God in such a manner **that it brings** him worldly peace and eternal prosperity.

“PURE LIFE” is an opportunity for the students and graduates of the university to spread out their scientific and cognitive knowledge on the vast arena of cyberspace and also, with the use of scholarly dialect, reflect religious cognition into various aspects of human life. Hope that through efforts of knowledge seekers, this window may become more magnificent.

Guide for Article Writers

- 1- Articles must include following sections:
title, abstract and keywords, prelude or introduction of the subject, main body of the article, conclusion, references
- 2- Only those articles will be considered which had not been published before and their corresponding authors have not been obliged to publish them elsewhere.
- 3- Responsibility of scientific and legal authenticity of the articles will rest upon the corresponding author.
- 4- The right to accept or reject an article is reserved for the journal. However, the secretariat of the journal is bound to report the final situation of sent articles to their corresponding authors within one month (30 days).
- 5- Final approval for an article to be published in the journal will be made by the editorial board after the recommendation of referees.
- 6- Size of an article must be eight pages at least and 25 pages at most where each page contains 250 words.
- 7- Quotation and adaptation from articles of the journal, with reference to the source, are allowed.
- 8- Persian, English and Arabic abstracts of an article should be 300 words at most.
- 9- To type a Persian article, "B Mitra" font with the size of 14pt should be used.
 - ✓ To type an article in Arabic, "Arabic Typesetting" font with the size of 14pt and in English, "Times New Roman" font with the size of 14pt should be used.
- 10- References should be arranged alphabetically and should be listed as under:
 - ✓ In Case of Book: Surname, Name, (Year of Publication), Title of Book (with "Bold" font style), Name of Translator or Editor (if applicable), Volume, Edition, Place of Publication: Name of Publisher.
 - ✓ In Case of Article: Surname, Name, Title of Article, Translator (if applicable), Name of Publication (with "Bold" font style), Periodicity, Edition, Total Number of Article Pages: (Year of Publication).
- 11- Endorsement of references related to sources in the text should be made in form of (Name of Author, Year of Publication: Page Number) e.g., (Tabatabai, 1376: 89).
- 12- Explanation references of each page, like Latin form of alphabets, Description of terms, etc, should be given in footnote of the same page.
- 13- Author or Authors of an article must endorse their name, surname, academic level, address, cell number and their email along with their articles sent to the University's Secretariat of Research and Production on: (research@almustafaou.com).
 - ✓ As the journal is multilingual, venerable scholars can submit their articles in four languages: Persian, Arabic, English and Urdu.
- 14- After the article is published, the secretariat of journal is bound to email the electronic edition of the journal to the given email address of the author(s).

On the basis of the act approved in the Twenty second meeting of Al-Mustafa publications Council (on 10/03/2014) and 74327 E-Rasaneh's, in Ministry of Culture and Islamic Guidance, this special edition has been designated as at the level of academic- specialized journals with student pivoted approach.

This journal is in the electronic form which after being published will be uploaded to the following addresses:

(and can be downloaded completely)

<http://journals.miu.ac.ir/>

<https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/2125/pure-life>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1325/pure-life>

https://www.civilica.com/Journal-JR_PLIFE=%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AD%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%B7%DB%8C%D8%A8%D9%87.html



Academic – Specialized Journal (Multilingual)

PURE LIFE

Special Issue: First International Conference “Capacity and Impact of Cyberspace in Promoting Religious Education” (11)

Vol.6, No.20, March 2020 (Rajab 1441/ Esfand 1398)

Concessionaire: (Al-Mustafa International University)
Al-Mustafa Open University, Secretariat of Research and Production

Chief Editor: Dr. Syed Mahdi Hosseini
Managing Editor: Dr. Syed Abazar Hashemi Harikandei
Executive Manager: Hujjat al-Islam. Mohamad Javad Najaflo

Editorial Board:

Syed Mahdi Hosseini	President of Al-Mustafa Open University (Iran)
Syed Abazar Hashemi Harikandei	Vice President of Research and Production at Al-Mustafa Open University (Iran)
Mahmood Nazari	Manager of the International Affairs Department at Al-Mustafa Open University (Iran)
Mahdi Sazandegi	Professor at Al-Mustafa Open University (Iran)
Mojtaba Rahmati	Professor at Al-Mustafa Open University (Iran)
Yezen Ali	Professor at Al-Mustafa Open University (Syria)
Ghulam Jabir Muhammadi	Professor at Al-Mustafa Open University (Pakistan)
Tofiq Asadov	Head of the Quranic And Hadith Department at Al-Mustafa Open University (Azerbaijan)
Kamal Korkmaz	Head of the Islamic Studies Department at Al-Mustafa Open University (Turkey)

Publisher: Al-Mustafa Open University

Address: Qom, Southern Sahili Road, Before Musallah, Between Lanes 4-6
Post Box: 3713913554 **Telephone and Fax:** 32613875 - 32114175

Number of Pages: 280

ISSN: 2676-7619

Circulation: Electronic Printing

Web: <http://p-l.journals.miu.ac.ir/>

Email: research@mou.ir